آداب ازدواج

و

زندگی خانوادگی





مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

مشخصات کتاب

سرشناسه : امینی گلستانی، محمد، ۱۳۱۷ -
عنوان و نام پدیدآور : آداب ازدواج و زندگی خانوادگی/ محمد امینی گلستانی.
مشخصات نشر : قم: سپهر آذین، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری : ۲۷۳ ص.
شابك : ۳۵۰۰۰ ریال: 978-964-9910-63-5
یادداشت : کتابنامه: ص.[۲۶۹]-۲۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع : زناشویی (اسلام) -- آداب و رسوم
موضوع : اسلام و خانواده
رده بندی کنگره : BP۲۵۳/۲/الف۸۵آ۴ ۱۳۸۷
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۴۲
شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۱۳۸۷۵

تقديم

جوانان عزيزي كه به سن بلوغ رسيده و براساس قانون طبيعت، در صدد ازدواج و تشكيل خانواده و ريختن فونداسيون زندگي هستند اميدوارم با مطالعه دقيق اين كتاب، و با به كار بستن دستورات آن، خوشبختي و آينده سرشار از كاميابي خود را تضمين و از ندامت و پشيماني بعدي، بيمه نمايند انشاء اللّٰه آمين.

محمّد اميني گلستاني

تقدير و تشكر

روايت از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمده است آن حضرت فرمود: هركس مخلوق را تشكر نكند، خدا را هم شكر گزار نخواهد بود، بنا برين، از همسر گرامي و همسرّ و همسفر خوشي ها و ناخوشي‌هاي دوران زندگي ام حاجيه خانم «عفّت عرفاني» كمال تشكر و قدر داني را دارم كه با جسم و جان رنجور و ناتوان، وسايل رفاه و آرامش خاطر مرا فراهم نمود، تا اين اثر و ساير اثرهايم را به پايان برسانم، از خداي توانا به احترام مقدسين درگاهش، براي او و تمام مريضها، شفاي عاجل و كامل مسئلت مي نمايم.

محمد اميني گلستان

بخش 1 آداب ازدواج و راهنمائي‌هاي آن

اشاره

بسم اللَّه الرّحمن الرّحيم
الحمد اللَّه ربّ العالمين و الصّلوة و السّلام علي سيّد الأنبياء و المرسلين محمد بن عبد اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم و علي أهل بيته الطيّبين الطّاهرين سيّما ولده بقيّة اللَّه الأعظم و خليفته في أرضه و حجّته علي خلقه حجّة بن الحسن عجّل اللَّه تعالي فرجه الشّريف، روحي و أرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء، والّعنة الدّائمة الأبديّة علي أعدائهم أجمعين من الان الي لقاء يوم الدين

پيشگفتار 1

در اين زمان‌ها كه مردم دچار مشكلات گوناگون گرديده و باگرفتاري هاي روز افزون، دست و پنجه نرم مي‌كنند و غم ها و غصه‌ها، هر روز با رنگ جديد، به زندگي افراد جامعه، حمله ور شده و راه باز مي كند و با الوان مختلف، افراد بشر را دچار سر در گمي، مي نمايد در اين موقعيت سؤالي پيش مي آيد كه آيا در اين بحران‌ها چه بايد كرد و بايد چه تدبيري انديشيد؟! جواب اين است اولًا بايد در تمام مراحل زندگي به خدا پناه برد و حل مشكلات را از او درخواست نمود، و ثانياً مي‌دانيم كه قسمت اعظم اين ناملايمات از ناحيه همسران، نسبت به يكديگر و با اشتباهات تصميمات اوليه زندگي پيش مي‌آيد كه پيامدش گريز از ازدواج و سرپيچي از تشكيل خانواده و روآوردن به راههاي ناسالم مي گردد، بنابراين بر هر صاحب قلمي فرض و واجب است تا آنجا كه برايش امكان دارد، از دانسته‌ها و تجربيات خود، استفاده كرده با نوشته هاي خود، اقشار مختلف مخصوصاً قشر جوان را، راهنمائي نموده و باارائه برنامه‌هاي صحيح و متنوع سالم، آنهارا به آينده درخشان اميد وار ساخته و به زندگي سعادتمند و خوشبختي، دلگرم نمايند؛

عليهذا، اينجانب با استعانت از درگاه ايزد منان وظيفه خود دانستم به اندازه فهم و

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 12

برداشت خود، كتابي را فراهم آورم كه جوانان عزيز را در امر ازدواج و تشكيل خانواده موفق و ايده آل، راهنمائي نموده و سعادت و شيرين كامي را در تمام مراحل زندگي از خداي رؤف و مهربان برايشان، درخواست نمايم انشاءاللّه آمين.

2

در اين كتاب سعي كرده‌ام از آيات قرآن و اخبار رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم و اهلبيت عليهم السلام كه از منبع وحي و مصدر آسماني، به دست ما رسيده است، مدد گرفته و از كلمات بزرگان، استفاده نمايم تا بيشتر قرين موفقيت و رستگاري باشد.

3

چون تعدادي از روايات مذكور در فصل‌هاي مختلف كتاب، داراي مطالب مشترك با فصل ديگر و با هم ارتباط كامل داشت، و براي اينكه جامعيت خبر و بافت حديث صدمه نخورده و از بين نرود، از تقطيع آنها صرف نظر گرديد تا مفيد فايده بيشتر شود، لذا لازم است كتاب را از ابتدا تا انتها مطالعه نموده و از مجموع آنها، راه درست را انتخاب نموده و زندگي را

شروع كرد.
4
در اين كتاب سعي بر اختصار و از اطاله كلام، پرهيز شده است بدينجهت فقط نمونه هائي از اخبار مربوط به هر فصل آمده است تا حجم كتاب به صورت سبك در دست عزيزان قرار گيرد.
5
كلمات و جمله‌هاي ميان پارانتز () از مؤلف است و به عنوان توضيح بيان گرديده است.
6
اين كتاب مكمّل كتاب «والدين دوفرشته جهان آفرينش» از همين مؤلف، مي‌باشد، در صورت امكان عزيزان آن كتاب را به دست آورده و اطلاعات خود را تكميل نمايند زيرا مطالب رفتار با اولاد و اهل و عيال و حقوق آنها وحقوق پدر و مادر كه همان زوجين است، در آن كتاب مشروحاً بيان گرديده است.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 13
7
در باره روايات اين كتاب از نظر رجالي، بر رسي به عمل نيامده ولي سعي شده است از كتاب‌ها و مأخذ مورد قبول، نقل شود لذا اگر مطلبي به نظر خوانندگان محترم، سنگين و يا قابل قبول نباشد، به مصدرش رجوع و صحّت و سقم آن را، جويا باشيد.
8
اين كتاب داراي چهاربخش است اگرچه بيشتر بخش‌ها باهم ارتباط دارد.
1- آداب ازدواج و راهنمائي هاي زندگي.
2- رفتار در خانواده.
3- آداب معاشرت و مباشرت.
4- قسمتي از منهيات.
كه هريك از اين بخش‌ها داراي فصل‌هاي متعدد مي باشد

مقدمات ازدواج

ابتدائاً لازم مي دانم تعدادي از آيات مبارك مربوط به ازدواج را، از نظر خوانندگان گرامي را بگذرانم و سپس به اصل موضوع كتاب بپردازم

آيات

اشاره

پيش از ورود به اصل مطلب و تفسير وتوضيح آيات مربوطه لطفاً روايت ذيل را كه قسمتي از حديث مفصّل است، با دقت بخوانيد، تا مفهوم آيات برايتان روشن و از ماجراي خلقت انسان آگاه و مطلع شويد.
زرارة بن أعين، از أبي عبداللَّه عليه السلام- ضمن حديثيفرمود: إنّ اللَّه عزّوجلّ خلق آدم من طين ثمّ ابتدع له حواء فجعلها في موضع النقرة التي بين وركيه، و ذلك لكي تكون المرأة تبعاً للرجل، فقال آدم: يا ربّ ما هذا الخلق الحسن الذي قد آنسني قربه والنّظر إليه؟! فقال اللّه: يا آدم هذه أمتي حواء أفتحبّ أن تكون معك تؤنسك وتحدّثك، تكون تبعاً لأمرك؟
فقال: نعم يا ربّ ولك بذلك عليّ الحمد والشكر ما بقيت، فقال اللَّه عزوجل: فاخطبها إليّ، فانّها أمتي، وقد تصلح لك أيضا زوجة للشّهوة، وألقي اللَّه عليه الشهوة وقد علّمه قبل ذلك المعرفة بكلّ شئ، فقال يا ربّ فإنّي أخطبها إليك فما رضاك لذلك؟ فقال اللَّه عزّوجلّ:
رضاي أن تعلّمها معالم ديني، فقال: ذلك لك عليّ يارب إن شئت ذلك لي، فقال اللَّه عزّوجلّ: وقد شئت ذلك وقد زوّجتكها فضمّها إليك. همانا خداي عزّوجلّ آدم را از گِل آفريد سپس برايش حوّا را ابداع نمود (و به وجود آورد) و او را درميان انتهاي دو ران آدم قرار داد تا (از نظر خلقت) زن تابع مرد شود، پس آدم گفت: اي خدا اين آفريده زيبا چيست؟!! كه نزديك بودن و نگاه كردن به او مرا مأنوس (و مشغول) نمود؟! خداوند فرمود: اي آدم اين كنيز من حوا است، آيا دوست داري با تو باشد و مونس و هم صحبت توشود و پيرو امر تو باشد؟! عرض كرد: بلي اي خداي من و براي تو در ذمه من باشد سپاس گذاري و تشكر تا زنده هستم، خداي عزّوجلّ فرمود: او را از من خواستگاري نما زيرا او كنيز من است و حتماً به صلاح توست كه جفت شهوت
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 16
(و عشق) تو باشد؛
خداوند به (وجود) آدم شهوت را انداخت (و عشق را ايجاد نمود البته) قبلًا به او تمام اشياء را مورد شناخت قرار داده (وفهمانده بود)؛
(آدم) گفت: اي خدا من او را از تو خواستگاري مي نمايم رضايت (ونظر تو در اين باره) چيست؟!! خداي عزّوجلّ فرمود: رضايت من (و مهريه او) آن است كه معالم دين مرا به او ياد دهي، عرض نمود اين به گردن من اي خدا، اگر تو مي خواهي پس خداي عزّوجلّ فرمود: من اين را مي خواهم و (در مقابل اين مهريه) او (حوّا) رابه تو تزويج كردم به خودت بچسبان (و به آغوش بكش). «1»

اين ازدواج مبارك سبب ازدياد نسل بني آدم و باعث عمران و آبادي كره زمين گرديد؛
و از اين پيوند ميمون فرستادگان خدا و جانشينان آنها: قدم به عرصه وجود گذاشت و روز به روز جريانهاي بي شمار ديگر متولد شد و پيدا گرديد.
خداي متعال اين زن جوان را از وجود خود آدم عليه السلام پديد آورد بلي از دنده چپ آدم «2» از استخوان يا مغز آن آفريده شد كه آزمايش‌هاي علم روز ثابت كرده است از ميان تمامي اعضاي بدن جانداران، براي «شبيه سازي»، مغز استخوان مناسب تر و بهتر جواب مي دهد پس اين بده بستان‌ها و تحويل و تحول‌ها، حوّاي جوان و مادر بشريت را، به دنيا تحويل داد و همت او را در آرميدن كنار آدم جوان، و آرامش و سكون آدم در سپري كردن عمر پربها را در آغوش پرمهر و محبت حوّا قرار داد به گونه‌اي كه زن شوهر خود را در مواقع زياد، به همه عزيزانش ترجيح مي دهد.
حالابه لحن كلمات و تعبيرهاي پرمعناي تعدادي از آيات قرآن دقت نماييد كه نيازي به توضيح بيشتر نباشد.
1 «ومن آياته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجاً لتسكنوا إليها و جعل بينكم
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 17
مودّةً و رحمةً إنّ في ذلك لَاياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». و از نشانه‌هاي او اينكه همسراني از جنس خودتان براي شما آفريد تا در كنار آنان آرامش يابيد، و در ميانتان مودت و رحمت قرار داد در اين نشانه هايي است براي گروهي كه تفكّر مي كنند. «1»
2- «واللّه جعل لكم من أنفسكم أزواجاً و جعل لكم من أزواجكم بنين و حفدةً ..». خداوند براي شما از جنس خودتان همسراني قرار داد؛ و از همسرانتان براي شمافرزندان و نوه هائي به وجود آورد ... «2»
3- «وهو الذي خلق من الماء بشراً فَجَعَلَهُ نَسَباً و صِهْراً وكان ربّك قديراً». او كسي است كه از آب، انساني را آفريد، سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از اين دو طريق گسترش داد) و پروردگار تو همواره توانا بوده است. «3»
4- «و جَعَلَ لكم من أنفسكم أزواجاً و من الأنعام أزواجاً». و از جنس شما همسراني براي شما قرار داد و جفتهايي از چارپايان آفريد ... «4»
5- «يا أيّهاالنّاس إتّقوا ربّكم الّذي خلقكم من نفس واحدةٍ و خلق منها زوجها و بثّ منهما رجالًا كثيراً و نساءاً ..». «5»
اي مردم از (مخالفت) پروردگارتان: بپرهيزيد. همان كسي كه شما را از يك انسان آفريد؛ و همسر او را (نيز) از جنس او خلق نمود؛ و از آن دو، مردان و زنان فراواني (در روي زمين) منتشر ساخت (و پراكنده نمود) ...
6- «خلقكم من نفس واحدة ثمّ جعل منها زوجها ...» «6»

او شما را از يك نفس آفريد؛ و همسرش را از (باقيمانده گل) او به وجود آورد؛ ...
7 «و هوالّذي أنشأكم من نفس واحدة فمستقرّ و مستودع قد فصّلنا الايات لقوم يفقهون» و اوست كه شما را از يك نفس آفريد (و شما دو گروه هستيد) بعضي پايدار (از نظر ايمان يا خلقت كامل) و بعضي نا پايدار؛ ما آيات خود را براي كساني كه مي‌فهمند: تشريح مي‌كنيم». «7»
8- «هوالّذي خلقكم من نفس واحدة و جعل منها زوجها ليسكن اليها». او
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 18
خدايي است كه (همه) شما رااز يك فرد آفريد؛ و همسرش را نيز از جنس او قرار داد، تا در كنار او بياسايد. «1»
9- «وخلقناكم أزواجاً» و شما را به صورت جفتها آفريديم. «2

آيات گذشته، كيفيت آفرينش دوزوج را، بيان فرمود، اما آيه‌هاي مربوط به ازدواج و تشكيل خانواده را ذيلًا بخوانيد.
10- «فَانْكِحوا ما طاب لَكُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْني وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ» پس با زنان پاك ازدواج نمائيد دو يا سه يا چهار همسر. «3»
11- «وَ أنكِحُوا الأيامي مِنكمْ وَ الصَّالِحينَ مِنْ عِبادِكمْ وَ إِمائِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَراءَ يُغْنهمُ اللَّهُ مِن فَضلِهِ وَ اللَّهُ وسِعٌ عَلِيمٌ (32) وَ لْيَستَعْفِفِ الَّذِينَ لا يجِدُونَ نِكاحاً حَتَّي يُغْنِيهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ».
مردان و زنان بي همسر را همسر دهيد و همچنين غلامان و كنيزان صالح و درستكارتان را، اگر فقير و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بي نياز مي‌سازد، خداوند گشايش دهنده و (به حالات بندگان) آگاه است.
و آنها كه وسيله ازدواج ندارند بايد عفت (و پاك دامني را) پيشه كنند تا خداوند آنانرا با فضل خود، بي نياز سازد. «4»
ترغيب به ازدواج آسان
از آغاز سوره مباركه «نور» تا به اين آيه، راههاي حساب شده مختلفي براي پيش گيري از آلودگي هاي جنسي مطرح شده است، كه هر يك از آنها تأثير به سزائي در پيش گيري يا مبارزه با اين آلودگي ها دارد.
در آيات مورد بحث نيز به يكي ديگر از مهمترين طُرُق مبارزه با فحشاء كه ازدواج ساده و آسان، و بي ريا و بي تكلف است، اشاره شده، زيرا اين نكته مسلم است كه براي بر چيدن بساط گناه، بايد از طريق اشباع صحيح و مشروع غرائز وارد شد، و به
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 19
تعبير ديگر هيچگونه مبارزه منفي بدون مبارزه مثبت مؤثر نخواهد افتاد.
لذا در نخستين آيه مورد بحث مي‌فرمايد: مردان و زنان بي همسر را همسر دهيد، و همچنين غلامان و كنيزان صالح و درستكارتان را «و انكحوا الايامي منكم و الصّالحين من عبادكم و امائِكُمْ».
ايامي جمع ايِّمْ (بر وزن قيّم) در اصل به معني زني است كه شوهر ندارد، سپس به مردي كه همسر ندارد نيز گفته شده است، و به اين ترتيب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم اين آيه داخلند خواه بكر باشند يا بيوه.
تعبير «انكحوا» (آنها را همسر دهيد) با اينكه ازدواج يك امر اختياري و بسته به ميل طرفين است، مفهومش اين است كه مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازيد، از طريق كمكهاي مالي در صورت نياز، پيدا كردن همسر مناسب، تشويق به مسأله ازدواج، و بالأخره پا در مياني براي حل مشكلاتي كه معمولًا در اين موارد بدون وساطت ديگران انجام پذير نيست؛

خلاصه مفهوم آيه به قدري وسيع است كه هر گونه قدمي و دِرَمي و سخني در اين راه را شامل مي‌شود.
بدون شك اصل تعاون اسلامي ايجاب مي‌كند كه مسلمانان در همه زمينه‌ها به يكديگر كمك كنند ولي تصريح به اين امر در مورد ازدواج دليل بر اهميت ويژه آن است.
اهميت اين مساله تا به آن پايه است كه در حديثي از امير مؤمنان علي (عليه‌السلام) مي‌خوانيم: أفضل الشّفاعات أن تشفع بين اثْنَيْنِ في نكاح حتّي يجمع اللَّه بينهما:
بهترين شفاعت آن است كه ميان دو نفر براي امر ازدواج ميانجي گري كني، تا اين امر به سامان برسد!.
در حديث ديگري از امام كاظم موسي بن جعفر (عليه‌السلام) مي‌خوانيم: ثلاثة يستظلّون بظلّ عرش اللَّه يوم القيامة، يوم لا ظلّ الا ظلّه رَجُلٌ زوّج أخاه المسلم او أخدمه، او كتم له سرّاً سه طايفه‌اند كه در روز قيامت در سايه عرش خدا قرار دارند، روزي كه سايه‌اي جز سايه او نيست: كسي كه وسائل تزويج برادر مسلمانش را فراهم سازد، و كسي كه به هنگام نياز به خدمت، خدمت كننده‌اي براي او فراهم كند و كسي كه اسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد! و بالأخره در حديثي از پيامبر (صلي‌اللَّه عليه

وآله و سلّم) مي‌خوانيم: هر گامي انسان در اين راه بر دارد و هر كلمه‌اي بگويد، ثواب يكسال عبادت در نامه عمل او مي‌نويسند (كان له بكلّ خطوة خطاها، او بكلّ كلمة تكلّم بها في ذلك، عمل سنة قيام ليلها و صيام نهارها).
«1» و از آنجا كه يك عذر تقريبا عمومي و بهانه همگاني براي فرار از زير بار ازدواج و تشكيل خانواده مسأله فقر و نداشتن امكانات مالي است قرآن به پاسخ آن پرداخته مي‌فرمايد: از فقر و تنگدستي آنها نگران نباشيد و در ازدواجشان بكوشيد چرا كه اگر فقير و تنگدست باشند خداوند آنها را از فضل خود بي نياز مي‌سازد «ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله».
و خداوند قادر بر چنين كاري هست، چرا كه خداوند واسع و عليم است «انّ الله واسع عليم».
قدرتش آنچنان وسيع است كه پهنه عالم هستي را فرا مي‌گيرد، و علم او چنان گسترده است كه از نيّات همه كس مخصوصا آنها كه به نيّت حفظ عفت و پاكدامني اقدام به ازدواج مي‌كنند آگاه است، و همه را مشمول فضل و كرم خود قرار خواهد داد.
در اين زمينه تحليل‌هاي روشني داريم، و همچنين روايات متعددي كه در آخراين بحث و در لابلاي اين كتاب خواهد آمد.
ولي از آنجا كه گاه با تمام تلاش و كوشش كه خود انسان و ديگران مي‌كنند، وسيله ازدواج فراهم نمي‌گردد و خواه و ناخواه انسان مجبور

است مدتي را با محروميت بگذراند، مبادا كساني كه در اين مرحله زندگي قرار دارند، گمان كنند كه آلودگي جنسي براي آنها مجاز است، و ضرورت چنين ايجاب مي‌كند، لذا بلا فاصله در آيه بعد دستور پارسائي را هر چند مشكل باشد به آنها داده مي‌گويد: و آنها كه وسيله ازدواج ندارند بايد عفت و پاكدامني پيشه كنند، تا خداوند آنان را به فضلش بي نياز سازد «و ليستعفف الّذين لا يجدون نكاحاً حتي يغنيهم اللّه من فضله».
نكند در اين مرحله بحراني و در اين دوران آزمايش الهي تن به آلودگي در دهند و خود را معذور بشمرند كه هيچ عذري پذيرفته نيست، بلكه بايد قدرت ايمان و

شخصيت و تقوا را در چنين مرحله‌اي آزمود.
نكته‌ها:
1- ازدواج يك سنت الهي است
گر چه امروز مسأله ازدواج آنقدر در ميان آداب و رسوم غلط و حتي خرافات پيچيده شده كه به صورت يك جاده صعب العبور يا غير قابل عبور براي جوانان در آمده است، ولي قطع نظر از اين پيرايه‌ها، ازدواج يك حكم فطري و هماهنگ قانون آفرينش است كه انسان براي بقاء نسل و آرامش جسم و روح و حل مشكلات زندگي احتياج به ازدواج سالم دارد.
اسلام كه هماهنگ با آفرينش گام بر ميدارد نيز در اين زمينه تعبيرات جالب و مؤثري دارد، از جمله حديث معروف پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم است: «تناكحوا، و تناسلوا تكثروا فانّي أباهي بكم الأمم يوم القيامه و لو بالسّقط:» ازدواج كنيد تا نسل شما فزوني گيرد كه من با فزوني جمعيت شما حتي با فرزندان سقط شده در قيامت به ديگر امتها مباهات مي‌كنم!
و در حديث ديگر از آن حضرت مي‌خوانيم «من تزوّج فقد أحرز نصف دينه فليتّق اللّه في النّصف الباقي» كسي كه همسر اختيار كند نيمي از دين خود را محفوظ داشته، و بايد مراقب نيم ديگر باشد.
چرا كه غريزه جنسي نيرومندترين و سركش ترين غرائز انسان است كه به تنهائي با ديگر غرائز برابري مي‌كند، و انحراف آن نيمي از دين و ايمان انسان را به خاطر خواهد انداخت.
باز در حديث ديگري از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم مي‌خوانيم «شراركم عزّابكم» بدترين شما مجردان شمايند.
به همين دليل در آيات مورد بحث و همچنين روايات متعددي مسلمانان تشويق به همكاري در امر ازدواج مجردان و هر گونه كمك ممكن به اين امر شده‌اند مخصوصا اسلام در مورد فرزندان مسئوليت سنگيني بر دوش پدران افكنده، و پدراني را كه در اين مسئله حياتي بي تفاوت هستند شريك جرم انحراف فرزندانشان شمرده است چنانكه در حديثي از پيامبر

صلي الله عليه و آله و سلم مي‌خوانيم «من ادرك له ولد و عنده ما يزوّجه فلم
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 22
يزوّجه، فأحدث فالإثم بينهما!» كسي كه فرزندش به حد رشد رسد و امكانات تزويج او را داشته باشد و اقدام نكند، و در نتيجه فرزند مرتكب گناهي شود، اين گناه بر هر دو نوشته مي‌شود! و باز به همين دليل دستور مؤكد داده شده است كه هزينه‌هاي ازدواج را اعم از مهر و ساير قسمتها سبك و آسان بگيرند، تا مانعي بر سر راه ازدواج مجردان پيدا نشود، از جمله در مورد مهريه سنگين كه غالبا سنگ راه ازدواج افراد كم در آمد است.
در حديثي از پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله و سلم مي‌خوانيم «شوم المرئه غلاء مهرها» زن بد قدم زني است كه مهرش سنگين باشد.
و باز در حديث ديگري كه در ذيل حديث فوق وارد شده مي‌خوانيم «من شومها شدة مؤنتها» يكي از نشانه‌هاي شوم بودن زن آن است كه هزينه زندگي (يا هزينه ازدواجش) سنگين باشد.
و از آنجا كه بسياري از مردان و زنان براي فرار از زير بار اين مسؤليت الهي و انساني متعذر به عذرهائي از جمله نداشتن امكانات مالي مي‌شوند در آيات فوق صريحا گفته شده است كه فقر نمي‌تواند مانع راه ازدواج گردد، بلكه چه بسا ازدواج سبب غنا و بي نيازي مي‌شود.
دليل آن هم با دقت روشن مي‌شود، زيرا انسان تا مجرد است احساس مسؤليت نمي‌كند نه ابتكار و نيرو و استعداد خود را به اندازه كافي براي كسب در آمد مشروع بسيج مي‌كند، و نه به هنگامي كه در آمدي پيدا كرد در حفظ و بارور ساختن آن مي‌كوشد و به همين دليل مجردان غالباً خانه به دوش و تهي دستند! اما بعد از ازدواج شخصيت انسان تبديل به يك شخصيت اجتماعي مي‌شود و خود را شديدا مسئول حفظ همسر و آبروي خانواده و تأمين وسائل زندگي فرزندان آينده مي‌بيند، به همين دليل تمام هوش و ابتكار و استعداد خود را به كار مي‌گيرد و در حفظ در آمدهاي خود و صرفه‌جوئي، تلاش مي‌كند و در مدت كوتاهي مي‌تواند بر فقر چيره شود.
بي جهت نيست كه در حديثي از امام صادق عليه السلام مي‌خوانيم «الرّزق مع النساء و العيال روزي همراه همسر و فرزند است».
و در حديث ديگري از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم مي‌خوانيم: مردي خدمت حضرتش رسيد و از
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 23
تهي دستي و نيازمندي شكايت كرد پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: «تزوّج، فتزوّج فوسع له» ازدواج كن، او هم ازدواج كرد و گشايش در كار او پيدا شد!.

بدون شك امدادهاي الهي و نيروهاي مرموز معنوي نيز به كمك چنين افراد مي‌آيد كه براي انجام وظيفه انساني و حفظ پاكي خود اقدام به ازدواج مي‌كنند.
هر فرد با ايمان مي‌تواند به اين وعده الهي دلگرم و مؤمن باشد، در حديثي از پيامبر گرامي اسلام صلي الله عليه و آله و سلم نقل شده «من ترك التزويج مخافة العيلة فقد ساء ظنّه بالله انّ اللَّه عز و جل يقول «ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله».
كسي كه ازدواج را از ترس فقر ترك كند گمان بد به خدا برده است، زيرا خداوند متعال مي‌فرمايد: اگر آنها فقير باشند خداوند آنها را از فضل خود بي نياز مي‌سازد.
البته روايات در منابع اسلامي در اين زمينه فراوان است كه در فصل‌هاي مختلف اين كتاب اجمالاً خواهدآمد.
2- منظور از جمله «و الصّالحين من عبادكم و امائكم» چيست؟
قابل توجه اينكه در آيات مورد بحث به هنگامي كه سخن از ازدواج مردان و زنان بي همسر به ميان مي‌آيد به طور كلي دستور مي‌دهد براي ازدواج آنان اقدام كنيد، اما هنگامي كه نوبت بردگان مي‌رسد آن را مقيد به صالح بودن مي‌كند.
جمعي از مفسران (مانند نويسنده عاليقدر تفسير الميزان و همچنين تفسير صافي) آنرا به معني صلاحيت براي ازدواج تفسير كرده‌اند، در حالي كه اگر چنين باشد اين قيد در زنان و مردان آزاد نيز لازم است.
بعضي ديگر گفته‌اند كه منظور صالح بودن از نظر اخلاق و اعتقاد است چرا كه صالحان از اهميت ويژه‌اي در اين امر برخوردارند، ولي باز جاي اين سئوال باقي است كه چرا در غير بردگان اين قيد نيامده است؟ احتمال مي‌دهيم منظور چيز ديگري باشد و آن اينكه در شرائط زندگي آن روز بسياري از بردگان در سطح پائيني از فرهنگ و اخلاق قرار داشتند بطوري كه هيچگونه مسئوليتي در زندگي مشترك احساس نمي‌كردند، اگر با اين حال اقدام به تزويج آنها مي‌شد همسر خود را به آساني رها نموده و او را بدبخت مي‌كردند، لذا دستور داده شده است در مورد آنها كه صلاحيت اخلاقي دارند اقدام به ازدواج كنيد، و مفهومش اين است كه در مورد بقيه نخست كوشش براي صلاحيت اخلاقيشان شود تا آماده زندگي زناشوئي شوند
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 24
سپس اقدام به ازدواجشان گردد.
سؤال: حكم مقاربت در ايام عادت ماهانه چيست؟! «و يسئلونك عن المحيض» جواب:
«قل هو أذيً، فاعتزلوالنساءِ في المحِيض و لا يِقربوهنّ حتّيِ يطهرن فاذا

تطهّرن فآتوهنّ من حيث أمركم اللّه، انّ اللّه يحبّ التّوآبين و يحبّ المتطهّرين». «1»
و ازتو درباره حيض سؤال مي‌كنند، بگو: چيز زيانبار و آلوده ايست از اين رو در قاعدگي از زنان كناره‌گيري كنيد؛ و با آنها نزديكي ننمائيد تا پاك شوند، و هنگامي كه پاك شدند از طريقي كه خدا به شما فرمان داده است، با آنها آميزش نماييد كه خداوند توبه كنندگان را دوست دارد، و پاكان را (نيز) دوست مي‌دارد».
يعني فقط در حال پاكي زنان: آميزش جنسي داشته باشيد نه در حالت ناپاكي و غيره ممكن است از آيه مباركه، مفهوم وسيع‌تر و كلي‌تري استفاده كرد: يعني بعد از پاك شدن نيز: آميزش بايد در چهار چوب فرمان خدا باشد: اين فرمان مي‌تواند فرمان تكويني پروردگار يا فرمان تشريعي او باشد زيرا خداوند براي بقاي نوع انسان:
جاذبه مخصوصي در ميان دو جنس مخالف: نسبت به يكديگر قرار داده و به همين دليل آميزش جنسي لذت خاصي براي هر دو طرف دارد ولي مسلّم است، كه هدف نهايي بقاء نسل بوده: و اين جاذبه و لذت، مقدمه آن است بنابر اين لذت جنسي بايد: تنها در مسير بقاي نسل قرار گيرد: و به همين جهت استمناء و لواط و مانند آن:
نوعي انحراف از اين فرمان تكويني و ممنوع است.
و نيز ممكن است مراد امر تشريعي باشد: يعني بعد از پاك شدن زنان از عادت ماهانه: بايد جهات حلال و حرام را در حكم شرع در نظر بگيريد.
بعضي نيز گفته‌اند: مفهوم اين جمله ممنوع بودن آميزش جنسي با همسران از غير طريق معمولي مي‌باشد: ولي با توجه به اينكه در آيات قبل از آن سخني از اين مطلب در ميان نبوده: اين تفسير مناسب به نظر نمي‌رسد.
«نسائكم حرث لكم فأتوا حرثكم أنّي شئتم و قدّموا لأنفسكم و اتّقوا اللّه و اعلموا انّكم ملاقوه و بشّر المؤمنين». «2» آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 25
در اين آيه: اشاره زيبائي به هدف نهايي آميزش جنسي كرده مي‌فرمايد: همسران شما محل بذرافشاني شما هستند «نساؤكم حرث لكم». بنابر اين هر زمان بخواهيد مي‌توانيد با آنها آميزش نمائيد «فأتوا حرثكم أنَّي شئتم».
در اينجا زنان تشبيه به مزرعه شده‌اند: و اين تشبيه ممكن است براي بعضي سنگين آيد كه چرا اسلام درباره نيمي از نوع بشر چنين تعبيري كرده است در حالي كه نكته باريكي در اين تشبيه نهفته شده: در حقيقت قرآن مي‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انساني نشان دهد كه زن تنها وسيله اطفاء شهوت و هوسراني مردان نيست: بلكه وسيله‌اي است براي

حفظ حيات نوع بشر: اين سخن در برابر آنها كه نسبت به جنس زن همچون يك بازيچه يا وسيله هوسبازي و كالا مي‌نگرند:
هشداري محسوب مي‌شود.
حرث مصدر است و به معني بذرافشاني است و گاهي به خود مزرعه نيز اطلاق مي‌شود.
أنّي از اسماء شرط است و غالباً به معني مَتي كه به معني زمان است استعمال مي‌شود: و در اين صورت آن را أنّي زمانيّه مي‌گويند و گاهي نيز به معني مكان است مانند آنچه در آيه 37 سوره آل عمران آمده: «قال يا مريم أنّي لك هذا قالت هو من عند اللّه» زكريا گفت اي مريم! اين غذا (ي بهشتي) را از كجا آورده‌اي؟: گفت از نزد خدا.
اگر أنّي در آيه فوق زمانيّه باشد: توسعه زماني مسأله آميزش جنسي را بيان مي‌كند، يعني در هر ساعتي از شب و روز مجاز هستيد و اگر مكانيّه باشد، توسعه در مكان و چگونگي انواع آميزش است.
اين احتمال نيز وجود دارد كه اشاره به هر دو جنبه باشد و به اين ترتيب، دو همسر مي‌توانند هر گونه و در هر زمان و مكان: از لذت جنسي بهره گيرند: (جز آنچه در قانون شرع ممنوع شده است).
سپس در ادامه آيه مي‌افزايد: با اعمال صالح و پرورش فرزندان صالح: آثار نيكي براي خود از پيش بفرستيد «و قدّموا لأنفسكم».
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 26
اشاره به اينكه هدف نهايي از آميزش جنسي: تنهالذت و كامجوئي نيست بلكه بايد از اين موضوع: براي ايجاد و پرورش فرزندان شايسته: استفاده كرد: و آن را به عنوان يك ذخيره معنوي براي فرداي قيامت از پيش بفرستيد: اين سخن هشدار مي‌دهد كه بايد در انتخاب همسر: اصولي را رعايت كنيد كه به اين نتيجه مهم: يعني تربيت فرزندان صالح و نسل شايسته انساني منتهي شود.
در حديثي نيز از پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم مي‌خوانيم كه فرمود: اذا مات الإنسان انقطع أمله الّا عن ثلاث: صدقة جارية و علم ينتفع به و ولد صالح يدعوا له، هنگامي كه انسان مي‌ميرد اميد او جز از سه چيز قطع مي‌شود: صدقات جاريه (اموالي كه از منافع آن مرتبا بهره گيري مي‌شود) و علمي كه از آن سود مي‌برند و فرزند صالحي كه براي او دعا مي‌كند. «1»
در حديث ديگري از امام صادق عليه السلام مي‌خوانيم كه فرمود: ليس يتبع الرجل بعد موته من الأجر الّا ثلاث خصال: صدقة اجراها في حياته فهي تجري بعد موته، و سنّة هدي سنّها فهي تعمل بها بعد موته، و ولد صالح يستغفر له، هيچ گونه اجر و پاداشي بعد از مرگ به دنبال انسان نمي‌آيد مگر سه چيز: صدقه جاريه‌اي كه در حيات خود فراهم ساخته و بعد از

مرگش ادامه دارد (مانند بناهاي خير) و سنت هدايت‌گري كه آن را بر قرار كرده و بعد از مرگ او به آن عمل مي‌كنند: و فرزند صالحي كه براي او استغفار كند.
همين مضمون در روايات متعدد ديگري نيز وارد شده است: و در بعضي از روايات شش موضوع ذكر شده كه اولين آنها فرزند صالح است.
به اين ترتيب فرزندان صالح در كنار آثار علمي و تأليف كتابهاي هدايت كننده و تأسيس بناهاي خير همچون مسجد و بيمارستان و كتابخانه قرار گرفته‌اند.
و در پايان آيه: دستور به تقوا مي‌دهد و مي‌فرمايد: تقواي الهي پيشه كنيد و بدانيد او را ملاقات خواهيد كرد: و به مؤمنان بشارت دهيد بشارت رحمت الهي و سعادت و نجات در سايه تقوا «و اتقوا اللّه و اعلموا انّكم ملاقوه و بشّر المؤمنين».
از آنجا كه مسأله آميزش جنسي: مسأله اي است مهم: و با پرجاذبه‌ترين غرايز انسان سر و كار دارد: خداوند در اين جمله‌هاي آخر: مؤمنان را به دقت در اين امر: و پرهيز
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 27
از هر گونه گناه و انحراف: دعوت فرموده و به آنها هشدار مي‌دهد كه بدانيد همگي به ملاقات پروردگار خواهيد شتافت و تنها راه نجات ايمان و تقواي در سايه ايمان است.
نكته: دستور عادلانه اسلام در مورد عادت ماهيانه زنان
1- اقوام پيشين در مورد زنان در عادت ماهيانه عقائد مختلفي داشتند: يهود فوق العاده سخت گيري مي‌كردند و در اين ايام به كلي از زنان در همه چيز جدا مي‌شدند در خوردن و آشاميدن و مجلس و بستر: و در تورات كنوني احكام شديدي در اين باره ديده مي‌شود.
و به عكس آنها مسيحيان هيچ گونه محدوديت و ممنوعيتي براي خود: در برخورد با زنان: در اين ايام قائل نبودند: و اما بت پرستان عرب: دستور و سنت خاصي نزد آنها در اين زمينه يافت نمي‌شد: ولي ساكنان مدينه و اطراف آن: بعضي از آداب يهود را در اين زمينه اقتباس كرده بودند: و در معاشرت با زنان در حال حيض:
سخت‌گيري هايي داشتند: در حالي كه ساير عرب چنين نبودند و حتي شايد آميزش جنسي را در اين حال جالب مي‌دانستند و معتقد بودند اگر فرزندي نصيب آنها شود بسيار خون‌ريز خواهد بود: و اين از صفات بارز و مطلوب: نزد اعراب باديه‌نشين خون‌ريز بود.
2- ذكر طهارت و توبه در كنار يكديگر در آيات فوق ممكن است اشاره به اين باشد كه طهارت: مربوط به پاكيزگي ظاهر: و توبه اشاره به پاكيزگي باطن است.

این احتمال نیز وجود دارد که طهارت در اینجا به معني آلوده نشدن به گناه بوده باشد یعني خداوند: هم کساني را که آلوده به گناه نشده‌اند دوست دارد و هم کساني که بعد از آلودگي توبه کنند: و در زمره پاکان در آیند.
ضمنا اشاره به مسأله توبه در اینجا ممکن است ناظر به این باشد که بعضي بر اثر فشار غریزه جنسي نمي‌توانستند خویشتن داري کنند و بر خلاف امر خدا به گناه آلوده مي‌شدند: سپس از عمل خود نادم شده و ناراحت مي‌گشتند: براي اینکه راه بازگشت را به روي خود بسته نبینند و از رحمت حق مأیوس نشوند: طریق توبه را به

آنها نشان مي‌دهد. «1»
البته در قرآن کریم آیات مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده و زندگي خانوادگي و همچنین پدر و مادر که اساس و بنیان خانه و خانواده هستند، زیاد است که ما به چند آیه فوق اکتفانمودیم
طالبین اطلاعات بیشتر، به قرآن مجید و تفاسیر آن مراجعه نمایند

اخبار

اشاره

به همه افراد بشر، واضح و روشن است كه خداوند عالم براي استمرار بخشيدن به بقاي نسل انسان و حيوان، غرايز جنسي را در وجود آنهابه وديعت گذاشته و يك امر حياتي و كليدي قرار داده است كه به سادگي نمي‌توان بحث در باره آن را ناديده گرفت، زيرا حفظ بافت و نظم جامعه به آن بستگي دارد و بدون آن، تداوم زندگي امكان پذير نيست!؛
اگر نبود اين غريزه بنيادين و پيامدهاي آن از قبيل تشكيل خانواده و به دنيا آوردن اولاد وو ..، كدام پدر به آن همه مشكلات تأمين معيشت و تهيه وسايل زندگي تن در ميداد و كدام مادر آن همه زحمات طاقت فرسا را بجان مي‌خريد و تحمل مي‌كرد!؛
خداي حكيم علي الإطلاق در اين نيروي قوي و طغيانگر، حكمتي بخرج داده است كه به روشني در مي‌يابيم و بالعيان مي‌بينيم، قوي‌ترين حيوان در هنگام غليان اين غريزه، در برابر جنس لطيف خود به نوعي اظهار عجز و لابه وناتواني و نرمش و از خود گذشتگي، نشان مي‌دهد كه آدمي را به تعجب وامي دارد مگر اين حيوان درنده غرش كنان چند دقيقه پيش نيست كه اين گونه در مقابل جنس مخالف و ضعيف و ناتوان خود، از پنبه نرمتر و از حرير لرزنده‌تر و شكسته‌تر شده است!؛
در عالم انسان نيز قضيه بدين منوال بلكه به مراتب بالاتر و شگفت‌انگيزتر است! سفّاك‌ترين و خونريزترين و مغرورترين آدمي هنگام تحريكات جنسي در برابر خواسته‌هاي آن، تسليم گشته و براي فرو نشاندن و اطفاي آن از هيچ رفتار متنوع (خواهش، تمنّا، قهر، آشتي و در نهايت، اظهار عشق و سوز دل ودهها مسايل ديگر در برابر جنس مخالف خود) فروگذار نمي‌شود!.
پس اين غريزه يك ضرورت حياتي براي انسان و حيوان است كه هنگام نياز، اگر خواسته‌هاي آن (مشروع يا نا مشروع) بر آورده نشود يقيناً پيامدهاي خطرناك و ناگواري (از قبيل از دست دادن تعادل روحي و جسمي و افسردگي و سرشكستگي و سرگرداني وو ... در نهايت ديوانگي)، خواهد داشت.
شكي نيست براي رهائي از صدمات روحي و جسمي آن و همچنين به خاطر پايدار

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 30

و پابرجا ساختن بقاي نسل، بايد آن را تغذيه كرد و ارضاء نمود! اما آنچه كه مسلّم است اگر مهار آن رها شود و آزاد گردد، نه از «تاك» نشان خواهد ماند و نه از تاك نشان، حاصلي جز نابودي جوامع بشري و گرفتار آمدن به

بي بند و باري و نابودي شرافت هاي انساني و متلاشي شدن خانواده‌ها و فرو رفتن در منجلاب تباهي و اين دست و آن دست گشتن در دوران جواني و ويلان و سرگردان ماندن در زمان پيري و ناتواني، وو ... نخواهد داشت؛
با توجه به گفتار فوق، بشر به همان اندازه كه براي ارضاء آن غريزه بايد جوابگو باشد، به همان اندازه در تحت كنترل در آوردن و هدايت كردن آن به راه صحيح و درست، مسؤليت دارد و بايد براي حراست از خاندانها و خانواده‌ها و حفظ انسجامهاي فاميلي و پدر و پسري و مادر دختري و ايلي و تباري و صدها فروعات آن از قبيل شناخته شدن و ارث بردن و مردن و دفن شدن وو ... قدم مثبت برداشته و كوشا باشد تا از عمر پربهاي خود، بهره‌مند گردد.
بدينجهت شرايع آسماني براي ريز ريز و نكته به نكته كيفيت استفاده و بهره برداري از مسير درست آن، راهنمائي‌ها و تشويق ها كرده و در مقابل، مجازات‌هاي سنگين و قوانين جزائي خشونت بار، وضع نموده است، تا از افتادن در سنگلاخ هوا و هوس و فرو رفتن در باتلاق بي بند وباري جلوگيري نمايد.
و همچنين براي آرام شدن و آرامش يافتن در برابر اين نيرو، به ريزه كاري هائي پرداخته است كه واقعاً مايه شگفتي و شايسته تفكر و تأمل مي‌باشد، مانند روزها و ساعات و كيفيت كامجوئي زن و مرد و آماده ساختن طرف مقابل براي همسوئي و تشويق به ازدياد آن، تا از حلال خود اشباع شده و در فكر ديگران نباشد و صدهامسائل ديگر.
حتي در بعضي روايت از امام صادق عليه السلام وارد شده است كه هنگام كام جوئي از زن «لاتنزو نزو الحمار» (بي مقدمه) مانند چارپايان نزديكي نكنيد!، زيرا اگر زن (در آن حال با سرخوردگي و بدون به دست آوردن آرامش)، جدا شود با غلام سياهي هم روبرو گردد، خود را تسليم و آرام خواهد نمود!! (اما اگر پس از آمادگي طرفين براي فارغ شدن، مسئله پايان يابد، با رضايت و خوشحالي از همديگر جدا خواهند شد).
در كتابهاي فقهي اين مطالب و مسايل زناشوئي، فراوان آمده است كه طالبين به آن
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 31
كتابها از قبيل وسايل الشّيعة: جواهرالكلام: بحار الأنوار: اصول كافي: تهذيب و استبصار و صدها كتاب ديگر در باب النكاح، مراجعه نمايند.
و نيز در باره روزهاي ممنوع المقاربه (حيض، نفاس، احرام، روزهاي ماه مبارك رمضان، ايلاء و بالأخرة ظهار) و مسائل بسيار ديگر، مورد بحث قرارگرفته است كه به اطلاعات و بر رسي زياد نياز دارد و ما نيز در اين كتاب به بخش كوچكي از آن متعرّض خواهيم شد

1- توبيخ تجرّد

خداي متعال با حكمت متعاليه خود، سنگ بناي زيبائي جهان و نظام احسن و اكمل را در وجود نر و ماده؛ بنا نهاده، و ادامه حيات و زيربناي زندگي را در وجود آفريده‌هاي مُوَلّد و توليد كننده استوار ساخته و برقرار نموده است.
هيچ موجود رشد كننده و ذيحيات پيدا نمي‌شود مگر اينكه از زوج و جفت يا به عبارت ديگر از پدر و مادر به وجود آمده اند؛ چنان كه در قرآن كريم نيز به اين معنا تصريح نموده و مي فرمايد: «منزّه است كسي كه تمام زوج‌ها را آفريد، از آنچه كه زمين مي روياند، و از خودشان و از آنچه نمي‌دانند». «1»
با جمله «و ممّا لايعلمون» مي فهماند كه زوجها و جفتهاي زيادي هست كه هنوز دانش بشري به حيطه كشف فورمول وجودي آنها، راه پيدا نكرده و از وجود آنها اطلاع ندارد و از كشف آنها عاجزمانده است پس هرموجود زنده‌اي از نباتات و سبزيجات و حيوانات گرفته تا انسان صاحب عقل و خرد، بايد از جفت و يا نر و ماده به وجود آيد درست است موجودات تك ياخته‌اي و تك سلولي نيز يافت مي شود اما كم و ناچيز!.
براي روشن شدن مطلب فوق به فصل آيات كه قبلًا از نظر مباركتان گذشت مراجعه نماييد.
از محتواي گفتار پيشين نيز متوجه شديم كه انسان براي اطفاي آتش غريزه جنسي خود، نياز شديد به همسر و تشكيل خانواده دارد!.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 32
فرد مجرد يعني مرغ بي آشيانه!، از حكمت‌هاي محيّر العقول خداوند آفرينش نر و ماده و ايجاد محبت و عشق در ميان آنها و تشكيل خانواده است؛
تا قانون ازدواج و تشكيل خانواده، در باره كسي و يا جامعه‌اي اجرا نشود؛ نر و ماده و دختر و پسر مرد وزن؛ همه ويلان و سرگردان و در جايي بند نمي‌شوند؛ نه آرامش روحي دارند و نه آرامش و سكون جسمي؛
خداوند در جاهاي متعدد قرآن مجيدش به اهميت اين مطلب اشاره فرموده است كه همسران شما مايه آرامش شماهستند نه تنها زيستن و ويلان بودن!. «1»
البته بايد در انتخاب همسر و با چه كسي مي‌خواهد پيوند زناشوئي ببندد و مال و اولاد خويش را در آينده به دست كهِ بسپارد وو .. دقت كامل نمايد كه ندامت و پشيماني در پي نداشته باشد.
1- محمد الأصم: از أبي عبد اللَّه عليه السلام روايت كرده است: رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:

رذّال موتاكم العزّاب. پست ترين مردگان شما عزبها (مجرّدها) هستند. «2»
2- محمد بن علي بن حسين گفت: روي أن رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم قال: أكثر أهل النّار العزّاب. روايت شده است رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: بيشتر اهل آتش مجرّدها هستند. «3»
3 شرار موتاكم العزّاب. بدترين مردگانتان مجردها هستند. «4»
4- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به مردي كه نامش عكاف است فرمود: ألك زوجة؟ قال: لا يا رسول اللَّه قال: ألك جارية؟ قال: لا يا رسول اللَّه قال: أفأنت موسر؟ قال: نعم قال: تزوّج وإلّا فأنت من المذنبين.
آيا زن داري؟؛
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 33
گفت: نه اي رسول خدا؛
كنيز (برده) داري؟؛
نه اي رسول خدا؛
آيا ثروت (و امكان ازدواج) داري؟؛
بلي اي رسول خدا؛
(برو) ازدواج كن وگرنه تو از گناهكاراني «1»
5- در روايت ديگر فرمود: تزوّج وإلّا فأنت من رهبان النصاري. ازدواج كن و گرنه تو از راهبان نصارا هستي. «2»
6- در روايت ديگر فرمود: تزوّج وإلّا فأنت من إخوان الشياطين وگرنه از برادران شيطان‌ها هستي. «3»
7- و فرمود: شراركم عزّابكم والعزّاب إخوان الشياطين شرورترين شما مجردهايتانند و مجردها برادران شيطانند. «4»
و فرمود: خيار امّتي المتأهّلون و شرار امّتي العزّاب بهتربن امت من متأهل‌ها و بدترين امتم مجردهاهستند. «5»
ابن فضال، از امام صادق، از پدرش از پدران بزرگوارش عليهم السلام از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:
شرار امتي عزّابها. بدترين امت من عزب‌هاي آنهاست. «6

2- نكوهش فرار از تزويج

در مقدرات الهي براي هر جنبنده‌اي و جانداري: رزقي: تعيين گرديده است و از آسايشگاهها و محل زندگي آنها، اطلاع كامل دارد و هيچ موجودي از نظر قدرت او
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 34
پنهان نيست، «1» پس رزق هركسي در هرجا باشد به او مي‌رسد و سوخت و سوزي ندارد؛
با توجه به مطلب فوق آنان كه از ترس نداري، تن به ازدواج نمي‌دهند: يا توكلشان به خدا كم و يا اساساً باور ندارند كه خدا روزي رسان است و يا به مفهوم زندگي و فراز و نشيب آن، پي نبرده اند.
1- حريز: از وليد بن صبيح: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: من ترك التزويج مخافة العيلة فقد أساء بالله الظنّ. هركس ترك ازدواج كند به خاطر ترس از عيال باري و فقر و نداري، به يقين برخدابد گمان است! (زيرا خداوند كفيل روزي زن و فرزنداست). «2»
2- محمد بن جعفر، از پدرش، از پدرانش عليهم السلام گفت: رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من ترك التزويج مخافة العيلة فقد ساء ظنّه با اللَّه عزّ و جلّ إن اللَّه عزوجل يقول: (ان يكونوا فقراء يغنهم اللَّه من فضله). هركس به خاطر ترس از نداري، ترك تزويج كند، گمان بد به خداي عزّ و جلّ برده، در حالي كه خداي عزّ و جلّ (در قرآن) مي‌فرمايد: «اگر (ازدواج كنندگان) فقير باشند، خداوند آنها را از فضل و كرم خود بي نياز مي‌سازد». «3»
3- أبي بصير: از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: أتي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم شاب من الأنصار فشكا إليه الحاجة، فقال له: تزوّج، فقال الشاب: انّي لأستحيي أن أعود إلي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم، فلحقه رجل من الأنصار فقال: انّ لي بنتاً وسيمة، فزوّجها إيّاه، قال: فوسّع اللَّه عليه، فأتي الشاب النبي عليه السلام فأخبره، فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: يا معشر الشباب عليكم بالباه. جواني از انصار پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد از نياز مندي (و نداري خود) به رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم شكايت كرد فرمود: ازدواج كن!، جوان گفت من حيا مي‌كنم دوباره پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم برگردم، مردي از انصار خود را به او رساند و گفت: من دختري (رسيده) و زيبا
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 35
دارم (مي‌خواهي او را به تو تزويج كنم؟! آري) پس به او تزويج نمود و

خداوند به او وسعت داد (و زندگي‌اش بالا گرفت) جوان جريان را به اطلاع رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم رسانيد حضرت فرمود: اي گروه جوانان بر شما باد لذّت نفس (و ازدواج). «1»
4- إسحاق بن عمار گفت: قلت لأبي عبد اللَّه عليه السلام الحديث الذي يروونه (يرويه) الناس حقّ انّ رجلا أتي النبي صلي الله عليه و آله و سلم فشكي إليه الحاجة فأمره بالتزويج ففعل، ثم أتاه فشكي إليه الحاجة فأمره بالتزويج حتي أمره ثلاث مرات؟ فقال أبو عبد اللَّه عليه السلام: هو حقّ، ثم قال: الرّزق مع النساء والعيال. به ابي عبداللَّه عليه السلام گفتم: حديثي كه مردم آن را روايت مي‌كنند حقّ است كه مردي پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و از احتياجش شكايت نمود و حضرت سه بار او را امر به ازدواج نمود؟! فرمود: (بلي) حق است سپس فرمود: (وسعت) رزق با زنان و عيال است. «2»
5- عاصم بن حميد گفت: نزد أبي عبد اللَّه عليه السلام بودم فأتاه رجل فشكي إليه الحاجة فأمره بالتزويج، قال: فاشتدّت به الحاجة فأتي أبا عبد اللَّه عليه السلام فسأله عن حاله فقال له:
اشتدّت بي الحاجة فقال: ففارق، ثم أتاه فسأله عن حاله؟ فقال: أثريت وحسن حالي، فقال أبو عبد اللَّه عليه السلام: إني أمرتك بأمرين أمر اللَّه بهما، قال اللَّه عزوجل (وانكحوا الايامي منكم- إلي قوله- والله واسع عليم) و قال: (ان يتفرّقا يغن الله كلًّا من سعته). مردي پيش او آمد و از نيازمندي اش شكايت نمود، حضرت او را امر به ازدواج كرد (رفت و ازدواج نمود و ضع زندگي اش بدتر شد) دوباره آمد و از شدت فقر شكايت نمود، حضرت از حالش پرسيد؟ گفت: حالم وخيم‌تر شده است، فرمود از زنت جدا شو!، رفت و جدا شد (بعد از مدتي برگشت) امام حالش را پرسيد؟ گفت دارا شده‌ام و حالم خوب است، ابو عبداللَّه عليه السلام فرمود من هردو دستور را از امر خدا به تو گفتم، آنجا كه فرمود: به بيوه‌ها زن دهيد تا خداوند وسعت دهنده و عالم است، و فرمود: «اگر از هم جدا شدند خداوند همه را بي نياز مي‌سازد». «3»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 36
6- سعيد بن هبة اللَّه راوندي در (الخرايج والجرايح) از امام حسين عليه السلام انّ رجلا استشاره في تزويج امرأة، فقال: لا أحبّ ذلك، وكانت كثيرة المال وكان الرجل أيضا مكثرا، فخالف الحسين عليه السلام وتزوّج بها فلم يلبث الرجل حتي افتقر، فقال له الحسين عليه السلام: قد أشرت عليك! الآن فخلّ سبيلها، فإنّ اللَّه يعوّضك خيراً منها، ثم قال: عليك بفلانة، فتزوجها فما مضي سنة حتّي كثر ماله وولدت له ورأي منها ما يحبّ. مردي با او در باره ازدواج با زني ثروتمند، مشورت نمود، مرد خود نيز مال زياد داشت فرمود: من دوست ندارم، آن مرد با امام مخالفت نمود و با آن زن ازدواج

كرد و در مدت كمي به فقر و نداري افتاد، حضرت به او فرمود: من به تو اشاره كردم (ولي تو نپذيرفتي) حالا او را رها كن خداوند بهتر از او را به تو عوض مي‌دهد، سپس فرمود: برتو باد فلان زن (آن شخص) با او ازدواج كرد يك سال نگذشت وضع مالي‌اش خوب شد و بچه به دنيا آورد و آنچه را كه دوست داشت، به آن رسيد!. «1

3- تشويق به ازدواج

در روايات اسلامي كمتر مطلبي پيدا مي‌شود كه مانند تشويق به ازدواج و تشكيل خانواده: سخن گفته و اهميت داده باشد: زيرا ازدواج زير بناي زندگي و تحكيم جوامع بشري است: هر اجتماع و جامعه‌اي فاقد اين نعمت و اجراي فرامين الهي در اين مورد باشد روي سعادت و خوشبختي را نديده و مزه آن را نخواهد چشيد:
اساساً بدون ازدواج، اجتماعي وجود ندارد كه بتوان به آن متكي شد و يا در باره آن سخن گفت!.
قرآن مجيد براي ازدواج كننده‌ها قاطعانه وعده بي نيازي را داده است كه در فصل اول آيات بيان آن گذشت.
1- از ابي جعفر عليه السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: مابني بناء في الإسلام أحبّ اليّ من التّزويج. هيچ بنائي در اسلام بنا نشده است براي من دوست داشتني‌تر از ازدواج باشد. «2»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 37
2- امام باقر عليه السلام فرمود: مابني بناء في الإسلام أحبّ الياللَّه عزّ و جلّ من التّزويج در اسلام بنائي بنا نشده است كه به خداي عز و جل دوست داشتني‌تراز ازدواج باشد. «1»
3- ابي عبداللَّه عليه السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: «من تزوّج (فقد) أحرز نصف دينه «2»
(فليتّق اللَّه في النّصف الأخر «3») الباقي هركس ازدواج كند نصف دينش را نگهداشته، پس از خدا بترسد در (حفظ) نصف باقي. «4»
4- قال الصّدوق: وقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: اتّخذوا الأهل فإنّه أرزق لكم رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: متأهّل شويد ازدواج روزي شما را بيشتر مي‌كند «5».
5- در كتاب (الخصال) باسند خود از علي عليه السلام- در حديث الأربعمأة- فرمود تزوّجوا فإنّ التّزويج سنّة رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم، فانّه كان يقول: من كان يحبّ أن يتبع سنّتي فإنّ من سنّتي التّزويج، واطلبوا الولد، فإنّي مكاثر بكم الأمم غداً، وتوقّوا علي أولادكم من لبن البغي من النّساء والمجنونة فإن اللّبن يعدي. ازدواج كنيد همانا ازدواج سنّت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم است و مي‌فرمود: هر كس دوست دارد به سنّت من تبعيت كند، از سنّت من ازدواج است، فرزند طلب نماييد من فردا به سبب شما به امّت هاي ديگر مباهات مي‌كنم، و اولاد خود را از شير زنان زناكار و ديوانه نگهداريد، زيرا شير اثر گذار است. «6»
6- محمد بن مسلم: از أبي عبداللَّه عليه السلام گفت: اميرمؤمنان عليه

السلام فرمود: تزوّجوا فانّ رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم قال: من أحبّ أن يتّبع سنّتي فإنّ من سنّتي التزويج. ازدواج كنيد چون رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: هركس دوست دارد پيرو سنّت من شود، از سنّت من
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 38
ازدواج است. «1»
7- محمد بن محمد (شيخ مفيد در (المقنعة) گفت: رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من أحبّ أن يلقي اللَّه طاهراً مطهراً فليلقه بزوجة. هركس دوست دارد خدا را پاك و مطهّر ملاقات كند، او را بازوجة ملاقات نمايد. «2»
8- وقال: قال النبي صلي الله عليه و آله و سلم: ركعتان يصلّيهما متزوّج أفضل من رجل عزب يقوم ليله ويصوم نهاره. و باز فرمود: دو ركعت نماز متأهل بهتر است از نماز مجرّد كه شب تا صبح قيام كند و روزش را هم روزه بگيرد. «3»
9- ابن القداح از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: جاء رجل إلي أبي عليه السلام فقال له: هل لك من زوجة؟ قال: لا، فقال أبي: ما احبّ أنّ لي الدّنيا وما فيها وانّي بتّ ليلةً وليست لي زوجةٌ، ثمّ قال: الركعتان يصلّيهما رجل متزوج أفضل من رجل أعزب يقوم ليله ويصوم نهاره. ثم أعطاه أبي سبعة دنانير ثم قال: تزوّج بهذه. ثم قال أبي: قال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: اتّخذوا الأهل فإنه أرزق لكم امام صادق عليه السلام فرمود: مردي پيش پدرم آمد، پدرم به او فرمود آيا زن گرفته‌اي؟! گفت: نه، پدرم فرمود: من دوست ندارم تمامي دنيا مال من شود، اما من يك شب بدون زن بخوابم! سپس فرمود: دو ركعت نماز زن دار بهتر است از نماز مجرد كه شب تا بامداد قيام و روزش را روزه بدارد؛ سپس پدرم هفت دينار به او داد و فرمود: (برو) با اين (پول) ازدواج كن سپس پدرم گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:
زن بگيريد زيرا اين كار روزي را زياد مي‌كند. «4»
10- و فرمود: ركعتان يصليهما المتزوج أفضل من سبعين ركعة يصلّيها غير متزوج. دو ركعت نماز متأهل از هفتاد ركعت غير متأهل افضل است. «5»
11- امام صادق عليه السلام فرمود: ركعتان يصلّيهما المتزوّج أفضل من سبعين ركعة يصلّيها
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 39
عزب دو ركعت نمازي كه متأهل بخواند بهتر از هفتاد ركعت مجرد است. «1»
12- در روايت فريقين آمده رسول خدا فرمود: «النّكاح سنّتي فمن رغب عن سنّتي فليس منّي» ازدواج سنّت من است هر كس از سنت من دوري

جويد از من نيست. «2»
13- رسول خدا فرمود: يا معشر الشّباب من استطاع منكم الباه فليتزوّج فانّه أغضّ للبصر و أحصن للفرج و من لم يستطع فليصم فانّ الصّوم له وجاءٌ» اي گروه جوان‌ها هركس مي‌تواند، ازدواج كند زيرا ازدواج پوشاننده چشم و نگهدارنده اندام جنسي است، اگر توان ازدواج نداشتيد، روزه بگيريد چون روزه بازدارنده است. «3»
14- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من بركةالمرئة سرعة تزويجها. از بركت زن زود تزويج نمودن (و زود شوهر كردن) اوست. «4»
15- جميل بن دراج، گفت: أبو عبداللّه (عليه السلام) فرمود: ما تلذّذ النّاس في الدنيا والآخرة بلذة أكثر لهم من لذة النساء، وهو قول اللّه عزوجل «زُيِّنَ للنّاس حب الشّهوات من النّساء و البنين» إلي آخر الآية ثمّ قال: وإن أهل الجنّة ما يتلذّذون بشئ من الجنة أشهي عندهم من النكاح لا طعام و لا شراب. مردم لذت نبرده است در دنيا وآخرت كه لذتش بيشتر از لذت زنان باشد، و آن است (معناي) فرموده خداي عز و جل «براي مردم زينت داده شده است دوست داشتن شهوات از زنان و فرزندان» تا آخر آيه سپس فرمود: و همانا اهل بهشت لذتي نمي برند در بهشت كه گواراتر باشد نزد آنها از نكاح، نه خوردني و نه آشاميدني (يعني هيچ يك از اينها مانند نكاح لذت بخش تر نخواهد بود). «5»
16- راوندي: باسند خود از موسي بن جعفر، از پدرانش عليهم السلام از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:
ما من شابّ تزوّج في حداثة سنّه إلّا عجّ شيطانه يا ويله يا ويله عصم منّي ثلثي دينه، فليتّق اللّه العبد في الثّلث الباقي. نيست جواني كه در نوجواني ازدواج نمايد مگر اينكه

شيطانش فرياد زند واي بر او واي بر او از (شر) من دو سوم دينش را حفظ نمود پس بنده در يك سوم باقيمانده از خدا بترسد. «1»
17- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: الدّنيا متاع و خير متاعها الزّوجة الصالحة. دنيا متاع است و بهترين متاعش زن صالحه است. «2»
18- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: زوّجوا أياماكم فان اللّه يحسن لهم في أخلاقهم ويوسع لهم في أرازقهم ويزيدهم في مروّاتهم. بي زنهايتان را زن دهيد زيرا خداوند آنها را در اخلاقشان، زيبا نمايد و در روزي هايشان وسعت دهد و مروّتشان را زياد نمايد. «3

4- نهي از ترك ازدواج!

بعضي از زنها و مردها، به گمان تقرب جستن به خدا و به خاطر فراغت خاطر وو ...
از ازدواج صرف نظر كرده ترك تزويج مي نمايند!، غافل از اينكه اين عمل بر خلاف رضاي خدا و خواسته اسلام و مبارزه با طبيعت است، زيرا خدائي كه «نر و ماده» را آفريده، براي آنها لازم كرده است كه غريزه جنسي خود را خاموش نمايند ولي نه از راه نامشروع بلكه آن گونه كه خداوند دستور داده است، پس رهبانيت مخصوصاًترك تزويج براي زن و مرد، اگر بتواند خود را از حرام نگهدارد، مكروه و در غير اين صورت حرام قطعي مي باشد!. به روايات ذيل دقت نمائيد.
1- رساله محكم و متشابه از تفسيرالنعماني: از علي عليه السلام نقل مي نمايد فرمود:
جماعتي از اصحاب، زنها و خوردن روز و خوابيدن شبها را بر خود حرام نمودند، ام سلمة اين جريان را به رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم خبرداد، حضرت به سوي آن اصحاب رفت و فرمود: انّي آتي النّساء و آكل بالنّهار و أنام باللّيل فمن رغب عن سنّتي فليس منّي و أنزل اللّه تعالي: «لا تحرّموا طيّبات ما أحلّ اللّه لكم و لا تعتدوااِنّه لا يحبّ المعتدين* و كلوا ممّا رزقكم اللّه حلالًا طيّباً و اتّقواللّه الّذي أنتم به مؤمنون» فقالوايا رسول اللّه انّا حلفنا علي ذالك فأنزل اللّه: «لايؤاخذكم اللّه باللّغو في أيمانكم» الي
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 41
قوله «ذالك كفّارة أيمانكم اذا حلفتم واحفظوا أيمانكم» من با زنها مباشرت دارم و روزها مي خورم و شبها مي خوابم پس هركس از سنّت من دوري جويد، از من نيست و خداي عزّوجلّ (اين آيات را) نازل نمود: «اي كساني كه ايمان آورده‌ايد چيزهاي پاكيزه را كه خداوند براي شما حلال كرده است، حرام نكنيد؛ و از حد تجاوز ننماييد زيرا خداوند متجاوزان را دوست نمي‌دارد» و از نعمت‌هاي حلال و پاكيزه‌اي كه خداوند به شماروزي داده است، بخوريد و (از مخالفت) خداوندي كه به او ايمان آورده‌ايد، بپرهيزيد، گفتند: اي رسول خدا ما براي اين كار قسم خورده‌ايم! پس خداوند نازل نمود: «خداوند شما را به خاطر سوگندهاي بيهوده (و خلاف سنّت الهي) مؤاخذه نمي‌نمايد؛ (تا فرمود:) اين است كفاره سوگندهايتان اگر قسم خورده‌ايد و سوگندهاي خود را حفظ نماييد» (تا آخر آيه). «1»
2- ابي يعفور از امام صادق عليه السلام فرمود: نهي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم النّساء أن يتبتّلن و يعطّلن أنفسهنّ من الأزواج. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم نهي نمود زنها را كه خود را منقطع نمايند

و از ازدواج معطل نمايند!. «2»
3- زني به امام صادق عليه السلام وارد شد و گفت: أصلحك اللَّه انّي امرأة متبتّلة فقال، ماالتّبتّل عندك؟! قالت لاأتزوّج! قال: و لِمَ؟ قالت: ألتمس بذلك الفضل فقال: انصرفي، فلوكان ذلك فضلًا لكانت «فاطمة» أحقّ به منك انّه ليس أحديسبقها الي الفضل. خدا تورا اصلاح نمايد من زني «متبتّله» هستم! فرمود: پيش تو (منظور از) تبتّل چيست؟
گفت: (يعني) ازدواج نمي‌نمايم! فرمود: چرا؟ گفت: با اين كار فضيلت (و شرافت) مي جويم! فرمود: منصرف شو، اگر اين كار فضيلت داشت «فاطمه» از تو پيش قدم مي شد زيرا كسي از فاطمه براي كسب فضيلت، سبقت نمي‌كند (و پيشي نمي‌گيرد). «3»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 42
4- دعائم الإسلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم انّه نهي عن التّبتّل و نهي النّساء أن يتبتّلن و يقطعن أنفسهنّ من الأزواج. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم از محروم ساختن خود و زنها را از انقطاع از ازدواج، نهي نموده است. «1»

5- راهنمائي ناتوانان از ازدواج!

در جوامع بشري، خيلي‌ها هستند كه با اين وضع تورّم و چشم و هم چشمي‌ها و خودنمائي‌ها و نبود كار و مسكن وو ...، به ازدواج تن در نمي‌دهند و يا قدرت آن را ندارند، كار به جائي رسيده است كه زندگي مجردي را به اين گونه ازدواج‌ها ترجيح مي‌دهند و غرايز جنسي خود را از بازار آزاد، اشباع مي‌كنند و يا مي‌سوزند و مي‌سازند؛
حالا اگر كسي داراي ايمان و دين قوي باشد، آيا براي رفع اين مشكل در صورت امكان، با «ازدواج موقت» خود را آرام كند يا راه ديگري نيز براي مهار كردن خود وجود دارد؟!، به راهنمائي ها و صلاح ديد روايات ذيل دقت نماييد.
1- مردي پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و گفت: اي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم ليس عندي طول فانْكح النّساء فالَيْكَ أشكوا العزوبة فقال: وَفّرْ شعرجسدك و أدِمِ الصّيام، ففعل فذهب مابه من الشّبق من امكان ازدواج ندارم و (از ناراحتي‌هاي تجرد نيز) برايت شكايت مي‌كنم فرمود: اندام (جنسي ا) ت را پرپشت نما (و نتراش) و روزه را ادامه ده، پس اين كار را كرد، تا (آتش) غريزه جنسي اش خاموش شد. «2»
2- اسماعيل بن زياد از ابي زياد از امام صادق از علي عليهما السلام فرمود: ما (أ) كثر شعر رجل قطّ الاّ قلّت شهوته به يقين موي مردي زياد نگشت مگر اينكه شهوتش كم شد. «3»
3- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم در باره كسي كه قدرت ازدواج ندارد فرمود: ... و من لم يستطع
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 43
فليصم فانّ الصّوم له وجاءٌ» .. اگر توان ازدواج نداشتيد، روزه بگيريد چون روزه بازدارنده است. «1» به فصل بعدي نيز توجه نماييد.

6- واسطه گري ميان دو جوان!

انسان در دوران زندگي اش، با فيصله دادن و آشتي برقرار نمودن ميان دو يا چند نفر سر و كار دارد يعني اين اقدام با زندگي آدميان عجين شده است، اگر دركارهاي خداپسندانه سعي و كوشش نمايد، در دنيا محبوب خدا و خلق خواهد شد و در آخرت مستحق پاداش و اجر مهمي خواهد گرديد؛

پس اگر كسي در ميان خانواده‌ها رفت و آمد نمايد و سعي و كوشش بخرج دهد كه امر ازدواج دو جوان سر بگيرد و بهم برسند، خداوند او را در روز قيامت در پناه خود گرفته و امنيت خواهد بخشيد.

1- امام صادق از اميرمؤمنان عليهما السلام «أفضل الشّفاعات ان تشفع بين اثنين في نكاح حتي يجمع اللَّه بينهما» بهترين واسطه گريها، واسطه بودن در ازدواج دو نفراست تا خداوند ميان آنها را جمع نمايد. «2»

2- امام كاظم عليه السلام فرمود: «ثلاثة يستظلّون بظلّ عرش اللَّه يوم القيامة يوم لاظلّ الا ظلّه، رجل زوّج أخاه المسلم، أو أخدمه، أو كتم له سرّاً» سه نفر روز قيامت در زير سايه عرش خدا قرار مي‌گيرند روزي كه سايه‌اي غير از آن نخواهد بود، 1- مردي كه برادر مسلمانش را (زن دهد و) تزويج نمايد، 2- يا او را به خدمتي وادارد (ياخدمتكار دهد كه كارهاي او را انجام دهد)، 3- يا سرّ او را پنهان نمايد. «3»

3- سماعة بن مهران از ابي عبداللَّه عليه السلام فرمود: أربعة ينظر اللَّه اليهم يوم القيامة من أقال نادماً أو أغاث لهفاناً أو أعتق نسمة أو زوّج عزباً چهار نفرند خداوند در روز قيامت (به آنهابا رحمت) نظر نمايد، هركس نادمي را برگرداند (كسي كه در معامله يا درباره چيزي پشيمان شود آن را پس دهد)، يا به فرياد گرفتاري برسد، يا برده‌اي را آزاد

نمايد، يا مجردي را زن دهد (و واسطه سرگرفتن ازدواج او شود). «1»

4- امام صادق فرمود: من زوّج أعزب كان ممّن ينظر اللَّه عزّ و جلّ اليه يوم القيامة. هركس مجردي را زن دهد از كساني مي‌شود كه خداي عز و جل در قيامت به او نظر (رحمت) نمايد. «2»

5- در روايت عبداللَّه بن سليمان نوفلي آمده است در حديث طولاني امام صادق عليه السلام به عبداللَّه نجاشي نوشت، حديث كرد مرا پدرم از پدرانش عليهم السلام از علي عليه السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: و من زوّج أخاه المؤمن امرئة يأنس بها و تشدّعضدها و يستريح بها، زوّجه اللَّه من الحورالعين و آنسه بمن أحبّه من الصّدّيقين من أهل بيت نبيّه صلي الله عليه و آله و سلم و اخوانه و آنسهم به. و هركس

به برادر مؤمنش زن دهد كه با او انس گيرد و بازوانش را محكم نمايد (در شدايد ياور او شود) و با او آرام گيرد، خداوند از حورعين او را تزويج نمايد و با راستان از اهلبيت پيغمبر و برادرانش، او را مأنوس نمايد و آنها را هم با او مأنوس كند. «3»
6- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: «من عمل في تزويج بين مؤمنين حتي يجمع بينهما زوّجه اللَّه عزوجل ألف امرئة من الحور العين كلّ امرأة في قصر من درّ و ياقوت، و كان له بكل خطوة خطاها او بكل كلمة تكلّم بها في ذلك عمل سنة قام ليلها و صام نهارها و من عمل في فرقة بين امرأة و زوجها كان عليه غضب اللَّه و لعنته في الدنيا و الاخرة و كان حقّاً علي اللَّه ان يرضخه بألف صخرة من نار و من مشي في فساد ما بينهما و لم يفرّق كان في سخط اللَّه عزوجل و لعنته في الدنيا و الاخرة و حرّم عليه النظر الي وجهه» هر كس در تزويج ميان مؤمنان كاري كند تا آنها را بهم برساند، خداي عز و جلّ به او هزار نفر از زنان حورعين تزويج نمايد، هر زني در قصري از درّ و ياقوت باشد، و به هر گامي كه در اين راه برداشته، يا حرفي كه زده است، ثواب يك سال عبادت كه روزهايش روزه و شب هايش عبادت كرده باشد را، مي‌دهد؛
وهركس سعي كند ميان زن و شوهرش جدائي بيفكند، غضب خدا و لعنتش در دنيا
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 45
و آخرت بر او خواهد بود، و شايسته است خداوند او را با هزار سنگ آتشين سنگ باران نمايد (و بكوبد)، و هركس در بهم زدن ميان آنها، قدمي بردارد امّا موفق نشود كه آنها را جدا كند، در غضب خداي عزّ و جلّ و لعنت او در دنيا و آخرت بوده و بر او ديدن وجه خدا را، حرام خواهد نمود. «1»
7- رسول خدا فرمود: من عمل في تزويج حلال حتي يجمع اللَّه بينهما زوّجه اللَّه من الحور العين، وكان له بكل خطوة خطاها وكلمة تكلّم بها عبادة سنة. هركس در تزويج حلال كار كند تا ميان آن‌ها را جمع نمايد (و بهم رساند) خداوند از حوريان ممتاز، براي او تزويج و به هر قدمي (دراصلاح اين كار) برداشته و به هركلمه‌اي زده، عبادت يك سال مي نويسد. «2»
8- از علي عليه السلام فرمود: ... وأفضل الشفاعات أن يشفع بين اثنين في نكاح حتي يجمع شملهما. و بهترين ميانجي‌گري آن است كه براي ازدواج (ميان دو نفر) وساطت نمايد تا آنها را بهم رساند. «3

7- سه چيز بي حساب

در تشكيلات خداوندي، همه چيز حساب و كتابي دارد و محاكمه‌اي!، پس انسان بايد خود را براي پاسخ گوئي به سؤالات مأمورين الهي آماده ساخته و بگونه‌اي خود را از دست بازجويان روز قيامت برهاند اما در اين ميان در باره سه چيز بازجويي نخواهد شد!.
1- علي بن رئاب از حلبي، از أبي عبد اللّه عليه السلام فرمود: ثلاثة أشياء لا يحاسب (اللّه عليها) عليهنّ المؤمن: طعام يأكله، وثوب يلبسه، وزوجة صالحة تعاونه ويحصن بها فرجه. سه چيز براي مؤمن محاسبه نخواهد شد،
1- طعامي كه مي‌خورد؛
2- لباسي كه مي‌پوشد؛
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 46
3- همسر صالحه‌اي كه ياور او باشد و ناموس او را پاسداري نمايد و خود را از شهوات نفساني مهار كند، (زيرا اين‌ها ضروريات زندگي است كه خداوند متكفّل آنهاست). «1»

8- آرامش مؤمن

در زندگي دنياي مادي ما، براي فرد فرد انسان‌ها آرامش و راحتي فكر، از آرزوهاي مهم و شرط اصلي آن است زيرا در غير اين صورت: زندگي برايش معنا و مفهومي نخواهد داشت،! از جمله آرامش بخش ها سه چيز است.

1- سعيد (شعيب) بن جناح: از مطر مولي معن: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: ثلاثة للمؤمن فيها راحة: دار واسعة تواري عورته وسوء حاله من الناس، وامرأة صالحة تعينه علي أمر الدنيا والآخرة، وابنة يخرجها إما بموت أو بتزويج. سه چيز مايه آرامش مؤمن است،

1- خانه وسيع كه آبروي خود و بدي حالش را از مردم بپوشاند؛

2- و همسر صالحه كه كمك او باشد در كارهاي دنيا و آخرتش؛

3- دختري كه از خانه بيرون فرستد يا با مرگ و يا با عروسي (كه آبروي خود را نگه داشته و از غم او بياسايد). «2»

2- حسن (بن حسن)، ازمادرش فاطمة دخترامام حسين از پدرش حسين بن علي، از پدرش علي بن أبي طالب عليهم السلام فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من اعطي أربع خصال فقد اعطي خير الدنيا والاخرة وفاز بحظه منهما: ورعٌ يعصمه عن محارم اللَّه، و حسن خلق يعيش به في الناس، وحلم يدفع به جهل الجاهل، و زوجة صالحة تعينه علي أمر الدنيا والاخرة به هركس چهار خصلت داده شده، همانا خير دنيا و آخرت به او داده شده و در هردو آن به حق خود رسيده است،

الف‌خويشتن داري كه او را از حرام‌هاي خدا نگهدارد؛

ب اخلاق نيكو كه با آن با مردم زندگي نمايد؛

ج حلمي كه با آن جهالت نادانان را (از خود) دور سازد؛

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 47

د- همسر شايسته‌اي كه به كار دنيا و آخرت او كمك نمايد. «1»

3- حسين بن علوان، از امام صادق، از پدرانش عليهم السلام فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: حسن البشر نصف العقل، والتقدير نصف المعيشة، والمرأة الصالحة أحد الكاسبين خوشروئي نصف عقل و اندازه‌گيري نصف معيشت و زن صالحه يكي از كسب كنندگان (يعني وجودش سبب جلب روزي وبركت زندگي) است. «2»

4- در كتاب دعوات راوندي: از ربيعة بن كعب گفت: شنيدم پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم مي فرمود من اعطي خمساً لم يكن له عذر في ترك عمل الاخرة: زوجة صالحة تعينه علي أمر دنياه وآخرته، وبنون أبرار، ومعيشة في بلده، وحسن خلق يداري به الناس، وحب أهل بيتي. به

هركسي پنج چيز داده شود، ديگر براي ترك عمل آخرت عذري برايش باقي نمي‌ماند؛
1- همسر شايسته‌اي كه او را براي كارهاي دنيا و آخرت، ياري رساند؛
2- وفرزندان نيكوكار؛
3- و (وسيله كسب) معيشت او در شهرش باشد؛
4- و اخلاق نيكو كه با آن با مردم مدارا داشته باشد؛
5- و دوست داري اهل بيت من عليهم السلام. «3

ازدواج با چه كساني

اشاره

زماني كه شخصي تصميم گرفت براي خودش همسري اختيار نمايد، چه دختر يا پسر و چه مرد و چه زن، بايد خيلي هشيار باشد و بداند كه تا پايان عمر مي‌خواهد با كهِ زندگي كند و مادر يا پدر بچه هايش: كهِ خواهد بود و با كدام خانواده افت و خيز خواهد كرد چون يكي از مشكلات مهم و قابل توجه زندگي، انتخاب همسر و

همسرّ شايسته و لايق، و مادر و يا پدر بچه هاست، بايد بداند كه يك نسل را تا ابد الدّهر، مي‌خواهد روي چه بنيان پي ريزي و بالاي چه فونداسيون، بنا نمايد، پس هيچ وقت اسير هوا و هوس و غرايز جنسي زود گذر و سپري شونده نباشد! زيرا نسل ادامه مي‌يابد و ماندگار است و پايان ناپذير.

و مي دانيم كه اصالت و نجابت در انتخاب همسر، حرف اول را مي زند و شرط اول زندگي و تشكيل خانواده است، پس در انتخاب شريك زندگي، شتاب زده نشويد تا دچار اشتباه شويد، در اين باره به روايات ذيل دقت نماييد

1- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم چه فرمود؟!

1- دركتاب‌هاي شيعه و سنّي از رسول خدا صلي الله عليه و آله روايت شده است، النّاس معادن كمعادن الذّهب والفضّة، خيارهم في الجاهليّة خيارهم في الإسلام، اذا فقهوا «1» (اذا تفقهوا «2») النّاس معادن كمعادن الذّهب والفضّة، من كان له أصل في الجاهلية فله أصل في الإسلام «3» النّاس معادن، في الخير و الشّرّ، خيارهم في الجاهلية، خيارهم في الإسلام اذافقهوا. فرمود: مردم معدنهائي همانند معادن زر و سيم، هستند خوبان آنها در جاهليت، خوبانند در اسلام اگر بفهمند و هشيار باشند، و هر كس در جاهليت أصالت داشت، در اسلام نيز اصيل است؛

و همچنين در خير و شر (خوبي و بدي)، مانند معادن مختلف هستند. «4»

اين حديث، علاوه بر اينكه، از احاديث علمي مورد قبول شيعه و سنّي است، خيلي از مسائل و پيش آمدهاي گوناگون زندگي را براي ما، معنا مي‌كند،

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 49

باز از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم روايت شده است «اذاسمعتم بجبل زال عن مكانه فصدّقوا وإذا سمعتم برجل زال عن خلقه فلا تصدقوا فإنّه يصير إلي ما جبل عليه»

«اگر شنيديد كوهي از جايش زايل (و بركنده) شده است باور كنيد، اما اگر شنيديد مردي (و آدمي) از اخلاق (ونهاد خود) دست برداشته‌است، باور نكنيد!! زيرا او برنهاد و طبيعت خود بر مي گردد!!. «1»

2- ابي عبد اللّه عليه السلام فرمود: قام النبي صلي الله عليه و آله و سلم خطيباً فقال: أيّها النّاس ايّاكم و خضراء الدّمن قيل: يا رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم وما خضراء الدّمن؟ قال: المرأة الحسناء في منبت السوء. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم بلند شد و سخنراني كرد و فرمود: اي مردم مبادا به خضراء دِمَنْ نزديك شويد (و به سراغ آن رويد) گفتند: اي رسول خدا خضراء دمن چيست؟! فرمود: زن زيبا در رويشگاه (و خانواده) بد. «2»

3- محمد بن أبي طلحة: از امام صادق: از پدرانش عليهم السلام از رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم قال للناس: ايّاكم وخضراء الدمن، قيل: يا رسول اللّه وما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسناء في منبت السوء. به مردم فرمود: مبادا به خضراء دِمَنْ نزديك شويد (و به سراغ آن رويد) پرسيدند اي رسول خدا خضراء دمن چيست؟! فرمود: زن زيبا در رويشگاه (و خانواده) بد (كه طبعاً به اصل ونسبش مي رود). «3

2- بهترين بانوان

در ميان انسان‌ها كساني هستند كه داراي امتيازات فراوان و از هم نوعان خود ممتاز و پرارزش و بهترينند، در مقابل آنها افرادي هم هستند كه هميشه از قافله عقب و هيچ خير و بركتي در وجود آنها پيدا نمي‌شود و بدترينند.

در سؤال از بهترين زنان و بدترين آنها، ممكن است هركسي نظري را اظهار و پاسخي فراخور برداشت و اطلاعات خود: ابراز دارد: حالا ببينيم روايات در اين باره در فصل بعدي (باب پرهيز از چه كساني) و در فصل (بدترين زنان) چه مي‌گويد!.

1- جابر بن عبداللَّه گويد: نزد رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم بوديم فرمود: ألا أخبركم بخير نسائكم، الولود الودود السّتيرة العفيفة العزيزة في أهلها الذّليلة مع بعلها المتبرّجة مع زوجها الحصان مع غيره الّتي تسمع قوله و تطيعه فاذا خلا بها بذلت له ما أراد منها و لم تبذل كتبذّل الرّجل. آيابشما خبر دهم بهترين زنانتان را؟!، زاينده، دوست دارنده، باحجاب، پاك دامن، در خانواده‌اش عزيزه، با شوهرش ذليلة، با شوهر خود نما و دريده، با بيگانه خود نگهدار، زني كه گفته شوهر را مي‌شنود و اطاعت مي‌نمايد، هرگاه با شوهر خلوت كرد، هرچه دلبخواه اوست به او مي‌بخشد، و مانند مردان با او رفتار نمي‌كند (بلكه رفتارهاي زنانه و تحريك كننده انجام مي‌دهد وو ..). «1»

2- سكوني: از أبي عبداللَّه عليه السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: أفضل نساء أمتي أصبحهن وجهاً وأقلهنّ مهراً. بهترين زنان امت من، زيبارويان و كم مهران آنها است. «2»

3- شيخ صدوق فرمود: وروي أن من بركة المرأة قلّة مهرها، ومن شؤمها كثرة مهرها. و روايت شده است از بركت زن كمي مهر و شومي او در زيادي مهر اوست. «3»

4- سليمان جعفري: از أبي الحسن الرضا عليه السلام گفت: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: خير

نسائكم الخمس، قيل: وما الخمس؟ قال: الهيّنة اللّيّنة المؤاتية الّتي إذا غضب زوجها لم تكتحل بغمض حتي يرضي، وإذا غاب عنها زوجها حفظته في غيبته فتلك عامل من عمّال اللَّه، و عامل اللَّه لا يخيب. بهترين زنان شما پنج (گروه) است، پرسيدند پنج (گروه) كدامند؟! فرمود: خوش رفتار و نرم خو و شوهر داري كه اگر شوهرش عصباني شد تا راضي شدن شوهرش، سرمه نكشد (و آرايش نكند) و زماني كه شوهرش از او غايب شود،

(ناموس) او را محافظت نمايد پس همچون زني كار گزاري از كارگزاران خداوند است و كارگزار خدا هيچ وقت ضرر نمي‌بيند (و مأيوس نمي‌شود). «1»
5- فرمود: وجاء رجل إلي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فقال: انّ لي زوجة إذا دخلت تلقّتني، وإذا خرجت شيّعتني، وإذا رأتني مهموماً قالت لي: ما يهمّك إن كنت تهتمّ لرزقك فقد تكفّل لك به غيرك، وإن كنت تهتم بأمر آخرتك فزادك اللَّه همّاً، فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: إنّ اللَّه عمّالًا و هذه من عمّاله لها نصف أجر الشهيد. مردي پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و گفت: من زني دارم هروقت داخل (خانه) مي‌شوم به استقبالم مي‌آيد و اگر خارج شوم بدرقه‌ام مي كند، و اگر مرا غمگين ببيند مي‌گويد: اگر براي روزي ات نگراني، آن را غير تو (يعني خدا) متكفل شده است، و اگر براي آخرتت فكر مي‌كني خداوند آن را زياد كند (و موفق باشي)،! رسول خدا فرمود: همانا براي خداوند عمّال هائي (در زمين) هست اين هم يكي از آن هاست و براي او نصف پاداش شهيد است. «2»
6- يعقوب احمر: از محمد بن مسلم: از أبي جعفر عليه السلام فرمود: أتي رجل رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم يستأمره في النكاح، فقال: نعم انكح و عليك بذوات الدّين تربّت يداك، و قال: انما مثل المرأة الصّالحة مثل الغراب الأعصم الذي لا يكاد يقدر عليه، قال: وما الغراب الأعصم؟
قال: الأبيض إحدي رجليه مردي به محضر رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد در باره ازدواج از او اجازه مي‌خواست، فرمود: بلي (حتماً) ازدواج كن، و به سراغ دين داران برو تا دستانت نمناك شود (و خير و بركت بيني)؛ فرمود: زن صالحة مانند غراب اعصم، سخت گير مي‌آيد (و كمياب و كم پيداست!): پرسيدند غراب اعصم چگونه است؟
فرمود: يك پايش سفيدباشد. «3»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 52
7- جميل بن دراج: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: خير نسائكم التي ان غضبت أو اغضبت قالت لزوجها: يدي في يدك لا أكتحل بغمض حتي ترضي عنّي قال: وكان النبي صلي الله عليه و آله و سلم يقول في دعائه: اللّهم إنّي أعوذ بك من ولد يكون عليّ رباً ومن مال يكون عليّ ضياعاً، ومن زوجة تشيبني قبل أوان مشيبي، ومن خليل ماكر الحديث. زنان خوب شما آن است كه اگر مردش از او ناراحت شود يا او را عصباني نمايد، به او مي‌گويد: دست من در دست تو است (و من دراختيار توأم)، آرايش نمي‌كنم تا از من راضي شوي! و پيغمبر صلي الله عليه و آله و سلم در دعايش مي‌گفت: خدايا من به تو پناه مي‌برم از (شرّ) فرزندي كه براي من بزرگي كند (و مايه شرمندگي من شود)، و از مالي كه سبب ضايع شدن

من باشد، و از (شرّ) همسري كه مرا زود هنگام پيرم كند، و از دوست حيله گر (كه مرا با مكر و نيرنگ‌هاي خود بفريبد و ضايعم نمايد، تا آخر حديث). «1»
8- ورّام بن أبي فراس در كتابش گفت: امام عليه السلام فرمود: ما اعطي أحد شيئاً خيراً من امرأة صالحة إذا رآها سرّته، وإذا أقسم عليها أبرّته وإذا غاب عنها حفظته (في نفسها و ماله) به كسي چيزي بهتر از زن صالحه، داده نشده است كه هر وقت او را ببيند شاد شود و اگر براي او (به خاطر چيزي قول دهد و) سوگند بخورد، به او وفا نمايد، اگر از او غايب شود، نگهبان (ناموس و مال) او باشد. «2»
9- سكوني از ابي عبداللَّه عليه السلام فرمود: من سعادةالمرء الزّوجة الصّالحة. از خوش بختي مرد (داشتن) زن صالحه است. «3»
10- صفوان بن يحيي: از أبي الحسن علي بن موسي الرضا عليهما السلام فرمود: ما أفاد عبد فائدة خيراً من زوجة صالحة إذا رآها سرّته وإذا غاب عنها حفظته في نفسها وماله. هيچ كس (در زندگي) فائده‌اي نبرده است كه بهتر از زن صالحه باشد، هر وقت او را ببيند شاد نمايد: اگر از او غايب شود، نگهبان (ناموس و مال) او باشد. «4»

11- حنان بن سدير: از پدرش: از أبي جعفر عليه السلام فرمود: قال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم إنّ من القسم المصلح للمرء المسلم أن تكون له امرأة إذا نظر إليها سرّته، وإن غاب عنها حفظته، وإن أمرها أطاعته. رسول خدا فرمود: از قسمت (و نصيب) صالح براي مرد مسلمان آن است كه زني داشته باشد، هروقت به او نگاه كند شاد شود، و اگر از او غايب گردد، حفظش نمايد، و اگر به او امري كرد، از او اطاعت نمايد. «1»
12- محمد بن مسلم: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: من بركة المرأة خفّة مؤنتها (وتيسير ولدها) (وتيسر ولدها)، ومن شومها شدة مؤنتها وتعسير ولدها (ولادتها). از بركت زن سبك بودن مؤنة و آسان زائيدن اوست و شومي اش زيادي مخارج و سخت‌زائي اوست. «2»
13- امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خداصلي اللَّه عليه وآله در حديثي كه سؤال نمود چه چيزي براي زنان بهتر است، فاطمة عليها السلام گفت:
خير للنساء (ألا يرين الرجال ولا يراهن الرجال) فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: إنّها منّي. براي زنان بهتر آن است (بهترين زنان آنست) كه نه آنها مردان (نامحرم) را ببينند و نه زنها مردان نامحرم را، پس رسول خدا فرمود: او (فاطمه) از من است. «3» در فصل‌هاي بعدي روايات مناسب اين فصل مي‌خوانيد

3- تاج كرامت بر سر!!

درهركاري از كارهاي دنيا، اگر خوشنودي و رضاي خدا و خويشي و خويشاوندي، در نظر گرفته شود، خداوند او را در آن كار شيرين كام و كامياب گرداند و در زندگي هر دو جهان تاج عزّت و كرامت بر سرش نهد و عمر خود را در ميان مردم آبرومندانه به سر برده و سپري مي‌كند چون خداوند هميشه به دوستان و خواهانش عزّت دهد و آبرو بخشد، مثلاً دختري در هم خونان خود وجود دارد اما كمي از جمال ظاهري

بي بهره است، با او براي رضاي خدا و به احترام همخوني، ازدواج نمايد، خداوند به يقين او را در طول عمر رهايش نمي‌سازد و باعزت و خوشبختي زندگي مي‌كند.

1- محمد بن علي بن حسين گفت: علي بن حسين سيد العابدين عليهما السلام فرمود: من تزوّج اللَّه و لصلة الرحم توّجه اللَّه بتاج الملك (والكرامة). هركس به خاطر خدا و به احترام رَحِمْ (و خويشاوندي) ازدواج كند، خداوند با تاج ملك و كرامت او را تاجدار مي‌نمايد. «1

4- ازدواج با آن كه دوست داري!

زندگي باهمسر، يكي از اركان دوران عمر بشر است، چنانچه دلبخواه و باب ميلش نباشد، هميشه در عذاب روحي و شكنجه جسم و جان، فرو خواهد رفت و عمر گرانمايه خود را، دايم بانفرين ونفرت و تلخ كامي و آرزوي مرگ، سپري خواهد نمود، بدينجهت است كه انسان نبايد در انتخاب همسر و همسرّ خود، تحت تأثير زورگوئي ديگران (پدر، مادر، برادر، دوست آشنا وو ..، قرار گيرد و آينده خود را تباه سازد، زيرا كوچكترين اشتباه و غفلت در اين باره، آدمي را مادام العمر به ندامت و پشيماني گرفتار خواهد ساخت و بايد تا آخرعمر تاوان اشتباهش را پس دهد؛

از اين روست كه بزرگان دين سفارش اكيد دارند كه انسان آن كس را كه دوست دارد، ازدواج نمايد و شريك زندگي خود قرار دهد؛

البته حساب مشورت و مشاوره و از صاحبان عقل و خرد نظر خواهي كردن و از تجربه ديگران استفاده نمودن، نه تنها بد نيست بلكه بهتر هم هست. به روايت ذيل توجه نماييد.

1- ابن أبي يعفور، گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: إنّي اريد أن أتزوّج امرأة وإنّ أبويّ أرادا غيرها قال: تزوج التي هويت ودع التي هوي أبواك. من مي خواهم با زني (كه دوست دارم) ازدواج نمايم و پدر و مادرم ديگري را اراده نموده‌اند! فرمود: با زني كه دوست داري، ازدواج كن و آن را كه والدينت دوست دارند، رها ساز!. «2

5- شتاب در ازدواج با هم كفو

اگر ميوه رسيده را به موقع نچينند، فاسد مي‌شود و گلها را در موقعش برندارند، پرپر مي گردد و گندم را به موقع درو نكنند: از سنبل مي‌ريزد و مي‌پوسد و نابود مي‌شود وو ...
همچنين است فرزندان رسيده و هنگام طراوت و شادابي (دختر يا پسر)، اگر به موقع به خانه بخت فرستاده نشوند، پرپر مي‌شوند و فاسد از آب در مي‌آيند!، چنان كه در جوامع مختلف، به روشني مي‌بينيم و مسئله ايست غير قابل انكار؛
استفاده بردن و بهره مند شدن از هر چيزي، بايد به موقع باشد، وقتي كه اين گلهاي زندگي به بلوغ رسيدند، حتماً و بايد مسائل زيادي را، در نظر گرفت و در صدد حل آن بر آمد و بدون بهانه جوئي و ايرادگيري و دعواي مادي و بازي باارقام، حل و فصل نمود، زيرا بي اعتنائي و كم توجهي به اين مسائل، در زمان نه چندان دور، فاجعه ببار خواهد آورد
مگر اين همه فساد و تباهي جنسي جوامع بشري از اين مسير ببار نيامده است؟ مگر فرارها و فراري‌هاي بي شمار از خانه و خانواده ها و تمرّد و عاق والديني و نافرماني‌هاي فراوان وو .. همه و همه ناشي ازاين، بي توجّهي‌ها نيست! و دهها مگرها و آياهاي ديگر.
1- أحمد بن محمد بن عيسي: از بعض أصحابش: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: من سعادة المرء أن لا تطمث ابنته في بيته. از خوشبختي مرد است كه دخترش در خانه او حيض نبيند (يعني قبل از عادت بيني و پيش از چند دست شدن، به خانه بخت فرستاده شود). «1»
2- محمد بن علي بن حسين گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من سعادة الرجل أن لا تحيض ابنته في بيته. از سعادت مرد است كه دختر او درخانه اش حيض نبيند
(وعادت نشود و زود هنگام راهي زندگي اش شود). «2»
3- بعضي از أصحاب ما (از ابي عبد اللَّه عليه السلام) روايت كرده است: فرمود: انّ اللَّه
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 56
عزّوجلّ لم يترك شيئا ممّا يحتاج إليه الّا وعلّمه نبيّه صلي الله عليه و آله و سلم، فكان من تعليمه إيّاه أنّه صعد المنبر ذات يوم فحمد اللَّه و أثني عليه، ثمّ قال أيّهاالنّاس انّ جبرئيل أتاني عن اللّطيف الخبير فقال: إنّ الأبكار بمنزلة الثّمر علي الشّجر، إذا ادرك ثمارها فلم تجتن أفسدته الشمس، ونثرته الرياح، وكذلك الأبكار إذا أدركن ما تدرك النساء، فليس لهنّ دواء إلا البعولة وإلّا لم يؤمن عليهنّ الفساد لأنّهنّ بشر، قال: فقام إليه رجل فقال: يا

رسول اللّه، فمن تزوّج؟ فقال: الأكفاء فقال (يارسول اللّه): و من الأكفاء؟ فقال: المؤمنون بعضهم أكفاء بعض، المؤمنون بعضهم أكفاء بعض. خداي عزّ وجلّ چيز مورد احتياجي فرو نگذاشته، مگر اينكه به پيغمبرش تعليم نموده است، از آن جمله است كه (روزي) بالاي منبر رفت و حمد و ثناي خدا را بجا آورد سپس فرمود: اي مردم جبرئيل از سوي خدا، پيش من آمد و گفت: همانا باكره‌ها مانند ميوه (رسيده) بر درخت است اگر (بموقع) چيده نشوند، آفتاب آن را فاسد مي‌نمايد و بادها آنها را پراكنده مي‌كند، اين چنين است باكره‌ها، وقتي درك كردند آنچه را كه زنها درك مي‌كنند (و به بلوغ مي‌رسند) براي آنها دوائي غير از شوهر كردن نيست و گرنه از فساد در امان نيستند، زيرا آنها بشرند؛

مردي بلند شد وگفت: اي رسول خدا با كهِ ازدواج كنند؟ فرمود: با هم كفوان (و همسنگان)، پرسيد أكفاء كيانند؟! دوبار فرمود: مؤمن‌ها با همديگر هم كفوند. «1»

4- أبي حيون مولي الرضا از امام رضا عليه السلام فرمود: نزل جبرئيل علي النبي صلي الله عليه و آله و سلم فقال يا محمد، ربك يقرئك السلام ويقول: ان الأبكار من النساء بمنزلة الثمر علي الشجر، وذكر نحوه، وزاد: ثم لم ينزل حتي زوّج ضباعة بنت الزبير بن عبد المطلب المقداد بن الأسود الكندي، ثم قال: أيها الناس، انما زوّجتُ ابنة عمي المقداد ليتّضع النكاح. جبرئيل به پيغمبر صلي الله عليه و آله و سلم نازل شد و گفت: اي محمد خدايت سلام مي‌رساند ومي فرمايد:

همانا‌باكره‌ها بمنزله ميوه بر درخت است (ومانند روايت بالا را ذكر كرد و اضافه نمود، پيغمبر صلي الله عليه و آله و سلم از منبر پايين نيامد) تا ضباعة دختر زبير بن عبد المطلب را به مقداد بن اسود كندي تزويج نمود سپس فرمود: من دختر عمويم را به مقداد تزويج كردم تا (مرزهاي غلط جاهلي) نكاح شكسته شود (زيرا ضباعة اشراف زاده بود و

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 57

مقداد غلام سياه كه از نظر فرهنگي آن روز و حتي امروز هم، با همديگر قابل مقايسه نبودند). «1»

5- عبد الرحمن بن سيابة: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: انّ اللَّه خلق حواء من آدم فهمّة النساء الرّجال فحصّنوهنّ في البيوت. خداوند حوّارا از آدم آفريد پس همت زنها مردانند و آنها را در خانه‌ها نگه داريد (و مهار نمائيد تا روي جامعه سالم را ببينيد). «2»

6- واسطي: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: انّ اللَّه خلق آدم من الماء والطين فهمّة ابن آدم في الماء والطين، وخلق حواء من آدم فهمّة النساء في الرجال فحصّنوهنّ في البيوت. خداوند آدم را از آب و گل آفريد پس همت آدم در آب و گل است، و حوّارا از آدم آفريد پس همت زنها مردانند

و آنها را در خانه‌ها نگه داريد. «3»
7- ابن جمهور: از پدرش گفت: امير مؤمنان عليه السلام در بعض سخنانش فرمود: انّ‌السباع همّها بطونها، وإنّ النساء همّهنّ الرجال. همت درنده‌ها، شكم‌هاي آنهاست و همت زنان مردانند. «4

6- معناي هم كفو بودن

از منظر عقل و دين، همطراز و هم كفو انسان، كسي است كه داراي شخصيت معنوي و سلامت روح و روان و دين و ديانت باشد، مال و منال و مقام‌هاي اعتباري و زيبائي و طنّازي و جاه و جلالت ظاهري، همگي زود گذر و مانند چرك دست، سريعاً از بين مي‌رود، اما مقام آسماني و خدا دادي است كه: جاويد و ابدي مي‌ماند؛

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 58

رنگ و پوست و فقر و ثروت و عرب و عجمي و شهري و دهاتي بودن، معيار انسانيت و شخصيت نيست، بلكه عيار و معدل آدمي، ميزان تقوي و پرهيزكاري و تديّن اوست. «1»

پس هنگام ازدواج به هيچ كدام از اين خصوصيت‌هاي اعتباري فريفته نباش، تنها به ميزان عقل و دين و تقواي طرف مقابل دقت نما، زيرا تقوا و پرهيزكاريست كه در خلوت و آشكار و شب و روز و شهر و روستا خلاصه در زمين و آسمان، انسان را از راه‌هاي انحرافي باز مي‌دارد و از ارتكاب به اعمال زشت و غير اخلاقي، مهار مي‌كند ترس از خدا و تقواست كه در زندگي خيالت را راحت مي‌كند و از جهت همسرت آسوده خاطر مي‌سازد، چون مي‌داني طرف مقابل، پا از جاده حق و حقيقت و عزّت و شرافت، بيرون نخواهد گذاشت و به همه مشكلات و فراز و نشيب‌هاي زندگي ات، صبورانه و عاشقانه تحمل مي‌كند و در كنارت، احساس آرامش و خوشبختي مي‌نمايد و بس؛

پس وقتي همچون شخصيت و موجود شايسته اي را پيدا كردي، مانند پيغمبر الهي حضرت شعيب عليه السلام و ساير بزرگان دين، خود پيش قدم باش و خودت از اين پسر شايسته براي دخترت خواستگاري كن و فرصت را از دست مده، به دو فصل آتي دقت نماييد.

1- أبي حمزة الثمالي- در ضمن حديثي- گفت: كنت عند أبي جعفر عليه السلام فقال له رجل: إنّي خطبت إلي مولاك فلان بن أبي رافع ابنته فلانة فردّني و رغب عنّي وازدرأني لدمامتي و حاجتي و غربتي، فقال أبو جعفر عليه السلام اذهب فأنت رسولي إليه، فقل له: يقول لك محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب: زوّج منجح بن رياح (رباح) مولاي بنتك فلانة، ولا تردّه- إلي أن قال: ثمّ قال أبو جعفر عليه السلام: انّ رجلًا كان من أهل اليمامة يقال له: جويبر، أتي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم منتجعاً للإسلام فأسلم و حسن اسلامه، نزد ابي جعفر عليه السلام بودم مردي

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 59

به او گفت: من از دوستت (يا غلام آزاد كرده ات) فلان بن ابي رافع، دخترش فلانه را خواستگاري نمودم، مرا ردّ كرد و به خاطر قد كوتاه و نداري و غريبي، از من روي گردان شد و مرا دكّ نمود (و از من دوري جست)!؛ ابو جعفر عليه السلام فرمود: برو تو قاصد مني از طرف من و به او بگو محمد بن علي بن حسين بن علي بن ابي طالب (عليهم السلام» گفت: دخترت فلانه را به غلام من منجح بن رباح، تزويج نما و ردّش نكن‌راوي گويد:) سپس ابو جعفر فرمود: مردي از اهل يمامة كه به او جويبر مي گفتند، پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و مسلمان شد و اسلامش نيكوگرديد؛
و كان رجلًا قصيراً دميماً محتاجاً عارياً، و كان من قباح السّودان- إلي أن قال: و إنّ رسول اللّٰه صلي الله عليه و آله و سلم نظر إلي جويبر ذات يوم برحمةٍ له و رقّةً عليه فقال له: يا جويبر لو تزوجت امرأة فعففت بها فرجك و أعانتك علي دنياك وآخرتك، فقال له جويبر: يا رسول اللّٰه بأبي أنت وأمّي، من يرغب فيّ فو اللّٰه ما من حسب و لا نسب و لا مال و لا جمال، فأيّة امرأةٍ ترغب فيّ و مرد كوتاه قد و بد ريخت و محتاج و لخت و از زشتان (درجه يك) سودان بود تا فرمود: روزي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم با نظر رحمت و دلسوزي به او نگريست و فرمود: اي جويبر چه مي‌شود ازدواج كني تا به وسيله آن عفت خود را نگهداري و به دنيا و آخرت تو كمك كند (و ياري نمايد)، جويبر گفت: اي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم! پدر و مادرم فداي تو باد چه كسي به من رغبت مي‌كند (و دختر مي‌دهد): به خدا قسم نه حسبي دارم و نه نسبي، نه مالي دارم نه جمالي، كدام زني به من رغبت مي‌نمايد؛
فقال له رسول اللّٰه صلي الله عليه و آله و سلم: يا جويبر انّ اللّٰه قد وضع بالإسلام من كان في الجاهلية شريفاً، و شرّف بالإسلام من كان في الجاهلية وضيعاً، وأعزّ بالإسلام من كان في الجاهلية ذليلًا، وأذهب بالإسلام ما كان من نخوة الجاهلية وتفاخرها بعشايرها وباسق أنسابها، فالناس اليوم كلّهم أبيضهم وأسودهم وقرشيّهم وعربيّهم وعجميّهم من آدم، وانّ آدم خلقه اللّٰه من طين، وانّ أحب النّاس إلي اللّٰه أطوعهم له وأتقاهم، و ما أعلم يا جويبر لأحد من المسلمين عليك اليوم فضلًا إلّا لمن كان أتقي لِلّٰهِ منك و أطوع، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به او فرمود، اي جويبر خداوند بااسلام كساني را كه در جاهليت شريف بودند، پايين آورد و با اسلام به آنهائي كه در جاهليت پايين بودند شرف داد، و با اسلام عزيزان جاهليت را ذليل و ذليلان جاهليت را عزيز گردانيد، و با اسلام نخوت (و خود خواهي) و افتخارات عشايري و نسبي جاهليت را از ميان برداشت، پس همه مردم امروز: سياه و

سفيدشان و قرشي و عربي و عجمي شان همگي از آدم اند، و آدم را از گِل آفريد و محبوب‌ترين مردم نزد خدا، فرمان برداران و پرهيز كاران آنهاست، من نمي‌دانم اي جويبر امروز براي احدي از مسلمانها، به تو برتري داشته باشد مگر كساني كه از تو فرمان بردارتر و خود مهار كننده‌تر باشد؛

ثمّ قال، انطلق يا جويبر إلي زياد بن لُبيد (انصاري) فانّه من أشرف بني بياضة حسباً فيهم، فقل له: انّي رسول رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم إليك، و هو يقول لك زوّج جويبراً بنتك الدلفاء (الحديث) وفيه انه زوّجه ايّاها بعد ما راجع النبي صلي الله عليه و آله و سلم، فقال له: يا زياد، جويبر مؤمن والمؤمن كفو المؤمنة، والمسلم كفو المسلمة، فزوّجه يا زياد ولا ترغب عنه. سپس فرمود:

اي جويبر برو به سوي زياد بن لبيد كه از اشرف اولاد بني بياضة است از حيث حسب و نسب، به او بگو، من فرستاده رسول خدايم به سوي تو و مي‌فرمايد:

دخترت «دلفاء» را به جويبر تزويج كن (تا آخر حديث) كه او بعد از مراجعه به رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم حضرت به او فرمود: اي زياد جويبر مؤمن است و مؤمن هم كفو مؤمنة است، و مسلمان هم كفو زن مسلمان است، پس دخترت را به او تزويج كن و از او روي برمگردان (و بي اعتنائي نكن!!) پس دخترش را به جويبر تزويج نمود. «1»

2- أبان: از مردي و محمد بن فضيل هاشمي: از أبي عبد اللّه عليه السلام فرمود: الكفو أن يكون عفيفاً و عنده يسار. (معناي) كفو، عفيف بودن و زندگي مناسب داشتن است. «2»

3- عبد اللّه بن جعفر در (قرب الاسناد): از عبد اللّه بن الحسن: از جدش علي بن جعفر: از برادرش: گفت: سألته إنّ زوج ابنتي غلامٌ فيه لينٌ و أبوه لا بأس به؟ قال: إذا لم يكن فاحشة فزوّجه يعني الخنث. از او سؤال كردم همسر (خواستگار) دخترم جواني است نرم خو و پدرش نيز ايرادي ندارد؟! فرمود: اگر (پسر) فاحشة نباشد تزويج كن (معناي فاحشة در اين حديث) لواط دهنده است. «3»

البته در اين مورد شواهد تاريخي و روايت زياد هست كه فقط براي آوردن نمونه هائي از آن‌ها اكتفاء نموديم

7- خواستگار شايسته را رد نكن!

زود شوهر دادن دختر در صورتي كه خواستگار مناسب و لايق پيش آيد، از سعادت مرد و سبب آرامش روح و روان خانواده است زيرا پيرامون دختر هزار جور گرفتاري و پيشامد غير مترقبه، مي چرخد و از شرّ اين حوادث ناگهاني، جان سالم به در بردن و رهائي يافتن، از الطاف خداوند بر بنده گان است!، بدينجهت اگر براي دختر خواستگار شايسته (از جهت ايمان و اخلاق و آبرو و وسيله زندگي و ... پيدا شد، بي درنگ موافقت كردن و پاسخ مثبت دادن، لازم و ضروري است، زيرا بزرگان دين فرموده‌اند «دختر مانند ميوه درخت است اگر بموقع چيده نشود، فاسد شده و بادها خواهد پاشيد ...»!!؛ «1»

پس هيچ وقت نبايد به خاطر افكار واهي و بي پايه، بهانه‌گيري كرده و معطل شوند زيرا رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم از اين عمل نهي فرموده است به روايات آتي دقت نماييد.

1- علي بن مهزيار گفت: كتب علي بن أسباط إلي أبي جعفر عليه السلام في أمر بناته و أنّه لا يجد أحدا مثله، فكتب إليه أبو جعفر عليه السلام: فهمت ما ذكرت من أمر بناتك وأنّك لا تجد أحدا مثلك، فلا تنظر في ذلك رحمك اللّه، فإنّ رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم قال: إذا جاءكم من ترضون خلقه و دينه فزوّجوه (قلت يارسول اللّه! و ان كان دنيّاً في نسبه؟ قال اذا جائكم من ترضون خلقه و دينه فزوّجوه، إلّا تفعلوه تكن فتنة في الأرض و فساد كبير.

علي بن اسباط به ابي جعفر عليه السلام در باره دخترانش، نوشت كه مانند خودش كسي را پيدا نمي‌كند (كه به آنها تزويج نمايد)!! ابي جعفر عليه السلام به او مرقوم فرمود: آنچه در باره دخترانت نوشته بودي و اين كه مثل خودت را نمي‌يابي، فهميدم پس منتظر نباش خدايت رحمت كند، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: وقتي از اخلاق و ديندار ي

كسي راضي هستيد، تزويج كنيد، گفتم اي رسول خدا اگرچه از حيث نسب پست هم باشد؟! فرمود: اگر نكنيد در زمين فتنه و فساد بزرگي مي‌شود (و آبروها به خطر مي‌افتد). «1»

2- عيسي بن عبد اللّه، از پدرش، از جدش، از علي (عليه السلام) فرمايش رسول خدارا، مطابق اين روايت آورده است.

جمله «وإن كان دَنِيّاً في نسبه؟» با عبارت «ايّاكم و خضراء الدّمن قيل: يا رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم وما خضراء الدّمن؟ قال: المرأة الحسناء في منبت السوء. «2»

« منافات ندارد زيرا در روايت بالا از پستي و دنائت خانواده سؤال شده است يعني خانواده‌اي كه از نظر شرافت نسب با اين شخص هم طراز نيست اما از جهت دينداري و اخلاق رضايت بخش باشد، ولي در روايت اخير از زن زيبائي كه در خانواده بد و دور از ايمان و اصالت و نجابت، روئيده و پرورش يافته صحبت شده است.
3- إبراهيم بن محمد همداني گويد: به أبي جعفر (عليه السلام) در باره تزويج نوشتم، نوشته آن حضرت با خط خودش براي من آمد: قال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم إذا جاءكم (أتاكم) من ترضون خلقه ودينه فزوّجوه، إلّا تفعلوه تكن فتنة في الأرض و فساد كبير. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: زماني كه به شما آمد كسي كه به اخلاق و دينش راضي هستيد (به او دخترتان را) تزويج نماييد وگرنه زمين را فتنه و فساد بزرگ فرا مي گيرد! (زيرا بيشتر مردم براي فرو نشاندن فوران شهوت خود، به افسار گسيختگي رو آورده و به آميزش جنسي نامشروع متوسل مي شوند). «3»
4- حسين بن بشار واسطي گويد: به أبي جعفر (عليه السلام) نوشتم و از نكاح؟ سؤال نمودم (به من پاسخ داد و) نوشت: من خطب إليكم فرضيتم دينه و أمانته فزوّجوه، إلّا تفعلوه تكن فتنة في الأرض و فساد كبير. هركس به شما براي خواستگاري آمد كه به ديانت و امانت داريش راضي شديد، پس به او زن دهيد وگرنه در زمين فتنه و فساد

بزرگ مي شود (و به وقوع مي پيوندد!). «1»
5- امام رضا عليه السلام فرمود: إن خطب إليك رجل رضيت دينه وخلقه فزوّجه، ولا يمنعك فقره وفاقته، قال اللَّه تعالي: «وإن يتفرّقا يغن اللَّه كُلًّا من سعته» وقال: «إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم» ولا يتزوّج شارب خمر فانّ من فعل فكأنّما قادها إلي زنا. اگر مردي از تو خواستگاري نمود كه به دين و اخلاقش راضي هستي، به او تزويج نما و فقر ونداري او مانع اين كار نشود، زيرا خداوند فرموده است «اگر از همديگر جدا شدند خدا هردو را از وسعت رزق توانگر نمايد» و باز فرمود: «اگر ندار بودند آنها را از فضل خود غني سازد و خداوسعت دهنده و داناست» ولي به شرابخوار دختر ندهيد، اگر اين كار را بكنيد مانند اين است كه آن دختر را به زنا واداشته است! «2

8- خانم گردن بند مرد است

گردن بند براي بانوان، نمود زيبائي و زينت وجودي اوست كه سبب جلب توجه همسر و رغبت بيشتر شوهر ميباشد و چون گردن بند از ابزار زينتي مورد علاقه خانمهاست و به گردنش پيچيده و حلقه زده و محكم چسبيده است، نمي توان به سادگي از گردن او باز كرد و جدا ساخت!!

پر واضح است كه خانم ها نيز هنگام خريد گردن بند، به تمام زواياي آن بطور كامل دقت مي كنند تا از هر جهت مورد پسند و براي جلب توجه همسر، مفيد باشد.

و براي اينكه مرد بعد از اجراي عقد بازن، زندگيشان باهم گره مي خورد و بهم مي پيچد و به اصطلاح، من و تو «ما» مي شود بدينجهت به آساني از همديگر گشوده نمي گردد.

اين كه مي بينيم در بعضس از روايات، زن را گردن بند مرد، ناميده با اين تشبيه به اهميت موضوع و دقت كافي در انتخاب آن، اشاره مي نمايد؛

آن گونه كه خانمها براي خريد گردن بند به تمامي ابعاد آن دقت مي نمايند، مرد هم

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 64

حد اقل به همان اندازه، بايد در انتخاب و برگزيدن شريك زندگي اش دقيق باشد و هشيار، تا بعدها از كار خود پشيمان نشود و خود را مورد ملامت و مذمت قرار ندهد زيرا رها كردن و از گردن گشودن اين گردن بند بعد ها هزاران مكافات دارد!.

1- عبد اللَّه بن مسكان (سنان): از بعض أصحابش گفت: شنيدم أبا عبد اللَّه عليه السلام مي‌فرمود: انما المرأة قلادة فانظر «ما تتقلّد» الي ما تقلّده قال و سمعته يقول: ليس للمرأة خطر لا لصالحتهن ولا لطالحتهن، أما صالحتهن فليس خطرها الذّهب والفضّة، بل هي خير من الذهب والفضة، واما طالحتهن فليس التراب خطرها بل التراب خير منها. همانا زن گردن بند است ببين كهِ را به گردن مي‌آويزي، و گفت: شنيدم امام مي‌فرمود: البته زن قيمت ندارد، خوبانش طلا و نقره قيمتش نمي‌شود بلكه از زر و سيم بهتر (و پر قيمت‌تر) ند و بدانش به خاك هم نمي ارزد چون خاك از او بهتر است. «1»

2- ابراهيم كرخي به امام صادق عليه السلام گفت: مي‌خواهم ازدواج كنم فرمود: أنظر أين تضع نفسك و من تشركه في مالك و تطلعه علي دينك و سرّك فان كنت لابدّ فاعلًا فبكراً تنسب الي الخير و الي حسن الخلق (هشيار باش) ببين جانت را كجا مي‌گذاري و كهِ را شريك مالت كرده و او را به دينت و سرّت آگاه مي‌نمائي پس اگر از ازدواج ناچاري به سراغ

باكره برو هم به خوبي منسوب شوي و هم به اخلاق خوب (يعني ازدواج با دختر باكره خوبي و حسن خُلق را برايت به ارمغان مي‌آورد). «2»
3- قال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: أنكحوا الأكفاء وانكحوا فيهم واختاروا لنطفكم. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: با هم طرازان خود ازدواج كنيد و براي آنها زن دهيد و بر نطفه‌هاي خود (ظرف) مناسبي اختيار نماييد. «3»
4- باز فرمود: اختاروا لنطفكم فانّ الخال أحد الضّجيعين براي نطفه هايتان (جاي) مناسب اختيار كنيد زيرا دائي يكي از هم بستران است (يعني بچه به دائيش

مي‌رود. «1»
5- در خبر ديگر: تخيّروا لنطفكم فانّ الأبناء تشبه الأخوال (مواظب باشيد) به نطفه هايتان رحِمِ مناسب پيدا كنيد چون بچه شبيه دائي هايشان مي‌شود. «2»
6- فضل بن محمد، ازمجاشعي، از محمد بن جعفر، از پدرش أبي عبداللَّه عليه السلام واز مجاشعي، ازامام رضا عليه السلام، از پدرانش عليهم السلام رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: النكاح رقّ، فإذا أنكح أحدكم وليدته فقد أرقّها، فلينظر أحدكم لمن يرقّ كريمته. ازدواج نوعي بردگي است پس وقتي كه يكي از شما فرزند (دختر) ش را به زني مي دهد، در واقع او را برده نمود، پس حتماً نگاه كند، فرزن گرامي خود را برده چه كسي قرار مي دهد!. «3

9- ازدواج با دختران باكره

پر واضح است كه انسان عاقل سعي و كوشش فراوان مي كند تا براي همسري و همسرّي خود: فرد دست نخورده و شايسته و سر به مهري را: انتخاب نمايد زيرا در اين صورت است كه طرفين: چشم باز مي‌كنند و فقط يكديگر را مي‌بينند و بر اخلاقيات و روحيات همديگر: عادت مي‌كنند، براي اينكه قبلاً فرد ديگري را نديده و افت و خيز نكرده‌اند اما اگر با فرد بيوه و دست خورده ازدواج نمايد احتمال ندامت و پشيماني را در آينده نزديك يا دور در پي خواهد داشت.

البته روايات فصل‌هاي بعدي يك نوع راهنمائي و امتياز دادن است نه اين كه بانوان بيوه يا زشت رو يا ضعيف اندام وو ... در خانه بمانند و كسي با آنها ازدواج نكند.

1- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم شنيد جابر بن عبداللَّه انصاري با زن بيوه ازدواج نموده است، فرمود: هلّاتزوّجت بكراً (تداعبها و تداعبك «4») تلاعبها و تلاعبك «5» (و تضاحكها و

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 66

تضاحكك) «1»

چرا بادختر باكره ازدواج نكردي كه، تو با او شوخي نمائي و او با تو، تو با او بازي كني و او باتو، تو او را بخنداني و او تورابخنداند.

2- رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: تزوّجوا الأبكار فإنّهن أطيب شيئ أفواهاً. قال: (وفي حديث آخر) وأنشفه أرحاماً، وأدرّ شئ اخلافاً، وأفتح شئ أرحاماً، أما علمتم انّي اباهي بكم الأمم يوم القيامة حتي بالسّقط يظلّ محبنطئاً علي باب الجنّة، فيقول اللَّه عزوجل: ادخل (الجنّة)، فيقول لا أدخل حتي يدخل ابواي قبلي فيقول اللَّه تبارك وتعالي لملك من الملائكة: ائتني بأبويه فيأمر بهما إلي الجنّة، فيقول: هذا بفضل رحمتي لك.

با دختران باكره ازدواج كنيد! زيرا آنها پاك دهانند و در حديث ديگر فرمود: و نظيف ارحام و پربار و (پرجانشينان و) باز رَحِمْ اند، آيا نمي‌دانيد من با شما به امت‌هاي ديگر، مباهات مي‌كنم حتي سقط شده‌ها كه در جلوي دَرِ بهشت با حال غضب مي‌ايستند خداي عزّ و جلّ مي‌فرمايد: داخل بهشت شويد!، گويند: نه، تا پدر و مادرم داخل شوند! خداي تبارك وتعالي به فرشته‌اي از فرشتگان مي‌فرمايد، والدين او را بياور و امر مي‌كند داخل بهشت شويد پس به او مي‌فرمايد: اين از فضل و رحمت من است برتو. «2

10- ازدواج با فراخ چشمان گندمگون و ...

در حديث آمده است انّ اللَّه جميلٌ يحبّ الجمال خداوند زيباست و زيبائي را دوست دارد، اين خصلت خدائي در بندگانش هم تبلور يافته است، انسان هميشه به مخلوق زيبا از هرجنس و هرنوع باشد، دل مي‌بندد و علاقه‌مند مي‌شود زيرا زيبائي يكي از نعمت‌هاي استثنائي خداست و يكي از سه چيز زداينده و از بين برنده: غم و اندوه است «3»؛
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 67
بدين خاطر در روايات تأكيد شده است با زيبارويان، شهلا چشمان، خنده رويان، سفيداندامان، خوشبويان و مو بلندان وو ... بالأخرة با خوش سيرتان و خوش صورتان، ازدواج كنيد و زندگي ايده آل براي خود بسازيد!! به احاديث فصل هاي بعد دقت نمائيد.
1- مالك ابن اشيم: از بعض رجالش: از أبي عبد اللَّه عليه السلام روايت مي كند فرمود: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: تزوّجوا سمراء عيناء عجزاء مربوعة فإن كرهتها فعليّ مهرها. با بانوي گندمگون و فراخ چشم و باسن درشت و ميان بالا: ازدواج كنيد اگر خوشت نيامد مهرش به گردن من (من مهرش را مي‌پردازم). «1»
2- عبد اللَّه بن المغيرة گفت: شنيدم أبي الحسن عليه السلام مي‌فرمود: عليكم بذوات الأوراك، فإنّهنّ أنجب. برشما باد بانوان درشت اندام، آن‌هادلچسب ترند (و نجيبان). «2»
3- أحمد بن محمد بن عبد اللَّه گفت: امام رضا عليه السلام به من فرمود: إذا نكحت فانكح عجزاء. زماني كه (خواستي) ازدواج كني با زن كف پر گوشت (توپل موپل) ازدواج كن. «3»
4- أمير المؤمنين عليهم السلام فرمود: من أراد الباه فليتزوج امرأة قريبة من الأرض بعيدة ما بين المنكبين، سمراء اللون، فان لم يحظها فعليّ مهرها هركس اراده ازدواج نمايد باخانم نزديك به زمين (كوتاه قامت) و چهار شانه و گندمگون ازدواج كند اگر او را نپسنديد مهريه‌اش به گردن من!!. «4»

11- ازدواج باخوشبويان

1- أحمد بن أبي عبد اللَّه: عن بعض أصحابنا قال: كان النبي (صلي الله عليه و آله و سلم) إذا أراد تزويج

امرأة بعث من ينظر إليها و قال للمبعوثة: شمّي ليتها، فان طاب ليتها طاب عرفها، و انظري كعبها فإن درم كعبها عظم كعثبها. اگر اراده ازدواج داشت زني را مي‌فرستاد تا زن مورد نظر را بر رسي كند و مي‌فرمود: پشت گردنش را بوكن اگر خوشبو باشد خودش نيز خوش بو است اگر بند يا غوزك پايش پر گوشت باشد خودش ... هم پرگوشت است. «1

12- ازدواج با سفيد اندام و ..

1- بكر بن صالح: از بعض أصحابش: از أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: من سعادة الرجل أن يكشف الثوب عن امرأة بيضاء. از خوش بختي مرد است لباس زن سفيد را كنار زند (يعني با زن سفيد اندام ازدواج نمايد). «2»
2- أبي أيوب الخراز (الخزّاز) از أبي عبد اللَّه عليه السلام قال: انّي جرّبت جواري بيضاء و ادماء فكان فيهن بون. بردگان سفيد و سرخ گونه را تجربه نمودم، در آنها بود فاصله زياد. «3»
3- سكوني: از أبي عبد اللّه عليه السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: تزوّجوا الزّرق فإن فيهنّ اليُمن (فيهنّ يُمناً) فانّ لهنّ البركة.
با زنان كبود چشم (زاغ چشم) ازدواج كنيد در آنها يمن و بركت هست. «4

13- ازدواج با خنده رويان مو بلند!

1- محمد بن ابي القاسم: از پدرش تا از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) فرمود: المرأة الجميلة تقطع البلغم، والمرأة السوداء تهيّج المرّة السوداء. زن زيبا بلغم را از بين مي برد و زن سياه صفراء سياه را به هيجان مي آورد. «1»

2- محمد بن عبد الحميد: از بعض اصحابش از أبي عبد اللَّه عليه السلام أنه شكا إليه البلغم فقال: أما لك جارة تضحك (تضحكك)؟ قال: قلت: لا، قال: فاتّخذها فإنّ ذلك يقطع البلغم شكايت از بلغم كرد! فرمود: آيا برده (كنيز) خنده رو نداري (كه ترا بخنداند)؟! گفتم:

نه، فرمود: خنده رو بگير كه بلغم را از ميان بر مي‌دارد. «2»

3- محمد بن علي بن حسين عليهم السلام فرمود: إذا أراد أحدكم أن يتزوج فليسأل عن شعرها كما يسأل عن وجهها فانّ الشَّعر أحد الجمالين. هروقت كسي از شما خواست ازدواج كند از مويش پرس و جو نمايد چون مو يكي از دو زيبائي است (صورت و مو). «3»

4- عيون أخبار الرضا: از پدران بزرگوارش عليهم السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:

اطلبوا الخير عند حسان الوجوه، فإنّ فعالهم أحري أن يكون حسنا. خير (و بركت) را در زيبارويان بجوييد، چون رفتار آنها شايسته زيبا بودن است (و نيكو بودن را مي طلبد). «4»

5- إبراهيم بن عبد الحميد: از أبي الحسن اول عليه السلام فرمود: ثلاث يجلين البصر: النظر إلي الخضرة، والنظر إلي الماء الجاري، والنظر إلي الوجه الحسن. سه چيز چشم را جلا دهد،

1- به سبزه‌ها نگريستن،

2- نگاه به آب روان،

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 70

3- و تماشا به روي زيبا. «1»

توجّه: در بعضي از روايات از سياه چردگان تعريف و در اين فصل از زيبارويان تمجيد شده است منظور اين است كه سياه صورتان ولود از زيبارويان نازا مقدم‌تر است و همچنين سياه دين مدار بر زيباي بي دين مزيّت و برتري دارد

14- ازدواج باخانم ولود

يكي از علت‌هاي مهم تشكيل خانواده و ازدواج، به وجود آوردن اولاد و سوت كور نبودن خانه هاست و اينكه بقاي نسل و جانشين هر آدمي از همه چيز برايش مهم تر است؛

فراوان ديده‌ايم كه اگر كسي مدتي بعد از ازدواج بفهمد، بچه دار نمي شود، خود را به هر دري مي زند و حتي حاضر است از هستي اش، دست بردارد تا داراي فرزند و يادگاري از خود باشد؛

پس اولاد در زندگي حرف اول را مي زند، بدينجهت است كه در روايات و فرمايش بزرگان، سفارش فراوان شده است كه با بانوي زاينده ازدواج شود و با بجا گذاشتن نشانه هائي از خود، به درود زندگي گفته و از اين پُل عبور نمايد.

1- علاء بن رزين: از محمد بن مسلم: از أبي جعفر عليه السلام گفت: رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم فرمود تزوّجوا بكراً ولوداً، ولا تزوّجوا حسناء جميلة عاقراً، فإنّي أباهي بكم الأمم يوم القيامة. با دختر باكره و زاينده ازدواج كنيد و با زيباي نازا ازدواج نكنيد من در قيامت با شما به امت‌ها مباهات مي‌كنم. «2»

2- سليمان بن جعفر الجعفري: از أبي الحسن الرضا عليه السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به مردي فرمود: تزوّجها سوءاء ولوداً، ولا تزوّجها جميلة حسناء عاقراً، فانّي مُباهٍ بكم الأمم يوم القيامة أما علمت ان الولدان تحت العرش يستغفرون لآبائهم يحضنهم إبراهيم، و تربّيهم سارة في جبل من مسك و عنبر و زعفران. با سياهان زاينده وصلت كن و با نازاهاي زيبا وصلت ننما، من در قيامت به امت‌ها با شما افتخار مي‌كنم، آيا

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 71

نمي‌داني كودكان در زير عرش برپدرانشان استغفار مي‌كنند و ابراهيم عليه السلام آنها را سرپرستي مي‌كند و سارا در كوهي از مشك و عنبر، تربيتشان مي‌نمايد؟!. «1»

3- إسماعيل بن عبد الخالق: از كسي كه به او گفته است گفت: شكوت إلي أبي عبداللّه عليه السلام قلّة وُلدي، وانّه لا وَلَدَ لي، فقال لي: إذا أتيت العراق فتزوج امرأة، ولا عليك أن تكون سوءاء قلت: جعلت فداك، و ما السوءاء؟ قال: امرأة فيها قبح فإنّهن أكثر أولاداً. به ابي عبداللّه عليه السلام از كمي اولادم شكايت بردم و اين كه بچه ندارم، فرمود: وقتي كه به عراق رفتي بازني ازدواج كن (وسعي كن) سؤآباشد، گفتم: فدايت شوم سؤآء چيست؟! فرمود: زني كه در او زشتي (و بدگِلي باشد) چون آنها

پراولادند. «2»
4- امام صادق عليه السلام فرمود: اعلموا أنّ السّوءاء اذا كانت ولوداً أ حبّ اليّ من الحسناءالعاقر. بدانيد (اگر زن بدگل و) زشت، زاينده باشد براي من محبوب‌تر از زيباي نازاست. «3» به فصل‌هاي بعد دقت فرماييد

پرهيز از وصلت چه کساني!

اشاره

در فصل‌هاي گذشته کراراً گفته‌ايم و در آينده نيز به مناسبتهائي خواهيم گفت، هنگام ازدواج و دختر دادن و زن گرفتن، بايد خيلي هشيار بود و دقت کافي به عمل آورد با چگونه شخصي زندگي خواهيد کرد که بعدها گرفتار ندامت و پشيماني نگرديد

1- عدم ازدواج باخانم نازا

در فصل قبل گفتيم: برقراري و پايداري نظام زندگي: با وجود اولاد و فرزند است:
خانه‌اي كه صداي بچه‌اي (خواه گريه و خواه خنده‌اش) بلند نشود آن خانه سوت كور و خانه خاموش است، بدينجهت در روايات وارده، تأكيد بر اين است تا سرحد امكان با زن ولود ازدواج نمايند اگرچه بدگل و زشت رو باشد و از ازدواج با زن نازا
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 72
بپرهيزند اگرچه خوشگل و زيبا باشد به دوفصل بعد توجه نماييد.
1- عبد اللَّه بن سنان: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: جاء رجل إلي رسول‌اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فقال: يا نبيّ اللَّه إنّ لي ابنة عمّ لي قد رضيتُ جمالها وحسنها و دينها ولكنّها عاقر؟ فقال: لا تزوّجها إنّ يوسف بن يعقوب لقي أخاه فقال: يا أخي كيف استطعت أن تزوّج النساء بعدي؟! فقال:
إنّ أبي أمرني فقال: إن استطعت أن تكون لك ذرية تثقل الأرض بالتسبيح فافعل، قال:
وجاء رجل من الغد إلي النبي صلي الله عليه و آله و سلم فقال له مثل ذلك فقال له: تزوج سوءاء ولودا، فإني مكاثر بكم الأمم يوم القيامة. قال: فقلت لأبي عبد اللَّه عليه السلام ما السوءاء؟ قال: القبيحة. مردي پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و گفت: اي پيغمبر خدا من دختر عموئي دارم داراي مال و جمال و دين است اما نازا است (مي‌خواهم با او ازدواج كنم؟) فرمود: با او ازدواج نكن چون يوسف بن يعقوب برادرش (بنيامين را) ملاقات كرد و گفت: چگونه دلت خواست بعد از من ازدواج كني (و مشغول عيش و لذت شوي؟!) گفت: پدرم مرا امر كرد و فرمود: اگر مي‌تواني در روي زمين ذريه‌اي داشته باشي كه تسبيح خدا گويد، اين كار را بكن؛
فرداي آن روز نيز مردي آمد و همان را گفت، و به او نيز فرمود: زن ولود (وزاينده) بگير من در قيامت با شما به امّت‌ها مباهات مي‌كنم، من از ابي عبداللَّه عليه السلام پرسيدم «سوآء» چيست؟ فرمود: زشت (يعني با زن زاينده اگرچه زشت هم باشد ازدواج كنيد و از زن نازاي زيبا بپرهيزيد). «1»
2- خالد بن نجيح: از أبي عبد اللَّه عليه السلام قال: تذاكروا الشؤم عند أبي عليه السلام فقال: الشؤم في ثلاث في المرأة والدّابة و الدّار، فأما شؤم المرأة فكثرة مهرها، و عقم رحمها. در باره شومي‌ها نزد امام صادق عليه

السلام گفتگو شد فرمود: شومي در سه چيزاست در زن و مركب و خانه، اما شومي زن، زيادي مهر او و نازائي رَحِم اوست. تا آخر روايت. «2»

3- محمد بن علي بن حسين گفت: امام عليه السلام فرمود: اعلموا أن السوداء إذا كانت ولوداً أحب إليّ من الحسناء العاقر. بدانيد اگر زن سياه زاينده باشد براي من دوست

داشتني‌تر از زن زيباي نازاست. «1»

2- عدم ازدواج باخانم پير

1- محمد بن علي بن حسين گفت: امام صادق عليه السلام فرمود: ثلاثة يهدمن البدن و ربما قتلن: .... و نكاح العجائز. سه چيز بدن را به ويراني (وتباهي و نابودي) مي‌كشد و اي بسا مي‌كُشد ... و ازدواج با زن پير. «2»
2- أحمد بن أبي عبد اللَّه البرقي در كتاب (المحاسن) گفت: از ابي عبد اللَّه عليه السلام روايت شده است فرمود: ثلاثة يهزلن البدن و ربما قتلن- إلي أن قال: ونكاح العجائز سه چيز بدن را لاغر (وناتوان) مي‌كند و اي بسا به كام مرگ مي‌برد- تا اينكه گفت: و ازدواج با زنان پير. «3»

3- بدترين‌بانوان

در فصل (بهترين زنان) رواياتي گذشت و گفتارهائي سپري شد، حالا نوبت دانستن بدترين زنان و نشانه‌هاي آنهاست توجه فرمائيد.
1- مسعدة بن زياد: از جعفر بن محمد از پدرش عليهما السلام فرمود: النساء أربعة أصناف:
فمنهنّ ربيعٌ مُرْبَعٌ، و منهنّ جامعٌ مُجْمَعٌ، ومنهنّ كَرْبٌ مُقْمَعٌ و منهنّ غلٌّ قَمِلٌ.
زنها چهار صنف اند؛
الف- زني كه هر وقت به او نگاه كني شادت نمايد و اگر چيزي به او دهي (كم يا زياد باجان و دل) مي‌پذيرد، (و مانند بهار، بهار آفرين و زندگي را هميشه بهار مي‌كند)؛
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 74
ب- گرد آورنده و به دور خود جمع كننده و با بركت باشد (و اعضاي خانواده را زير بال و پر خود مي‌گيرد)؛
ج- گرفتاري آور و ريشه برانداز باشد (همه را از دور خود فراري داده و زندگي را از هم مي‌پاشد)؛
د- مانند كنه و شپش به بدن مي‌چسبد (و آدمي را مثل خوره مي‌خورد و از پا در آورده و فاتحه خوشي و كاميابي را مي‌خواند). «1»
2- أبي حمزة: از جابر بن عبد اللَّه گفت: شنيدم رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: ألا اخبركم بشرار نسائكم؟ الذّليلة في أهلها، العزيزة مع بعلها، العقيم الحقود التي لاتتورّع من قبيح، المتبرّجة اذا غاب عنها بعلها، الحصان معه ذا حضر، لاتسمع قوله، و لاتطيع أمره، و إذا خلا بها تمنّعت منه كما تمنّع الصعبة عند ركوبها، و لاتقبل منه عذراً و لاتغفر له ذنباً آيا به شما خبر ندهم بدترين زنانتان را؟!
1- (زني كه) در ميان خانواده‌اش ذليل است و (در خانه) با شوهر عزيز (و فخر) فروش؛
2- نازا و كينه توزي كه از زشتي‌ها نپرهيزد؛
3- در زمان غيبت شوهرش (آرايش كرده و پرده دري نموده و) خود را در ديد (مردم) قرار دهد، و در حضور شوهرش با حجاب جلوه كند؛
4- حرف شنو نباشد و از او فرمان نبرد؛
5- در خلوتگاه مانند مركب چموش، (از نزديكي شوهر) ممانعت نمايد و هيچ عذري را از او نپذيرد (و از خطايش در نگذرد). «2»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 75
3- سكوني: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: كان من دعاء رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: أعوذ بك من امرأة تشيبني قبل مشيبي. از

دعاهاي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم بود خدايا به تو پناه مي‌برم از (شرّ) زني كه مرا پيش از رسيدن زمان پيري، پيرم كند (و پيري زود رس براي من تحميل نمايد و به ارمغان آورد). «1»
4- عبد اللَّه بن سنان گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: شرار نسائكم المقفرة الدّنسة اللجوجة العاصية، الذليلة في قومها، العزيزة في نفسها، الحصان علي زوجها، الهلوك علي غيره. بدترين زنان، شمابايز (و خشك و بي بهره) و آلوده ولجباز و عصيانگر است كه در فاميل خود ذليل و در خودپسندي عزيز باشد، و برشوهرش، خود نگهدار و بر ديگران نرم (و زود تسليم شونده شود!). «2»
5- اصبغ بن نباتة گويد: از أمير مؤمنان (عليه السلام) شنيدم مي فرمود: يظهر في آخر الزمان واقتراب الساعة و هو شرّ الأزمنة، نسوة كاشفات عاريات متبرّجات من الدّين خارجات في الفتن داخلات مائلات إلي الشهوات، مسرعات إلي اللذات، مستحلات المحرمات، في جهنم خالدات در آخرالزّمان و نزديك قيامت كه بدترين زمان هاست، ظاهر مي شود زنان مكشفه و لخت و خود نشان دهنده، از دين بيرون رونده و بر فتنه‌ها داخل شونده، ميل كننده به شهوتراني و سرعت گيرنده بر لذتهاي (حرام) حرام‌ها را حلال و (نهايت اين اعمال) در جهنم هميشه سوزان خواهند بود!. «3»
6- ابي حمزه ثمالي، از أبي جعفر عليه السلام فرمود: كان في بني إسرائيل رجل عاقل كثير المال، وكان له ابن يشبهه في الشمائل من زوجة عفيفة، وكان له ابنان من زوجة غير عفيفة فلمّا حضرته الوفاة قال لهم: هذا مالي لواحد منكم، فلمّا تُوُفِّيَ قال الكبير أنا ذلك الواحد، وقال الأوسط: أنا ذلك، وقال الأصغر: أنا ذلك، در بني اسرائيل مرد خردمند و پولداري بود و او از زن پاكدامن پسري داشت كه شبيه خودش بود و دو پسر از زن ناپاك

داشت!،
هنگامي كه مرگش فرا رسيد به آنها گفت: اين مال من متعلق به يكي از شماهاست، وقتي كه وفات كرد برادر بزرگ گفت: آن يكي منم و برادر وسطي گفت: منم و كوچك هم گفت: منم؛
فاختصموا إلي قاضيهم قال: ليس عندي في أمركم شئ انطلقوا إلي بني غنام الإخوة الثلاث فانتهوا إلي واحد منهم فرأوا شيخاً كبيراً فقال لهم: ادخلوا إلي أخي فلان فهو أكبر مني فأسألوه، فدخلوا عليه فخرج شيخ كهل فقال: سلوا أخي الأكبر منّي، فدخلوا علي الثالث فإذا هو في المنظر أصغر فسألوه أوّلًا عن حالهم ثمّ مبيّناً (لهم) فقال: أما أخي الذي رأيتموه أولا هو الأصغر وإنّ له امرأة سوء تسوؤه وقد صبر عليها مخافة أن يبتلي ببلاء لا صبر له عليه فهرمته، و أما الثاني أخي فانّ عنده زوجة تسوؤه و تسرّه فهو متماسك الشباب، وأما أنا فزوجتي تسرّني ولا تسوؤني لم يلزمني منها

مكروه قط منذ صحبتني فشبابي معها متماسك، پس پيش قاضي براي مرافعه رفتند، او گفت: در اين باره من چيزي ندارم بگويم برويد در (طايفه) بني اغنام پيش سه برادر (معروف)، پيش يكي رفتند ديدند پيرمرد بزرگسالي است (قضيه را گفتند) گفت: برويد پيش برادر بزرگم فلاني از او سوال كنيد، رفتند پيش او ديدند مرد ميانسالي بيرون آمد و گفت: برويد پيش برادر بزرگتر از من، رفتند پيش او ديدند از همه كوچكتر به نظر مي آيد (تعجب كردند و) اول از حال خود آنها پرسيدند كه اين قضيه چگونه است؟! سپس جريان خود را بيان نمودند؛

گفت: اما برادري كه اول ديديد درست است او برادر كوچك ماست اما چون زن بدي دارد كه با او بدرفتاري مي كند و او تحملش مي نمايد كه مبادا به بلاي بدتر از او گرفتار آيد كه غير قابل تحمل باشد و او را پيرنموده (و به آن روز انداخته كه ديديد)!.

و برادر دومي زني دارد كه او را غمگين و خوشحال مي نمايد كه (متعادل مانده است) ولي من زني دارم كه هيچ وقت مرا اذيت نمي كند و شاد نگهميدارد و از روزي كه ازدواج كرديم، او مرا آسيبي نرسانده است و جواني ام به خاطر او سالم مانده است!.

وأما حديثكم الذي هو حديث، أبيكم انطلقوا أوّلًا وبعثروا قبره واستخرجوا عظامه وأحرقوها

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 77

ثم عودوا لأقضي بينكم. فانصرفوا فأخذ الصبي سيف أبيه وأخذ الإخوان المعاول فلما أن همّا بذلك قال لهم الصغير: لا تبعثروا قبر أبي وأنا أدع لكما حصّتي فانصرفوا إلي القاضي فقال:

يقنعكما هذا، ائتوني بالمال فقال للصغير: خذ المال، فلو كانا ابنيه لدخلهما من الرقّة كما دخل علي الصغير. واما سرگذشت شما با پدرتان، برويد اول قبر او را بشكافيد و استخوان هايش را در آورده و بسوزانيد و برگرديد تا در ميان شما قضاوت نمايم؛

برگشتند و برادر كوچك شمشير پدر را برداشت و آن دو برادر كلنگ برداشتند تا قبر را بشكافند، برادر كوچك گفت: قبر پدرم را نشكافيد و من حق (ارث پدرم را) به شما واگذ ار نمودم،

به سوي قاضي برگشتند و جريان را گفتند: قاضي دستور داد مال پدر را بياوريد اين قصه براي بيان حكم كافي است! به برادر كوچك گفت: مال براي توست زيرا اگر آنها هم فرزندان او بودند، مانند كوچك تر دلشان مي سوخت. «1»

8- و فرمود عليه السلام: شرّ الأشياء المرأة السّوء بدترين چيزها زن بد است!. «2»

9- از ابي عبداللّه عليه السلام فرمود: لو لا النساء لَعُبِدَ اللّهُ حقّاً حقّاً. اگر زنها (ي بد و منحرف) نبود، خداوند به حق پرستيده مي‌شد. «3

4- خطرناك‌ترين دشمن

خدا نكند كه همسر آدم دشمنش باشد چون دشمني كه شب و روز در كنارت باشد و با هم زندگي بكند، به مراتب خطرناك‌تر از دشمني است كه دور از تو زندگي نمايد زيرا از دوّمي هميشه در حذري و هوشيار، اگر در دور و برت ديده شود، براي دفاع از خود آماده‌اي، اما اوّلي، چون در نهان و آشكار و وقت و بي وقت، با او در افت و خيزي، هر گاه بر عليه تو، تصميم بد بگيرد، مي‌تواند در اسرع وقت، اجراء نمايد، بدينجهت است كه در صورت اختلاف عميق ميان زن و شوهر، زن براي شوهرش بدترين و غالب‌ترين دشمن به حساب مي‌آيد.

خداوند متعال مي‌فرمايد: «يا أيّهالّذين آمنوا انّ من أزواجكم و أولادكم عدوّاً لكم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فانّ اللّه غفورٌ رحيمٌ اي كساني كه ايمان آورده‌ايد! بعضي از همسرانتان و فرزندانتان دشمنان شما هستند از آنها برحذر باشيد؛ و اگر عفو كنيد و چشم بپوشيد و ببخشيد (خدا شما را مي‌بخشد) چرا كه خداوند بخشنده و مهربان است.» «1»

1- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: أغلب أعداء المؤمنين زوجة السّوء. پيروزترين دشمن مؤمنان همسر بد است!. «2»

2- عبد اللّه بن سنان: از أبي عبد اللّه عليه السلام فرمود: أغلب الأعداء للمؤمن زوجة السوء. غالب ترين دشمن‌ها براي مؤمن، همسر بد است. «3

5- بهترين و بدترين مردان!

ميان بانوان و آقايان، هم خوباني وجود دارد و هم بداني، پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم براي شناختن آنها فرمايشاتي دارد!.
رسول خدا در ضمن حديثي فرمود: ألا اخبركم بخيار رجالكم؟ قلنا: بلي يا رسول اللّه، قال: إنّ من خير رجالكم التّقي النّقي السّمح الكفّين السّليم الطّرفين، البرّ بوالديه، ولا يلجئ عياله إلي غيره، ثم قال: ألا اخبركم بشر رجالكم؟ فقلنا: بلي فقال: إنّ من شرّ رجالكم البهات البخيل الفاحش، الآكل وحده، المانع رفده، الضارب أهله و عبده، الملجئ عياله إلي غيره، العاق بوالديه. آيا به شما خبر دهم از (صفات) بهترين مردانتان؟! گفتيم: بلي اي رسول خدا، فرمود: بهترين مردان شما، پرهيزكار و صاف و دست باز و هردو طرف سالم‌الوجود به والدين نيكوكار باشد، و عيال خود را به پناه ديگران وادار نسازد (و زيردست قرار ندهد)؛
سپس فرمود: آيا به بدترين مردانتان خبر ندهم؟ گفتيم: بلي اي رسول خدا، فرمود:
از بدترين مردان شما، افترا گوينده و بخيل و دريده و تنها خورنده و مانع شونده از
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 79
خيرش (خيرش به كسي نرسد) و (كتك) زننده به زن و خدمتكارش باشد و عيال (و زير دستان خود را) به ديگران بسپارد. «1

6- كراهت ازدواج فاميلي!

در رابطه با ازدواج فاميلي، روايات دوگونه آمده است،
1- مستحب است و خوب،
محمد بن علي بن حسين گفت: علي بن حسين سيد العابدين عليهما السلام فرمود: من تزوّج اللّٰه و لصلة الرحم توّجه اللّٰه بتاج الملك (والكرامة). هركس به خاطر خدا و به احترام رَحِمْ (و خويشاوندي) ازدواج كند، خداوند با تاج ملك و كرامت او را تاجدار مي‌نمايد. «2»
2- مكروه است و ممنوع،
رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: «لاتنكحوالقرابة القريبة فانّ الولد يخرج ضاوياً اي نحيفاً. با نزديكترين نزديكان ازدواج نكنيد زيرا بچه ضعيف و ناتوان به دنيا مي‌آيد. «3»
مضمون دو روايت بالا، هر كدام به يك بُعد زندگي نظارت دارد!،
اولي: براي استحكام بخشيدن به زندگي فاميلي و اقربائي، و جلوگيري از گسستن زنجير ايل و تباري و پاره شدن شيرازه عواطف خانوادگي مي‌باشد.
دومي: براي رعايت مسائل ژنيتيگي و پزشگي، و پيشگيري از پيامدهاي ناگوار بعدي مي‌باشد كه نهايتاً به طلاق منجر مي شود!، زيرا آزمايشهاي علمي و تجربه‌هاي اجتماعي، ثابت كرده است كه ازدواج فاميلي در برخي از موارد، به معلول و ناقص به وجود آمدن بچه و كند ذهني او منتهي مي‌شود كه در نتيجه هم والدين تاپايان عمر، گرفتار ناراحتي‌هاي گوناگون و هم جامعه پذيراي يك فرد معلول جامعه خواهد بود!!.
راه حل: براي اينكه ازدواج كنندگان، از اين معضل رهائي يابند، پيشرفت علم و

آزمايشات كنوني مسئله را حل نموده است؛
كساني كه دوست دارند با افراد فاميل پيوند بخورند، مي‌توانند بدون دردسر، پيش از همه اقدامات، آزمايشات لازم را انجام داده و با خيال راحت به استقبال زندگي بروند، تا بعداً ندامت و پشيماني ببار نيايد.
پس اگر اين مسأله از مسير آزمايش حل شود كراهت اين گونه ازدواج‌ها نيز برداشته مي‌شود

7- ندادن دختر به شرابخوار

بر هر مسلماني لازم است به دستورات دينش پايبند و عمل كننده باشد، براي حفظ و دفاع از دينش، كمي غيرت و تعصب ديني داشته باشد، پس اگر كسي از دختر او خواستگاري كرد اما پاي بند ديانت و اسلاميت نباشد، با ملاحظه جهاتي نبايد به او جواب مثبت دهد!، زيرا هم از جهت اين كه از نظر ديني در رديف هم نيستند، و هم برابر روايات وارده، بادختر او هم كفو و هم طراز نيست و در آينده پيامدهاي ناگوار بي شمار خواهد داشت، چون يك فرد مست و لايعقل، با كليد شراب خواريش درهاي فسادها و شرها را بروي خود و خانواده‌اش باز نموده و با ناملايمات زندگي اش، دايم آنها را ضجر خواهد داد!.

و دهها مسايل و گرفتاري‌هاي پيش بيني نشده ديگر كه، با درنظرگرفتن اين معايب، يك شخص مسلمان چگونه مي‌تواند با يك فرد شراب خوار دور از دين و از خدا بي خبر، وصلت نمايد.

1- أحمد بن محمد تا از أبو عبد اللَّه عليه السلام فرمود: من زوّج كريمته من شارب خمر فقد قطع رحمها. هركس دخترش را به شراب خوار تزويج كند (درباره او) قطع رَحِم كرده است.» 2- ابن أبي عمير: از بعض اصحابش: از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: شارب الخمر لا يُزَوَّجُ إذا خَطَبَ ولايشفّع اذا شفع و لايصدّق اذا حدّث و لايعاد اذا مرض و لايشهد جنازة و لايؤتمن علي أمانة. شرابخوار تزويج كرده نمي‌شود وقتي كه

خواستگاري نمود (يعني اگر شارب الخمر براي خواستگاري آيد به او دختر ندهيد) و وساطت او پذيرفته نشود و اگر سخني گفت تصديق نشود و به تشييع جنازه‌اي نرود و به امانتي امين نگردد. «1»

3- از ابي الرّبيع از امام صادق عليه السلام رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من شرب الخمر بعد ما حرّمها اللَّه علي لساني، فليس بأهل أن يزوّج اذا خطب و لايشفع اذاشفع، ولايصدق اذا حدّث و لا عاد اذا مرض ولايشهد جنازة و لا يؤتمن علي أمانة. هركس شراب بخورد بعد از آنكه خداوند با زبان من حرام كرده است، پس اهليت (و شايستگي)، ندارد زماني كه خواستگاري نمود، به او دختر دهند، شفاعتش را قبول نكنند و گفتارش تصديق نشود و مريض شد عيادت نشود و به تشييع جنازه‌اي حاضر نباشد و به امانتي امين نگردد تا آخرحديث. «2

8- به بد اخلاقان دختر ندهيد

اخلاق يكي از مسايل مهم كليدي و تعيين كننده دوران زندگي است، اگر در گذران زندگي، هر دو زوج داراي خلق و خوي پسنديده باشند، آن زندگي برايشان، شيرين و گوارا خواهد بود، و اگر يكي يا هردوي آنها داراي اخلاق بد و سيرت ناپسند باشد، صورت زندگي برايشان زشت و معنا و مفهومي نخواهد داشت، حالا فكر كنيد كدام يك از اين دو حالت برايتان ايده آل و رضايت بخش است.

1- حسين بن بشار واسطي گفت: به ابي الحسن امام رضا عليه السلام نوشتم: انّ لي قرابة قد خطب إليّ (ابنتي) وفي خلقه سوء، قال: لا تزوّجه إن كان سيّئ الخلق. بدرستي كه يكي ازنزديكانم دخترم را خواستگاري نموده است اما بد اخلاق است! فرمود: اگر بد اخلاق است، به او دختر نده. «3

9- بابانوان كم فهم ازدواج نكنيد!!

در فصل‌هاي مختلف اين كتاب كراراً از نظر عزيزان گذشته است كه براي زندگي مادام العمر خود و براي فرزندان آينده، همسر شايسته و فهميده و شادي آفرين انتخاب نمايد كه موجب ندامت و پشيماني نشود؛
ومي دانيم كه ازدواج با بانوي كم فهم و نا متعادل اخلاقي و رفتاري، از مصداق بارز ندامت در آينده خواهد بود.
1- سكوني، از ابي عبد اللَّه (عليه السلام) گفت: أميرمؤمنان (عليه السلام) فرمود: ايّاكم وتزويج الحمقاء فإن صحبتها بلاء، وولدها ضياع. مبادا با زنان نادان ازدواج نماييد زيرا همنشيني او بلا و فرزندانش ضايع خواهند شد!. «1»
2- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إيّاكم وتزوّج الحمقاء فان صحبتها ضياع وولدها ضباع.
مبادا بازن كودن ازدواج كنيد همانا همنشيني او ضايع كننده و فرزندانش كفتار صفت مي شوند. «2

10- كراهت ازدواج باخانم ديوانه!

10- كراهت ازدواج باخانم ديوانه! محمد بن مسلم، از أبي جعفر (عليه السلام) گفت: بعضي اصحاب ما از او سؤال نمود: از الرّجل المسلم تعجبه المرأة الحسناء أيصلح له أن يتزوّجها وهي مجنونة؟ قال: لا ولكن إن كانت عنده أمة مجنونة فلا بأس بأن يطأها ولا يطلب ولدها. مرد مسلماني كه زن زيبا (ي ديوانه) او را جلب توجه (و شگفت زده) كرده است آيا مصلحت است با او ازدواج نمايد؟! فرمود: نه ولي اگر پيش او برده (زرخريد و) ديوانه باشد مي تواند با او هم بستر شود اما فرزند نياورند. «3

11- فريب مال و جمال را نخور!

11- فريب مال و جمال را نخور! گروهي از انسان هاگمان مي‌كنند زيبائي زن، يا مال و منال او و دارائي و شخصيت پدرش، خوشبختي و سعادت مي‌آورد اگر با چنين زن يا دختري ازدواج كند، زندگي بي دغدغه و بي دردسري را، براي او به ارمغان خواهد آورد! اما تجربه و دقت در گذران جوامع و زير نظر گرفتن اين نوع خانواده‌ها، خلاف اين را ثابت كرده است و دقيقاً نشان داده است كه «اي بي خبران راه نه آنست ونه اين» بلكه سعادت در جاي ديگريست! (به روايات ذيل توجه نمائيد).
1- ابن ابي عمير: از هشام بن حكم: از أبي عبد اللَّه عليه السلام قال: إذا تزوّج الرجل المرأة لجمالها أو لمالها وُكِّل إلي ذلك، وإذا تزوّجها لدينها رزقه اللَّه المال والجمال. زماني كه مرد زني را به خاطر زيبائي و دارائي اش بگيرد، به آن (مال و جمال) سپرده شود، (خيري نمي‌بيند) اما اگر براي دينداري اش ازدواج نمايد، خداوند به او مال و جمال مي‌دهد (در نظر او از همه زيباتر و داراتر جلوه گر شود). «1»
2- ورّام بن أبي فراس در كتابش گويد: امام عليه السلام فرمود: من تزوّج امرأة لجمالها جعل اللَّه جمالها وبالًا عليه. هركس با زني به خاطر جمالش ازدواج كند، خداوند جمال او را برايش وبال (و مايه گرفتاري) قرار دهد. «2»
3- در (عقاب الأعمال): از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم نقل كرده است، فرمود: من نكح امرأة حلالًا بمال حلال غير أنّه أراد بها (به) فخراً ورياءاً (وسمعةً) لم يزده اللَّه بذلك إلّا ذلًّا و هواناً، و أقامه (اللَّه) بقدر ما استمتع منها علي شفير جهنم، ثم يهوي به فيها سبعين خريفاً. هركس با زني از طريق حلال و بامال حلال ازدواج كند (ولي از اين ازدواج) جز خودنمائي و فخر فروشي اراده نكند، در اين ازدواج نمي‌بيند مگر ذلّت و خواري و خداوند به اندازه‌اي كه از او بهره برده در كنار جهنّم بازداشت مي‌كند و سپس هفتاد
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 84
خريف (ساليان دراز) سرازير (و معذب) مي شود. «1»
4- محمد بن مسلم گفت: أبو جعفر عليه السلام فرمود: أتي رجل النبي صلي الله عليه و آله و سلم يستأمره في النكاح، فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: انكح و عليك بذات الدين تَرِبَتْ يداك. مردي با رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم در كار ازدواج مشورت كرد؟ فرمود: ازدواج كن و برتوباد صاحبان دين، دستانت خاك آلود شود (و خير بيشمار بيني). «2»

5- إسحاق بن عمار گفت: شنيدم أبا عبد اللّه عليه السلام مي‌فرمود: من تزوّج امرأة يريد مالها ألجأه اللَّه إلي ذلك المال. هر كس بازني به خاطر مالش ازدواج كند خداوند او را به آن مال واگذارد. «3»
6- بريد العجلي: از أبي جعفر عليه السلام گفت: رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من تزوّج امرأة لا يتزوجها إلا لجمالها لم ير فيها ما يحبّ، و من تزوّجها لمالها لا يتزوجها إلا له وكّله اللَّه إليه، فعليكم بذات الدين. هر كس با زني به خاطر زيبائي ازدواج نمايد، در او آنچه دوست دارد نمي بيند و اگر به خاطر مالش ازدواج كند، به آن واگذار شود، برشما باد صاحبان دين (بازن دين مدار وصلت كنيد). «4»
7- مروان بن مسلم: از بريد: از أبي جعفر عليه السلام فرمود: جابر بن عبد اللَّه به من حديث كرد همانا پيغمبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من تزوّج امرأةً لمالها وكّله اللَّه إليه، و من تزوجها لجمالها رأي فيها ما يكره، ومن تزوّجها لدينها جمع اللَّه له ذلك. هركس با زني به خاطر مالش ازدواج كند: خداوند به آن وا گذارد و اگربه جمالش ازدواج نمايد از جمال او آنچه كه برايش ناخوشايند است، را مي‌بيند و هر كس به خاطر دينش ازدواج كند خداوند مال و جمال را برايش جمع مي‌كند. «5»
8- محمد بن حسين الرضي در كتاب (المجازات النبوية) گويد: و فرمود عليه السلام: تنكح

المرأة لميسمها. زن به خاطر شخصيتش نكاح مي‌شود. «1

12- سبك كردن مهريه و .. سبك كردن مهر يكي از سفارشات بزرگان اسلام و از صفات ممدوح در نظر شرع مقدس و عكس آن مورد ذمّ وتوبيخ قرار گرفته است، زيرا كسي كه تصميم براي ادامه زندگي تاپان عمر را دارد و بنا به مثل مشهور (با لباس سفيدعروسي- به خانه شوهر مي‌آيد و با لباس سفيد جدائي ابدي‌كفن- از آن خانه بيرون مي‌رود)، هيچ وقت در صدد كالا قرار دادن و مانند برده‌ها، به فروش رساندن خود را ندارد؛
با تجربه هم ثابت شده است، زني كه مهريه سنگين دارد هميشه با شوهر بگو و مگو دارد و زن با اتكاء به مهريه‌اش هيچ وقت كم نمي‌آورد و گردن خود را يك وجب بالاتر از مرد فرض مي‌كند و در نهايت اكثراً به جدائي منتهي مي‌شود، برعكس اگر مهر سبك باشد زن خود را در برابر بهاء قرار نمي‌دهد و به خوشي و ناخوشي زندگي خود متحمل شده و در كوران‌ها و خطرات زندگي، چتر نجات خود و فرزندان خود مي‌شود، پس مهر كمتر براي زندگي آرامش بخش و از همه خيال بافي‌ها بهتر است (لطفاً به فصل‌هاي بعدي توجه نماييد).
1- محمد بن مسلم: (عبداللَّه بن ميمون) از أبي عبد اللَّه عليه السلام (از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: الشوم في ثلاثة اشياء في الدابة والمرأة والدار، فأما المرأة فشومها غلاء مهرها و عسر ولدها (ولادتها)، و أما الدابة فشؤمها كثرة عللها وسوء خلقها، وأما الدار فشؤمها ضيقها و خبث جيرانها. شومي (زندگي) در سه چيز است، در زن و چهار پا و خانه است!، اما شومي زن در زيادي مهرش است، و شومي چهارپا در زيادي بيماري و بد خلقي آن است، و اما شومي خانه درتنگي و همسايه بد آن مي باشد. «2»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 86
2- سكوني: از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: (خير نسائكم) أفضل نساء أمتي أصبحهن (أحسنهنّ) وجهاً وأقلهنّ مهراً بهترين زنان امت من، زيبارويان و كم مهران آنها است. «1»
3- امام صادق عليه السلام فرمود: من بركة المرئة خفّة مؤنتها و تيسير ولادتها و من شؤمها شدّة مئونتها و تعسير (تعسّر) ولادتها. از بركت زن سبكي مخارج و آسان زائي اوست و از شومي اش سختي (و زيادي) خرج و سخت زائي اوست. «2»
4- شيخ صدوق رضي الله عنه فرمود: وروي أن من بركة المرأة قلّة مهرها، ومن شؤمها كثرة مهرها و روايت شده است از بركت زن كمي مهر

و شومي او در زيادي مهر اوست «3»
5- عمر بن يزيد گويد: به أبي عبد اللَّه عليه السلام گفتم: أخبرني عمّن تزوّج علي أكثر من مهر السنة أيجوز له ذلك؟ قال: إذا مهر السنة فليس هذا مهراً إنّما هو نحل لأنّ اللَّه يقول: (فَانْ آتيتم إحديهنّ قنطاراً فلا تأخذوا منه شيئا (إنّما عني النحل ولم يعن المهر، ألا تري أنه إذا أمهرها ثم اختلعت كان لها أن تأخذ المهر كاملا فما زاد علي المهر السنة فانّما هو نحل كما أخبرتك فَمِنْ ثَمَّ وجب لها مهر نسائها لعلّة من العلل قلت: كيف يعطي وكم مهر نسائها؟
قال: إنّ مهر (المؤمنات) خمسمائة و هو مهر السنة وقد يكون أقل من خمسمائة ولا يكون أكثر من ذلك، ومن كان مهرها ومهر نسائها أقل من خمسمائة أعطي ذلك الشئ ومن فخر وبذح بالمهر فازداد علي خمسمائة ثم وجب لها مهر نسائها في علة من العلل لم يزد علي مهر السنة خمسمائة درهم. به من خبر بده از (حكم) كسي كه با بيش از مهر سنت (با زني) ازدواج نموده است، آيا اين جايز است؟! فرمود: اگر (بيش از مهر سنت) مهر قرار داده آن مهر نيست بلكه «نحل» است، زيرا خداوند مي فرمايد: «اگر به يكي از زنها، قنطار (يعني حتي به مقدار پر از پوست گاو، زر داديد) پس چيزي از آن را نگيريد» منظور از آن نحل است نه مهر، آيا نمي‌بيني وقتي بيش از مهر (سنت) را، مهر قرار داد و سپس (طلاق) خلعي گرفت، حق زن است كه همه آن را بگيرد؛
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 87
پس (دانستي كه) بيش از مهرالسّنّة نحل است آن طور كه به تو خبر دادم (نه مهر)، بدينجهت است كه در بعض موارد به ميزان مهر اقوام زن، برايش مهر تعلق مي گيرد (مثلًا اگر به دختري تجاوز نمايد و ازاله بكارت كند، برايش مهر مثل واجب مي شود)؛
گفتم: اندازه مهر زنان فاميل چه قدر است؟ فرمود: مهر زنان مؤمن پانصد درهم است و آن مهر سنت است و گاهي از مهر سنت كمتر شود و بيشتر نمي‌شود و اگر كمتر شد همان را مي گيرند و هر كهِ افتخاراًزياده روي نمايد و بيش از مهر پانصد درهم قرار دهد و به خاطر علتي مهر مثل برايش واجب شد همان پانصد درهم مهر سنت خواهد بود. «1

13- ثواب بخشيدن مهر!

13- ثواب بخشيدن مهر! بعضي از بانوان دوست دارند مهريه خود را به شوهرانشان ببخشند و گذشت كنند، آيا براي اين كار آنها از سوي خداوند پاداشي مترتب است يا از جيبشان رفته است؟
مطالب ذيل را با دقت بخوانيد.
«و ان طلّقتموهنّ من قبل أن تمسّوهنّ و قد فرضتم لهنّ فريضة فنصف ما فرضتم الّا أن يعفون أو يعفو الذي بيده عقدة النكاح و أن تعفوا أقرب للتّقوي و لاتنسووا الفضل بينكم انّ اللّه بما تعملون بصير». واگر زنان را، پيش از آنكه با آنها تماس بگيريد (و آميزش جنسي كنيد) طلاق دهيد، درحالي كه مهري براي آنها تعيين كرده‌ايد نصف مهر را به آنها بدهيد مگر اينكه آنها (حق خود را) ببخشند (يا در صورتي كه آنها صغير و سفيه باشند، ولي آنهايعني) آن كس كه گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد و گذشت كردن شما (و بخشيدن تمام مهر به آنها) به پرهيز كاري نزديك‌تر است و گذشت و نيكوكاري را در ميان خود فراموش نكنيد، كه خداوند به آنچه انجام مي دهيد، بيناست. «2»
از امام صادق عليه السلام از پدرانش عليهم السلام آمده است كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: ما من امرأة

تصدّقت علي زوجها بمهرها قبل أن يدخل بها إلا كتب اللَّه لها بكل دينار عتق رقبة، قيل: يا رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فكيف الهبة بعد الدخول؟ قال: إنما ذلك من المودّة والإلفة.
نيست زني كه قبل از همبستر شدن شوهرش، مهرش را به او ببخشد، مگر اينكه خداوند در برابر هر دينار آن ثواب يك برده آزاد كردن را به او مي نويسد، گفته شد اي رسول خدا اگر بخشيدن بعد از دخول باشد چه مي شود؟! فرمود: اين كار از روي محبت و علاقه است. «1

14- گناه ندادن مهر! كساني هستند كه مهر را بيش از اندازه تعيين كرده و به ذمه مي گيرند و اگر كسي هم اعتراض نمايند، پاسخ مي دهند، اي بابا مهريه را كهِ داده و كهِ گرفته است! معلوم مي شود اين آقا از اول در صدد ندادن مهريه و دَيني است كه به گردن گرفته است، آيا حكم همچون اشخاصي چگونه خواهد شد.
... ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتيتموهن «2».
وآنان (زنان) را تحت فشار قرار ندهيد كه قسمتي از آنچه را كه به آنها داده‌ايد (از مهر) تملك كنيد (تا آخر آيه).
1- در خبر المناهي، ازپيامبر صلي الله عليه و آله و سلم آمده است فرمود من ظلم امرأة مهرها فهو عند اللَّه زان يقول اللَّه عز وجل يوم القيامة: عبدي زوّجتك أمتي علي عهدي فلم توف بعهدي و ظلمت أمتي فيؤخذ من حسناته فيدفع إليها بقدر حقها فإذا لم تبق له حسنة أمر به إلي النار بنكثه للعهد، «إنّ العهد كان مسئولًا». هر كس در باره مهر به زني ستم كند، اين شخص پيش خداوند زنا كار (به حساب) آيد، خداي عزّوجلّ روز قيامت مي فرمايد: بنده من، كنيز خودم را با دستور خودم، به تو تزويج نمودم، به عهد من وفا نكردي و به كنيزم ستم نمودي، پس به اندازه حقش از اعمال حسنه او گرفته و به او داده مي شود، اگر از حسناتش چيزي نماند، دستور داده شود به خاطر شكستن عهدش به آتش جهنم ببرند زيرا عهد از كارهاي مورد سؤال شونده هاست. «3»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 89
2- إسماعيل بن كثير گفت: أبو عبد اللَّه عليه السلام فرمود: السّرّاق ثلاثة: مانع الزكاة و مستحلّ مهور النساء و كذلك من استدان ولم ينو قضاءه. دزدان سه گروهند.
1- زكات ندهنده‌ها؛ 2- مهرهاي زنان را حلال داننده‌ها؛ 3- و هركس قرض بگيرد و نيت اداي آن را نداشته باشد. «1»
3- امام رضا عليه السلام ازپدران بزرگوارش عليهم السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إنّ اللَّه تعالي غافر كلّ ذنب إلّا من جحد مهراً أو اغتصب أجيراً أجره أو باع رجلًا حُرّاً. همانا خداي تعالي بخشنده تمام گناهان است مگر كسي را كه مهر (زنش) راانكار كند يا مزد اجير را ندهد يا مرد آزاد را به جاي برده، بفروشد. «2»
4- أبا عبد اللَّه عليه السلام فرمود: أقذر الذنوب ثلاثة قتل (البهيمة) وحبس مهر المرأة ومنع الأجير أجره. نجس‌ترين گناهان سه چيز است، كشتن حيواني و حبس نمودن مهريه زن و ندادن مزد كارگر. «3»

5- علي عليه السلام در باره گفته خداوند «وآتوا النساء صدقاتهن نحلة» ومهر زنان را (بطور كامل) بعنوان يك بدهي (يا يك عطيه) به آنها بپردازيد فرمود: أعطوهن الصّداق الذي استحللتم به فروجهن، فمن ظلم المرأة صداقها الذي استحلّ به فرجها فقد استباح فرجها زنا. با مهري كه آنها را با آن، به خود حلال كرده‌ايد، بپردازيد، پس هركس به زني در مورد مهريه‌اش ستم نمايد (و ندهد او را به صورت) زنا، به خود مباح نموده است. «4

15- حكم اختيار درتعيين مهر! تعيين مهر با رضايت طرفين، انجام مي‌گيرد ولي در مواردي هنگام عقد ازدواج:
تعيين مقدار مهر را در اختيار زن يا مرد قرار مي‌دهند: در اين صورت آيا زن مجاز است هر اندازه كه مهرش را تعيين نمود، مرد بايد بپذيرد و تمكين دهد و بالعكس، يا در اين مورد هم حد و مرزي وجود دارد؟!.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 90
1- حسين بن زرارة از پدرش گفت: از أبا جعفر عليه السلام سؤال كردم از رجل تزوّج امرأة علي حكمها قال: فقال لا يتجاوز بحكمها مهور آل محمد عليهم السلام اثنتا عشرة أوقية ونش وهو وزن خمسمائة درهم من الفضة، قلت: أرأيت أن تزوجها علي حكمه ورضيت بذلك، فقال: ما حكم بشئ فهو جايز عليها قليلًا كان أو كثيراً، قال: فقلت له كيف لم تجز حكمها عليه واجزت حكمه عليها، قال: فقال لأنّه حكمها فلم يكن لها أن تجوز ما سنّ رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم وتزوّج عليه نساؤه فرددتها إلي السنة واجزت حكم الرجل لأنّها هي حكمت و جعلت الأمر في المهر إليه و رضيت بحكمه في ذلك فعليها أن تقبل حكمه في ذلك قليلا كان أم كثيراً.
مردي با زني ازدواج مي‌كند به مهري كه زن تعيين نمايد، فرمود: حكم زن نبايد از مهرهاي آل محمد عليهم السلام (مهر سنّت) بيشتر باشد، دوازده «اوقيه» و خرده‌اي و آن پانصد درهم از نقره است، گفتم: آيا جايز مي‌دانيد زن با مردي بدين گونه و با رضايت مرد ازدواج نمايد؟، فرمود: به هر چه مرد حكم كند جايز است، كم و يا زياد، گفتم: چگونه به مرد اجازه مي‌دهيد و به زن نه، فرمود:
براي اينكه زن نبايد به بيش از مهر سنت حكم كند و از مهر زنان رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم تجاوز نمايد، اما در صورت دومي چون زن خودش راضي به حكم مرد شده و به مرد اختيار داده است، پس بايد به مهري كه مرد حكم نمايد، كم يا زياد راضي شود. «1»
در خبرديگري روايت شده است كه امام صادق عليه السلام فرمود: انّما صار الصداق علي الرجل دون المرأة وان كان فعلهما واحداً، فانّ الرجل إذا قضي حاجته منها قام عنها ولم ينتظر فراغها فصار الصداق عليه دونها لذلك.
محققاً مهر به گردن مرد است نه زن، اگرچه كار هر دو يكي است، مرد وقتي كه احتياجش را از زن بر طرف نمود بلند مي‌شود و منتظر نمي‌ماند تا زن هم فارغ شود، پس در اين صورت مهر بر او ثابت شد نه بر زن. «2»
سؤال: ضعيفه قليلة السّن را شوهر او فريفته باشد بدون اطلاع والدين او كه (مهر خود را بر من حلال كن به اين شرط كه تو را به كربلاي معلي

ببرم) همچنين ابرائي صحيح است يا نه؟

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 91

جواب: هر گاه زوجه غير رشيده است تصرف او در صداق صحيح نيست. و هر گاه رشيده است وابراء را معلق به شرط كرده است ظاهر عدم برائت است هر چند شرط را به عمل آورد. چون ابراء قابل تعليق نيست. بلي هر گاه صداق عين باشد وهبه معوضه كرده باشد وعوض هم به عمل آمده باشد: صحيح ولازم‌است و هم چنين هر گاه صلح كرده باشد. «1

آداب عروسي و ورود عروس به خانه!

اشاره

در دوران زندگي براي هر آدمي چند روز استثنائي و فراموش نشدني وجود دارد!
1- روزي كه به دبستان يا مكتبي قدم مي‌گذارد كه درواقع به جهان نو با همه پيشامدهايش وارد مي شود.
2- روزي كه به سربازي اعزام شده و درپادگاني مستقر مي‌شود آن هم عالم ديگر وفراموش نشدني دارد! خيلي از پيرمردهارا مي‌بينيم كه خاطرات دوران سربازيشان و هم رزمان و دوستانشان را بازگو كرده و به آن عالم برمي گردندند!؛
3- روز و شب عروسي كه واقعاً به مرحله مهمي از زندگي خود قدم مي‌گذارد كه در تمام مدت عمر سرگذشت‌هاي شيرين و احياناً تلخ، آن روز و شب را ياد مي‌كند و در ذهن خود زنده نگه ميدارد؛ به قول جوان‌ها «يك شب ده شب كه نمي‌شود»!.
مي‌دانيم براي هريك از اين دوران‌ها تشريفات خاصي نهفته است كه بايد انجام گيرد، از آن جمله تشريفات عروسي است كه در فرهنگ هر ملت و نژاد، آداب و رسوم مخصوص به خود را دارد ولي براي همه اينها بعضي سفارش‌ها و توصيه‌ها شده است كه شكي نيست بايد آن را به كار گرفت و انجام داد.
و مي‌دانيم در اديان آسماني خاصه در دين اسلام، براي هركاري حد و مرزي قائل شده است كه بايد درچارچوب آن زندگي كرد؛ مخصوصاً در باره عقد و عروسي و كيفيت انجام و به كار بردن آنهاست

1- حكم نگاه به خانم با قصد ازدواج

1- حكم نگاه به خانم با قصد ازدواج در كتاب‌هاي فقهي در باره نگاه به زن باقصد ازدواج و بدون ريبه: نظريه‌هاي مختلف بيان گرديده است كه در چه حد ومرزي مي‌تواند و مجاز است به طرف مقابل نگاه كند و مورد بررسي قرار دهد، زيرا شالوده زندگي مادام العمر باآن پي ريزي خواهد شد، به تعدادي از احاديث كه در اين باره نقطه ابهامي نگذاشته است توجه فرماييد.

1- محمد بن مسلم گفت: سألت أبا جعفر عليه السلام عن الرجل يريد أن يتزوج المرأة أينظر إليها؟ قال: نعم، إنّما يشتريها بأغلي الثّمن. از اباجعفر عليه السلام سؤال كردم در باره مردي كه مي‌خواهد با زني ازدواج كند آيا مي‌تواند به او نگاه كند، فرمود: بلي او را به بالاترين قيمت (عمر و وجود و مال) خريداري مي‌كند (چرا نگاه نكند). «1»

2- حفص بن البختري از ابي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: لا بأس بأن ينظر إلي وجهها ومعاصمها إذا أراد أن يتزوجها. اگر اراده ازدواج دارد مي‌تواند به صورت و به محل دستبندها نگاه كند. «2»

3- حسن بن السري گفت: قلت لأبي عبد اللَّه عليه السلام: الرّجل يريد أن يتزوج المرأة، يتأملها وينظر إلي خلفها (خلقها) وإلي وجهها؟ قال: نعم لا بأس أن ينظر الرجل إلي المرأة إذا أراد أن يتزوجها، ينظر إلي خلقها (خلفها) وإلي وجهها. به ابي عبداللَّه عليه السلام گفتم: مردي اراده ازدواج با زني را دارد، آيا مي‌تواند در هيكل و خلقت او و به پشت سر و صورتش، نگاه كند؟! فرمود: بلي وقتي كه اراده تزويج دارد، نگاهش به مورد سؤال‌ها عيب ندارد. «3»

4- أبان بن عثمان: از حسن بن السري: از أبي عبد اللَّه عليه السلام أنه سأله عن الرجل، ينظر إلي المرأة قبل أن يتزوجها؟ قال: نعم فلِمَ، يعطي ماله؟! او سؤال نمود از حكم مردي كه پيش از ازدواج به زني كه (مي‌خواهد با او ازدواج كند) نگاه كند؟، فرمود: بلي

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 93

(مي‌تواند) پس چرا مالش را (بابت مهريه و خرج عروسي و غير آن) مي‌دهد. «1»

5- عبد اللَّه بن الفضل: از پدرش: از مردي: به أبي عبد اللَّه عليه السلام: گفتم: أينظر الرجل إلي المرأة يريد تزويجها فينظر إلي شعرها ومحاسنها؟ قال: لا بأس بذلك إذا لم يكن متلذذا. مرد به زني كه اراده تزويج با او را دارد، آيا به مويش و محل‌هاي زينتي او مي‌تواند نگاه كند؟! فرمود: ترسي نيست اگر از روي لذّت نباشد. «2»

6- يونس بن يعقوب گويد: به ابي عبد اللّه عليه السلام گفتم: الرجل يريد أن يتزوج المرأة، يجوز له أن ينظر إليها؟ قال: نعم وترقّق (و ترفق) له الثياب لّانه يريد أن يشتريها بأغلي الثمن. مردي اراده كرده بازني ازدواج كند، آيا جايز است به او نگاه كند؟! فرمود: بلي لباسهايش را نازك مي‌كند (تا خوب ببيند) زيرا مي‌خواهد او را به گرانترين بها بخرد. «3»
7- محمد بن حسين الرضي از امام صادق عليه السلام (رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم) به مغيرة بن شعبه كه با زني ازدواج كرده بود، فرمود: لو نظرت إليها فانّه أحري أن يودم بينكما. كاش (قبل از عقد) به او نگاه مي كردي زيرا آن (نگاه) سبب دوام محبت و الفت ميان شما بود (چون با چشم باز باهم ازدواج مي كرديد). «4»
8- نوادر الراوندي: بااسنادخودش از موسي بن جعفر، از پدرانش عليهم السلام رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إذا أراد أحدكم أن يتزوج فلا بأس أن يولج بصره فانّما هو مشتر. زماني كه يكي از شما اراده ازدواج نمود، مانعي ندارد چشمش را به او بدوزد (و دقت نمايد) زيرا او مشتري است (مشتري بايد از كم و كيف كالا اطلاع داشته باشد). «5»
9- و در روايت ديگرفرمود: فلا بأس أن ينظر إلي ما يدعوه إليه منها. پس مانعي ندارد نگاه كند به چيزي كه او را وادار مي سازد (و ضرورت دارد) از آن زن ببيند. «6»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 94
10- مسعدة بن اليسع، از أبي عبد اللَّه، از پدرانش عليهم السلام أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: لا بأس بأن ينظر الرجل إلي محاسن المرأة قبل أن يتزوجها إنما هو مُسْتامٌ فَانْ يُقْضَ أمرٌ يَكُنْ. مانعي ندارد مرد (قبل از ازدواج) نگاه كند به محل زينت‌هاي زني كه مي خواهد با او ازدواج نمايد همانا او خريدار (و بها دهنده) است اگر چيزي مقدر است، خواهد شد. «1

2- اجازه عقد دست كيست!

2- اجازه عقد دست كيست! در مورد ازدواج با دختران باكره و زنان بيوه كه آيا بدون اجازه وليّ مي توان با آنها ازدواج كرد يا حتماً اجازه ولي لازم است؟! در اين باره روايات گوناگون آمده است؛
الف- بدون اجازه ولي نمي‌تواند ازدواج نمايد؛
1- ابن أبي يعفور: از أبي عبد اللّه عليه السلام فرمود: لا تُنْكَحُ ذوات الآباء من الأبكار إلّا باذن آبائهنّ. با دختران باكره ازدواج نمي شود مگر با اجازه پدرانشان (نبايد با دختران پدر دار، بدون اجازه پدر ازدواج نمود). «2»
2- ابن أبي عمير: از حماد: از حلبي: از أبي عبد اللّه عليه السلام في الجارية يزوّجها أبوها بغير رضاء منها، قال: ليس لها مع أبيها أمر إذا أنكحها جاز نكاحه وإن كانت كارهة. دختر را پدرش بدون رضايت او به شوهر مي‌دهد؟ فرمود: با وجود پدر، دختراختياري در دست ندارد و مي‌تواند او را به شوهر دهد اگرچه دختر كراهت داشته باشد (و دوست ندارد). «3»
3- علي بن جعفر در كتابش مي‌گويد: ازبرادرم موسي بن جعفر عليه السلام سؤال كردم: عن الرجل هل يصلح له أن يزوّج ابنته بغير اذنها؟ قال: نعم ليس يكون للولد أمر إلا أن تكون امرأة قد دخل بها قبل ذلك، فتلك لا يجوز نكاحها إلا أن تستأمر. از مردي كه بدون اجازه دخترش، او را به شوهر دهد؟ فرمود: بلي مي‌تواند فرزند اختياري ندارد، مگر زني كه (بيوه باشد) و قبلًا شوهر كند، در اين صورت در ازدواج با او اجازه خواستن لازم
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 95
است. «1»
4- زرارة گفت: شنيدم أبا جعفر عليه السلام مي‌فرمود: لا ينقض النكاح إلا الأب. نكاح را نمي‌شكند (و بهم نمي‌زند) مگر پدر. «2»
ولايت جدّ مقدم بر ولايت پدر است.
1- علي (بن جعفر)، از برادرش (امام موسي بن جعفر عليه السلام) عليه السلام گفت: سألته عن رجل أتاه رجلان يخطبان ابنته فَهَوي أن يزوّج أحدهما وَ هَوي أبوه الاخر أيّهما أحق أن ينكح؟
قال: الذي هَوي الجدّ لأنّها وأباها للجد. از او (امام عليه السلام) سؤال نمودم از حكم مردي كه دو نفر به خواستگاري دختر او آمده اند، او دوست دارد به يكي از آنها بدهد ولي پدرش (جدّ دختر) مايل به آن يكي است، كدامشان مقدم‌تر است؟ فرمود: آن را كه جدّ دوست دارد زيرا اختيار دختر و پدرش، در دست پدر بزرگ است. «3»
2- در كتاب الهداية: آمده است. ولا ولاية لأحد علي الإبنة إلّا لأبيها ما دامت بكراً، فإذا صارت ثيّباً فلا ولاية له عليها وهي أملك بنفسها، وإذا كانت بكراً،

وكان لها أب و جدّ فالجد أحق بتزويجها من الأب ما دام الأب حيّاَ، فإذا مات الأب فلا ولاية للجد عليها لأنّ الجد إنما يملك أمرها في حياة ابنه لأنّه يملك ابنه، فإذا مات ابنه بطلت ولايته. براي احدي به دختر ولايت ندارد، مگر پدرش مادامي كه باكره است، وقتي بيوه شد، پدرش هم بر او ولايت ندارد و خود مالك كار خود است؛
زماني كه باكره است و پدر دارد، پس مادام كه پدر زنده است، پدر بزرگ از پدر براي تزويج مقدم‌تر است، وقتي كه پدر فوت كرد پس براي پدر بزرگ ولايتي نماند!، زيرا در حيات پدر، جدّ مالك دختر و پدر دختر است، وقتي پدر دختر مرد، ولايت پدر

بزرگ هم باطل شد (و از بين رفت). «1»
ب- بدون اجازه ولي مي‌توان ازدواج نمود؛
1- صفوان: عن منصور بن حازم: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: تستأمر البكر و غيرها و لا تنكح إلا بأمرها. از دختران باكره و غير باكره، بايد اجازه ازدواج گرفت وبدون اجازه با آنها نبايد ازدواج نمود. «2»
2- سعدان بن مسلم گفت: أبو عبد اللّه عليه السلام فرمود: لا بأس بتزويج البكر إذا رضيت بغير اذن أبيها. ازدواج با دختر باكره (بدون اذن پدر) اگر خود رضايت دهد، مانعي ندارد. «3»
ج- اگر خود صلاح و فساد خود را تشخيص مي‌دهد، مي‌تواند بدون اجازه وليّ ازدواج نمايد و در غير اين صورت نمي‌تواند؛
1- فضيل بن يسار ومحمد بن مسلم و زرارة بن أعين و بريد بن معاوية از أبي جعفر (عليه السلام) فرمود: المرأة التي قد ملكت نفسها غير السفيهة و لا المولي عليها، انّ تزويجها بغير وليّ جايز. زني كه مالك (و اختيار) خود را دارد، مگر زن بي عقل و برده، ازدواج با او بدون ولي، جايز است. «4»
2- عبد الرحمن بن أبي عبد اللَّه، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) فرمود: تزوّج المرأة من شاءت إذا كانت مالكة لأمرها فإن شاءت جعلت ولياً. زني كه اختيار خود دارد با هركه خواست، ازدواج مي كند اگر خواست براي خودش براي خودش، ولي (و وكيل) قرار مي دهد. «5»
3- موسي بن بكر: از زرارة، از أبي جعفر عليه السلام فرمود: إذا كانت المرأة مالكة أمرها تبيع وتشتري وتعتق وتشهد وتعطي من مالها ما شاءت فانّ أمرها جائز تزوّج إن شاءت بغير اذن وليها، وإن لم تكن كذلك فلا يجوز تزويجها إلا بأمر وليها. زماني كه زن مالك كار

خود شد مي‌خرد و مي‌فروشد و (برده) آزاد مي نمايد و شهادت مي‌دهد و هر وقت خواست، مي‌بخشد، در اين صورت تصميم او قابل اجرا است و اگر خواست مي‌تواند بدون اجازه ولي ازدواج نمايد، و اگر اين طور نباشد

(يعني مالك كار خود نيست در اين صورت) ازدواج او بدون اجازه ولي، جايز نيست. «1»
د- بيوه مي‌تواند و باكره به طور مطلق نمي‌تواند.
1- حلبي، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) او در باره زن بيوه كه خواستگار برايش آيد فرمود:
هي أملك بنفسها، تولّي أمرها من شاءت إذا كان كفواً بعد أن تكون قد نكحت زوجاً قبله. او اختيار خودش را دارد و ولايت او دست خودش است، با هركه خواست ازدواج مي نمايد اگر همطراز باشد و پيش از آن، با مرد ديگري ازدواج كرده باشد (يعني بيوه شود). «2»
... إلّا أن تكون امرأة قد دخل بها قبل ذلك، فتلك لا يجوز نكاحها إلا أن تستأمر. ... مگر زني كه (بيوه باشد) و قبلًا شوهر كند، در اين صورت ازدواج با او اجازه خواستن لازم است. «3»
فتواهاي مراجع تقليد هم برابر روايات وارده، متفاوت است و هر يك، روايتي را معتبر دانسته، و مطابق آن فتوا داده اند كه نمونه آن سؤال و جواب ذيل است.
سؤال: دختر بي اذن پدر و مادر: شوهر ميتواند كرد يا نه؟، و عقد ايشان صحيح است يا شرط است رضاي پدر و مادر كه اگر بي رضاي پدر و مادر عقد به عمل آيد.
صحيح نمي‌شود؟ واگر بفرمائيد كه بي رضاي والدين عقد صحيح است: آيا (عاق والدين) مي‌شود يا نه (اعم از اين كه باكره باشد يا ثيّب)؟.
جواب: رضاي مادر مطلقا شرط نيست و در لزوم رضاي پدر در (دختر بالغه باكره خلاف است. واقوي واشهر واظهر، عدم اشتراط است پس عقد بدون اذن پدر صحيح است. و لكن احوط مراعات رضاي او است. و اما هر گاه پدر غايب باشد يا در موقوف داشتن عقد بر رضاي پدر حرج و عسر لازم آيد: آنجا احتياط هم ضرور نيست. و در صورت احتياج دختر به شوهر و متضرر شدن او به ترك شوهر كردن:

هر گاه مخالفت بكند معلوم نيست كه گناه باشد: چه جاي آن كه عاق باشد. بلي هر گاه دو نفر خواستگار او باشند: و [از] اختيار هر يك از آنها ضرري به دختر نمي‌رسد پس مخالفت در اينجا دور نيست كه معصيت باشد. و به هر حال تحصيل رضاي پدر و مادر در امور مباحه لازم است مگر اين كه منشأ ضرر و حرج باشد. در اينجا فرقي ما بين باكره و غير باكره نيست. «1

3- دانستني هاي شب زفاف! عزيزان عروسي كه به خانه شما وارد مي‌شود هديه و امانت خداست براي شب يا روز ورود او آداب و مستحبات زياد وارد شده است تا سرحد امكان رعايت و به كار گرفتن آن‌ها ضرورت دارد به تعدادي از آنها ذيلًا اشاره مي شود.
1- وقتي كه اراده تزويج كردي، استخاره نموده وا ز خدا طلب خير كرده اقدام نما و دو ركعت نماز خوانده، دستها را بلند كن و بگو:
1- اللَّهُمَّ انّي اريدُ التَّزْويجَ فَسَهِّلْ لي مِنَ النِّساءِ احْسَنَهُنَّ خَلْقاً وَ خُلْقاً وَ اعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَاحْفَظَهُنَّ نَفْساً فِيَّ وَفي مالي وَاكْمَلَهُنَّ جَمالًا وَاكْثَرَهُنَّ اوْلاداً. «2» 2- روايت شده است امام صادق عليه السلام به أبا بصير فرمود: زماني كه يكي از شما (مي خواهد) ازدواج نمايد، چهِ مي كند؟! گفتم: نمي‌دانم، فرمود: وقتي قصد اين كار را داشت دو ركعت نماز بخواند و حمد خداي عزّوجلّ گفته و بگويد: أللّهُمَّ انّي أُريدُ أنْ أتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لي مِنَ النِّساءِ احْسَنَهُنَّ خَلْقاً و خُلْقاً وَ أعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَ أحْفَظْهُنَّ لي في نَفْسِها وَ مالي وَ أوْسَعُهُنَّ رِزْقاً وَ أعْظَمْهُنَّ بركةً وَ قَدِّرْ «قَيِّضْ» لي وَلَداً طَيّباً تَجْعَلْهُ خَلَفاً صالِحاً في حَياتي وَ بَعْدَ مَوْتي. خدايا من اراده كرده‌ام ازدواج نمايم پس برايم مقدر گردان از زنها كه به اندام جنسي اش عفيف‌تر و به نفس و مال من نگهدارنده‌تر و روزي اش فراوان‌تر و بركتش بزرگتر باشد؛ و براي من فرزند صالح، مقدر فرما تا در حيات و بعد از مرگ من، جانشين صالح شود. «3»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 99
3- يكي از دعاهائي كه براي شب عروسي وارد شده است بعد از دوركعت نماز دست به پيشاني عروس بگذارد و رو به قبله بگويد: ألّلهُمّ عَلي كِتابِكَ تَزَوَّجْتُها وَ في أَمانَتِكَ أخَذْتُها وَ بِكَلِماتِكَ اسْتَحْلَلْت فَرْجَها، فَان قَضَيْتَ في رَحِمِها شَيْئاً فَاجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً وَلاتَجْعَلْهُ شِرْكَ شَيْطانٍ. خدايا با حكم كتابت (قرآن) با او ازدواج نمودم، و درامانت تو او را گرفتم، و با كلمات تو او را به خودم حلال كردم پس اگر در رَحِم او چيزي (بچه اي) به وجود آوردي، او را مسلمان بي عيب قرار ده او را شريك شيطان (يا شيطان را، شريك او قرار نده. «1»
4- مردي پيش اميرمؤمنان عليه السلام آمد و گفت: من ازدواج كرده‌ام براي من دعا كن فرمود: بگو: اللَّهُمَّ بِكَلِماتِكَ اسْتَحْلَلْتُها، وَ بِامانَتِكَ اخَذْتُها، اللَّهُمَّ اجْعَلْها وَلُوداً وَدُوداً لا تَفْرِكَ، تَأكِلَ ما راحَ وَ لا تَسْألَ عَمّا سَرَحَ. «2» 3- پاك و با وضو بودن،
4- بسم اللَّه گفتن كه امام صادق عليه السلام فرمود: أنّه اذا أتي أحدكم

أهله فليذكر اللّه فان لم يفعل و كان منه ولد كان شرك شيطان همانا هركس از شما پيش همسرش آيد، ذكر خدا گويد و گرنه اگر بچه‌اي به وجود آيد، شريك شيطان شود! «3»
5- از خدا فرزند پاك و بابركت و نجيب و سالم، در خواست نمايد،
6- موقعي كه زن حامله است، بدون وضو نزديك نشود،
7- دو نفر با يك پارچه خود را پاك نكنند كه در روايت آمده است مايه عداوت فيمابين مي‌شود. «4»
8- خواستگاري كردن.
9- استحباب خواند خطبه. علي بن رئاب، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام)- در ضمن حديثي فرمود:- جماعتي پيش اميرمؤمنان عليه السلام آمدند و گفتند: ما مي خواهيم فلان خانم را به فلاني تزويج كنيم ومي خواهيم براي آن خطبه بخواني و فرمود: (آن حضرت)
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 100
خطبه‌اي مشتمل بر سپاس خدا و وصيت به تقوي خواند و در آخر فرمود: إن فلان بن فلان ذكر فلانة بنت فلان وهو في الحسب من قد عرفتموه، وفي النسب من لا تجهلونه، وقد بذل لها من الصداق ما قد عرفتموه فردّوا خيراً تحمدوا عليه وتنسبوا إليه وصلي اللَّه علي محمد وآله وسلم. همانا فلان پسر فلان دختر فلاني را ياد آوري نمود در حالي حسب او را (بخوبي) مي شناسيد و در نسب او هم بي اطلاع نيستيد و مهريه‌اي كه بذل نموده است مي دانيد، پس بخوبي جواب دهيد كه مايه تشكر و سپاس باشد و بر آن نسبت داده شويد (يعني در صورت پاسخ خوب، هم ما تشكر كنيم و هم شما را در همه جا تعريف نماييم) درود خدا بر محمد و آل او و سلام خدا. «1»
10- وليمه دادن به اندازه قدرت اگرچه يك من گندم ياجو باشد.
11- كراهت اجراء عقد در حال بودن قمر در عقرب. «2»
12- كراهت اجراي عقد در اول هرماه، و سه روز به آخر ماه (كه آن را «محاق الشّهر» گويند)، و روز چهارشنبه و دريكي از روزهاي نحس هرماه يعني سوم و پنجم و سيزدهم و شانزدهم و بيست و يكم و بيست و چهارم و بيست و پنجم هرماه هر يك از اين مطالب در روايات و در كتاب‌هاي بسيار فقهي آمده است كه ذكر آن اسناد به درازا مي‌كشد و طالبين به كتاب‌هاي حديثي و فقهي مراجعه نمايند.
13- عروسي روز جمعه باشد في خبر الشامي أنه قال أمير المؤمنين عليه السلام: يوم الجمعة يوم خطبة ونكاح. در روايت شامي آمده است، اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: روز جمعه روز خطبه و ازدواج است. «3»
14- كراهت اجراي عقد يا مقاربت زفافي در هواي گرم!

4- رفتن عروس به خانه شوهر در شب يكي از الطاف خداوند براي بندگان، وجود «شب» و تاريكي آن است، شبي كه در قرآن كريم براي آشكار ساختن عظمت آن، به او سوگند ياد مي كند «1» و انجام خيلي از كارها را در آن قرار داده و به آن موكول نموده است كه نمونه هائي را بطور اختصار ذيلًا مي آورم و مشروح آن را به مطالعه كتاب «شب» كه در باره شب و تعريف و تمجيد وو .. از آن، و بيان شرور شب و آياتي كه نزول بلاها و كوبيدن گناهكاران وو .. را شب، در دست تأليف همين مؤلف است، ارجاع مي دهم؛
1- راز ونياز با پروردگار «قم الّيل الّا قليلًا* نصفه أوانقص منه قليلًا* أو زد عليه» شب را جز كمي بپاخيز* نيمي از شب را يا كمي از آن كم كن* يا بر نصف آن بيفزا. «2»
2- خواندن قرآن «و رتّل القرآن ترتيلًا» و قرآن را با دقت و تأمّل بخوان.
3- عبادت شبانه «انّ ناشئة الّيل أشدّ وطاً و أقوم قيلًا» مسلماً نماز و عبادت شبانه پا برجا و با استقامت تر است. «3»
4- تسبيح گوئي شبانه «و من الّيل فاسجد له و سبّحه ليلًا طويلًا» و در شبانگاه براي او سجده كن، و مقداري طولاني از شب، او را تسبيح گوي. «4»
استغفار شبانه «كانوا قليلًا من الّيل ما يهجعون* و بالأسحار هم يستغفرون» آنها كمي از شب را مي خوابيدند و سحرگاهان استغفار مي كردند. «5»
5- وعده‌هاي ملاقات و بده و بستان‌هاي خود با پيامبرانش «و اذ واعدنا موسي أربعين ليلًا ...» (وبه ياد آوريد) هنگامي راكه با موسي چهل شب وعده گذارديم.
(و او براي گرفتن فرمان‌هاي الآهي به ميعادگاه آمد). «6»
6- تقدير و تعيين سرنوشت و مباركي در شب «انّا أنزلناه في ليلة مباركة انّا كنّا
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 102
منذرين* فيها يفرق كلّ أمر حكيم» ما آن (قرآن) را در شبي پر بركت نازل كرديم ما همواره انذار كننده هستيم، در آن شب هر امري بر اساس حكمت (الهي) تدبيرو جدا مي گردد. «1»
7- نزول قرآن درشب «انّاأنزلناه في ليلة القدر» ما قرآن را شب قدر نازل كرديم «2»
8- پوشش انسان ها «و جعل اللّيل لباساً» و شب را پوششي (براي شما)

قرار داد. «3» 9- «وجعل اللّيل سكناَ» شب را مايه آرامش قرار داده است. «4»
چون شب را براي حفظ آبروها و آشكار نشدن اسرار و مايه آرامش وو .. قرار داده است، بدينجهت در روايات فرستادن عروس را به خانه بخت و اطاق زفاف شب را توصيه نموده است! به روايات ذيل توجه نمائيد.
1- در روايت سكوني از امام صادق عليه السلام فرمود: زفّوا عرايسكم ليلًا و أطعموا ضحيً عروس هايتان را شب هنگام به خانه شوهر بفرستيد و روز اطعام نمائيد. «5»
2- ميسر بن عبد العزيز گويد: أبي جعفر عليه السلام فرمود: يا ميسر تزوّج باللّيل فإنّ اللَّه جعله سكناً، ولا تطلب حاجة بالليل فإن الليل مظلم، ثم قال: ان للطارق لحقّاً عظيماً، وإن للصاحب لحقّاً عظيماً. اي ميسر شب ازدواج كن خداوند شب را مايه آرامش قرار داده است و شب پي كاري نرو زيرا شب تاريك است (و خالي از خطر نيست) سپس فرمود:
همانا بروارد شونده حق بزرگيست و بر همنشين حقيست بزرگ. «6»
3- حسن بن علي الوشاء، گفت: شنيدم أبا الحسن الرضا عليه السلام، در باره تزويج فرمود من السّنّة التّزويج بالليل، لأنّ اللَّه جعل اللّيل سكناً، والنساء إنّما هنّ سكن. از سنّت است ازدواج در شب زيرا خداوند شب را مايه آرامش قرار داده است و زن هم مايه آرامش است (پس با سبب آرامش در زمان آرامش وصلت نما). «7»
4- سكوني، از جعفر بن محمد، از پدرانش عليهم السلام پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: لا سهر إلّا في ثلاث: متهجّد بالقرآن، أو في طلب العلم، أو عروس تهدي إلي زوجها. شب بيداري

(سزاوار) نيست مگر در سه چيز، در تلاوت قرآن و طلب علم يا عروسي كه به شوهرش راهنمايي (و فرستاده) شود. «1»
5- حسن بن علي ابن بنت إلياس گفت: سمعت أبا الحسن الرضا عليه السلام مي فرمود: إنّ اللَّه جعل الليل سكناً و جعل النساء سكناً، ومن السّنّة التزويج بالليل وإطعام الطعام. همانا خداوند شب را سبب آرامش و زنان را سبب سكون قرار دادهاست و از سنّت است ازدواج و اطعام (وليمه) در شب انجام گيرد. «2»
در اين باره روايات زياد است كه بيش از اين به طول مي انجامد

5- شادي نمودن و شعر خواندن در عروسي ها! در دوران زندگي يكي از شيرين‌ترين روزها، روز عروسي و جشن‌هاي مربوط به آن است كه الزاماً باشادي و خوشحالي عجين شده است، اين روزها تغيير حالت و حال و هواي ديگري را مي طلبد.
بايد در اين ايام سعي كرد تا رضايت خداوند را از دست نداد و از منهيات شرع، پرهيز نمود مخصوصاً در استعمال آلات لهو و لعب، با اين كه از نظر شرع مقدس استفاده از بعض آلات شادي بخش نهي نگرديده است كه از جمله آنها استفاده از دف زني و دست افشاني مجالس زنانه براي بانوان است.
در كتاب (مولد فاطمة) درخبري از ابن بابويه آورده است: پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم امر نمود دختران بني عبدالمطلب و زنان مهاجرين و انصار را به همراه فاطمة حركت كنند و شادي نمايند و شعربخوانند و تكبير و تحميد گويند و نگويند چيزي را كه خداراضي نيست؛
... بانوان رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم در جلو (در محدوده اجازه شرع) شعر مي خواندند (مانند) أم سلمة كه اين شعر را انشادنمود:
سرن بعون اللّٰه جاراتي*** واشكرن في كلّ حالات
واذكرن ما أنعم ربّ العلي*** من كشف مكروه و آفات
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 104
فقد هدانا بعدكفر و قد*** أنعشنا ربّ السّماوات
وسرن مع خيرنساءالوري*** تفدي بعمّات و خالات
يابنت من فضّله ذوالعلي*** بالوحي منه و الرّسالات
سپس عايشه (دختر ابي بكر زن ديگر رسول خدا اين شعر را خواندو) گفت:
يانسوة أسترن بالمعاجر*** واذكرن ما يحسن في المحاضر
واذكرن ربّ النّاس اذيخصّنا*** بدينه مع كلّ عبد شاكر
والحمد اللّٰه علي افضاله*** بدينه مع كلّ عبد شاكر
والحمد اللّٰه علي افضاله*** والشّكر اللّٰه العزيز القادر
سرن بها فا اللّٰه أعطي ذكرها*** و خصّها منه بطهر طاهر
سپس حفصه (دختر عمر زن ديگر رسول خداانشاد كرد و) گفت:
فاطمة خير نساءالبشر*** و من لها وجه كوجه القمر
فضّلك اللّٰه علي كلّ الوري*** بفضل من خُصّ بآي الزّمر
زوّجك اللّٰه فتي فاضلًا*** أعني عليّاً خير من في الحضر
فسرن جاراتي بها انّها*** كريمة بنت عظيم الخطر

سپس مادر سعدبن معاذ (يكي از بزرگان انصار خواند و) گفت:
أقول قولًا فيه مافيه*** و أذكرالخير و أُبديه
محمّد خير بني آدم*** مافيه كبر و لا تيه
و نحن مع بنت نبيّ الهدي*** ذي شرف قد مكّنت فيه
في ذروة شامخة أصلها*** فما أري شيئاًيدانيه
و كانت النّسوة يرجّعن أوّل بيت من كلّ رجز، ثمّ يكبّرن و دخلن الدّار ...
و بانوان (حرم) در اول هر شعر ترجيع مي نمودند و سپس تكبير مي گفتند تا وارد خانه شدند (تا آخر روايت). «1»
ناگفته نماند در مجالس زنانه اگرخانمها مواظبت نمايند كه نامحرم رفتارشان را نبيند و صدايشان را نشنود ويا ازكارهاي حرام پرهيز نمايند، شادي كردن و خوشحالي نمودن يا در مجالس عروسي دف زدن و خواندن اشعار دور از ابتذال، اشكال ندارد

آنگونه كه در اشعار بالا بانوان حرم خوانده‌اند مشابه آن را در فارسي و تركي و با هر زبان ديگر مي توان خواند و مانعي ندارد حتي ترجيع صوت كه برابر روايت بالا بانوان حرم در عروسي دخت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم كردند و حضرت هم مانع نشد پس ملاك حرمت و عدم حرمت اين گونه مجالس حتي مجالس عزا، رعايت كردن حلال و حرام شرع است و گرنه اسلام با شادي و خوشحالي مشروع، مخالفتي ندارد

6- اداي شكرخدا! در قرآن كريم خداي عزّوجلّ فرموده است، «اگر (در برابر نعمت‌هاي خدا) شكر گزار باشيد البته زياد مي كنم و اگر ناسپاسي نماييد مجازاتم شديد است «1»»
حالا چه نعمتي در دوران زندگي، بزرگتر از ازدواج و داراي همسر شدن و تشكيل خانواده يعني آوردن مكمّل وجود خود به خانه و استفاده از مواهب وجودي اوست؛
1- يار و ياور زندگي؛
2- همدم و محرم اسرار زندگي؛
3- كفّ نفس و حفظ خود از وسوسه‌هاي شيطاني؛
4- به وجود آوردن اولاد و گلهاي زندگي؛
5- گرم نمودن محيط و آشيانه زندگي؛
6- شريك غم و شادي زندگي؛
7- انيس و مونس زندگي وو ...
أبي سعيد خدري گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به علي بن أبي طالب عليه السلام وصيت كرد و فرمود: يا علي، إذا دخلت العروس بيتك فاخلع خُفّيها حين تجلس واغسل رجليها و صبّ الماء من باب دارك إلي أقصي دارك، فانك إذا فعلت ذلك أخرج اللّه من دارك سبعين ألف لون من الفقر، و أدخل فيها سبعين ألف لون من البركة و أنزل عليك سبعين ألف رحمة ترفرف علي رأس العروس حتي تنال بركتها كل زاوية في بيتك، و تأمن العروس من
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 106
الجنون والجذام و البرص أن يصيبها مادامت في تلك الدار الحديث.
1- اي علي وقتي كه عروس به خانه ات داخل شد، هنگامي كه نشست كفش هايش را در بياور؛
2- و پاهايش را بشوي؛
3- و از درِخانه ات تا دورتر، آب بپاش؛
پس اگر اين كارهارا كردي، خداوند از خانه ات هفتاد هزار نوع فقر را بيرون راند و هفتاد هزار گونه بركت را داخل نمايد وهفتادهزار رحمت را برايت نازل نمايد كه بالاي سرعروس پر مي‌زند تا در هر گوشه خانه ات، بركت آن را دريابي، و عروس از رسيدن امراض جنون و جذام و پيسي در امان باشد مادامي كه در آن خانه است. «1»
درمورد اداي شكر به چند جريان تاريخي توجه فرمائيد.
1- حنظلة بن ابي عامر «غسيل الملائكة» در تواريخ اسلامي مشهور است

که پدر این جوان به نام ابي عامر به اندازه ابوجهل رسول خدا را آزرده است و اوست که مسجد ضرار ساخت! اما پسرش حنظله از كساني بود كه اسلام آورد و از عاشقان جان باخته آن حضرت شد بگونه‌اي كه در شب جنگ احد شب زفاف اين جوان بادختر عبداللّه بن ابي سلول بود و آيه 62 سوره مباركه «نور» در باره او نازل شد.
كه با عروس خود در رختخواب آرميده است، نزديكي‌هاي صبح شنيد منادي ندا مي‌كند «اي مسلمان‌ها دستور رسول خداست بشتابيد به ميدان جنگ كه دشمن نزديك شده است»!.
اين جوان از حجله عروسي بيرون آمد و لباس رزم پوشيد و اسلحه خود را برداشت و خواست حركت كند، عروسش صدا زد حنظله كمي صبر كن، فوراً رفت چهار نفر از امصار از نزديكان خود را صدا زد و در برابر آنها از اين جوان پرسيد
«حنظله» ديشب بامن همبستر شدي يانه!!؟ گفت: بلي، و آنها رتا شاهد گرفت! گفتند: عروس خجالت نكشيدي درمقابل اينها اين حرف را زدي؟!
گفت: چرا، ولي مجبور بودم چون «رأيت في هذه اللّيلة في نومي كأنّ السّماء قد انرجت فوقع فيها حنظلة ثمّ انضمّت فعلمت أنّها الشّهادة.
ديشب در خواب ديدم آسمان شكافته شد و حنظله
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 107
به آنجا رفت و دوباره آسمان بهم در آمد «1»» و مي دانم اين شهادت است (و او راكه مي‌بينم با اين عشق و علاقه به ميدان جنگ مي‌رود ديگر از به خانه برگشتنش نا اميدم) و ديده شده است بعضي از جوان‌ها شب اول عروسي نمي تواند با عروسش مقاربت كند ولي اين جوان بامن نزديكي كرده بود ممكن است بچه دار شوم و به من نسبت بد دهند، بدينجهت از خود او اعتراف گرفتم تابعداً متهم نشوم!! روزي كه شهداي «أحد» را با دستور رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم جمع آوري كردند، همه شهدا غرق در خون بودند جز اين جوان! با تعجب گفتند: اي رسول خدا ما باچشم خود ديديم اين جوان به خون خود آغشته بود! فرمود: «رأيت الملائگة تغسل حنظلة بين السماء و الارض بماءالمزن فس صحائف من ذهب» (چون اين جوان از حجله عروسي بيرون آمده و جنب در ميدان حاضر شد و شهيد گشت)، من هم باچشم خود ديدم فرشته‌ها با آب بهشتي او راميان آسمان و زمين روي صفحه هائي از زر، با آب باران، غسل دادند.
بدين خاطراثر خون ازاو برطرف شده است از آن روز مشهور شد به «حنظله غسيل الملائكة» حنظله شسته شده فرشتگان. «2»
2- ازدواج جويبر غلام سياه و به ظاهر زشت با بانوي زيبا به نام «ذلفاء» كه از شنيدني‌هاي تاريخ است.
اين شخص از اصحاب «صُفّه» بود يعني از كساني بود كه تمام دارائي و

زندگي اش روي يك حصير بود كه روي سكوي اطراف مسجدالنّبي قرارداشت نه خانه و كاشانه و نه مال و منالي و نه جمال وتناسب اندامي، قد كوتاه و بد ريخت و بدهيكل و زشت رو و بدنما!.
روزي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم وضع رقت بار او را ديد فرمود: جويبر ميل به ازدواج داري؟! جويبر با تعجب عرض كرد: چرا اي رسول خدا اما با كدام امكانات و باچه قيافه، كهِ به من دختر مي دهد يا كدام دختر به ازدواج با من تن در داده و راضي مي‌شود؟!.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 108
فرمود: پيش زيادبن لبيد كه از اشراف بني بياضه است، برو «1» و از طرف من به او بگو دخترش «ذلفا» را به تو تزويج نمايد!.
جويبر، رفت و پيغام را رسانيد ولي زياد او را تحويل نگرفت و رد كرد و برگشت، دخترش پرسيد پدر كهِ بود؟ جريان را گفت: دختر باكمال تعجب گفت: پدر پس چگونه به رسول خدا ايمان آورده‌اي كه صلاح ديد او را ردكردي!؟.
گفت: دخترم اين كار به خاطر تو بود آخر اين غلام سياه نه خانه وكاشانه‌اي دارد و نه مالي و نه جمالي، زشت صورت، قدكوتاه، وو ... و تو را خيلي‌ها از اشراف مدينه خواستگاري كردند، تو نپسنديدي وانگهي در ميان هم اقران و هم سالانت چگونه سر بلند مي‌كني؟!.
گفت: پدر كسي را كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم صلاح مي‌داند من هم راضيم به امر او زيرا رضاي او رضاي خداست!.
زياد پيش رسول خدا رفت و پس از گفتماني، اعلام موافقت كرد ولي چند روزي مهلت خواست تا وسيله عروسي او را فراهم نمايد.
زياد: يك خانه مجلل با تمام لوازم و وسايلش آماده ساخت و به جويبر بخشيد و «ذلفا» ي زيبارا با آخرين مُد آرايش كردند و جويبر را به حمام فرستاده و تغيير لباس دادند و به حجله عروسي بردند.
جويبر: وقتي كه به خانه و حجله عروس وارد شد و عروس را با آن شكوه و وقار در لباس سفيد عروسي و در نهايت آرايش و غرق در ناز و نعمت ديد، خود را كنار كشيده مشغول عبادت شد، سه روز تمام روزها روزه و شبها تا صبح عبادت كرد، در آخر «زياد» پدر ذلفاء به رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم شكايت برد اي رسول خدا! جويبر كه به زن احتياج نداشت چرا به اين كار واداشتي؟!.
حضرت او را احضار كرد فرمود: جويبر مگر نگفتي به عيال احتياج داري؟ عرض كرد بلي يارسول اللّه فرمود: پس چرا پيش عروست نمي‌روي؟ عرض كرد اي رسول خدا من يك برده سياهم و در دنيا داراي چيزي نبودم، وقتي كه به خانه مجلل
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 109

اهدائي پدر زنم وارد شدم و آن همه وسايل را با آن عروس زيبا ديدم، به خود گفتم:
هان اي جويبر عجله نكن و نامرد نباش اول شكر آن خدائي كه اين همه نعمت را به تو ارزاني داشته بجا آور و بعد ... اي رسول خدا چشم اطاعت مي‌كنم: جويبر هم بعد از چند روز در جنگ «أحد» به شهادت رسيد رضي الله عنه. «1

7- وليمه دادن

7- وليمه دادن يكي از مستحبات مؤكد در عروسي، وليمه دادن است كه بسيار كار پسنديده و ممدوح و از سنت‌هاي انبياء و ائمه عليهم السلام است، اگرچه يك پيمانه جو ياگندم باشد؛
و در صورت امكان دو روز وليمه دهد كه روز اول حق عروسي و دوم كرامت و بيش از آن ريا و خود نمائي و مكروه و ناپسند است.
مستحب است اين اطعام و وليمه براي فقرا و مساكين و مؤمنان باشد.
1- موسي بن بكر، از أبي الحسن (عليه السلام) رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: لا وليمة الّا في خمس: «عرس أوخرس أو عذار أو وكار أو ركاز؛ العرس التّزويج، و الخرس النّفاس والعذار الختان؛ والوكار شراء الدّار؛ و الركاز العود من مكّة» وليمه نيست مگر در پنج چيز 1 عروسي و ازدواج؛ 2- به دنيا آمدن اولاد؛ 3- ختنه كردن بچه؛ 4- خريد خانه؛ 5- و برگشتن از سفر حج. «2»
2- سهل بن زياد، وحسين بن محمد، و علي بن محمد همگي، از وشاء، از أبي الحسن الرضا (عليه السلام) گفت: شنيدم مي فرمود: ان النجاشي لما خطب لرسول اللّه (صلي الله عليه و آله و سلم) آمنة بنت أبي سفيان فزوّجه دعا بطعام ثمّ قال: انّ من سنن المرسلين الإطعام عند التزويج. وقتي كه نجاشي (پادشاه حبشه) آمنه دختر ابي سفيان را براي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم خواستگاري كرد و ازدواج نمود، طعام خواست و فرمود: همانا از

سنت‌هاي پيامبران طعام دادن در هنگام ازدواج است. «1»
3- ابن فضال روايت را به أبي جعفر (عليه السلام) مي رساند فرمود: الوليمة يوم، ويومان مكرمة، وثلاثة أيام رياء وسمعة. وليمه يك روز است، دو روز گرامي داشت است و سه روز رياء و خودنمائي است. «2»
4- هشام بن سالم از أبي عبد اللّه (عليه السلام) فرمود: رسول خدا زماني كه با ميمونة دختر حارث، ازدواج كرد أولم عليها و أطعم الناس الحيس. براي او وليمه داد و به مردم خرمابا روغن مخلوط نمود و اطعام كرد. «3»
5- سكوني، گفت: أبي عبد اللّه (عليه السلام) فرمود: رسول خدا فرمود: الوليمة أول يوم حق، والثاني معروف، وما زاد رياء وسمعة. وليمه روز اول حق است و روز دوم معروف (و نيكوست) و زيادتر از آن خود نمائي و خود ستائي است. «4

8- ازدواج ساده سروربانوان دو عالم عليها السلام اسراف و تشريفات اضافي در هر كاري ناپسند و مورد نكوهش خردمندان قرار گرفته است، اگر اين اخلاق و صفت زشت در جامعه‌اي حكم فرما شود، هم آن جامعه و هم خانواده‌هاي فراوان، گرفتار مشكلات زياد بوده و رو به تباهي خواهند رفت؛
اما اگر اعتدال و ميانه روي جاي آن را بگيرد، جامعه در آرامش فكري وآسايش جسمي به سر خواهد برد؛
ازجمله كارها كه بايد اعتدال را در آن مصداق قرار داد و پياده كرد، مسئله ازدواج است، زيرا تمامي افراد بشر، روزي به آن نياز خواهند داشت و گريبانگير همه
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 111
خواهد بود، پس بايد همگي دست به دست داده اين فرهنگ ميانه روي و ساده برپا داشتن ازدواج را، به مرحله عمل و اجرا برسانيم، تا جوان ها چه دختر يا پسر باخيال راحت به سر زندگي خود رفته و با خيال راحت شروع نمايند؛ براي نمونه به بخش كوچكي از عروسي سرور بانوان هر دو عالم دقت نماييد و اگر طالب مفصل هستيد به منابع زياد مانند كتاب بحارالأنوار ج 43 و غيره مراجعه فرمائيد.
1- انس بن مالك گويد: با رسول خدانشسته بوديم كه وحي اورا فرا گرفت وقتي كه تمام شد فرمود: اي انس آيا مي داني جبرئيل از نزد صاحب عرش، چه آورد؟! گفتم:
خدا و رسولش مي داند فرمود: مرا امر نمود فاطمه را به علي تزويج نمايم؛
برو ابابكر و عمر و عثمان و علي و طلحه و زبير و به تعداد آنها از انصار دعوت نما، دعوت نمودم وقتي كه نشستند حضرت شروع به خواندن خطبه عقد نمود و در آخر فرمود: من شما را شاهد مي گيرم فاطمه را به علي تزويج نمودم به چهارصد مثقال نقره اگر علي راضي باشد؛
سپس رو به علي عليه السلام كرد و تبسم نمود و فرمود: ياعلي انّ اللَّه أمرني أن أزوّجك فاطمة و قد زوّجتكها اي علي خداوند مرا امر نمود فاطمه را به تو تزويج نمايم من اورا به تو تزويج كردم آيا راضي هستي؟! عرض كرد راضيم. «1»
به علي عليه السلام فرمود: برو درعت (لباس رزمت) را بفروش، آن را به چهار صد درهم به عثمان بن عفان فروخت و به خدمت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آورد، حضرت يك مشت برداشت و به ابوبكر داد و

فرمود: به اين درهم ها آنچه براي خانه فاطمة لازم است بخر و سلمان و بلال را همراه او فرستاد كه كمكش كنند.
ابوبكر گويد: آن پول شصت و سه درهم بود، من يك تشك از خيش مصري كه پر از پشم بود و يك فرش از پوست و پشتي كه پر از ليف خرما بود و يك عباي خيبريه و يك مشك آب و كوزه آب و يك آفتابه خريديم، وقتي جلوي رسول خدا گذاشتيم فلمّا نظر اليه بكي و جرت دموعه، ثمّ رفع رأسه الي السّماء و قال: أللّهمّ بارك لقوم جلّ آنيتهم خزف. حضرت به آنها نگريست، گريست و اشكش جاري شد و سپس سرش را به آسمان بلند كرد و گفت: خدايا بركت بده به قومي كه بيشتر ظروفش سفال است. «2»
2- پس حضرت، فاطمه را به پشت پرده خواند و دست اورا به دست علي داد و

دعا نمود؛ «1»
3- امام صادق عليه السلام مي فرمايد: فاطمه را به (خانه) علي آوردند از پوشش فقط يك عبا داشت و و فرششان پوست گوسفند و بالششان پوستي پر از ليف خرما بود. «2»
موسي بن إبراهيم مروزي، از موسي بن جعفر، از پدرش، از جد بزرگوارش عليهم السلام، از جابر بن عبد اللَّه روايت كرده است گفت: لمّا زوّج رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم فاطمة من علي عليهما السلام أتاه أناس فقالوا له: انّك قد زوّجت عليّاً بمهر خسيس! فقال: ما أنا زوّجته، ولكنّ اللّه زوّجه- إلي أن قال: فلمّا كان ليلة الزفاف أتي النبي صلي الله عليه و آله و سلم ببغلة الشهباء وثَنَّي عليها قطيفة، وقال لفاطمة: اركبي وأمر سلمان أن يقودها، والنبي صلي الله عليه و آله و سلم يسوقها فبينما هو في بعض الطريق إذ سمع النبي صلي الله عليه و آله و سلم وجبة فإذا بجبرئيل في سبعين ألفا وميكائيل في سبعين ألفا، فقال النبي صلي الله عليه و آله و سلم ما أهبطكم إلي الأرض؟ فقالوا: جئنا نزفّ فاطمة إلي زوجها، وكبّر جبرئيل وكبّر ميكائيل وكبّرت الملائكة وكبّر محمد صلي الله عليه و آله و سلم، فوضع التكبير علي العرائس من تلك الّيلة. زماني كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فاطمه عليها السلام را به علي عليه السلام تزويج نمود، مردماني آمده و به او گفتند: تو (فاطمه را) به علي باناچيزترين مهريه، تزويج نمودي!، فرمود: من او را تزويج نكردم بلكه خداوند اورا تزويج نمود- تا فرمود:- وقتي كه شب زفاف رسيد پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم استر
«شهبا» را آورد و قطيفه روي او انداخت و به فاطمه فرمود: سوار شو و به سلمان فرمود: استر را بكشد و خود رسول خدا مي راند در اين مسير

ناگهان رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم صداي گروهي را شنيد و ديد جبرئيل با هفتادهزار فرشته، و ميكائيل با هفتاد هزار ملك حضور يافته‌اند رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: چه چيز سبب فرود آمدن شما بر زمين است؟! گفتند: آمديم فاطمه را به زفاف شوهرش بدرقه كنيم؛ جبرئيل و ميكائيل و فرشتگان و محمد صلي الله عليه و آله و سلم تكبير گفتند: از همان شب در عروسي‌ها تكبير گفتن مرسوم گرديد. «3»

5- تزويج فاطمه عليها السلام در ماه رمضان و عروسي در ماه ذي الحجّة در سال دوم

هجرت بود. «1»

ناگفته نماند ممكن است بعضي ها خيال كنند كه آن زمان اين گونه و اين لوازم زندگي مرسوم بود، ولي اين فكر اشتباه است در آن زمان هم نسبت به خود تشريفات زياد و سنگين وجود داشت اما اين رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم بود كه با آن وضع ساده دخترش را به خانه بخت فرستاد، تا زندگي ساده، براي امّتش الگو شود، مگر او پيشوا ورهبر دنيا و آخرت نيست؟!!

با اينكه آن قدرت آسماني و خدائي كه داشت، مي توانست با آخرين متد و آخرين مدل و با جهازيه سنگين، دخترش را به خانه علي بفرستد ولي نكرد تا من و تو يعني ما از او زواياي انسانيت و ساده زيستن را ياد بگيريم انشاءاللّه

9- كراهت ازدواج در ساعات گرم!

9- كراهت ازدواج در ساعات گرم! در احاديث مسائل و مطالبي در شريعت مقدس اسلام آمده است كه علت و حكمت آن به ما روشن نشده و بيان نگرديده است، ولي با مرور زمان علت بعضي از آنها كشف مي شود؛
پس در صورت صحت اسناد حديث، بايد آن مطالب را به طور تعبد و دربست پذيرفته و قبول نماييم، از جمله آنها مطالب فصل‌هاي ذيل است.
ضريس بن عبد الملك گويد: به أبا جعفر (عليه السلام) گفتند: مردي در نصف روز ساعت گرمي (هوا) ازدواج كرده است فرمود: ما أراهما يتفقان فافترقا. نمي‌بينم آن دو ادامه (زندگي) دهند، (در زمان كمي) از هم جدا شدند. «2»
زرارة، از أبي جعفر (عليه السلام) او خواست با زني ازدواج نمايد ولي پدرش خوش

نداشت، گفت: رفتم و با آن زن ازدواج نمودم، وقتي او را زيارت كردم (و ديدم) چيزي كه از او خوشم بيايد، نديدم، بلند شدم برگردم، برمن پيش دستي كرد كه در را به روي من ببندد! گفتم: نبند، هرچه خواستي براي تو (مي دهم)؛
پيش پدرم برگشتم و جريان را شرح دادم، فرمود: برتو چيزي نيست مگر نصف مهر و فرمود: أنت تزوّجتها في ساعة حارّة. تو با او در ساعت گرم ازدواج كردي. «1

10- كراهت زفاف درشب چهارشنبه!

10- كراهت زفاف درشب چهارشنبه! عبيد بن زرارة و أبي العباس هر دو گفتند: أبو عبد اللّه عليه السلام فرمود: ليس للرجل أن يدخل بامرأة ليلة الأربعاء. براي مرد (صلاح) نيست با زني، شب چهار شنبه همبستر شود. «2

11- استحباب خواندن خطبه!

11- استحباب خواندن خطبه! 1- عبيد بن زرارة گفت: از أبا عبد اللَّه (عليه السلام) از حكم تزويج بدون خواندن خطبة سؤال نمودم؟ فرمود: أو ليس عامة ما تتزوج فتياتنا ونحن نتعرق الطعام علي الخوان نقول: يا فلان زوّج فلانا فلانة، فيقول: قد فعلت. آيا نبود ما جوانانمان را تزويج مي كرديم در حالي كه گوشت استخوان (وليمه) را در سفره مي خورديم و مي گفتيم اي فلاني، فلانه را به فلاني تزويج كن او هم مي گفت: كردم (و با اين وضع ازدواج بدون خطبه انجام مي گرفت). «3»
2- عبد اللَّه بن ميمون قداح، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) فرمود: إنّ عليّ بن الحسين عليه السلام كان يتزوج و هو يتعرق عرقا يأكل ما يزيد علي أن يقول: ثمّ قال علي بن الحسين عليه السلام: إذا حمد اللَّه فقد خطب. علي بن حسين عليهما السلام ازدواج مي كرد در حالي كه گوشت استخوان (وليمه) را مي خورد وبيش از اين نميفرمود: الحمد للّه، وصلي الله علي محمد وآله ونستغفر اللّه، وقد زوجناك علي شرط اللّه، سپس فرمود: علي بن

حسين عليهما السلام وقتي حمد خدا را مي كرد (در واقع) خطبه مي خواند. «1

12- استحباب اعلان عقد!

12- استحباب اعلان عقد! در زمان‌هاي قديم و قبل از ايجاد دفاتر رسمي، استشهاد و اعلان براي ازدواج، به خاطر اين بود كه نسب‌ها قاطي و اولاد مخلوط يا انكار شده نباشد، اما در اين ازمنه اين كارها ضرورت ندارد زيرا ازدواج رسمي در دفاتر ازدواج مسئله را حل نموده است و كتباً شاهد و از طرفين امضاء مي گيرند. روايات ذيل را در اين مورد تيمناً مي آوريم.

1- زرارة بن أعين گفت: از أبو عبد اللَّه (عليه السلام) سؤال نمودند از حكم مردي كه بدون شهود ازدواج كند فرمود: لا بأس بتزويج البتة فيما بينه وبين اللّه، انما جعل الشهود في تزويج البتة من أجل الولد، لو لا ذلك لم يكن به بأس. عيب ندارد ازدواج ابتدائي بين اللّه بين او، و شهود در تزويج به خاطر اولاد است اگر اين نبود (ازدواج بدون شاهد) عيبي نداشت. «2»

2- حفص بن بختري، از أبي عبد اللّه عليه السلام در حكم مردي كه بدون شاهد ازدواج نمايد فرمود: لا بأس. عيبي ندارد. «3»

3- محمد بن الفضيل گفت: أبو الحسن موسي عليه السلام به ابي يوسف قاضي فرمود: ان اللّه أمر في كتابه بالطلاق وأكّد فيه بشاهدين ولم يرض بهما إلا عدلين وأمر في كتابه بالتزويج فأهمله بلا شهود، فأثبتم شاهدين فيما أهمل، وأبطلتم الشاهدين فيما أكد. خداوند در كتابش (قرآن كريم) به طلاق امر فرموده و آن را با دوشاهد تأكيد (و محكم كاري) كرده است و به تزويج امر نموده و آن را بدون شاهد آسان گرفته است (ولي) شما دوشاهد براي چيزي كه خدا بي اعتنائي كرده، ثابت كرديد و باطل نموديد اهميت دوشاهد را كه خداوند تأكيد نموده است. «4

13- حكم ازدواج با دختر كم سن و سال! ازدواج با دختران كم سن و سال اگر كمتر از 9 يا 10 سال باشد و اورا معيوب (و افضاء) نمايد بايد علاوه بر ديه آن، مادام العمر خرج اورا بدهد! زيرا او را از شوهر نمودن، محروم ساخته است، و اگر بعد از بلوغ مسئله افضاء يعني به هم پيوستن عقب و جلو، پيش آيد، حكم فرق مي كند، به روايات زير توجه نمائيد.
1- حلبي، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: إنّ من دخل بامرأة قبل أن تبلغ تسع سنين فأصابها عيب فهو ضامن. هركس به زني پيش از نُه سالش داخل شود و عيبي به او برسد، ضامن است. «1»
2- حمران، از أبي عبد اللَّه عليه السلام سؤال كردند از حكم مردي كه با دختر باكره به بلوغ نرسيده، نزديكي نموده و او را افضاء نموده است فرمود: إن كان دخل بها حين دخل بها ولها تسع سنين فلا شئ عليه، وإن كانت لم تبلغ تسع سنين أو كان لها أقل من ذلك بقليل حين دخل بها فاقتضها فإنّه قد أفسدها و عطّلها علي الأزواج فعلي الإمام أن يغرمه ديتها، وإن أمسكها ولم يطلّقها حتي تموت فلا شئ عليه. اگر هنگام همبستر شدن به نه سال رسيده است، چيزي بر او نيست و اگر پيش از نُه سال يا كمي كمتر باشد و او را افضاء (پاره) نموده است، چون (آن زن) را فاسد و براي شوهر كردن تعطيل نموده است، پس براي حاكم (شرع) است كه او را به ديه محكوم نمايد و اگر نگهداشت و تا دم مرگ طلاق نداد، چيزي براو نيست. «2»
3- هشام بن حكم، به ابي عبد اللَّه عليه السلام يا أبي الحسن عليهما السلام گفته شد: انّانزوّج صبياننا وهم صغار فقال: إذا زوّجوا و هم صغار لم يكادوا أن يأتلفوا. ما بچه هايمان را در كوچكي تزويج مي كنيم، فرمود: اگر در كوچكي ازدواج نمايند، معلوم نيست باهم انس بگيرند (وكنار بيايند). «3»
4- أبي بصير گفت: شنيدم أبا جعفر عليه السلام مي فرمود: لا تدخل المرأة علي زوجها حتي

يأتي لها تسع سنين أم عشر. زن به شوهرش داخل نشود تا سنّش به نُه يا ده سال برسد. «1»
5- حلبي، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: إذا تزوّج الرجل بالجارية وهي صغيرة فلا يدخل بها حتي يكون لها تسع سنين زماني كه مرد با دختر كوچكي ازدواج نمود، با او نزديكي نكند تا نُه سال داشته باشد. «2»
3- زرارة، از أبي جعفر عليه السلام فرمود: لا يدخل بالجارية حتي يأتي لها

تسع سنين أو عشر. به دختر (يا كنيز) نزديكي نشود تا نُه يا ده سالش تمام شود. «3

14- عروس اين چيزها را نخورد

14- عروس اين چيزها را نخورد از نظر پزشكي مصرف بعضي از خوردني‌ها براي عروس مجاز نمي‌باشد و در آينده به مضرات آن گرفتار خواهد شد!، به حديث زير توجه فرمائيد.
1- أبي سعيد خدري در وصيت نبي صلي الله عليه و آله و سلم به علي عليه السلام فرمود: وامنع العروس في اسبوعك (أسبوعها) من الألبان «4» و الخلّ و الكزبرة و التّفاح الحامض من هذه الأربعة الأشياء، فقال عليّ عليه السلام: يا رسول اللَّه و لأيّشئ أمنعها من هذه الأشياء الأربعة؟ قال: لأنّ الرّحم يعقم و يبرد من هذه الأشياء الأربعة عن الولد و لحصيرٍ في ناحية البيت خير من امرأة لا تلد، فقال علي عليه السلام: يا رسول اللَّه، ما بال الخلّ تمنع منه؟ قال: إذا حاضت علي الخلّ لم تطهر أبداً بتمام، و الكزبرة تُثير الحيض في بطنها و تشدّد عليها الولادة، و التّفاح الحامض يقطع حيضها فيصير داءاً عليها. و عروس را در هفته اول از خوردن كندر و سركه و گشنيز و سيب ترش از اين چهارچيزمنع كنيد، علي عليه السلام گفت: اي رسول خدا به چه علت از اين چهار چيز منع نمايم؟ فرمود: براي اينكه اين چيزها رحم را عقيم و سرد كرده (و نازا) مي‌كند و البته حصيري در گوشه خانه، بهتر از زن نا زا است، علي عليه السلام
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 118
گفت: اي رسول خدا چرا از سركه منع مي‌كني؟ فرمود: زماني كه زن روي سركه حايض شد، به تمام معني پاك نمي‌شود، و گشنيز حيض را در باطن زن به فوران مي‌آورد و ولادت (و زايمان را) براي زن تشديد مي‌كند، وسيب ترش حيض او را قطع مي‌كند و بر او مرض مي‌شود. «1

15- تفاوت غرايز جنسي زن و مرد!

15- تفاوت غرايز جنسي زن و مرد! خداوند با حكمت متعاليه خود: در وجود بانوان و ساختمان جسمي و رواني آنها، مختصات و امتيازات متعددي: نسبت به آقايان قرار داده است: تا كانون زندگي هميشه گرم و برقرار و پابرجا بماند و از هم نپاشد: مانند عواطف سرشار و صبر فوق العادة و گذشت بي شمار و حياي زياد وو ...
همچنين است در مورد غريزه جنسي و هوس جسمي و نياز طبيعي در وجود بانوان چندين برابر آقايان نهفته است كه اگر صبر و حياي آنها آن را مهار نمي‌كرد كار به جاهاي باريك كشيده مي‌شد (به چند روايت توجه نماييد).
1- اصبغ بن نباتة گفت: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: خلق اللَّه عزوجل الشهوة عشرة أجزاء فجعل تسعة اجزاء في النساء، وجزءاً واحداً في الرجال، ولو لا ما جعل اللَّه عزوجل فيهن من الحياء علي قدر أجزاء الشهوة لكان لكل رجل تسع نسوة متعلقات به. خداي عزّ و جلّ:
شهوت را ده جزء آفريده است پس نُه جزء آن را در زنها قرار داده و يك جزء در مردان، و اگر نبود آن حيائي كه خداي عزّ وجلّ به تعداد شهوت: در زنها قرار داده است، البتّه بر هر مرد نُه زن در مي‌آويخت. «2»
2- ضريس گفت شنيدم از أبي عبد اللَّه عليه السلام: مي‌فرمود: ان النساء أُعطين بضع اثني عشر، وصبر اثني عشر. همانا به زنها دوازده (قسمت) هوس جماع داده شده و (درمقابل) دوازده قسمت هم صبر داده شده‌اند!. «3»
3- إسحاق بن عمار گفت: أبو عبد اللَّه عليه السلام فرمود: انّ اللَّه عزّوجلّ: جعل للمرأة صبر
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 119
عشرة رجال فإذا هاجت كانت لها قوة شهوة عشرة رجال. خداي عزّ وجلّ براي زن صبر ده مرد را داده است وقتي كه به هيجان آمد قدرت ده مرد نيز در او پيدا شود. «1»
4- سماعة بن مهران: از أبي بصير: گفت: شنيدم أبا عبد اللَّه عليه السلام مي‌گفت: فُضّلت المرأة علي الرجل بتسعة وتسعين من اللّذّة ولكنّ اللَّه ألقي عليها الحياء. زن با نود ونُه برابر لذّت بر مرد، برتري داده شده است ولكن خداوند براي زن حيا را انداخت (و در آن پيچيد). «2»
5- مسعدة بن صدقة از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: انّ اللَّه جعل للمرأة أن تصبر صبر عشرة رجال، فإذا حصلت زادها قوة عشرة رجال. خداوند قرار داده است زن به اندازه ده مرد شكيبا باشد، وقتي كه (شهوت

جنسي به هيجان آمد و) حاصل شد، قدرت ده مرد را نيز، اضافه مي‌كند. «3

16- كثرت هم بستري

16- كثرت هم بستري فرو نشاندن آتش غريزه جنسي مخصوصاً در دوران جواني از خواسته‌هاي طبيعي هر ذي حيات بويژه انسان است، زيرا اين اسب چموش و غول سركش تا آرام نگيرد، سر به بيابان‌ها نهد و آدمي را به پرتگاه‌هاي خطرناك مي‌افكند، بدينجهت براي اين كه انسان از اين نياز جنسي سير شده و آرام گيرد، درپاره‌اي از روايات براي مقاربت زياد با همسر خود، تشويق و بااين عمل، نفس بي مهار و سر به هوا را، مهار نمايد.
1- معمر بن خلاد گفت: شنيدم علي بن موسي الرضا عليه السلام مي گفت ثلاث من سنن المرسلين: العطر، وأخذ (إحفاء) الشعر، وكثرة الطروقة. سه چيز از سنّت‌هاي پيامبران عليهم السلام است عطر زدن و تراشيدن مو و مقاربت زياد. «4»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 120
2- بهلول: از مردي از أبي جعفر عليه السلام فرمود: خير النساء التي إذا دخلت مع زوجها فخلعت الدّرع خلعت معه الحياء، وإذا لبست الدّرع لبست معه الحياء. بهترين زنان زني است وقتي با شوهرش داخل (رختخواب) شد (اسلحه و) لباسش را در آورد پرده حيا را از خود خلع نمايد (و دور سازد) و وقتي كه لباس پوشيد همراه آن لباس حيا را هم بپوشد. «1»
3- أبي بصير: از أبي عبد اللّه عليه السلام فرمود: خير نسائكم التي إذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحياء، «2» وإذا لبست لبست معه درع الحياء. بهترين زنان شما زني است وقتي با شوهرش خلوت نمود (اسلحه و) پرده حيا را از خود بركند (و دور سازد) و وقتي كه لباس پوشيد همراه آن لباس حيا را هم بپوشد. «3

17- قلّت هم بستري!

17- قلّت هم بستري! افراط در هركاري حتي در عبادت، انسان را به بيراهه مي برد و در نهايت به مرز نابودي مي كشاند، در قرآن مجيد هم وقتي كه صفات بندگان خالص خدا را مي شمارد و بيان مي كند، در باره انفاق و احسان مي فرمايد: «و كساني كه هرگاه انفاق كنند، نه اسراف مي نمايند و نه سخت‌گيري؛ بلكه در ميان اين دو، حدّ اعتدالي دارند». «4»
در راهنمائي پيامبر گرامي، مي فرمايد: «هرگز دستت را بر گردنت زنجير مكن (و ترك انفاق و بخشش منما) و بيش از حدّ (نيز) دست خود را مگشا، كه مورد سرزنش قرارگيري و از كار فرو ماني». «5»
پس در هيچ كاري نبايد از ميانه روي و اعتدال بيرون رفت، از اين رو از نظر پزشكي هم افراط در مقاربت و كثرت مجامعت، براي بدن آدمي، ضرر كلّي دارد پس در
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 121
هرچيز حفظ اعتدال شرط سلامت است و در ساختمان وجودي انسانها نيز تفاوت كلي دارد، براي بعضي ها اثر نمي گذارد ولي بعضي را از پا در مي آورد.
1- باسناد سه گانه، از امام رضا، از پدران بزرگوارشان عليهم السلام علي عليه السلام فرمود: من أراد البقاء ولا بقاء فليباكر الغداء ويجيّد الحذاء ويخفّف الرداء وليقلّ غشيان النساء. هر كس اراده بقاء (وسلامت زيستن) دارد كه بقاء (وابديتي وجود ندارد)، اول صبح، صبحانه بخورد و كفش خوب (وزيبا) بپوشد و لباسش را سبك نمايد و نزديكي با زنان را كم كند. «1»
ممكن است چنين به نظر آيد كه اين سخن با سخن فصل قبلي تضاد دارد و همخوان نيست، در آنجا به كثرت همبستري و در اينجا به قلّت آن تشويق و ترغيب مي كند.
راه حلّ: در هر دو فصل انسان را براي زيست سالم و عاقلانه، رهنمون مي شود، در آنجا براي اين كه انسان پشت سر نامحرمان و حرام نگردد و به انحراف كشيده نشود و وجودش كشش آن را دارد، به مقاربت زياد توصيه شده است، ولي در اينجا براي جلوگيري از افتادن به ورطه هلاكت و نارسائي بدن و ضعف بنيه، راهنمائي نموده است در هر حال افراط و تفريط را از خود دور نمايد و اعتدال و ميانه روي را سرمشق خود قرار دهد

18- مقاربت درحال ميل بانوان! در بعضي اوقات ممكن است بانوان بنا به عللي، نياز به مسئله جنسي داشته باشند ولي آقايان هم بنا به بعضي مسائل، بي اعتنا به اين نياز از كنارآن رد شوند؛
البته در كل اين اخلاق خوبي نيست، بايد مرد به همسر و شريك زندگي اش بيشتر توجه داشته باشد و احتياجات او را بر طرف نمايد بخصوص در مراحل مختلف جنسي كه بيشتر اختلاف ها از اين مسير پيش مي آيد به روايت ذيل دقت نمائيد.
1- عبد اللَّه بن القداح، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم (روز جمعه) به مردي فرمود: أصبحت صائما؟ فقال: لا، (قال: فعدت مريضاً؟ قال: لا، قال: فاتبعت جنازة؟)
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 122
قال: فأطعمت مسكيناً؟ قال: لا، قال: فارجع إلي أهلك فانّه منك عليهم صدقة
(فارجع إلي أهلك فأصبهم) «1» (قال له قم فأصب من أهلك فانّه منك صدقة عليها).
آيا روزه‌اي؟ گفت: نه،
مريضي را عيادت كرده‌اي؟ نه،
به تشييع جنازه رفته‌اي؟ نه،
مسكيني را اطعام نموده‌اي؟، گفت: نه
فرمود: پس برگرد پيش اهل و عيالت، اين برگشت از تو براي آنها صدقه است (برگرد به سوي اهل و عيالت و به آنها اصابت نما (و برس و در آويز).
(در روايت ديگر) فرمود: برگرد به سوي عيالت و با او نزديكي كن اين كار از تو صدقه است براي او. «2»
2- إسحاق بن إبراهيم جعفي گفت: شنيدم أبا عبد اللَّه عليه السلام مي فرمود: انّ رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم دخل بيت ام سلمة فشمّ ريحاً طيّبة، فقال: أتتكم الحولاء فقالت: هوذا هي تشكو زوجها فخرجت عليه الحولاء فقالت: بأبي أنت وامّي انّ زوجي عنّي معرض، فقال: زيديه يا حولاء، فقالت: لا أترك شيئا طيّبا ممّا أتطيّب له به وهو معرض، فقال: أما لو يدري ماله باقباله عليك، قالت: و ماله باقباله عليّ؟! فقال: أما انّه إذا أقبل اكتنفه ملكان وكان كالشاهر سيفه في سبيل اللَّه، فإذا هو جامع تحاتّ عنه الذنوب كما يتحاتّ ورق الشجر، فإذا هو اغتسل انسلخ من الذنوب.

رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به خانه‌ام سلمه داخل شد و بوي خوش استشمام نمود فرمود:
حولاء «3» پيش شما آمده بود؟ عرض كرد او اينجاست براي شكايت از شوهرش آمده است!؛
پس حولاء بيرون آمد و گفت: پدر و مادرم فداي تو باد، شوهرم از من رو گردان شده است! فرمود: (به خودت بيشتر برس و خوشبوئيت را) بيشتر كن اي حولاء، گفت:
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 123
چيزي از خوشبوئي برايش كم نگذاشته‌ام و باز رو گردان است!، فرمود: آگاه باش، كاش او مي دانست در توجه به تو چهِ برايش هست (و چه چيزهائي به او داده مي شود)؛
گفت: با رو كردن او به من برايش چهِ مي دهند؟! فرمود: آگاه باش وقتي كه به سويت مي آيد، دو فرشته او را در ميان گرفته (وبغل مي كنند) و مانند كسي است كه در راه خدا، شمشير كشد (وجهاد نمايد)، زماني كه نزديكي كرد، گناهان او مي ريزد آنگونه كه برگ درختان مي ريزد، هرگاه غسل كرداز گناهان بيرون مي آيد. «1

بخش 2 رفتار در خانواده!

اشاره

در اين بخش علاوه بر مطالب گذشته تعدادي، از روايات راهنمائي هايي را مي آوريم كه به كار گرفتن آنها، ضرورت و لوازم زندگي سالم است

1- عشق و علاقه ات را اظهار كن!

1- عشق و علاقه ات را اظهار كن! داستان شيرين دوران بردگي لقمان را فراموش نكرده‌ايد كه روزي يك ميهمان عزيز براي مولايش آمد و او به لقمان دستور داد حيواني را ذبح نمايد و بهترين عضو بدن آن حيوان را كباب كرده و براي ميهمان عزيزش بياورد، او دستور را اجرا كرد و زبان آن حيوان را كباب كرد و جلوي ميهمان گذاشت، دوباره آقايش گفت: حيوان ديگري را بكشد و بدترين اعضاي آن را كباب كرده و بياورد، باز زبان را آورد؛
مولايش بر آشفت با اينكه مي‌دانست لقمان كار بيهوده انجام نمي‌دهد علت اين كار را از او پرسيد او گفت: آقا «زبان» هم بهترين اعضاو هم بدترين عضو بدن است!، زيرا زبان است انسان را به چاه سرازير مي‌كند و از چاه بيرون مي‌كشد، زبان است كه به كشتن دهد و از كشتن نجات دهد، زبان آدمي را به زندان افكند و رهاسازد، زبان زندگي را شيرين و ياتلخ و زهرمار مي‌كند وو ...
كساني هستند با زبان بازي ولو غير واقعي، كارهاي خود را روبراه كرده و فيصله مي‌دهند و طرف مقابل را شيفته خود مي‌سازند، و كساني هم پيدا مي‌شوند با اين كه از تهِ دل كسي را دوست مي دارد مخصوصاً به اهل و عيال خود، علاقه زياد دارند و به آنها عشق مي‌ورزند: اما از بازگو كردن آن، كوتاهي مي‌كنند مخصوصاً در باره بانوانشان، او را درحد پرستش دوست دارند، اما نمي‌خواهند به زبان آورده و علاقه دروني خود را برايش آشكار سازند و به همسرش آرامش روحي و جسمي ارزاني دارند با اينكه عقل و شرع به او دستور مي‌دهد آنچه كه از عشق و علاقه در دلت انباشته است بيرون بريز و ابراز علاقه كن چون با گفتار عاشقانه، خيلي از مشكلات حل مي‌شود وخستگي را از تن طرف مقابل مي‌زدايد: يك جمله آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 128
(دوستت دارم) و (زندگي بي تو برايم مفهومي ندارد) (تو عشق مني تو تمام آرزوي مني) و مانند اين گفتارها، خيلي از كارهاي بغرنج و حل نشدني راحل مي‌كند و رشته زندگي را ازهم گسيختن و متلاشي شدن، نجات مي‌دهد.
1- عمرو بن جميع: از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: قول الرجل للمرأة إنّي أحبّك لا يذهب من قلبها أبداً. گفتن مرد بر زن، دوستت دارم، ابداً از دل او نمي‌رود (و براي هميشه باقي مي‌ماند). «1

2- تأكيد به دوست داشتن همسر

2- تأكيد به دوست داشتن همسر زندگي شيرين و ايده آل، بر محور محبت و علاقه و حسن خلق و دوستي، دور مي‌زند اگر خانه و خانواده‌اي از اين خصلت هاي انساني و رحماني محروم و خالي شود، ديگر آن خانه سوت كور و آن زندگي معنا و مفهومي نخواهد داشت:
مخصوصاً با يك همسفر مادام العمر و رفيق دائمي خوشي‌ها و نا خوشي ها و همسر و همسرّ و همراز خستگي‌ناپذيري كه فقط در انتظار كمترين دوست داشتن و صميميت نشسته و به تمامي فراز و نشيب‌ها و كوران‌ها و طوفان‌هاي زندگي، تن در داده و صبورانه، دست و پنجه نرم مي‌كند و تحمل مي‌نمايد؛
بدينجهت، در اديان آسماني بالأخص در دين مبين اسلام روي اين مسئله، تأكيد زياد شده و دستورهاي اكيد بر همسر دوستي واخلاق خوب خانوادگي و تأمين زندگي مرفه وو ... داده شده است.
چنانكه در قرآن كريم در اين باره مي فرمايد: «وعاشروهنّ بالمعروف» با آنها به خوبي معاشرت (ورفتار) نماييد. «2»
1- ابن أبي عمير: از إسحاق بن عمار: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: من أخلاق الأنبياء حبّ النساء. از اخلاق انبياء دوست داشتن زنان است. «3»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 129
2- أبي العباس گفت: شنيدم امام صادق عليه السلام مي فرمود: العبد كلّما ازداد للنساء حبّاً ازداد في الإيمان فضلًا. بنده (خدا) زنان (و همسران) را هرچه زياد دوست دارد، فضيلت ايمانش زياد شود (و از مواهب زندگي، بيشتر بهره‌مند مي‌شود). «1»
3- ابي عبداللَّه عليه السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: جُعِلَ قرّة عيني في الصّلاة، و لذّتي في النّساء. روشني چشم من در نماز و لذّتم در (وجود) زنان قرار داده شده است. «2»
4- يونس بن يعقوب: از كسي كه از أبا عبد اللَّه عليه السلام شنيده مي فرمود: أكثر الخير في النساء. بيشترين خير در (وجود) بانوان است. «3»
5- محمد بن إدريس در آخر (السرائر): بنقل از كتاب رواية ابن قولويه از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: كلّ من اشتدّ لنا حبّاً اشتدّ للنساء حبّاً وللحوّاء. همه آنان كه ما را به شدت دوست دارند زنان و حوّا را نيز زياد دوست مي دارند. «4»
6- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: استوصوا (اتّقوا في) بالنّساء خيراً فانّهنّ عندكم عوار لايملكن لأنفسهنّ شيئاً و انّما اتّخذتموهنّ

بأمانة اللّه و استحللتم فروجهنّ بكلمة اللّه «و لهنّ عليكم كسوتهنّ بالمعروف». در باره زنان (بترسيد) سفارش نيكو بكنيد (و با آنها خوش رفتار باشيد) زيرا آنان نزد شما عاريه (و دست خالي) هستند، براي خود چيزي را مالك نيستند، و آنها را به امانت خدا گرفته‌ايد و اندام جنسي آنها را با كلمه (و دستور) خدا بر خود حلال نموده‌ايد و برشماست پوشاك آنها بطور مناسب
(پس آنها را قدر بدانيد و ارزش قايل شويد). «5»
7- اميرمؤمنان فرمود: .... فداروهنّ علي كلّ حال، وأحسنوا لهنّ المقال، لعلهنّ يحسنّ الفعال. در هر حال باآنها (زنان) مدارا كنيد و گفتار را زيبا نماييد شايد آنها هم رفتار خوبي داشته باشند. «6»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 130
8- هارون، از ابن صدقة، از امام صادق، از پدرش عليهما السلام فرمود: من اتّخذ امرأة فليكرمها فإنما امرأة أحدكم لعبة. هركس زن گرفت، گرامي بدارد همانا زن هريك از شما وسيله بازي (و سرگرمي) اوست. «1»
9- ابن علوان، از امام صادق، از پدر بزرگوارش عليهما السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: اتّقوااللّه اتّقوااللّه في الضّعيفين: اليتيم والمرأة، فانّ خياركم خياركم لأهله. از خدا بترسيد از خدا بترسيد، در باره دو ناتوان، يتيم و زن، همانا بهترين شما نيكويان شماست به اهل (و عيالش). «2

3- شوهر دوستي!

3- شوهر دوستي! شيريني زندگي در دنيا به محبت و علاقه متقابل بستگي دارد مخصوصاً براي زوجين كه از من وتو «ما» شده‌اند يعني زن و شوهر همديگر را درك كنند و به يكديگر علاقه‌مند شوند بگونه‌اي كه سالهاي متمادي عمر را با خوشي و خرمي، سپري كرده و در نهايت با عشق و علاقه از هم جدا شده و براي رفتن به جهان ابديت، از همديگر خدا حافظي نمايند.
1- امام صادق عليه السلام فرمود: انصرف رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم من سرية كان اصيب فيها ناس كثير من المسلمين فاستقبله النساء يسئلن عن قتلاهن فدنت منه امرأة. فقالت: يا رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم ما فعل فلان؟ قال: وما هو منك؟ فقالت: أخي فقال: احمدي اللَّه واسترجعي فقد استشهد ففعلت ذلك، ثم قالت: يا رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم ما فعل فلان؟ فقال: وما هو منك؟ قالت:
زوجي فقال: احمدي اللَّه واسترجعي فقد استشهد فقالت: (واويلي) واذلّاه، فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم ما كنت أظن أن المرأة تجد بزوجها هذا كلّه حتي رأيت هذه المرأة. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم از (جنگ و) پيكاري برگشت كه مردان زيادي از مسلمان‌هادر آن، كشته يا زخمي شده بودند، خانم‌ها به استقبال آمدند و از كشته شدگانشان مي پرسيدند (در اين حال) بانوئي به حضرت نزديك شد و گفت: اي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فلاني چهِ كرد؟
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 131
فرمود: او چه نسبتي با تو داشت؟ عرض كرد: برادرم بود، فرمودخدا را سپاس گزار و استرجاع كن، او شهيد شد، آن بانو حمد نمود و انّا اللَّه گفت، سپس پرسيد اي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فلاني چهِ كرد فرمود: چه كس تو بود؟ گفت: شوهرم بود، فرمود: حمد خدا كن وانّا اللَّه بگو او هم شهيد گشت آن زن گفت: واي برمن، واي برذليلي من، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من گمان نمي كردم زني براي از دست دادن شوهرش اين همه
(ناراحتي و تأثر) داشته باشد تا اين خانم را ديدم. «1»
2- معمر بن خلاد گويد: شنيدم اباالحسن عليه السلام مي فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به دختر جحش فرمود: قُتِلَ خالك حمزة، فاسترجعت، و قالت أحتسبه عند اللَّه، ثمّ قال لها قتل أخوك، فاسترجعت و قالت أحتسبه عند اللَّه، ثمّ قال لها قتل زوجك، فوضعت يدها علي رأسها و صرخت، فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم مايعدل الزّوج

عندالمرأة شيئي. دائيت حمزه كشته شد، استرجاع نمود و گفت: پيش خدا حساب مي كنم (يعني اجرم را درباره او از خدا مي گيرم)، فرمود: برادرت (نيز) كشته شد! استرجاع كرد و گفت: پيش خدا حساب مي كنم، فرمود: شوهرت (هم) به قتل رسيد، (مرگ شوهر را كه شنيد دستش را به سر گذاشت وناله بلند سرداد، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: پيش زن هيچ چيز با شوهر برابري نمي كند!

4- شوهر آزاري! 1- امام صادق عليه السلام فرمود: ملعونة ملعونة امرئة تؤذي زوجها وتغمّه، و سعيدة سعيدة امرئة تكرم زوجها ولا تؤذيه و تطيعه في جميع أحواله. از رحمت خدا دور و ملعونة است زني كه شوهرخود را اذيت كرده و غمگين نمايد، و خوشبخت و سعادتمند است زني كه شوهرش را گرامي دارد و او را اذيت نكند و در هرحال فرمانبردار او باشد. «2»
2- أيّما امرأة آذت زوجها بلسانها لم يقبل‌اللّٰه منها صرفاً ولا عدلًا و لا حسنةً من عملها
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 132
حتي ترضيه، وإن صامت نهارها وقامت ليلها وأعتقت الرقاب وحملت علي جياد الخيل في سبيل اللّٰه وكانت في أول من ترد النار، وكذلك الرجل إذا كان لها ظالما، ثم قال: ألا وأيما امرأة لم ترفق بزوجها وحملته علي ما لا يقدر عليه وما لا يطيق لم يقبل اللّٰه منها حسنة وتلقي اللّٰه وهو عليها غضبان. امام- عليه السلام فرمود:
هر زني شوهر خود را با زبانش اذيت نمايد، خداوند از او نمي‌پذيرد صرف و عدل (كوچك و بزرگ عملي) و حسنه‌اي را، تا اورا از خود راضي نمايد اگرچه روزها روزه و شبها عبادت نمايد و برده‌ها آزاد كند و با بهترين اسبها، در راه خدا (آنچه را خدا راضي است را) حمل نمايد و اول كسي باشد كه به آتش وارد شود، و همچنين است اگر بر زن ستم نمايد.
سپس فرمود: آگاه باش هر زني با شوهرش مدارا نكند و اورا برچيزي كه قدرت و طاقت آن را ندارد، وادار سازد، از او حسنه‌اي قبول نمي‌شود و خدارا ملاقات نمايد در حالي كه بر او غضبناك است. «1»
3- محمد بن علي بن حسين در كتاب (عقاب الاعمال): در عيادت مريض از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من كان له امرأة تؤذيه لم يقبل اللّٰه صلاتها ولا حسنة من عملها حتي تعينه وترضيه وان صامت الدهر وقامت وأعتقت الرقاب وانفقت الاموال في سبيل‌اللّٰه وكانت أول من ترد النار، ثم قال: قال رسول اللّٰه صلي الله عليه و آله و سلم: وعلي الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا كان لها مؤذياً ظالماً ومن صبر علي سوء خلق امرأته واحتسبه أعطاه اللّٰه (بكل مرة) يصبر عليها من الثواب مثل ما اعطي ايوب علي بلائه وكان عليها من الوزر في كل يوم وليلة مثل رمل عالج فان مات قبل ان تعقبه وقبل ان يرضي عنها حشرت يوم القيامة منكوسة مع المنافقين في الدرك الأسفل من النّار، ومن كانت له امرأة ولم توافقه ولم تصبر علي ما رزقه اللّٰه وشقت عليه وحملته ما لم يقدر عليه لم يقبل اللّٰه لها حسنة تتقي بها النار وغضب اللّٰه عليها ما دامت كذلك. هركس

زني دارد كه او را اذيت مي‌كند، خداوند نماز و كارهاي خير اورا قبول نمي‌كند تا بر او كمك كرده و راضي اش نمايد، اگرچه يك روزگار روزه بگيرد و برده‌ها آزاد كند و اموالش را در راه خدا انفاق نمايد و اول كسي باشد كه به آتش وارد مي‌شود!؛

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 133

سپس فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: وعين اين وزر و عذاب، بر مرد هم هست، اگر زن را اذيت و ستم نمايد، و هركس بر اخلاق بد زنش صبر كند و اميد اجر داشته باشد، خداوند به هر مرتبه آن كه صبر مي‌كند، ثواب عطا فرمايد به اندازه‌اي كه به ايوب عليه السلام داده در مقابل صبر بر بلاهايش؛

وبراي زن در مقابل هر روز (از بد اخلاقي اش) به تعداد ريگ بيابان «عالج»، وزر و وبال مي باشد، پس اگر پيش از راضي نمودن همسر، بميرد، روز قيامت، وارونه آويخته مي‌شود با منافقين در پائين‌ترين طبقه جهنم از آتش؛

و هركس همسري دارد با شوهرش موافقت نداشته باشد و به روزي خدا دادي صبر ننمايد و بر شوهر سخت بگيرد و وادارش كند بر چيزي كه طاقت آن را ندارد، خداوند اعمال خوب او را كه از آتش نگهدارد، قبول نمي‌كند و غضب خدا براو خواهد بود مادامي اين گونه باشد. «1»

4- علي (بن جعفر) عن أخيه عليه السلام قال: سألته عن المرأة العاصية لزوجها هل لها صلاة وما حالها؟ قال: لا تزال عاصية حتي يرضي عنها. علي (بن جعفر) از برادرش (موسي بن جعفر) عليهما السلام گفت: از او از حكم زني پرسيدم كه به شوهرش نافرماني مي‌كند آيا نمازش درست است و حالش چگونه خواهد بود؟! فرمود: اومدام نافرمان (و عصيانگر) به حساب مي آيد تا شوهرش از او راضي شود. «2

5- جهاد بانوان

5- جهاد بانوان روزي ام سلمه (يكي از زنان پيامبر) عرض كرد اي رسول خدا صلي اللّه عليه و آله و سلم: همه ثواب‌هاي جهاد و شهادت و كارهاي في سبيل اللّه مخصوص مردان است و زن‌ها از اين همه ثواب‌ها محرومند و دست خالي؟! حضرت در فرمايش مفصلي ثواب دوران حاملگي و بچه داري و شير دادن و بچه بزرگ كردن و غيره كه به جاي عبادت و شهادت و ثواب‌هاي تسبيح است را شرح داد و از جمله فرمود: جهاد زن، خوب

شوهر داري اوست. «1»

1- موسي بن بكر: از أبي إبراهيم عليه السلام فرمود: جهاد المرأة حسن التبعّل. جهاد زن:
خوب شوهرداري اوست. «2»

2- اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: كتب اللّه الجهاد علي الرّجال و النّساء فجهاد الرّجل بذل ماله و نفسه حتّي يقتل في سبيل اللّه، و جهاد المرأة أن تصبر علي ماتري من أذي زوجها و غيرته.

خداوند جهاد را بر مرد و زن واجب نموده است!؛ پس جهاد مرد بخشيدن جان و مال خود است تا در راه خدا شهيد شود؛ و جهاد زن اين است كه به آزار و اذيت شوهر و (از نا روائي‌هاي شوهر از جهت) غيرت (و بد بيني كه به او متوجه مي شود) صبر نمايد. «3

6- پاداش خدمت به شوهر

6- پاداش خدمت به شوهر ارزش خدمات بانوان به اعضاي خانواده بخصوص به همسرش را غير از خدا، كسي نمي‌تواند تعيين نمايد و بها دهد زيرا اين خدمات عاشقانه توأم با از خود گذشتگي، مخصوص‌اين قشر خاص است كه مادام‌العمر در پاي آن نشسته و ايثار مي‌نمايند و از هيچ گونه فداكاري دريغ نمي‌ورزند در اين زمينه به روايت‌هاي بعدي توجه فرمائيد.
1- ورام بن أبي فراس در كتابش گفت: قال عليه السلام الإمرأة الصالحة خير من ألف رجل غير صالح و أيّما امرأة خدمت زوجها سبعة أيّام أغلق اللَّه عنها سبعة أبواب النار و فتح لها ثمانية أبواب الجنة تدخل من أيّها شاءت.
امام عليه السلام فرمود: يك زن صالحه بهتر است از هزار
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 135
مرد نا صالح، هر زني يك هفته به مرد خودش خدمت نمايد، خداوند هفت دَرِ جهنم را به روي او مي‌بندد و هشت دَرِ بهشت را به روي او مي‌گشايد كه از هركدام دلبخواهش است وارد شود. «1»
2- قال: و قال عليه السلام: ما من امرأة تسقي زوجها شربة من ماء إلّا كان خيراً لها من عبادة سنة صيام نهارها وقيام ليلها ويبني اللَّه لها بكل شربة تسقي زوجها مدينة في الجنة و غفر لها ستين خطيئة. و باز فرمود: نيست زني كه شوهر خود را از آب سيراب نمايد، مگر اين كه برايش از ثواب عبادت يك سال بهتر است كه روزها روزه گيرد و شبها تا صبح نماز بخواند، و خداوند برايش به هر آشاميدن آب كه شوهرش را سيراب نمايد، شهري در بهشت بنا كند و از شصت گناه او در گذرد. «2»
3- جماعتي از أبي المفضل سندش را رسانده از امام صادق عليه السلام روايت مي كند فرمود: سألت ام سلمة رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم عن فضل النساء في خدمة أزواجهن فقال: أيّما امرأة رفعت من بيت زوجها شيئا من موضع إلي موضع تريد به صلاحاً إلا نظر اللَّه إليها ومن نظر اللَّه إليه لم يعذّبه. فقالت ام سلمة رضي اللَّه عنها: زدني في النساء المساكين من ثواب بأبي أنت وامّي فقال صلي الله عليه و آله و سلم: يا ام سلمة إن المرأة إذا حملت كان لها من الأجر كمن جاهد بنفسه وماله في سبيل اللَّه عز وجل، فإذا وضعت قيل لها قد غفر لك ذنبك فاستأنفي العمل، فإذا أرضعت فلها بكل رضعة تحرير رقبة من ولد إسماعيل. ام سلمه (زن پيامبر) از رسول خدا سؤال نمود از فضيلت خدمت زنها به شوهرانشان، فرمود: هر زني از خانه شوهر چيزي را بردارد و جاي ديگر بگذارد كه اراده اصلاح نمودن (وجابجا كردن دارد) مگر اينكه خداوند براو نظر نمايد و به هركس خداوند نظر كند ديگر او را عذاب ننمايد؛

ام سلمة گفت: بيشتر بفرما اي رسول خدا پدر ومادرم فداي تو باد، براي زنهاي بيچاره ازثواب، فرمود: اي ام سلمة همانا زني كه حامله شد اجر او مانند كسي است كه با مال و جان خود در راه خداي عزّ و جلّ جهاد نمايد، وقتي كه وضع حمل نمود به او گفته مي‌شود، گناهانت بخشوده شد اعمالت را دوباره از سر بگير، هرگاه بچه را شير داد به هر شير دادن ثواب برده آزاد كردن از اولاد اسماعيل را، مي‌دهند. «3

7- خوش رفتاري در خانواده

7- خوش رفتاري در خانواده هنگامي كه عاقد ميان دو زوج جوان و غير جوان عقد جاري مي‌كند، معناو مفهوم آن، اين است كه ما دونفر تا دم مرگ به همديگر يار و ياور وفا دار خواهيم بود، و بنيان زندگي خود را با عشق وعلاقه بنا كرده و به همديگر، گره مي‌زنيم و عقد مي‌بنديم؛
اساساً معناي واژه «عقد» در عربي، به معناي گره و عاقد گره دهنده و معقود گره شونده است، پس با بستن اين پيمان محكم و قول‌هاي مستحكم و سستي‌ناپذير، وارد معركه، تلخ و شيرين، و فراز و نشيب زندگي مي‌شويم، آيا واقعاً كار درست و منصفانه است كه هنوز مركّب امضاء و اثر انگشت در دفاتر ازدواج، خشك نشده راهي امضاء نمودن دفتر طلاق و جدائي باشيم!!؛
آخر چرا مردم اين قدر پيمان شكن و سست گفتار و بد كردار و زشت رفتار شده‌اند، آيا شنيده‌ايد در روزگاران قديم كه نه دفتر دستكي بود و نه سند رسمي ازدواج و مواد دوازده گانه دفتر ازدواج، براي نمونه، به خيال يك زن و يا مردي: مسئله طلاق و جدائي خطور كند؟!! و يا اصلًا يكي از اين اتفاقات بيفتد؟!!؛
اگر در قبيله و ايل وتباري اين مسائل حتي براي يك بار هم شده، پيش مي‌آمد و اتفاق مي‌افتاد، مانند صداي بمب اتم در همه جا مي‌پيچيد و ديگر كسي با آن قبيله وصلت نمي‌كرد و دختر نمي‌داد و نمي‌گرفت و براي هميشه، بد نام گشته و منزوي مي‌شدند!!؛
آخر ما چه قدر عمر داريم و چند سال زندگي خواهيم كرد كه اين همه مشكلات را براي خود فراهم مي‌كنيم و پيش مي‌آوريم، بياييد اين خصلت‌هاي شيطاني و خصومت‌هاي غير انساني را كنار گذاشته، با كسي كه پيمان زناشوئي و عقد همسري بسته‌ايم، وفادار بمانيم و با مختصرگذشتي، كينه توزي و خود خوري و صفات ناپسند و اعصاب خراب كن را، كنار گذاشته و فاتحه بد رفتاري و بد اخلاقي وو ... را بخوانيم انشاءاللَّه.
ببينيم خردمندان عالم و بزرگان دين در اين باره، چه توصيه‌ها و سفارشهائي را
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 137
كرده‌اند.
1- قال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: خيركم خيركم لأهله (لنسائه) وأنا خيركم لأهلي (لنسائي). رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: بهترين شما كسي است كه با خانواده اش: بهتر (و خوش

رفتار) باشد و من بهترين شما نسبت به اهل (و عيالم) هستم. «1»
2- و قال صلي الله عليه و آله و سلم: عيال الرجل اسراؤه وأحب العباد إلي اللَّه عزوجل أحسنهم صنعاً إلي أسرائه. و فرمود: عيالات مرد اسيران اويند و بنده دوست داشتني تر در پيش خداي عزّ وجلّ كساني اند كه با اسيران خود: خوش رفتار باشد. «2»
3- و قال أبو الحسن عليه السلام: عيال الرجل اسراؤه فمن أنعم اللَّه عليه بنعمة فليوسّع علي اسرائه، فان لم يفعل أوشك أن تزول تلك النعمة. ابو الحسن عليه السلام فرمود: خانواده مرد اسيران اويند! پس هركس راخداوند توانائي نعمت داده به اسراء (و عيالات) خود گشايش دهد: و هركس اين را نكند: نابود شدن نعمتش نزديك است!. «3»
4- و قال صلي الله عليه و آله و سلم: ألا خيركم خيركم لنسائه وأنا خيركم لنسائي. باز آن حضرت فرمود: آگاه باشيد بهترين شما آن است كه با خانواده اش: بهتر (و خوش رفتار) باشد و من بهترين شما نسبت به اهل (و عيالم) هستم. «4»
5- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: انّماالمرئة لعبة الرّجل من اتّخذها فلايضيّعها. زن اسباب بازي مرد است، هركس او را مي گيرد (و امام باقر فرمود: او ازدواج مي كند) او را ضايع ننمايد. «5»
6- امام صادق عليه السلام فرمود: أكثر أهل الجنّة من المستضعفين النّساء علم اللَّه ضعفهنّ فرحمهنّ. بيشترين اهل بهشت از ناتوانان زنان هستند، خداوند ناتواني آنها را دانست و به آنان رحم نمود. «6»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 138
7- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: اتّقو اللَّه في الضّعيفين اليتيم و المرئة.! درباره دو ضعيف از خدا بترسيد، يتيم و زن!. «1»
8- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: ملعون ملعون من ضيّع من يعول. ملعون است ملعون است كسي كه زيردستانش را ضايع نمايد. «2»
9- محمد بن علي بن حسين در كتاب (عقاب الاعمال): در عيادت مريض از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من كان له امرأة تؤذيه لم يقبل اللَّه صلاتها ولا حسنة من عملها ... ثم قال: قال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: وعلي الرجل مثل ذلك الوزر و العذاب إذا كان لها مؤذيا ظالماً ومن صبر علي سوء خلق امرأته و احتسبه أعطاه اللَّه (بكل مرة) (يوم و ليلة) يصبر عليها من الثواب مثل ما اعطي ايّوب علي بلائه ...
هر زني شوهر خود را اذيت نمايد: خداوند نماز و حسنات او را قبول نمي كند
سپس گفت: رسول خدا فرمود: و مانند اين وزر و عذاب ها براي مرد هم هست اگر عيالش را از روي ستم: اذيت نمايد؛

و هركس به بد اخلاقي زنش صبر نمايد و براي رضاي خدا (تحمل كند) خداوند به هر مرتبه و هر شب و روزش، مانند ثواب (حضرت) ايّوب عليه السلام عطا نمايد ... «3

8- پاداش تأمين معاش

8- پاداش تأمين معاش هر كسي موظف است معاش زيردستان خود را، تأمين نمايد، و به هر وسيله‌اي، رفاه و آسايش زندگي آنان را فراهم آورد و آنان را از محتاج به ديگران و چشم داشتن در زندگي سايرين، به دور سازد، زيرا افراد تحت تكفّل هر كسي، براي بزرگ خانواده واجب النّفقة است و خداوند در ازاي انجام اين وظيفه، پاداش و اجر اخروي فراواني را هم به او وعده كرده و قرار داده است كه تا بادلگرمي به تكاپو و فعاليتش ادامه دهد.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 139
1- امام رضا عليه السلام، از پدر بزرگوارش از جدّش عليهم السلام فرمود:: مرّ جعفر عليه السلام بصيّاد فقال: يا صيّاد أيّ شئ أكثر ما يقع في شبكتك؟ قال: الطير الزاق قال: فمرّ و هو يقول: هلك صاحب العيال هلك صاحب العيال. امام صادق عليه السلام ازكنار صيّادي گذشت و فرمود: اي صياد به تورت بيشتر چهِ چيزي مي افتد؟! گفت: پرنده «زاق» (حضرت) گذشت در حالي كه مي فرمود: هلاك شد عيالبارها هلاك شد، صاحبان عيال. «1»
2- عالم عليه السلام: ضمنت لمن اقتصد أن لا يفتقر، و اعلم أن نفقتك علي نفسك و عيالك صدقة، و الكادّ علي عياله من حلّ، كالمجاهد في سبيل اللّه. ضامن شدم به كسي كه (در زندگي اش ميانه رو باشد) اين كه فقير (وندار) نباشد، و بدان مخارج تو، به خودت و عيالت، صدقه است (و ثواب آن را مي بري)، و تلاش كننده از حلال، در راه عيالش، مانند جهاد كننده در راه خداست. «2»
3- ابن عباس گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من دخل السّوق فاشتري تحفة فحملها إلي عياله كان كحامل صدقة إلي قوم محاويج، وليبدأ بالأناث قبل الذّكور، فانّ من فرّح ابنة فكأنّما أعتق رقبة من ولد إسماعيل، ومن أقرّ. بعين ابن فكأنّما بكي من خشية اللّه عزوجل، ومن بكي من خشية اللّه عزوجل ادخل جنات النعيم. هركس داخل بازار شود و تحفه‌اي خريده به اهل و عيالش ببرد، (ثوابش) مانند كسي است به نيازمندان صدقه حمل كند، (وقتي كه به خانه رسيد) پيش از مردان، اول از زنان شروع نمايد، پس هركس دختري را خوش حال نمايد مانند آنست كه برده‌اي را از اولاد اسماعيل آزاد نمايد، و هركس چشم پسري را روشن كند مانند كسي است كه از ترس خداوند گريه نمايد و هر كس از ترس خدا بگريد به جنّات نعيم (بهشت‌هاي پر نعمت) داخل‌مي نمايد. «3

9- كمك به اندازه خرج

9- كمك به اندازه خرج در روايات اسلامي آمده است كه كمك‌هاي آسماني به اندازه مخارج هركس، نازل مي شود اگر زياد باشد زياد، و اگر كم باشد كم، البته اين به آن معنا نيست كه انسان اسراف درخرج نمايد بلكه با تقدير و تدبير صحيح، زندگي خود را بچرخاند در عين

اينكه، از بخل ورزي و سخت‌گيري در معيشت را، رها سازد.

1- أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: تنزل المعونة علي قدر المؤنة. كمك (خداوند) به اندازه خرج نازل مي شود. «1»

2- ابن علوان، از امام صادق، از پدربزرگوارش عليهما السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إنّ اللّٰه تبارك و تعالي ينزل المعونة علي قدر المؤنة، و ينزل الصبر علي قدر شدة البلاء. همانا خداي تبارك وتعالي كمك (به خرج زندگي را) به قدر هزينه (زندگي) فرود آرد و صبر را به اندازه شدت بلا نازل نمايد. «2

10- تقدير المعيشة

10- تقدير المعيشة تقدير معيشت و اندازه‌گيري خرج زندگي، يكي از كارهاي كليدي زندگاني است هركس در دوران عمر خود اين خصلت را براي خود، سرمشق قرار دهد، دست خالي نمانده و پشيمان و محتاج ديگران نخواهد شد.

1- اميرمؤمنان عليه السلام به بعض از أصحابش فرمود: لا تجعلنّ أكثر شغلك بأهلك وولدك فان يكن أهلك وولدك أولياء اللَّه، فانّ اللَّه لا يضيع أولياءه، وإن يكونوا أعداء اللَّه فماهمّك و شغلك بأعداء اللَّه. مشغله خود را زياد به اهل و اولادت قرار نده (خود را درباره آنها بيش از حد گرفتار نكن زيرا) اگر آنها، دوست خدايند، خداوند آنها را ضايع نمي كند (و رها نمي سازد) و اگر دشمن خدا هستند چرا همت و شغل خود را در باره دشمن خدا، قرار مي دهي!. «3»

2- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: التودّد إلي الناس نصف العقل، و حسن السّؤال نصف العلم، والتقدير في النّفقة نصف العيش. دوستي با مردم نصف عقل است و سؤال (از استاد) نصف علم است و تقدير در مخارج نصف زندگي است. «4»

3- و در خبر ديگرفرمود: التقدير نصف المعيشة. اندازه نگهداشتن نصف معيشت

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 141

است. «1»

4- اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: ما عال امرؤ اقتصد. به سختي (زندگي) نيفتاد كسي كه ميانه رو باشد. «2»

5- موسي از او عليه السلام، فرمود: پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: التودّد إلي الناس نصف العقل، والرّفق نصف المعيشة، و ما عال امرؤ في اقتصاد. دوستي با مردم نصف عقل است و مدارا (با آنها) نصف معيشت است، و مرد به تنگي (زندگي) نيفتاد در ميانه روي. «3

11- ميوه براي خانواده توسعه در زندگي خانواده از صفات پسنديده انساني است كه تا مي تواندر دوران زندگي سعي و كوشش نمايد تا نياز همه جانبه آنها را بر طرف سازد و نگذارد چشم به ديگران دوخته و آه سوزان از دل بركشند، در صورت امكان اهل و عيال خود را از خوردنيها و آشاميدنيهاي حلال، سير و بي نياز سازد و تا آنجا كه در توان دارد و برايش مقدور است، آنان را از مواهب زندگي، خاصه از ميوه‌هاي گوناگون، برخوردار نمايد تا خداوند نيز به او با ديده رحمت بنگرد.
1- اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: أطرفوا أهاليكم في كل جمعة بشئ من الفاكهة كي يفرحوا بالجمعة. در هر جمعه به (زندگي) اهل و عيال خود با چيزي از ميوه، تنوع بخشيد تا به آمدن جمعه خوشحال شوند. «4»
2- أبي حمزة الثمالي، از علي بن الحسين عليهما السلام فرمود: إنّ أحبّكم إلي اللَّه عزوجل أحسنكم عملا، وإنّ أعظمكم عند اللَّه عملا أعظمكم فيما عنده رغبةً، وإنّ أنجاكم من عذاب اللَّه أشدكم خشيةً اللَّه، وإنّ أقربكم من اللَّه أوسعكم خُلقاً، وإنّ أرضاكم عند اللَّه أسبغكم علي عياله، وإنّ أكرمكم عند اللَّه أتقاكم. همانا محبوب‌ترين شما به خداي عزوجل، زيبا عملانند و بزرگترين صاحب عمل شما نزد خداوند، راغب‌ترين شما
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 142
بر آنچه كه نزدخداست و نجات بخش‌ترين شما از عذاب خدا، ترسان‌ترين شماست (از خدا) و نزديك‌ترين شما از خدا، خوش اخلاق‌ترين شماست و رضايت بخش‌ترين شما نزد خداوند، دست و دل بازترين شما به عيالش است، و گرامي‌ترين شما نزد خدا، پرهيز كارترين شماست. «1

12- كمي اولاد!

12- كمي اولاد! تربيت و نگهداري و بزرگ كردن اولاد، يكي از معضلات زندگي است، به قول امروزي‌ها (اولادكمتر زندگي بهتر).
پيش از آنكه اولاد را به دنيا آورد، بايد در فكر زواياي زندگ و مسؤليت‌هاي فراوان خود، در برابر آنها باشد، درست است روزي دهنده خداست، اما تنها روزي نيست بلكه وظائف هزاران مسائل ديگر در باره اولاد در دوش آدمي است كه چگونه اين بار سنگين را به سر منزل مقصود برساند، البته اگر كسي بتواند، اين بار سنگين (تربيت و مراقبت و تأمين مخارج) را به سر منزل مقصود برساند، آن وقت است كه مشمول فرمايش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم «تناكحوا تناسلوا انّي أباهي بكم الأمم» خواهد بود.
1- عبد العظيم الحسني، از أبي جعفر الثاني، ازپدران بزرگوارش، از أمير مؤمنان عليهم السلام فرمود: قلّة العيال أحد اليسارين. كمي عيال يكي از دو آسان (زندگي كردن) است. «2»
2- امير مؤمنان عليه السلام فرمود: الفقر هو الموت الأكبر و قلّة العيال أحد اليسارين، التقدير نصف العيش، ما عال امرؤ اقتصد. نداري مرگ سرخ است و كمي عيال (و اولاد) يكي از دو آسان است، تقدير (در معيشت) نصف عيش (و خوشي) است، گرفتار نشد
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 143
مردي كه با اقتصاد (و ميانه روي) زندگي نمايد. «1

13- خوشا به حال دختر‌داران! از قديم الأيام، در ميان اقوام مختلف، داشتن دختر سبب سر افكندگي در ميان خويش و اقوام بوده و هست منتهي با تفاوت و شدت و ضعف، از زنده بگور كردن گرفته تا مسايل ديگر؛
با اين فرهنگ و روحيه، تربيت و بزرگ كردن و شوهر دادن وو .. مادام العمر براي پدر و مادر، از مشكلات كمر شكن دوران عمراست، با اينكه دين مقدس اسلام براي احياء و شخصيت دادن به دختر و زن، دستورات و فرامين استثنائي و اختصاصي دارد، اما باز اين مشكلات و بار سنگين در گُرده والدين، سايه افكنده است، بدينجهت است كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم در اين باره فرمايشاتي دارد كه ذيلًا مختصري از آنها را مي‌خوانيد.
1- أبان بن تغلب، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: البنات حسنات والبنون نعمة والحسنات يثاب عليها والنعمة يسأل عنها. دختران حسناتند و پسران نعمت، به حسنات ثواب مي‌دهند و از نعمت سؤال مي‌شود. «2»
2- به پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم (تولد) دختري را مژده دادند (حضرت به روهاي اصحاب نگريست) و نا راحتي را در سيماي آنان ديد پس فرمود: مالكم؟ ريحانة أشمّها ورزقها علي اللَّه عزوجل. چه شده برايتان (چرا ناراحت شديد) ريحانه ايست مي‌بويم او را و روزي اش هم برخداي عزّ و جلّ است. «3»
3- حمزة بن حمران، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: مردي پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و نزد او مرد (ديگري) بود، او را به مولودي خبر دادند، رنگ آن مرد تغيير يافت!، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به او فرمود: مالك؟ قال: خير قال: قل، قال: خرجت والمرأة تمتخض
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 144
فأخبرت أنّها ولدت جارية، فقال له النبي صلي الله عليه و آله و سلم: الأرض تقلّها والسماء تظلّها و اللَّه يرزقها، وهي ريحانة تشمّها، ثمّ أقبل علي أصحابه فقال من كانت له ابنة فهو مقروح، ومن كانت له ابنتان فيا غوثاه ومن كانت له ثلاث بنات وضع عنه الجهاد وكلّ مكروه، و من كانت له أربع بنات فيا عباد اللَّه أعينوه، يا عباد اللَّه أقرضوه، يا عباد اللَّه ارحموه. چه شد برايت؟! گفت:
خير است، فرمود: بگو گفت: هنگام بيرون آمدن من، زنم را درد زايمان گرفته بود (كه الان) خبر دادند دختر زائيده است، رسول خدا صلي الله

عليه و آله و سلم فرمود: زمين او را بر مي‌دارد و آسمان بر او، سايه مي‌افكند و خدا روزي اش را مي‌دهد و او ريحانه ايست كه مي‌بوئي (تو چرا نا راحتي؟!) سپس رو به اصحاب كرد و فرمود: هركس يك دختر دارد، زخمدار است، و هركس دوتا دختر دارد، واغوثاه، و هركس سه دختر دارد، تكليف جهاد و همه كارهاي ناخوشايند، از او برداشته شده است و هر كس چهار دختر دارد اي بندگان خدا به او كمك كنيد، اي بندگان خدا به او قرض دهيد، اي بندگان خدا به او رحم نماييد!!. «1»
4- روايت يكي از صادقين عليهما السلام است فرمود: إذا أصاب الرجل ابنة بعث اللَّه إليها ملكاً فأمرّ جناحه علي رأسها و صدرها و قال: ضعيفة خلقت من ضعف، المنفق عليها مُعانٌ إلي يوم القيامة. زماني كه مردي داراي دختري شد، خداوند فرشته‌اي را به آن دختر مي‌فرستد و بال هايش را به و سر وسينه آن دختر مي‌كشد و مي‌گويد:
ناتوانيست از ناتواني آفريده شده است، خرج دهنده او، كمك كرده مي‌شود تا روز قيامت. «2»
5- يحيي بن المساور، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: موسي بن عمران گفت: يا رب أيّ الأعمال أفضل عندك؟ فقال: حبّ الأطفال فإنّ فطرتهم علي توحيدي فإن أمتّهم أدخلهم برحمتي جنّتي. پروردگا را كدام عمل پيش تو بهتر است؟ فرمود: دوست داشتن خردسالان زيرا فطرت آنها بر توحيد من است اگر آنها را ميراندم به بهشتم داخل مي‌نمايم. «3

1- حقوق مرد برخانم

1- حقوق مرد برخانم هريك از زن و مرد بر ذمه ديگري حقوق متقابل دارند و بايد آن حقوق را مدّ نظر قرار داده و به وظايف خود عمل نمايند كه تعدادي از روايات آنها را در دو فصل بعدي مي آوريم.
1- حسين بن زيد، از امام صادق، از پدران بزرگوارش عليهم السلام از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم- در حديث مناهي- فرمود: ونهي أن تخرج المرأة من بيتها بغير اذن زوجها، فإن خرجت لعنها كلّ ملك في السماء وكلّ شئ تمرّ عليه من الجنّ والإنس حتي ترجع إلي بيتها، ونهي أن تتزيّن لغير زوجها، فان فعلت كان حقاً علي اللَّه عزوجل أن يحرقها بالنار، ونهي أن تتكلم المرأة عند غير زوجها وغير ذي محرم منها أكثر من خمس كلمات مما لا بدّ لها منه، و نهي أن تباشر المرأة المرأة وليس بينهما ثوب، ونهي أن تحدّث المرأة المرأة بما تخلو به مع زوجها- إلي أن قال: وقال عليه السلام: أيما امرأة آذت زوجها بلسانها لم يقبل اللَّه منها صرفاً ولا عدلًا ولا حسنةً من عملها حتي ترضيه، وإن صامت نهارها وقامت ليلها وأعتقت الرقاب وحملت علي جياد الخيل في سبيل اللَّه وكانت في أول من ترد النار، وكذلك الرجل إذا كان لها ظالما، ثم قال: ألا وأيما امرأة لم ترفق بزوجها وحملته علي ما لا يقدر عليه وما لا يطيق لم يقبل اللَّه منها حسنة وتلقي اللَّه وهو عليها غضبان.
ونهي نموده است كه، زن از خانه‌اش بي اجازه شوهر، بيرون رود، چنانچه خارج شود، بر او لعنت فرستند، فرشتگان وتمامي چيزهائي كه از كنار آن بگذرد از جن و انس تا به خانه‌اش برگردد، و اگر اين كار را بكند، خداوند حق دارد او را با آتش بسوزاند.
و نهي نمود: اينكه زن بيش از پنج كلمه نزد غير شوهرش با نامحرم حرف بزند كه ناچار از آن حرف زدن باشد!؛
و نهي فرمود: زن با زن ديگر مباشرت داشته باشد (زير يك لحاف بخوابند) كه ميان آنها لباسي نباشد؛
و نهي فرمود: زن آنچه كه ميان او و شوهرش مي‌گذرد، به ديگران بازگو نمايد- تا
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 146
اينكه گفت: امام- عليه السلام فرمود: هر زني شوهر خود را با زبانش اذيت نمايد، خداوند از او نمي‌پذيرد صرف و عدل (بزرگ و كوچك عملي) و حسنه اي را، تا اورا از خود راضي نمايد اگرچه روزها روزه و شبها عبادت نمايد و برده‌ها آزاد كند و با بهترين اسبها، در راه خدا (آنچه را خدا راضي است را) حمل نمايد و اول كسي باشد كه به آتش وارد شود، و همچنين

است مرد اگر بر زن ستم نمايد، سپس فرمود: هر زني كه با شوهرش مدارا ننمايد و او را بر آنچه توان آن را ندارد، وادار كند، خداوند عمل خوبي از او نمي‌پذيرد و خدارا ملاقات كند در حالي كه بر او غضبناك است. «1»

2- محمد بن مسلم، از امام باقر عليه السلام فرمود: زني پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و گفت:

يا رسول اللَّه ما حقّ الزّوج علي المرأة؟ فقال لها: تطيعه ولا تعصيه ولا تتصدق من بيته بشئ إلّا باذنه ولا تصوم تطوّعاً إلّا باذنه ولا تمنعه نفسها وإن كانت علي ظهر قتب، ولا تخرج من بيته إلّا باذنه، فان خرجت بغير إذنه لعنتها ملائكة السّماء و ملائكة الأرض وملائكة الغضب وملائكة الرحمة حتي ترجع إلي بيتها. فقالت: يا رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: من أعظم الناس حقّاً علي الرّجل؟ قال: والده قالت: فمن أعظم الناس حقّاً علي المرأة؟ قال:

زوجها، قالت فما لي عليه من الحق مثل ما له علي؟ قال: لا ولا من كل مائة واحد، فقالت:

والذي بعثك بالحق لا يملك رقبتي رجل أبدا. اي رسول خدا! حق شوهر برگردن زن چيست؟! فرمود:

1- او را اطاعت نمائي و نافرماني نكنيد؛ يد

2- و از خانه او بدون اجازه، چيزي تصدق نكنيد؛

3- و روزه مستحبي نگيرد، مگر با اجازه او؛

4- و او را از خود مانع نشو اگرچه در بالاي كوهان شتر باشد؛

5- و ازخانه بدون اجازه بيرون نروي، اگر بيرون رود، فرشته‌هاي آسمان و زمين و فرشتگان غضب و رحمت، بر او لعنت نمايد تا به خانه برگردد؛

گفت: اي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم براي مرد چه كسي حقش بر او بزرگتر است؟ فرمود:

پدرش، گفت: براي زن چه كسي، بزرگترين حق را دارد؟! فرمود: شوهرش، گفت: آيا من هم به او حقي دارم آن گونه كه او دارد؟! فرمود: نه و نه يك صدم! زن گفت:

سوگند به آن كهِ ترا به حق فرستاده است مردي مالك گردن من نخواهد شد ابداً (و هيچ وقت ازدواج نخواهم كرد). «1

2- حقوق خانمها بر آقايان

2- حقوق خانمها بر آقايان در فصل‌هاي مختلف اين كتاب راجع به حقوق مرد روايات زياد آورده شده است؛ اما نسبت به حقوق خانمها در گردن آقايان علاوه بر محتواي بعضي از فصل‌هاي پيشين به مطالب ذيل توجه فرماييد.
خداوند متعال در قرآن مجيد مي فرمايد: «ولهنّ مثل الّذي عليهنّ» و براي زنان هم مانند آنچه كه برعليه آنان است، هست. «2»
1- و من حقّها عليه، أن يشبعها و أن يكسوها و أن يغفر لها اذا جهلت. و از حق زن بر مرد، او را سير نمايد و بپوشاند و اگر از او ناداني ديد، او را ببخشد (و گذشت نمايد). «3»
2- از امام صادق عليه السلام فرمود: زني پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و از حق مرد بر زن پرسيد و جواب داد، گفت: حق زن بر مرد چيست؟ فرمود: يكسوها من العري و يطعمها من الجوع و اذا أذنبت غفر لها، قالت فليس لها عليه شيي‏ءٌ غير هذا؟ قال: لا قالت:
لا و اللّه لا تزوّجت أبداً ثمّ ولّت فقال النّبيّ ارجعي فرجعت فقال انّاللّه عزّوجلّ يقول: «وان يستعففن خير لهنّ». او را از برهنگي بپوشاند، و از گرسنگي برهاند، و اگر گناهي سر زد ببخشايد، گفت: جز اينها براي زن چيزي در گردن مرد نيست؟! فرمود: نه گفت:
نه به خدا قسم ابدا ازدواج نمي كنم، سپس برگشت برود پيامبر فرمود: برگرد، برگشت، فرمود: خداي عز وجل فرمود: اگر عفاف داشته باشند، برايشان بهتر است (يعني اگر ازدواج نكردي، عفاف داشته باش). «4»
3- ولا يقبحها و جهاً. به او ترش روئي نكند. «5»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 148
4- اميرمؤمنان عليه السلام در حديث مفصلي به پسرش محمد حنفيه نوشت: المرئة ريحانة و ليست بقهرمانة ... فدارها علي كلّ حال و أحسن الصّحبة لها ليصفوا عيشك. همانا زن (گل) ريحان است نه قهرمان .. پس با او در هر حال مدارا كن و صحبت با او را نيكو گردان تا زندگي ات صاف (و شفاف) باشد «1».
5- رحم اللّه عبداً أحسن فيما بينه و بين زوجته خدا رحمت كند بنده‌اي را كه ميان خود و همسرش را اصلاح (و خوش رفتاري) نمايد. «2»
6- عمرو بن أبي المقدام از أبي جعفر عليه السلام و عبدالرحمن بن كثيراز أبي عبد اللّه عليه السلام فرمود: أميرمؤمنان عليه السلام در نامه‌اي به امام حسن عليه السلام نوشت: لا تُملك المرأة من الأمر ما يجاوز نفسها فانّ ذلك أنعم لحالها و أرخي لبالها وأدوم لجمالها فَانّ المرأة ريحانة وليست

بقهرمانة ولا تعد بكرامتها نفسها واغضض بصرها بسترك واكففها بحجابك ولا تطمعها ان تشفع لغيرها فيميل من شفعت له عليك معها واستبق من نفسك بقيّةً فانّ امساكك عنهنّ وهنّ يرين انّك ذو اقتدار خير من ان يرين حالك علي انكسار. زن را بيش از توانش به كار وامدار چون اين روش (مناسب و) بهتر به حال و آرامش خاطر و دوام زيبائي اوست، همانا زن (مانند گل) ريحانه است نه قهرمانة، و با گرامي داشتن فوق (العادة و پرداختن زياد) او را از حد خود بالاتر نبر (و پر رو نكن)، و چشم اورا با پوشاندن (و تقواي) خود، فرو ببند، و با حجاب خود، او را (از حرام) بازدار، و (راه او را براي شفاعت به ديگران، (باز مگذار و) به طمع نينداز كه (روزي) شفاعت شونده بر عليه تو، ميل نمايد (و با او هم دست شود) و براي خودت چيزي (از قدرت) خود نگهدار زيرا خود داري تو از همه خواسته‌هاي آنها در حالي كه آنان تورا قدرتمند ببينند، برايت بهتر است از اين كه حال تو را شكسته (و ناتوان بينند). «3»

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 149

7- إسحاق بن عمار گويد: به ابي عبد اللَّه عليه السلام گفتم: ما حق المرأة علي زوجها الذي إذا فعله كان محسناً؟ قال: يشبعها ويكسوها وان جهلت غفر لها. حق زن بر شوهرش چيست كه اگر آن را انجام دهد از نيكوكاران به شمار آيد؟! فرمود: شكم او را سير نمايد و او را بپوشاند و اگر ناداني كرد، او را ببخشد. «1»

8- أبو عبد اللَّه عليه السلام فرمود: كانت امرأة عند أبي عليه السلام تؤذيه فيغفر لها. زني نزد پدرم عليه السلام بود و او را اذيت مي كرد (پدرم) آن زن را مي بخشيد. «2»

9- سماعة بن مهران، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: اتّقوا اللَّه في الضعيفين يعني بذلك اليتيم والنّساء وانّما هنّ عورة درباره دو ناتوان (يعني يتيم و زنها)، از خدا بترسيد همانا آنها عورت (و شايسته پرهيزند). «3»

10- يونس بن عمار گويد: أبو عبد اللَّه عليه السلام كنيز فرزندش إسماعيل را به من تزويج نمود و فرمود: به او نيكي كن، گفتم: نيكي چيست فرمود: اشبع بطنها واكس جنبها واغفر ذنبها، ثم قال: اذهبي وسطك اللَّه ماله. شكمش را سير نماو اندامش را بپوشان و گناهش را ببخش سپس به كنيز فرمود: برو خداوند آنچه او از خير دارد (يا مالش را برتو ارزاني دارد). «4»

11- محمد بن مسلم، از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: أوصاني جبرئيل بالمرأة حتي ظننت انّه لا ينبغي طلاقها إلا من فاحشة مبينة. جبرئيل آن قدر درباره زن، به من سفارش نمود، خيال كردم او را نمي‌شود طلاق داد مگر در فاحشه گي آشكار. «5»

12- امام صادق عليه السلام فرمود: رحم اللّه عبداً أحسن فيما بينه و بين زوجته فانّ اللّٰه عزوجل قد ملكه ناصيتها و جعله القيّم عليها. خدا رحمت كند بنده‌اي را كه ميان خود و
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 150
زنش را نيكو نمايد چون خداي عزّوجلّ جان او را به او تمليك نموده و او را بر او سرپرست قرار داده است. «1»
13- از أبي الحسن موسي عليه السلام فرمود: إذا وعدتم الصغار فأوفوا لهم، فانّهم يرون أنّكم أنتم الذين ترزقونهم، وإنّ اللّٰه لا يغضب بشئ كغضبه للنساء والصبيان. هروقت به بچه‌ها وعده‌اي داديد، وفا كنيد زيرا آنها گمان مي‌كنند كه روزي آنها را مي‌دهيد و خداوند برهيچ چيزي مانند (مظلومان) زنان و بچه‌ها غضب نمي‌كند. «2»
14- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم در حديث مناهي فرمود: زن بي اجازه شوهر بيرون رود ...
اول كسي باشد كه به آتش وارد مي شود و فرمود: وكذلك الرجل إذا كان لها ظالماً و مرد هم اين طور است (اول كسي كه به آتش وارد مي شود) اگر به زن ظلم نمايد. «3»
15- قال رسول اللّٰه صلي الله عليه و آله و سلم: وعلي الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا كان لها مؤذيا ظالما ومن صبر علي سوء خلق امرأته واحتسبه أعطاه اللّٰه (بكل مرة) يصبر عليها من الثواب مثل ما اعطي ايوب علي بلائه ... رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: وعين اين وزر و عذاب، (كه در روايت قبلي گفته شد) بر مرد هم هست، اگر زن را اذيت و ستم نمايد، و هركس بر اخلاق بد زنش صبر كند و اميد اجر داشته باشد، خداوند به هر مرتبه آن كه صبر مي‌كند، ثواب عطا فرمايد به اندازه‌اي كه به ايوب عليه السلام داده در مقابل صبر بر بلاها (و گرفتاري ها) يش. «4

3- ثواب صبر به اخلاق بد همسر!

3- ثواب صبر به اخلاق بد همسر! اعضاي خانواده در گرو رفتار بزرگ خانواده اند كه آنها را چگونه ببار آورد و تربيت نمايد و به جامعه تحويل دهد، اگر در فضاي خانه و خانواده محبت و علاقه و رفاقت و دوستي حكم فرما شود: زندگي شيرين و صميمي خواهد شد و گرنه خشونت و اخلاق ناپسند جاي آنها را خواهد گرفت؛

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 151

بدين خاطر در دين اسلام دستورات اكيد آمده است كه سرپرست خانه با برخوردهاي زيبا و خوب، اعضاي خانواده را به زندگي، دلبسته و وابسته نمايد و اميد را در دلشان زنده كند و از هرگونه برخورد زشت و نگران كننده بپرهيزد كه عواقب خطرناك و وخيمي در پي خواهد داشت كه آن سرش ناپيدا.

در روايات و اخبار فراوان نيز، به رفتار زيبا و اخلاق نيكو مخصوصاً با اعضاي خانواده، تشويق و ترغيب زياد آمده است، زيرا قوام زندگي و موفقيت وكاميابي مرهون اين خصلت و صفت پسنديده و انساني است. به چند روايت توجه فرماييد.

1- إسحاق بن عمار: از أبي عبد اللَّه عليه السلام رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إنّما مثل المرأة مثل الضلع المعوج إن تركته انتفعت به وإن أقمته كسرته. وفي حديث آخر استمتعت به. همانا مثل زن مانند دنده كج است اگر به حال خود واگذاري بهره‌مند شوي و اگر راستش كني مي شكند، و در حديث ديگر به جاي «انتفعت، استمتعت» آمده است. «1»

2- محمد واسطي گفت: أبو عبد اللَّه عليه السلام فرمود: انّ إبراهيم شكا إلياللَّه ما يَلْقي من سوء خلق ساره فأوحي اللَّه إليه: انما مثل المرأة مثل الضلع المعوج ان أقمته كسرته و ان تركته استمتعت به اصبر عليها. حضرت ابراهيم از بدي اخلاق سارا به خدا شكايت نمود، خداوند به او وحي نمود، همانا مثل زن مانند دنده كج است اگر به حال خود واگذاري بهره‌مند شوي و اگر راستش كني مي شكند، به (بد اخلاقي او) صبر كن. «2»

3- حسين بن زيد: از امام صادق: از پدرانش عليهم السلام- در حديث المناهي- از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم- فرمود: (ألا) و من صبر علي خُلق امرأة سيئة الخُلق واحتسب في ذلك الأجر أعطاه اللَّه ثواب الشاكرين (في الاخرة). آگاه باش هركس به خاطر خدا به اخلاق زن بد اخلاق، صبر نمايد خداوند در آخرت اجر شكر گذاران را به او عطا فرمايد. «3»

4- پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من صبر علي سوء خلق امرأته أعطاه (اللّه) من الأجر ما أعطاه داود عليه السلام علي بلائه، ومن صبرت علي سوء خلق زوجها أعطاها مثل
(ثواب) آسية بنت مزاحم. هر (مردي) به اخلاق بد همسرش صبر نمايد خداوند از اجر عطا نمايد آنچه را كه در صبر به بلا، براي داود عطا نموده است، و هر (زني) به

اخلاق بد شوهرش صبر كند، خداوند مانند ثواب آسيه دختر مزاحم (زن فرعون) را به او عطا نمايد. «1»
5- ألا ومن صبر علي خلق امرأة سيئة الخلق واحتسب في ذلك الاجر أعطاه اللّه ثواب الشاكرين في الاخرة، ألا وأيماامرأة لم ترفق بزوجها وحملته علي ما لا يقدر عليه وما لا يطيق لم تقبل منها حسنة وتلقي اللّه (وهو) عليها غضبان. (حضرت فرمود:) آگاه باش هركس به اخلاق زن بد اخلاق، صبر نمايد و در اين صبر پاداش خدا را در نظر گيرد، خداوند براي او ثواب شكرگزاران را در آخرت عطا نمايد،
آگاه باش هر زني با شوهرش مدارا نكند و اورا برچيزي كه قدرت و طاقت آن را ندارد، وادار سازد، از او حسنه‌اي قبول نمي‌شود و خدارا ملاقات نمايد در حالي بر او غضبناك است. «2»
6- جابر (بن يزيد جعفي)، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) فرمود: انّ اللَّه كتب علي الرجال الجهاد و علي النساء الجهاد فجهاد الرجل ان يبذل ماله ودمه حتي يقتل في سبيل اللَّه، وجهاد المرأة ان تصبر علي ما تري من اذي زوجها وغيرته. خداوند برمردان و زنان، جهاد را نوشته (و واجب نموده) است، پس جهاد مرد بذل مال و جان است تا در راه خدا كشته شود، و جهاد زن آن است كه بر اذيت وغيرت (و سختگيري) شوهرش، صبر نمايد. «3»

4- بيرون رفتن خانم بي اجازه شوهر!

4- بيرون رفتن خانم بي اجازه شوهر! زن از نظر روحي و جسمي، لطيف و تأثّرپذير است لذا در شرايع آسماني مخصوصاً در شريعت اسلام از حضور اين قشر از جامعه را، در محافل عمومي و جوامع همگاني حتي براي نماز جمعه و عيد فطر و عيد قربان هم «4»، بنا به عللي، ممانعت

به عمل آورده است؛
1- جلوگيري از متلاشي شدن خانواده‌ها! زيرا بانوان اگر در جامعه مانند مردان ظاهر شوند و خود نمائي نمايند، يا خود منحرف مي‌شوند و يا مردان را با جلوه گري احياناً با عشوه گري خود به انحراف مي‌كشانند؛
2- حضورشان در اجتماع و صحبت با هم جنسان خود، بتدريج متأثر شده دچار افسردگي و يا بد رفتاري با شوهر خود خواهند شد؛
3- در اثر اين ممارست‌ها به طور ناخواسته به منجلاب و تباهي گرفتار خواهند شد.
4- چيزهاي خانمانسوز و خانه بر انداز را، از همنشينان و همنوعان خود ياد گرفته و در موقعيت‌هاي مناسب، اجرا مي كند.
وعلل زيادي كه باكمي تفكر، براي هركسي روشن مي‌شود، و براي اين كه شوهران صلاحيت حضور در اين گونه جاها را خوب تشخيص مي‌دهد، بدينجهت در اين باره فرمايشاتي دارند كه نمونه هائي از آن را مي‌آوريم.
1- عبد الملك بن عمير، از أبي عبد اللّه عليه السلام فرمود: أربعة لا تقبل لهم الصلاة الامام الجائر، والرجل يؤم القوم وهم له كارهون، والعبد الابق من مواليه من غير ضرورة، والمرأة تخرج من بيت زوجها بغير إذنه. چهار گروهند كه نمازشان قبول نمي‌شود!؛
الف- رهبر ستمگر؛
ب-مردي كه به قومي امامت نمايد كه آنها او را دوست ندارند؛
ج- بنده‌اي كه از مواليان خود بدون ضرورت، بگريزد؛
د- و زني كه بدون اجازه شوهر از خانه بيرون رود. «1»
2- حسين بن زيد، از امام صادق، از پدران بزرگوارش عليهم السلام از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم- در حديث مناهي- فرمود: ونهي أن تخرج المرأة من بيتها بغير اذن زوجها، فإن خرجت لعنها كل ملك في السماء وكل شئ تمر عليه من الجن والانس حتي ترجع إلي بيتها ...، ونهي نموده است كه، زن از خانه‌اش بي اجازه شوهر، بيرون رود، چنانچه خارج

شود، بر او لعنت فرستند، فرشتگان وتمامي چيزهائي كه از كنار آن بگذرند

از جن و انس تا به خانه‌اش برگردد. «1»
3- و از او عليه السلام سؤال نمودم عن المرأة لها أن تخرج من بيت زوجها بغير إذنه؟ قال: لا. از زن آيا مي‌تواند بي اجازه شوهر از خانه‌اش بيرون رود؟! فرمود: نه. «2»
4- محمد بن مسلم، از امام باقر عليه السلام فرمود: زني پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و گفت:
يا رسول اللَّه ما حق الزوج علي المرأة؟ فقال لها:. ... ولا تخرج من بيته إلا باذنه، فان خرجت بغير إذنه لعنتها ملائكة السماء وملائكة الأرض و ملائكة الغضب و ملائكة الرحمة حتي ترجع إلي بيتها. حق مرد برگردن زن چيست؟! فرمود: ... و ازخانه بدون اجازه بيرون نرود، اگر بيرون رود، فرشته‌هاي آسمان و زمين و فرشتگان غضب و رحمت، بر او لعنت نمايد تا به خانه برگردد. «3»
5- وليد بن صبيح، از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: رسول خداصلي اللَّه عليه وآله فرمود:
أية امرأة تطيبت ثم خرجت من بيتها فهي تلعن حتي ترجع إلي بيتها متي رجعت. هر زني خود را خوشبو نموده و از خانه خود بيرون رود، لعنت كرده مي‌شود تا به خانه برگردد. «4

5- غيرت زنانه!

5- غيرت زنانه! در دوران زندگي زن و شوهر، مراحل گوناگون وجود دارد، بعضي از اوقات زن به خاطر علاقه زياد به شوهرش اورا تحت نظر دارد كه مبادا زن ديگري، بر زندگي او وارد شود! و گاهي زن به اندازه‌اي به شوهر فشار مي‌آورد كه او را از راه مستقيم منحرف كرده و از خود دور مي‌سازد؛ روايت در باره اولي از فرط محبت و دوست داشتن تلقي و دومي را زاييده كفر مي‌داند توجه كنيد.

1- صفوان، ازاسحاق بن عمارگفت: به ابا عبد اللَّه عليه السلام گفتم: المرأة تغار علي الرجل

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 155

تؤذيه قال: ذاك من الحبّ. زن براي مردش غيرت ورزيده اذيتش مي‌كند، فرمود: آن از دوست داشتن است. «1»

2- امير مؤمنان عليه السلام فرمود: غيرة المرأة كفر وغيرة الرجل ايمان. غيرت زن (در بد رفتاري بامرد) كفر است و غيرت مرد ايمان!. «2»

3- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: الغيرة من الإيمان والبذاء من الجفاء. غيرت از (گروه) ايمان و بد دهني از (دسته) ستم است. «3»

4- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: كتب اللَّه الجهاد علي رجال امتي والغيرة علي نساء امتي فمن صبر منهم واحتسب أعطاه أجر شهيد. خداوند جهاد را به مردان امت من نوشته و غيرت را براي زنان امتم، پس هركس به (غيرت) آنها صبرنمايد، (خداوند) اجر شهيد براو عطا فرمايد. «4

6- حسادت چه كارها كه نكند!!

6- حسادت چه كارها كه نكند!! انسان در گذران عمر بايد هشيار و آگاهانه زندگي نمايد، تا با كوچك‌ترين غفلت، خود رابه درد سر نينداخته و آبروي خود را به باد ندهد؛
مراقب اعمال و رفتار خود باشد مبادا، با كمترين بي توجهي بنيان خانه و خانواده‌اش را متزلزل ساخته و بر اندازد؛
مخصوصاً مواظب باشد حس حسادت همسرش را تحريك و بيدار نكند، زيرا حسد از صفات مذمومة و ناپسندي است كه پيامدهاي خطرناك و بدبخت كننده دارد به طوري كه در قرآن كريم خطاب به پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم مي‌فرمايد: بنام بخشاينده مهربان: بگو پناه مي‌برم به پروردگار سپيده صبح از شر هر آفريده‌اي و از شر تاريكي‌ها وقتي كه جهان را فرا گيرد و از شر زنهاي افسونگر وقتي كه به گره مي‌دمد
(و بر آن افسون مي‌خواند) و از شرّ حسودان هنگامي كه حسد مي‌ورزند. «5»
پس وقتي آتش حسد آدمي را فراگيرد و غليان كند و در دل زبانه كشد، از هيچ گونه
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 156
رسوايي و جنايت و خيانت وو ... فروگذار نخواهد شد، پناه برخدا!! به روايت ذيل دقت نمائيد.
1- ابن أبي عمير: از عبد الرحمن بن حجاج گويد: بينما رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم قاعد إذ جاءت امرأة عريانة حتي قامت بين يديه فقالت: يا رسول اللَّه، انّي فجرت فطهّرني، قال: و جاء رجل يعدو في اثرها فألقي عليها ثوباً، فقال ما هي [منك]؟ قال: صاحبتي يا رسول اللَّه خلوت بجاريتي فصنعت ما تري قال: ضمّها إليك، ثمّ قال: انّ الغيراء لا تبصر أعلي الوادي من أسفله. (روزي) رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم نشسته بود، زن لخت و عريان آمد و پيش روي آن حضرت ايستاد و گفت: اي رسول خدا من زنا كرده‌ام مرا پاك كن (سنگ سارم نما چون شوهردارم)! و مردي پشت سر او مي‌دويد و آمد لباسي روي آن زن انداخت، حضرت پرسيد او با تو چه نسبتي دارد؟ عرض كرد: اي رسول خدا زن من است، من با كنيزم خلوت كرده بودم (و او آمد و ما را ديد) دست به اين كار زد كه ديدي، فرمود: او را بردار (وببر) زن غيرت دار (در حسادت زنانگي) بالاي وادي را از پايينش نمي‌بيند (و تشخيص نمي‌دهد). «1»
2- يونس بن يعقوب: از سعيدة گفت: بعثني أبو الحسن عليه السلام إلي امرأة من آل الزبير لأنظر إليها أراد أن يتزوّجها- إلي ان قالت: فتزوّجها فلمّا

بلغ ذلك جواريه جعلن يأخذن بأردانه وثيابه وهو ساكت يضحك لا يقول لهن شيئاً، فذكر انّه قال: ما شئ مثل الحرائر. ابوالحسن عليه السلام مرا براي پسنديدن زني از آل زبير فرستاد كه اراده ازدواج با او را داشت، و با او ازدواج نمود .... وقتي كه كنيزان آن حضرت از قضيه با خبر شدند دامن و لباس آن حضرت را مي‌گرفتند (كه ماهستيم زن ديگر چرا؟!) و حضرت ساكت بود ومي خنديد و چيزي به آنها نمي‌گفت ويادش آمد كه مي‌فرمود: هيچ چيز (از نظر شخصيت و متانت و دوست داشتني‌تر) مانند زنان آزاد نمي‌شود. «2

7- اگر سجده به غير خدا جايز بود ... در شريعت اسلام براي استحكام بخشيدن به بنيان زندگي خانوادگي، به اطاعت بانوان از همسرانشان: در حد بالا و فوق تصور: سفارش شده است بگونه‌اي كه اگر سجده به غير خدا جايز بود، به خانم‌ها دستور مي‌دادند كه به شوهرانشان سجده نمايند و از آنها فرمان برداري كنند! زيرا بانوانند كه به كانون خانواده گرميت مي‌بخشند و با عواطف سرشار وجودي خود، افراد خانواده را، دور هم جمع مي‌نمايند و مانند حلقه‌هاي زنجير به هم پيوند مي‌دهند وچشم و چراغ زندگي هستند؛
درروايت آمده است بانوئي به حضور رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد و از حق شوهر براي زن سؤال نمود و حضرت تعدادي از آن حقوق را بيان نمود، زن پس از شنيدن اين حقوق، عرض كرد اي رسول خدا من از اين ساعت مردان را بر خود حرام كردم و تصميم گرفتم كه ديگر ازدواج نكنم و زير اين همه مسؤليت نروم چون من توانائي به جا آوردن آنها را ندارم.
1- سليمان بن خالد: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: ان قوماً أتوا رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فقالوا: يا رسول اللَّه إنّا رأينا أناساً يسجد بعضهم لبعض فقال: رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم لو أمرت أحداً أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها. گروهي پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمدند و گفتند: اي رسول خدا ما كساني را ديديم بعضي به بعض ديگر سجده مي‌كرد؟! فرمود: اگر من امر مي‌كردم كسي به كسي سجده كند، امر مي‌نمودم زن به شوهرش سجده نمايد. «1»
2- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: لايصلح لبشر أن يسجد لبشر و لو صلح لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها، ...
صلاحيت ندارد (و جايز نيست) بشر براي بشر ديگر سجده كند، اگر (چنين چيزي)
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 158
جايز بود، البته امر مي كردم زن به شوهرش سجده نمايد ... «1»
3- علي بن حسان از عمويش عبد الرحمن، از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: لو أمرت أحدا أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها. اگرامر مي‌نمودم كسي بر كسي سجده كند، البته امر مي‌كردم زن بر شوهرش سجده نمايد. «2

8- تقسيم وظايف

8- تقسيم وظايف زن موجودي است بنا به روايات كه خداوند آنها را از باقيمانده خميره يا از دنده چپ، آدم آفريد تا انيس مرد و مونس شوهر شود و همگام با او براي چرخش زندگي و تربيت فرزندان و دهها مسائل ديگر: ياري رساند؛
البته از نظر اسلام، براي بانوان الزام آور نيست كه اين كارها را انجام دهند بلكه نوعي مساعدت به شوهران و برداشتن بار از دوش همسرانشان مي‌باشد؛
و از آنجائي كه بايد زندگي براي طرفين شيرين و دوست داشتني شود: خيلي‌ها وظايف و كارهاي مربوط به زندگي مشترك را ميان خود و همسرانشان تقسيم مي‌كنند تا سنگيني بار زندگي در دوش هر دوي زوجين باشد و باهم همكاري نمايند، تا با خوشي و خرّمي به سر منزل مقصود برسند و واقعاً كار پسنديده ايست و مورد قبول خردمندان جهان.
1- أبي البختري: از أبي عبد اللَّه عليه السلام: از پدر بزرگوارش عليه السلام فرمود تقاضي عليّ و فاطمة إلي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم في الخدمة فقضي علي فاطمة عليها السلام بخدمتها ما دون الباب، وقضي عَلي عليّ عليه السلام بما خلفه قال: فقالت فاطمة: فلا يعلم ما دخلني من السرور إلا اللَّه باكفائي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم تحمل أرقاب الرجال. علي و فاطمه عليهما السلام براي تعيين (و تقسيم كار) به خدمت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمدند، فرمود: كارهاي پشت دَر (داخل خانه) با فاطمه و بيرون دَر باعلي باشد، فاطمه فرمود: كسي غير از خدا ندانست كه چقدر از
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 159
اين حكم خوشحال شدم، از اين كه رسول خدا (كارهاي سخت را) به گردن مردان گذاشت (و مرا از كار بيرون، معاف داشت و راحت نمود). «1»
2- نجم از امام باقر عليه السلام فرمود: انّ فاطمة عليها السلام ضمنت لعليّ عليه السلام عمل البيت والخُبز و قَمِّ البيت، و ضمن لها عليٌّ عليه السلام ماكان خلف الباب نقل الحطب و ان يجيء بالطّعام. همانا فاطمه عليها السلام به علي عليه السلام كار خانه و خمير و نان پختن و جارو كردن (كارهاي داخل خانه) را ضمانت كرد و علي عليه السلام هم كارهاي بيرون از خانه، حمل هيزم و طعام آوردن را ضامن شد!. «2

9- وجوب اطاعت خانم از شوهر

9- وجوب اطاعت خانم از شوهر با تجربه ثابت شده است كه از هم گسيختگي و متلاشي شدن يك اجتماع يا يك خانواده در اثر گردن فرازي و نافرماني افراد آن جامعه و خانواده، به فرمان روا و بزرگ خانواده است، بدين منظور و براي اينكه نظم خانواده و جامعه از هم نگسلد و فرو نپاشد دستور داده‌اند از بزرگان اطاعت شود بخصوص بانوان از شوهران خود اطاعت و فرمان برداري نمايند.

1- عبد اللَّه بن سنان: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: انّ رجلا من الأنصار علي عهد رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم خرج في بعض حوائجه فعهد إلي امرأته عهداً ان لا تخرج من بيتها حتي يقدم، قال: و انّ اباها قد مرض فبعثت المرأة إلي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم تستأذنه أن تعوده فقال: لا اجلسي في بيتك واطيعي زوجك قال: فثقل فأرسلت إليه ثانياً بذلك فقال: اجلسي في بيتك واطيعي زوجك قال: فمات أبوها فبعثت إليه إن أبي قد مات فتأمرني ان اصلّي عليه فقال: لا، اجلسي في بيتك واطيعي زوجك قال: فدفن الرجل فبعث إليها رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم:

انّ اللَّه قد غفر لك و لأبيك بطاعتك لزوجك. مردي در زمان رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم براي بعضي از نيازمندي هايش بيرون رفت و به زن خود سفارش كرد تا برگشتنش از خانه

بيرون نرود، (درطول سفر تا بازگشت شوهر)، پدر زن مريض شد، زن كسي را پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرستاد اجازه عيادت از پدر را خواست، فرمود: نه، در خانه ات بنشين و از شوهرت اطاعت نما؛ بيماري پدر سنگين شد دوباره از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم اجازه خواست؟ فرمود: در خانه بنشين و از شوهرت اطاعت كن! پدرش فوت كرد سومين بار به سوي رسول خدا كسي را فرستاد كه اجازه حضور در نماز ميت پدر را خواستار شد؟ فرمود: نه، در خانه ات بنشين و از شوهرت فرمان بر؛

پدر دفن شد، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به سوي آن زن كسي را فرستاد و فرمود: همانا خداوند به خاطر اطاعت از شوهرت، هم تورا بخشيد و هم پدرت را. «1

10- مراقبت بر آزادي خانم‌ها!

10- مراقبت بر آزادي خانم‌ها! آزادي زنان يكي از مسائل بحث‌انگيز و مورد اظهار نظرهاي گوناگون و تلاقي افكار مختلف، مي‌باشد.
يكي مدافع آزادي كامل و ديگري خواهان اعتدال و سومي سختگير و خشن وو ..؛
ولي اگر منصفانه قضاوت كنيم و با وجدان خود به حل و فصل قضيه بپردازيم، وجداناً مي‌پذيريم از آن روز كه بانوان قدم به عرصه گشت و گذار و كسب و كار و اشتغال گوناگون، گذاشتند، كنترل اوضاع از دست خارج شده و جامعه رو به تباهي و انحطاط اخلاقي و غيره، مي‌رود، زيرا خداوند براي بقاي نسل و استمرار توليد آن جذابيت و كشش دو جنس مخالف را، در روح و روان آنها متمركز ساخته است، اگر رادع و مهار كننده‌اي درميان نباشد، آرامش و اطمينان و خوشبختي و سعادت، خانواده‌ها از ميان برداشته خواهد شد؛
اين را نيز مي دانيم كه خداوند، مادربزرگمان «حوّا» را از زيادي گِلِ يا از دنده پدر بزرگ مان «آدم» آفريد يعني زن در واقع جزء بدن مرد و مكمّل وجود اوست، بدين سبب مرد مورد علاقه زن و آرامش بخش وجود اوست، اگر حفظ شرافت و اصالت خانوادگي و مراقبت از شخصيت خود نشود و بالاتر از همه اينها اگر از نظر ايمان كم بهره و خدا ترسي اش ضعيف باشد، در هر موقعيتي كه پيش آيد و (مقتضي موجود
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 161
و مانع مفقود) باشد، به هر مردي برسد خود را تسليم نموده و آماده كامجوئي خواهد بود؛
بدين خاطر زياد سفارش شده است، زنان را رها نساخته و برايشان آزادي كامل داده نشود تا خداي نكرده به پرتگاه خطرناك شهوات نفساني، سقوط ننمايند.
بدينجهت است كه شرايع آسماني بالأخص شريعت اسلام در اين باره، دستورات و فرمان‌هاي زياد صادر كرده است؛
الف- دختر و پسر كه به سن بلوغ رسيدند، فوراً ازدواج نمايند، مخصوصاً در اوان بلوغ و پيش از آنكه به اصطلاح چشمشان باز شود؛
ب- تعيين تكاليف و تقسيم وظايف نموده و زن و مرد را براي عمل به آن، فراخوانده است، بانوان كارهاي داخل خانه و آقايان بيرون از خانه را انجام دهند؛
ج- براي هردو قشر اكيداً دستور داده است كه حجاب خود را حفظ نمايند و از حرام بپرهيزند و چشمان خود را از نامحرم بپوشانند؛

د- تأمين خوراك و پوشاك و مسكن را به عهده مردان گذاشته است تا آنان در بيرون تكاپو نموده و به تلاش خود ادامه دهند و وظيفه مادري و تربيت و بزرگ نمودن اطفال را بر عهده بانوان گذاشته است تامي توانند از خود نمائي و ظاهر شدن در بيرون، بپرهيزند؛
در واقع كشش ساختمان وجودي زن و مرد را در نظرگرفته و كارهاي سخت و جنگ و ساخت و ساز جامعه را بر گُرده آقايان و مشغله‌هاي وقت گير و سر وكله زدن با گلهاي زندگي و پخت وپز وو .. را به عهده بانوان گذارده تا تعادل زندگي بهم نخورد و هركس پي كار خود باشد؛
و نيز از ظهور بانوان در مجامع عمومي و محافل همگاني جلوگيري به عمل آيد مگر در موارد ضروري.
به رواياتي در اين مورد توجه فرمائيد.
1- فاطمة دختر امام حسين، از پدر بزرگوارش، از علي بن أبي طالب عليهم السلام، از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: النساء عيّ وعورات فداووا عيّهن بالسكوت و عوراتهنّ بالبيوت. زنها عاجز و واجب السّتر هستند پس ناتواني آنها را با سكوت (دربرابر آنها) و پوشيده

ماندنشان را در خانه‌هامداوا كنيد. «1»
2- علي بن عيسي در كتاب (كشف الغمة) از كتاب أخبار فاطمة عليها السلام ابن بابويه از علي عليه السلام فرمود: نزد رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم بوديم فرمود: أخبروني أيّ شئ خير للنساء؟
فعيينا بذلك كلّنا حتي تفرّقنا، فرجعت إلي فاطمة عليها السلام فأخبرتها بالذي قال لنا رسول اللّٰه (صلي الله عليه و آله و سلم) وليس أحد منّا علمه ولا عرفه، فقالت: ولكنّي أعرفه خير للنساء أن لا يرين الرجال ولا يراهن الرجال، فرجعت إلي رسول اللّٰه صلي الله عليه و آله و سلم فقلت: يا رسول اللّٰه سألتنا أيّ شئ خير للنساء خير لهنّ أن لا يرين الرجال ولا يراهنّ الرجال، فقال: من أخبرك، فلم تعلمه وأنت عندي؟ قلت: فاطمة، فأعجب ذلك رسول اللّٰه صلي الله عليه و آله و سلم و قال: انّ فاطمة بضعة مني. به من خبر دهيد چه چيز براي زنها بهتر؟! پس همه ما وامانديم (نتوانستيم جواب دهيم) همگي متفرّق شديم، من به سوي فاطمة عليها السلام برگشتم و جريان را گفتم: فرمود من مي‌دانم: بهترين كار براي زنان آنست كه نه زنها مردان (نامحرم) را و نه مردها زنان (نامحرم) راببينند؛
پس به سوي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم برگشتم و گفتم: اي رسول خدا سؤالي كه از ما پرسيدي چه چيز براي زنها بهتر؟! (جوابش اين است)، بهترين كار براي زنان آنست كه نه زنها مردان (نامحرم) را و نه مردها زنان (نامحرم) راببيند؛ فرمود: كهِ به تو خبر داد (و ياد داد؟!) عرض

كردم فاطمة، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم تعجب كرد و فرمود: همانا فاطمة پاره‌اي از من است. «2»
3- وهب، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) فرمود: قال أمير المؤمنين عليه السلام: خلق الرجال من الأرض وإنّما همّهم في الأرض، وخُلقت المرأة من الرجال وإنّما همّها في الرجال فاحبسوا نساءكم يا معاشر الرجال اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: مردان از زمين آفريده شده‌اند (بدينجهت) همت آنها در زمين (وبهره برداري از آن) است و زنها از مردان به وجود آمده‌اند و
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 163
همت آنان در مر دان است، پس زنان تان را حبس نمائيد (و از آنها مراقبت كنيد) اي گروه مردان. «1»
4- غياث بن إبراهيم، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: إنّ المرأة خُلقت من الرجل و إنّما همّتها في الرجال فأحبّوا نساءكم، وإنّ الرجل خلق من الأرض فانّما همّته في الأرض. همانا زن از مرد آفريده شده است، و به يقين همت آنها در مردان است، پس زنانتان را دوست بداريد و مرد از زمين خلق شده و همت او در زمين است. «2»
5- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم ضمن بياناتي فرمود: ... فقصّروا أجنحة نسائكم ولا تطوّلوها فإنّ في تقصير أجنحتها رضيً وسروراً ودخول الجنة بغير حساب، احفظوا وصيتي في أمر نسائكم حتي تنجوا من شدة الحساب، ومن لم يحفظ وصيتي فما أسوء حاله بين يدي اللَّه و قال عليه السلام: النساء حبائل الشيطان. پس بال‌هاي زنانتان را كوتاه نماييد و آن را بلند نكنيد، زيرا در كوتاه كردن بالهاي آنها، رضايت و شادي و وارد شدن در بهشت است بدون حساب.
وصيت مرا در باره زنانتان حفظ كنيد، تا از شدت حساب (قيامت) نجات يابيد، و هركس وصيت مرا حفظ ننمايد، پس چقدر حال او بد خواهد شد در پيشگاه خدا، وباز فرمود: زنها دام‌هاي شيطانند (به هركس اين دام گسترده شود در آن دام افتاده و تباه خواهد شد)!. «3»
6- فرمود: إنّ فاطمة دخل عليها علي بن أبي طالب عليه السلام وبه كآبةٌ شديدة فقالت فاطمة عليها السلام: يا علي ما هذه الكآبة؟ فقال عليّ عليه السلام سألنا رسول اللَّه صلي اللَّه عليه وآله عن المرأة ما هي؟ فقلنا عورة، فقال فمتي تكون أدني من ربها؟ فلم ندر فقالت فاطمة لعلي عليه السلام:
ارجع إليه فأعلمه أنّ أدني ما تكون من ربّها أن تلزم قعر بيتها، فانطلق فأخبر رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم ما قالت فاطمة عليها السلام، فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: إن فاطمة بضعة مني. همانا علي بن ابي طالب عليهما السلام به (منزل) فاطمه داخل شد و

در او غمگيني (و خستگي) شديد ديده مي‌شد، پس فاطمه عليها السلام گفت اي علي اين چه ناراحتي است (در سيماي تو؟!،) علي عليه السلام گفت: رسول خدا از ما در باره زن سؤال نمود كه چيست او

(يعني زن)؟ گفتيم: عورت است، فرمود: كي به خدا نزديك‌تر مي‌شود؟! ما (هيچكدام نفهميديم و) درك نكرديم فاطمه به علي گفت: برگرد خدمت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم و اعلام كن (زن) زماني به خدا نزديك مي‌شود كه در توي خانه‌اش (بنشيند و) ملازم آن باشد؛
پس رفت و به رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم خبر داد آنچه كه فاطمه عليها السلام گفته بود فرمود: فاطمه پاره‌اي از من است. «1»
7- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: النساء عورة احبسوهن في البيوت واستعينوا عليهن بالعري. زنها عورت هستند آنها را در خانه حبس نمائيد (و بازداريد) و بر آنها ياري رسانيد با بي بهره و محروم كردن از بيرون رفتن (يا با برهنگي يعني به آنها از نظر پوشاك، زياد نپردازيد تا هوس بيرون رفتن را ننمايند). «2»
8- أبي هريرة، از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من كان يؤمن بالله واليوم الاخر فلا يدع حليلته تخرج إلي الحمام. هركس به خدا و قيامت ايمان آورده است، پس نگذارد خانمش به حمام (عمومي) برود، (زيرا حمام محل لخت شدن واعضاي زيرين آشكار و عيبها روشن شدن و مركز تلاقي افكار زنانه و صحبت‌هاي ناگوار وو .. است). «3»
9- سكوني، از امام صادق، از پدرانش عليهم السلام فرمود: قال علي عليه السلام: من أطاع امرأته في أربعة أشياء أكبّه اللَّه علي منخريه في النّار قيل وما هي؟ قال: في الثياب الرقاق والحمامات والعرسات والنايحات. علي عليه السلام فرمود: هركس در چهارچيز به زنش اطاعت نمايد، خداوند او را به دودماغ (يعني به رو) به آتش اندازد، گفتند: آن چهار چيست؟! فرمود: در لباس نازك و حمام‌ها و عروسي‌ها و نوحه خواني‌ها. «4»
10- عبد الرحمن بن كثير، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) فرمود: امير مؤمنان عليه السلام در نامه‌اي كه به امام حسن عليه السلام فرمود: إياك ومشاورة النساء فإنّ رأيهنّ إلي الإفْن، و عزمهنّ إلي الوهن، واكفف عليهنّ من أبصارهن بحجابك ايّاهنّ فانّ شدة الحجاب خير لك ولهنّ من

الإرتياب، وليس خروجهنّ بأسدّ من دخول من لا يوثق به عليهنّ، فإنّ استطعت أن لا يعرفن غيرك من الرجال فافعل. مبادا با زنان مشورت نمائي، ز يرا رأي آنها به ضعف و قصدشان به سستي است، و ببند چشمانشان را با حجاب خود بر آنها، همانا سخت‌گيري در حجاب، براي تو و

آنها بهتر است از هوسراني (و به انحراف كشيده شدن)؛
بيرون رفتن آنها (از خانه) مطمئن تر از ورود اشخاص بي اطمينان بر آنان،
(و خطرش كمتر و بازدارنده‌تر) نيست، اگر مي تواني (كاري كني كه همسرانت) مردي را جزتو نشناسند، (اين كار را) بكن. «1

11- حكم زدن خانم!

11- حكم زدن خانم! واژه «ضَرْب» «زدن» از لغات مشترك است و معناي متفاوت دارد، زدن فيزيكي، اخلاقي، رواني وو ..
در اصطلاح و محاورات روزانه هم فرق مي‌كند، من تورا مي‌زنم (در بيكار نمودن كسي را از كار)، مخ او را زدم، خود را اين طرف و آن طرف زدم (تغلا نمودم)، طوري اورا زدم كه حالا حالاها نمي‌تواند، به كارش ادامه دهد يا بلند شود و به معناي تنبيه و يازدن واقعي هم آمده است و از اين قبيل.
در آيات و روايات هم معناي گوناگون دارد كه با دقت درمطالب ذيل، روشن مي‌شود.
1- پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إنّي أتعجّب ممّن يضرب امرأته وهو بالضرب أولي منها، لا تضربوا نساءكم بالخشب فإن فيه القصاص، ولكن اضربوهن بالجوع والعري حتي تريحوا في الدنيا والاخرة ...
من تعجب مي‌كنم از كسي زنش را مي‌زند در حالي كه خودش به زده شدن اولي‌تر است، زنانتان را با چوب نزنيد چون در آن قصاص هست ولكن آنها را با گرسنگي و لختي بزنيد تا در دنيا و آخرت راحت شويد (در اين روايت از تنبيه
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 166
اخلاقي به زدن تعبير فرموده است. «1»
علي عليه السلام فرمود: مردي از انصار دخترش را پيش پيامبر صلي اللَّه عليه وآله، آورد و گفت: يا رسول اللَّه إنّ زوجها فلان بن فلان الأنصاري فضربها فأثر في وجهها فأقيده لها؟
فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: لك ذلك فأنزل اللَّه تعالي قوله: «الرجال قوامون علي النساء» الاية فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: أردتُ أمراً وأراد اللَّه تعالي غيره. اي رسول خدا شوهر او فلان پسر فلان انصاري اورا طوري زده است كه در صورت او اثر گذاشته است (و كبود يا سياه و يا زخمي شده است) آيا من هم او را بزنم (و با او مقابله به مثل نمايم) فرمود: اين حق تو است، در اين بين خداي تعالي اين آيه را نازل نمود «مردان سر پرست و نگهبان زنانند به خاطر برتري هائي خداوند (از نظر نظام اجتماع) براي بعضي نسبت به بعضي قرار داده است»؛
حضرت فرمود: من چيزي را اراده نمودم و خداتعالي غير آن را. «2»
2- موسي بن جعفر، از پدرانش عليهم السلام فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: اضربوا النساء علي تعليم الخير. زنان را براي تعليم خير بزنيد (يعني در صورت سرپيچي زنان از فراگرفتن علم و راه و

رسم خوبيها، آنان را براي فرا گرفتن آنها وادار نماييد). «3»
4- امام باقر عليه السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم باتعجب فرمود: أيضرب أحدكم المرئة ثمّ يظلّ معانقها؟!! آيا يكي از شما زن را مي زند سپس بااو هم آغوش مي شود؟!!. «4

12- مشاوره بابانوان! مطلبي را هميشه در نظر داشته و به خاطر بسپاريد در خلال مطالعه اين كتاب به مطالبي بر مي‌خوريد كه به ظاهر نشانه عقب گردي يا توهين به بانوان است مانند اينكه، با آنها مشورت كنيد و مخالفت نمائيد؛ يا آنها را بزنيد، يا در خلاف نظر و رأي
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 167
آنها بركت هست؛ و امثال اين مطالب، ولي منظور از اين تعبيرها چيز ديگري است؛
اولًا- بايد اسناد اين روايات بررسي شود، در صورت صحت آن مطلب زير را مدّ نظر قرار دهيد؛
و ثانياً- منظور روايات همه بانوان نيست بلكه بانواني كه از جهت عقل و فكر وسواد و تجربه، كم بهره و يا بي بهره هستند يا زياده طلب و كله شق و خود خواهند، چون مسلّم است نظربانوئي كه با اين صفات متصف باشد، رأي و نظراو مورد قبول نبوده و بي پايه خواهد بود؛
در طول تاريخ بانوان بزرگ و بزرگوار فراوان داريم كه با صلاح ديد آنها، كارها پيش مي رفته و مي‌رود و حتي براي اداره يك كشور و يك وزارتخانه مهم شايستگي دارند، پس نبايد بي آنكه مفاد روايت را در صورت درست بودن آن، بفهميم، بلافاصله در صدد تخريب دين و يا مسائل ديگر برآئيم، به روايت يكم دقت بفرمائيد و بعدي‌ها را مطالعه نماييد.
1- أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: إيّاك ومشاورة النساء إلّا من جرّبت بكمال عقل، فانّ رأيهنّ يجرّ إلي الإفن، و عزمهنّ إلي وهن ... مبادا با زنان مشورت نمائي مگر با بانواني كه كمال عقل او را تجربه كرده باشي، زيرا رأي آنها به تباهي مي‌كشد و عزم آنها بر سستي ... «1»
در اين روايت اميرمؤمنان: عليه السلام بانواني را كه بكمال عقل و دور انديشي و صاحب تجربه در كارها هستند را، استثناء نموده و مشاوره با آنها را، مجاز دانسته است.
و تمام مطالب بيان شده در باره مشاوره با بانوان را در محور دين، روشن مي‌سازد زيرا بانوئي كه صاحب خرد و فكر درست و پخته است، چرا طرف مشورت قرار نگيرد و از تجربياتش استفاده نشود!).
2- رسول خدا صلي اللّه عليه وآله إذا أراد الحرب دعا نساءه فاستشارهن ثمّ خالفهن هروقت اراده جنگ داشت خانمهايش فرا خوانده و با آنها مشورت مي‌نمود و سپس بر خلاف رأي آنها عمل مي‌كرد. «2»
زيرا آنها از جنگ اطلاعي نداشتند و به رموز حرب نابلد بودند و روي عواطف نظر

مي دادند، پس مخالفت حضرت با آنها روي حساب درست بود.
2- ابن فضال، از امام صادق، از پدرش و از پدران بزرگوارش عليهم السلام، از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: شاوروا النساء وخالفوهن فانّ خلافهن بركة. با زنها مشورت كرده و با آنها مخالفت نماييد زيرا در خلاف آنها بركت هست. «1»
3- امام عليه السلام فرمود: في خلافهن البركة. در خلاف آنها بركت هست. «2»
4- در وصيت اميرمؤمنان عليه السلام به فرزندش حسن عليه السلام فرمود: إياك ومشاورة النساء فان رأيهنّ إلي أفن، وعزمهنّ إلي وهن ... مبادا با زنان مشاوره نمايي، چون رأي آنها بي پايه و عزمشان برسستي است. «3» اين گونه روايات را در بالا معنا كرديم

13- اطاعت از بانوان!

13- اطاعت از بانوان! در تعدادي از روايات، اطاعت از زنان و همسران، تقبيح و مورد مذمت قرار گرفته!، و به رو به آتش انداخته خواهد شد!!.
حالا ببينيم اطاعت از همه خواسته‌ها و دستورهاي آنهااست ياموارد خاصي در نظر گرفته شده است، به متون روايات دقت نمائيد كه خود مسئله را روشن مي‌نمايد.
1- از أبي عبد اللَّه عليه السلام از پدرانش عليهم السلام فرمود: در وصيت پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم به علي عليه السلام رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من أطاع امرأته أكبّه اللَّه علي وجهه في النار قال: وما تلك الطاعة؟ قال: تطلب إليه الذهاب إلي الحمامات والعرسات والعيدان والنايحات والثياب الرقاق فيجيبها. هركس از زنش اطاعت نمايد خداوند او را به رو به آتش اندازد!، گفت: كدام اطاعت؟، فرمود: از شوهرش رفتن به حمام‌ها و عروسي‌ها و عيد ديدني‌ها و نوحه گري‌ها و لباس نازك بخواهد واو نيز موافقت نمايد. «4»
2- سكوني، از امام صادق عليه السلام از پدرانش عليهم السلام فرمود: قال عليّ عليه السلام: من أطاع امرأته أكبّه اللَّه علي وجهه في النّار، قيل: وما تلك الطاعة؟ قال: تطلب إليه أن تذهب إلي الحمامات
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 169
وإلي العرسات وإلي النايحات والثياب الرقاق فيجيبها. هركس از زنش فرمان برد، خداوند او را به رو به آتش اندازد!، گفته شد: كدام اطاعت؟، فرمود: از شوهر در خواست نمايد رفتن به حمام‌ها و عروسي‌ها و نوحه گري‌ها و لباس نازك و او هم قبول نمايد. «1»
3- و فرمود: عليه السلام: طاعة المرأة ندامة. اطاعت از زن (نادان) پشيماني است «2»
4- علي عليه السلام فرمود: كل امرئ تدبّره امرأة فهو ملعون. كار هر مردي را زن (ناپخته) تدبير (و تنظيم) كند، او ملعون است!. «3

14- احسان خانم از مال شوهر

14- احسان خانم از مال شوهر خانم‌ها معمولًا از خانه و مال شوهر، براي مصارفي خرج مي‌كنند آيا اين گونه هزينه‌ها جنبه شرعي دارد و مي تواند يانه؟.

1- ابن بكير، گويد: از أبا عبد اللَّه عليه السلام سؤال نمودم: عمّا يحلّ للمرأة أن تتصدّق من بيت زوجها بغير إذنه؟ قال: المأدوم.

از آنچه كه به زن حلال است از خانه شوهرش بي اجازه شوهر، تصدق نمايد؟

فرمود: غذا. «4»

2- علي ((بن جعفر)، از برادرش (موسي بن جعفر) عليهماالسلام سؤال نمود: از زن هل لها أن تعطي من بيت زوجها بغير إذنه؟ قال: لا إلا أن يحللها (يحلّها). آيا حق دارد از خانه شوهرش بدون اجازه او چيزي عطا نمايد؟ فرمود: نه؛ مگر اينكه بر او حلال نمايد (و اجازه دهد). «5»

3- محمدبن مسلم از امام باقر عليه السلام ... ولا تتصدّق من بيته بشئ إلا باذنه ... و از خانه شوهر تصدق نكند مگر با اجازه او. «6

15- اشتغال بانوان!

15- اشتغال بانوان! در فصل‌هاي گذشته ازمعايب و خطرات حضور بانوان در مجامع عمومي مطالبي گفته شد و در اين فصل درباره اشتغال و در آمد زندگي آنها، صحبتي داريم؛
مي‌دانيم كه در شريعت اسلام تأمين خوراك و پوشاك و مسكن بانوان را، بر ذمه مردان گذاشته شده است بايد به هرطريقي، به وظايف شرعي و شوهري خود عمل نمايد، در غير اين صورت از سوي حاكم شرع براي عمل به اين وظيفه، ملزم مي شود، مگر اينكه توانائي جسمي يا روحي نداشته باشد در اين صورت هزينه زندگي او از بيت المال تأمين خواهد شد؛
بلي اگر بانوئي بيوه باشد و نان آور خود را از دست داده باشد و از طرف حكومت مخارج او فراهم نگردد و در منزل امكان اشتغال و در آمد برايش ميسّر نباشد، مي‌تواند به كارهاي بيرون از منزل با رعايت حجاب و ساير دستورات ديني، اشتغال ورزيده و زندگي خود را بچرخاند.
1- ابن أسباط، از عمويش سند را رسانده به علي عليه السلام گفت: پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: نعم اللّهو المغزل للمرأة الصالحة. چه سرگرمي خوبيست نخ ريسي (و بافتني) براي زن صالحه. «1»
2- واز امام صادق عليه السلام است: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: لا تنزلوا النساء الغرف ولا تعلّموهنّ الكتابة وأمروهنّ بالمغزل و علّموهنّ سورة النور. زنان را در غرفه (وبالاخانه‌ها) منزل ندهيد (كه در معرض ديد قرار گيرند) و نوشتن را براي آنان ياد ندهيد (تا با نا اهلان و نامردان ارتباط بر قرار نمايند) آنها را امركنيد به نخ ريسي (و بافتني) و خواندن سوره نور (كه درباره تكاليف زن و مرد سخن گفته است).
پيرامون اين روايت بعداً مطلبي خواهيم داشت ولي (اگر سند روايت اشكال نداشته باشد) آنچه كه مسلّم است، منظور روايت زناني است قابل كه اطمينان نباشد وگرنه دين مبين اسلام كه آخرين اديان و بايد تا انقراض عالم، كره زمين را

اداره نمايد، چگونه مي‌تواند با بي سواد نگهداشتن نيمي از انسان‌ها (قشر زنان) را، به اين مديريت دست يابد و جهان را زير بال و پر خود گرفته و به سرمنزل مقصود برساند؛
در حالي كه از بزرگان دين خاصّة شخص رسول گرامي دستورات اكيد به فراگيري علم و دانش صادر شده است، فرمود:
«أطلبوالعلم من المهد الي اللّحد» زگهواره تا گور، دانش بجوي؛

و «طلب العلم فريضة علي كلّ مسلم و مسلمة» فراگرفتن دانش بر هر مسلمان، زن و مرد، واجب است.
پس از پايان جنگ بدر و دستگيري گروهي از اسراء، شرط آزادي آنهائي كه سواد داشتند را، باسواد نمودن چند نفر از مسلمان‌ها قرار داد.
در قرآن كريم صراحتاً مي‌فرمايد: «انّما يخشي اللَّه من عباده العلماء محقّقاً از ميان بندگان خدا تنها، دانشمندان از خدا مي‌ترسند»
«يرفع اللَّه الّذين آمنوا و الّذين أوتو العلم درجات خداوند كساني را كه ايمان آورده‌اند و كساني كه علم به او داده شده است، درجات عظيمي مي‌بخشد».
«قل هل يستوي الّذين يعلمون و الّذين لايعلمون بگو: آيا كساني كه مي‌دانند با كساني كه نمي‌دانند، يكسانند». «1»
مي‌بينيم در هيچكدام از آيات و اخبار فوق كه براي رعايت اختصار، يك دهم آن را نياورديم، زنان را استثناء نكرده است.
پس ما نمي‌توانيم با روايت فوق، از آن همه دستورات ديني براي تشويق به فراگرفتن علم و دانش و ارزش و بها دادن به علم و عالم وو ..، دست برداريم.
در باره علم و نظر اسلام در آن، صدها بلكه هزاران كتاب و مقالات نوشته شده است كه صاحبان علم، از گوشه‌اي از آنهااطلاع دارند؛
مگر در زمان رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم و ائمه عليهم السلام و بزرگان دين در هر عصر و زماني مكتب‌هاي قرآن و تدريس آن وجود نداشت و يا دختران آن بزرگان در مدينه و كوفه وساير بلاد اسلامي مانند حضرت زينب عليها السلام، تفسيرقرآن نمي‌گفتند؛
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 172
مگر قابل قبول است كه آخرين دين آسماني نيمي از اقشار جامعه را در جهالت نگهدارد، مگر عاقلانه است كه از اين همه پيشرفت‌هاي علمي در هر زمينه و در هر مقوله، بانوان اسلام كور و نابينا و از همه مواهب زندگي، بي اطلاع و بي بهره بمانند.
در اين باره مطالبي در بخش 4 فصل (احكام خاص بانوان) خواهد آمد.
3- عبد اللَّه بن سليمان، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: ليأتينّ علي الناس زمان يظرف فيه الفاجر و يقرب فيه الماجن، و يضعف فيه المنصف، قال: فقيل له متي يا أمير المؤمنين؟ فقال: إذا اتّخذت الأمانة مغنماً، والزكاة مغرماً، والعبادة استطالة والصّلة مَنّاً، فقيل: متي ذلك يا أمير المؤمنين؟ فقال: إذا تسلّطن النساء وتسلّطن الإماء وأمّر الصبيان. البته برمردم مي‌آيد زماني كه در آن، دَريده‌ها به كار گرفته شوند، و بيهوده‌ها نزديك (و كارها را قبضه نمايند) و با انصاف‌ها تضعيف مي گردند، گفته شد (اين كارها) كي خواهد شد اي اميرمؤمنان؟! فرمود:

زماني كه امانتها غنيمت و زكات غرامت شمرده شود و عبادت براي خود بزرگ بيني انجام گرفت و احسان به كسي منت گذاري گردد،
پرسيدند كي خواهد شد اي اميرمؤمنان؟! فرمود: زماني كه زنها مسلط شوند (و كارها را به دست گيرند!) و كنيزان قدرت پيدا كردند، و بچه‌ها فرمان روا شدند. «1

16- نسبت زنا بر خانم!!

16- نسبت زنا بر خانم!! در بعضي موارد، شوهران براي مقاصد شوم و يا زهر چشم گرفتن و يا خلاص شدن از دست همسر يا روي بدبيني يا اشتباه وو ..، خانم‌هاي خود را نسبت زنا مي‌دهند و دامن او را با تهمت نا روا، آلوده مي‌سازند و از افترا گفتن نمي‌ترسند و بايد براي دريافت پيامدها و عواقب ناگوار دنيا و آخرت آن، آماده باشند.
1- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من قذف امرأته بالزّنا خرج من حسناته كما تخرج الحيّة من جلدها، و كتب له بكلّ شعرة علي بدنه ألف خطيئة. هركس همسر خود را نسبت زنا دهد، از اعمال خير خود، بيرون رود (و محروم ماند) مانند بيرون رفتن مار از پوست‌خود، و بر تعداد هرموي بدنش هزار خطا (و گناه بر او نوشته شود). «1»
2- و امام عليه السلام فرمود: لا تقذفوا نساءكم بالزّنا فإنّه شبه بالطلاق، وإيّاكم والغيبة فانّها شبه بالكفر، واعلموا أن القذف والغيبة يهدمان عمل مائة سنة. زنان خود را نسبت زنا ندهيد،
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 173
زيرا آن مانند طلاق دادن است، و مبادا غيبت بكنيد، چون آن شبيه كفر است، و بدانيد نسبت نارواي زناو غيبت، عمل يك صد سال را، ويران مي‌كنند. «1» 3- و او عليه السلام فرمود: من قذف امرأته بالزّنا نزلت عليه اللّعنة و لا يقبل منه صرف و لا عدل. هركس زن خود را نسبت زنا دهد، بر او (از آسمان) لعنت نازل شود و از او هصچ عملي، كوچك و بزرگ، پذيرفته نمي‌شود!.» 4 و باز امام عليه السلام فرمود: لا يقذف امرأته إلا ملعون أو قال: منافق، فإنّ القذف من الكفر والكفر في النار، لا تقذفوا نساءكم فإنّ في قذفهنّ ندامة طويلة و عقوبة شديدة. به زن خود نسبت زنا ندهد، مگر ملعون يا فرمود: منافق، زيرا نسبت نا رواي زنا از كفر و كفر هم در آتش است زنان خود را نسبت زنا ندهيد چون در اين نسبت، پشيماني طولاني و عقوبت شديد، در پي خواهد داشت. «3

17- بي غيرتان!

17- بي غيرتان! در هر زماني مخصوصاً در زمان ما، كساني پيدا مي شوند كه از غيرت مردانگي و شرف انسايت، به اندازه پرِ پشه در وجود او پيدا نمي شود بلكه به اين صفت غير انساني و دور از شرافت، افتخار مي كند و مي بالد!؛
زياد ديده‌ايم و مي بينيم گروهي را كه با زنان آرايش كرده و دلرباي خود، دست بهم داده و دوش به دوش، در خيابانها و بازارها و در مجامع عمومي و در برابر چشمان جوانهاي مجرد و متأهل، ظاهر مي شوند و قدم زده و خود نمائي مي نمايند و اگر كسي هم مانند آنها نباشد، امّل و بي فرهنگ و عقب افتاده و يا مرد عصر حجري نثارمي كنند و مي گذرند!!؛
واقعاً جاي بسي تأسّف است كه از وجود اين گونه افراد يا خانواده، يا جامعه، مفهوم غيرت و معناي شرافت، رخت بر بسته و به سفر بي پايان رفته است!! به اميد روزي كه اين نوع اشخاص به خود برگشته و خود را دريابند و سبب تباهي جامعه و از هم
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 174
پاشيدن خانواده ها نشوند انشاءاللَّه.
1- پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم در حديث مفصل- مناهي:
وأيّما رجل تتزينّ امرأته و تخرج من باب دارها فهو ديّوث و لا يأثم من يسمّيه ديّوثاً، والمرأة إذا خرجت من باب دارها متزيّنة متعطرة والزوج بذلك راض يبني لزوجها بكل قدم بيت في النار .. و هر مردي زنش آرايش كرده و از درِ خانه‌اش بيرون رود، پس او ديّوث است و هر كس اورا ديوث بنامد، گناه نكرده است!!؛
و زن زماني كه از درِ خانه‌اش، آرايش كرده و خوشبو بيرون رود و شوهرش هم برآن، راضي شود، بهر قدمي كه زن برمي دارد براي شوهرش، خانه‌اي در آتش، بنا خواهد شد. «1»
2- رسول خدا صلّي اللَّه عليه وآله فرمود: أيّما رجل رأي في منزله شيئاً من الفجور فلم يغيّر، بعث اللَّه تعالي طيراً أبيض يظلّ عليه أربعين صباحاً فيقول كلّما دخل و خرج غَيّرْ غَيّرْ فإن غَيَّرَ وإلّا مسح رأسه بجناحيه علي عينيه، فإن رأي حسناً لم يستحسنه وإن يري قبيحاً لم ينكره. هرمردي در منزلش كار زشت ببيند و غيرت نشان ندهد، خداي تعالي، پرنده سفيدي را مي‌فرستد، چهل روز بر او سايه افكند و در هر داخل و خارج شدن به او مي‌گويد: غيرت نشان ده غيرت نشان ده، پس اگر غيرت نشان داد (فبها)، و گرنه، دوبالش را به سر و چشمان او مي‌كشد، (بعد از آن چيز خوبي را ببيند خوب نمي‌شمارد و قبيح (و زشتي) راببيند، بدش نمي‌آيد (و ديگر

توفيق ايمان از او سلب گردد). «2»
3- امام (عليه السلام) فرمود: انّ الجنّة ليوجد ريحها من مسيرة خمسمائة عام ولا يجدها عاق ولا ديّوث قيل: يا رسول اللّه، وما الديوث؟ قال: الذي تزني امرأته وهو يعلم بها. همانا بوي بهشت از پانصد سال راه پيدا (و استشمام مي‌شود) آن را عاق والدين و ديّوث درنمي يابد، گفته شد اي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم ديوث چيست؟! فرمود: كسي كه زنش زنا مي‌دهد و او مي‌داند، (اما حرفي نمي‌زند). «3

18- ضايع كردن خانواده حرام است

18- ضايع كردن خانواده حرام است مواقعي پيش مي‌آيد كه بزرگ خانواده، افراد تحت تكفّل خود را در جمع يا در ميان دوست و آشنا و محيط خانه: تحقير مي‌كند و توسري مي‌زند، و يا در مقابل مسؤليت هائي كه دارد بي اعتنا و از هرجهت، چه تربيتي و آموزشي و غيره حقوق آنها را ناديده گرفته و خود را كنار كشيده و به امان خدا، رهامي سازد، در اين صورت است كه مشمول لعن و نفرين مي‌گردد.
1- قال رسول اللّٰه صلي الله عليه و آله و سلم: ملعون ملعون من ضيّع من يعول. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:
ملعون است ملعون است هركس عيالات خود را ضايع نمايد. «1

19- كراهت خوابيدن دور از خانه

19- كراهت خوابيدن دور از خانه در اجتماع اشخاصي پيدا مي‌شود كه، فقط خود را مي‌بيند و به زندگي خود فكر مي‌كند و از ديگران غافل و حقوق آنها را پايمال و ناديده مي‌گيرد، مانند معتادها و قمار باز و مشروبي‌ها، در جائي گردهم آمده و سرگرم اعمال نا مشروع خود مي‌باشند و دور از اهل و عيال خود شب را سپري مي‌كنند، و يا اصلاً اهل اين كارهاهم نيستند ولي در اثر بي مسؤليتي، مجلس بزم و عيشي، فراهم مي‌كنند وپس از گذشت پاسي از شب، تنبلي كرده، از فكر برگشتن به خانه منصرف مي‌شوند و يا به زن و بچه خود بي ميل شده وقت گذراني مي‌نمايند و زن و بچه را چشم براه و منتظر مي‌گذارند كه همه اين اعمال در شأن يك انسان سالم و خدا شناس نيست.

1- قال: وقال عليه السلام: هلك بذي المروة ان يبيت الرجل عن منزله بالمصر الذي فيه أهله. و فرمود: صاحب مروّت به هلاكت رسيد اينكه (اگر) دور از خانه خود بخوابد درشهري كه اهل و عيالش در آن شهر زندگي مي كنند (با بهانه هاي گوناگون از آمدن به خانه خود داري مي‌نمايد و يا با دوستان و رفيقان بد، شب گذراني كند و خانواده خود را منتظر مي‌گذارد).
2»

بخش 3 آداب معاشرت و مباشرت!

1- آداب خانوادگي

1- آداب خانوادگي «ياأَيُّهَا الَّذِينَ أمَنُوا لِيَستَأْذِنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَت أَيْمانُكمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الحُلُمَ مِنكُمْ ثَلاثُ مَرّاتٍ مِّنْ قَبْلِ صَلاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضعُونَ ثِيابَكُم مِّنَ الظَّهيرَةِ وَ مِن بَعْدِ صَلاةِ الْعِشاءِ ثَلاثُ عَوْراتٍ لَّكُمْ لَيْس عَلَيْكمْ وَ لا عَلَيْهِمْ جُنَاحُ بَعْدَهُنَّ طوّافُونَ عَلَيْكم بَعْضَكُمْ عَلي بَعْضٍ كَذالِك يُبَيّنُ اللَّهُ لَكُمُ الاَياتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ».
«وَ إِذَا بَلَغَ الأَطْفالُ مِنكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَستَأْذِنُوا كمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَينُ اللَّهُ لَكمْ اياتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكيمٌ».
«وَ الْقَواعِدُ مِنَ النِّساءِ الَّتي لا يَرْجُونَ نِكاحاً فَلَيْس عَلَيْهِنَّ جُناحٌ أَن يَضعْنَ ثِيابَهُنَّ غَيرَ مُتَبرِّجاتِ بِزِينَةٍ وَ أَن يَستَعْفِفْنَ خَيرٌ لَّهُنَّ وَ اللَّهُ سمِيعٌ عَلِيمٌ». «1»
اي كساني كه ايمان آورده‌ايد بايد بردگان شما و همچنين كودكانتان كه به حد بلوغ نرسيده‌اند (براي ورود به خوابگاه شما) در سه وقت از شما اجازه بگيرند: قبل از نماز فجر، و در نيم رو ز هنگامي كه لباسهاي (معمولي) خود را بيرون مي‌آوريد، و بعد از نماز عشاء، اين سه وقت خصوصي شما است؛ اما بعد از اين سه وقت گناهي بر شما و بر آنها نيست (كه بدون اذن وارد شوند) و بر گِرد يكديگر طواف كنيد (و با صفا و صميميت به يكديگر خدمت نمائيد) اين گونه خداوند آيات را براي شما تبيين مي‌كند و خداوند عالم و حكيم است.
و هنگامي كه اطفال شما به سن بلوغ رسند بايد اجازه بگيرند، همانگونه كه
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 178
اشخاصي پيش از آنها بودند اجازه مي‌گرفتند، اين چنين خداوند آياتش را براي شما تبيين مي‌كند و خدا عالم و حكيم است.
و زنان از كار افتاده‌اي كه اميد به ازدواج ندارند گناهي بر آنها نيست كه لباسهاي (روئين) خود را بر زمين بگذارند به شرط اينكه در برابر مردم خود آرائي نكنند و اگر خود را بپوشانند براي آنها بهتر است و خداوند شنوا و دانا است. «1»
در آيات قرآن اهميت زيادي به پيوند خانوادگي: و احترام و اكرام پدر و مادر: و نيز توجه به تربيت فرزندان: داده شده است، كه در آيات فوق به قسمتي از آن اشاره شده است: اين بخاطر آن است كه جامعه بزرگ انساني از واحدهاي كوچكتري به نام خانواده تشكيل مي‌شود: همانگونه كه يك ساختمان بزرگ از غرفه‌ها و سپس از سنگ ها و آجرها تشكيل مي‌گردد.
بديهي است هر قدر اين واحدهاي كوچك از انسجام و استحكام بيشتري

برخوردار باشد استحكام اساس جامعه بيشتر خواهد بود: و يكي از علل نابساماني هاي اجتماعي جوامع صنعتي عصر ما متلاشي شدن نظام خانوادگي است كه نه احترامي از سوي فرزندان وجود دارد: نه محبتي از سوي پدران و مادران: و نه پيوند مهر و عاطفه‌اي از سوي همسران.
منظره دردناك آسايشگاه هاي بزرگسالان در جوامع صنعتي امروز كه مركز پدران و مادران ناتواني است كه از كار افتاده‌اند و از خانواده طرد شده‌اند شاهد بسيار گويائي براي اين حقيقت تلخ است.
مردان و زناني كه بعد از يك عمر خدمت: و تحويل فرزندان متعدد به جامعه در ايّامي كه نياز شديدي به عواطف فرزندان: و كمكهاي آنها دارند: به كلي رانده مي‌شوند: و در آنجا در انتظار مرگ، روز شماري مي‌كنند: و چشم به در دوخته‌اند كه آشنائي از در درآيد: انتظاري كه شايد در سال يك يا دو بار بيشتر يا اساساً تكرار نمي‌شود! به راستي تصور چنين حالتي زندگي را براي انسان از همان آغازش تلخ مي‌كند و اين است راه و رسم دنياي مادي و تمدن منهاي ايمان و مذهب.
(در آيه ديگر) جمله «أعمل صالحا ترضاه» بيانگر اين واقعيت است كه عمل

صالح چيزي است كه موجب خشنودي خدا مي‌شود: و تعبير «أحسن ما عملوا»
(بهترين كاري كه انجام دادند) كه در آيات متعددي از قرآن مجيد آمده: بيانگر فضل بي‌حساب خداوند است كه در مقام اجر و پاداش بندگان: بهترين اعمال آنها را معيار قرار مي‌دهد و همه را به حساب آن مي‌پذيرد. «1»

2- آداب ورود به جايگاه خصوصي والدين مهمترين مسأله اي كه در آيات فصل قبل «2»، تعقيب شده مسأله عفت عمومي و مبارزه با هر گونه آلودگي جنسي است كه در ابعاد مختلف مورد بررسي قرار گرفته و به اموري كه با اين مسأله ارتباط دارد پرداخته و خصوصيات آن را تشريح مي‌كند و آن مسأله اذن گرفتن كودكان بالغ و نابالغ به هنگام ورود به اطاقهائي است كه مردان و همسرانشان ممكن است در آن خلوت كرده باشند.
نخست مي‌گويد: اي كساني كه ايمان آورده‌ايد بايد مملوكهاي شما (بردگانتان) و همچنين كودكانتان كه به حد بلوغ نرسيده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگيرند «يا ايها الذين آمنوا ليستأذنكم الذين ملكت ايمانكم و الذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلاث مرّات». قبل از نماز فجر و در نيم روز هنگامي كه لباسهاي (معمولي) خود را بيرون مي‌آوريد و بعد از نماز عشاء «من قبل صلوة الفجر و حين تضعون ثيابكم من الظّهيرة و من بعد صلوة العشاء».
ظهيرة چنانكه راغب در مفردات و فيروزآبادي در قاموس مي‌گويند: به معني نيم روز و حدود ظهر است كه مردم در اين موقع معمولا لباسهاي روئي خود را در مي‌آورند و گاه مرد و زن با هم خلوت مي‌كنند.
اين سه وقت: سه وقت پنهاني و خصوصي براي شما است (ثلاث عورات لكم) عورت در اصل از ماده عار به معني عيب است و از آنجا كه آشكار شدن اندام جنسي مايه عيب و عار است در لغت عرب به آن عورت اطلاق شده.
كلمه عورة گاه به معني شكاف در ديوار و لباس و مانند آن نيز آمده است و گاه به
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 180
معني مطلق عيب مي‌باشد: و به هر حال اطلاق كلمه عورت بر اين اوقات سه گانه به خاطر آن است كه مردم در اين اوقات خود را زياد مقيد به پوشانيدن خويش مانند ساير اوقات نمي‌كنند و يك حالت خصوصي دارند.
بديهي است اين دستور متوجه اولياي اطفال است كه آنها را وادار به انجام اين برنامه كنند: چرا كه آنها هنوز به حد بلوغ نرسيده‌اند تا مشمول تكاليف الهي باشند:
و به همين دليل مخاطب در اينجا اولياء هستند.
ضمنا اطلاق آيه هم شامل كودكان پسر و هم كودكان دختر مي‌شود و كلمه الذّين كه براي جمع مذكر است مانع از عموميت مفهوم آيه نيست: زيرا در

بسياري از موارد اين تعبير به عنوان تغليب بر مجموع اطلاق مي‌گردد همانگونه كه در آيه وجوب روزه تعبير به الّذين شده و منظور عموم مسلمانان است. «1»
ذكر اين نكته نيز لازم است كه آيه از كودكاني سخن مي‌گويد كه به حد تميز رسيده‌اند و مسائل جنسي و عورت و غير آن را تشخيص مي‌دهند: زيرا دستور اذن گرفتن خود دليل بر اين است كه اين اندازه مي‌فهمند كه اذن گرفتن يعني چه و تعبير به ثلاث عورات شاهد ديگري بر اين معني است.
اما اينكه اين حكم در مورد بردگان مرد است يا كنيزان را نيز شامل مي‌شود روايات مختلفي وارد شده هر چند ظاهر عام است و شامل هر دو گروه مي‌شود و به همين دليل روايت موافق ظاهر را مي‌توان ترجيح داد.
در پايان آيه مي‌فرمايد: بر شما و بر آنها گناهي نيست كه بعد از اين سه وقت بدون اذن وارد شوند: و بعضي به ديگري خدمت كنند و گرد هم (با صفا و صميميت) بگردند (ليس عليكم و لا عليهم جناح بعدهن طوّافون عليكم بعضكم علي بعض).
آري اين چنين خداوند آيات را براي شما تبيين مي‌كند و خدا عالم و حكيم است (كذلك يبين الله لكم الايات و الله عليم حكيم) واژه طوّافون در اصل از ماده طواف به معني چرخيدن به دور چيزي است: و چون به صورت صيغه مبالغه آمده به معني كثرت در اين امر مي‌باشد: و با توجه به اينكه بعد از آن بعضكم علي بعض

آمده مفهوم جمله اين مي‌شود كه در غير اين سه وقت شما مجاز هستيد بر گرد يكديگر بگرديد و رفت و آمد داشته باشيد و به هم خدمت كنيد.
و به گفته فاضل مقداد در كنز العرفان اين تعبير در حقيقت به منزله بيان دليل براي عدم لزوم اجازه گرفتن در سائر اوقات است: چرا كه اگر بخواهند مرتباً رفت و آمد داشته باشند و در هر بار اذن دخول بخواهند كار مشكل مي‌شود.
در آيه بعد حكم بالغان را بيان كرده: مي‌گويد: هنگامي كه اطفال شما به سن بلوغ رسند بايد در همه اوقات اجازه بگيرند: همانگونه كه اشخاصي كه قبل از آنها بودند اجازه مي‌گرفتند (و اذا بلغ الأطفال منكم الحُلُمْ فليستاذنوا كما استاذن الذين من قبلهم).
واژه حُلُمْ (بر وزن كُتُبْ) به معني عقل آمده است و كنايه از بلوغ است كه معمولا با يك جهش عقلي و فكري توأم است: و گاه گفته‌اند حلم به معني رؤيا و خواب ديدن است: و چون جوانان: مقارن بلوغ: صحنه‌هائي در خواب مي‌بينند كه سبب احتلام آنها مي‌شود اين واژه به عنوان كنايه در معني بلوغ به كار رفته است.

به هر حال از آيه فوق چنين استفاده مي‌شود كه حكم بالغان با اطفال نابالغ متفاوت است: زيرا كودكان نابالغ طبق آيه قبل، تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند: چون زندگي آنها با زندگي پدران و مادران آنقدر آميخته است كه اگر بخواهند در همه حال اجازه بگيرند مشكل خواهد بود: و از اين گذشته احساسات جنسي آنها هنوز به طور كامل بيدار نشده: ولي نوجوانان بالغ طبق اين آيه كه اذن گرفتن را به طور مطلق براي آنها واجب دانسته موظفند در همه حال به هنگام ورود بر پدر و مادر اذن بطلبند.
اين حكم مخصوص به مكاني است كه پدر و مادر در آنجا استراحت مي‌كنند و گرنه وارد شدن در اطاق عمومي (اگر اطاق عمومي داشته باشند) مخصوصا به هنگامي كه ديگران هم در آنجا حاضرند: و هيچ گونه مانع و رادعي در كار نيست اجازه گرفتن لزومي ندارد.
ذكر اين نكته نيز لازم است كه جمله «كما استأذن الذين من قبلهم» اشاره به بزرگسالان است كه در همه حال به هنگام وارد شدن در اطاق موظف به اجازه گرفتن از پدران و مادران بودند: در اين آيه افرادي را كه تازه به حد بلوغ رسيده‌اند
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 182
همرديف بزرگسالان قرار داده كه موظف به استيذان بودند.
در پايان آيه براي تأكيد و توجه بيشتر مي‌فرمايد: اين گونه خداوند آياتش را براي شما تبيين مي‌كند و خداوند عالم و حكيم است «كذلك يبيّن اللّه لكم آياته و اللّه عليم حكيم».
اين همان تعبيري است كه در ذيل آيه قبل بود بدون هيچگونه تغيير جز اينكه در آن آيه الايات بود و در اينجا آياته كه از نظر معني تفاوت چنداني ندارد.
در آخرين آيه مورد بحث استثنائي براي حكم حجاب زنان بيان مي‌كند و زنان پير و سالخورده را از اين حكم مستثني مي‌شمرد و مي‌گويد: زنان از كار افتاده‌اي كه اميدي به ازدواج ندارند گناهي بر آنان نيست كه لباسهاي (روئين) خود را بر زمين بگذارند در حالي كه در برابر مردم خود آرائي نكنند (و القواعد من النساء اللّاتي لا يرجون نكاحاً فليس عليهن جناح أن يضعن ثيابهنّ غير متبرّجات بزينة).
در واقع براي اين استثناء دو شرط وجود دارد: نخست اينكه به سن و سالي برسند كه معمولا اميدي به ازدواج ندارند: و به تعبير ديگر جاذبه جنسي را كاملا از دست داده‌اند.
ديگر اينكه در حال بر داشتن حجاب خود را زينت ننمايند.
روشن است كه با اين دو قيد مفاسد كشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همين دليل اسلام اين حكم را از آنان برداشته است.
اين نكته نيز روشن است كه منظور برهنه شدن و بيرون آوردن همه

لباسها نيست بلكه تنها كنار گذاشتن لباسهاي رو است كه بعضي روايات از آن تعبير به چادر و روسري كرده است (الجلباب و الخمار در حديثي از امام صادق عليه السلام در ذيل همين آيه مي‌خوانيم كه فرمود: الخمار و الجلباب، قلت بين يدي من كان؟ قال: بين يدي من كان غير متبرجة بزينة: منظور روسري و چادر است: راوي مي‌گويد از امام پرسيدم در برابر هر كس كه باشد؟ فرمود: در برابر هر كس باشد اما خود آرائي و زينت نكند.
روايات ديگري نيز به همين مضمون يا نزديك به آن از ائمه اهلبيت عليه السلام نقل شده است كه تعدادي از آن در بخش 4 در فصل «حدود نگاه به نامحرم» خواهد آمد.
در پايان آيه اضافه مي‌كند كه با همه احوال اگر آنها تعفف كنند و خويشتن را بپوشانند براي آنها بهتر است (و ان يستعففن خيرٌ لهنّ).
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 183
چرا كه از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و حجاب را رعايت كند پسنديده‌تر و به تقوا و پاكي نزديكتر است.
و از آنجا كه ممكن است بعضي از زنان سالخورده از اين آزادي حساب شده و مشروع سوء استفاده كنند: و احيانا با مردان به گفتگوهاي نامناسب بپردازند و يا طرفين در دل افكار آلوده‌اي داشته باشند در آخر آيه به عنوان يك اخطار مي‌فرمايد خداوند شنوا و دانا است (و الله سميع عليم).
آنچه را مي‌گوئيد مي‌شنود و آنچه را در دل داريد و يا در سر مي‌پرورانيد مي‌دان

3- ورود به خلوتگاه والدين و ..! اين مطلب قابل قبول تمام فرقه‌ها و نژادها و اقوام گوناگون جوامع بشري است كه، انسان نبايد بدون اجازه، به خلوت خانه كسي وارد شود، بخصوص از نظر اسلام در اين موارد دقت زياد شده و مورد توجه بيشتر بزرگان دين قرار گرفته است؛
فرق نمي‌كند پدر و مادر و خواهر و برادر و به طور خلاصه اقوام نزديك و دور و حتي بيگانه: بايد اين آداب و رسوم را رعايت نمايد.
از جمله آدابي كه نشان دهنده شخصيت و حسن ادب آدمي است و آبروي خانوادگي را محفوظ مي‌دارد، رعايت حرمت هاي خانوادگي و بها دادن به همديگر است كه مصداق بارز آنها اجازه خواستن در ورود و خروج به خلوت گاه والدين و محارم ديگر (دختر و پسر و عمه و خاله و غيره) است.
1- ابن محبوب از أبي أيوب الخراز: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: يستأذن الرجل إذا دخل علي أبيه و لا يستأذن الأب علي الإبن، الحديث. حتماً وقتي كه مرد به خدمت پدر مي‌رسد، اجازه بخواهد ولي اجازه خواستن پدر لزومي ندارد (لحن حديث استيذان فرزند، در مواقع زندگي طبيعي است، زيرا پدر هم مجاز نيست، سرزده به خلوتگاه فرزند وارد شود). «1»
2- محمد بن علي الحلبي گويد: به أبي عبد اللَّه عليه السلام گفتم: الرجل يستأذن علي أبيه؟
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 184
فقال: نعم قد كنت أستأذن علي أبي وليست امّي عنده إنّما هي امرأة أبي تُوفّيت امّي وأنا غلام، وقد يكون من خلوتهما مالا أحب أن أفجاهما عليه، ولا يحبّان ذلك منّي والسلام أحسن وأصوب. آيا مرد براي ورود به خدمت پدر اجازه مي‌خواهد؟ فرمود: بلي، من براي ورود به پدرم اجازه مي‌خواستم در حالي كه مادرم پيشش نبود، او زن پدرم بود، من جوان بودم كه مادرم وفات يافت اي بسا در محل خلوت آنها چيزي باشد كه من دوست نداشتم، ناگهاني (و سرزده) با آن روبرو شوم و آنها نيز اين كار را، دوست نداشتند، و سالم بودن (از اين كارها) زيبا و مقرون به حقيقت است. «1»
3- ابن محبوب: از أبي أيوب الخراز: از أبي عبد اللَّه عليه السلام- در حديثي- فرمود: و يستأذن الرّجل علي ابنته وأخته إذا كانتا متزوّجتين. مرد براي ورود به منزل دختر و خواهرش، اجازه بخواهد اگر ازدواج كرده‌اند. «2»
4- جراح المدائني: از أبي عبد اللَّه عليه السلام- در حديثي- فرمود: و من بلغ الحُلُمْ فلا يلج علي أمّه و لا علي اخته ولا علي خالته و لا علي سوي ذلك

إلا باذن، ولا تأذنوا حتي يسلّموا (يسلّم)، والسلام طاعة لله عزوجل. هر كس به حد بلوغ رسيده است نبايد سر زده به مادر و خواهر و خاله وارد شود و نه ديگران، مگر با اذن: و اجازه (ورود ندهيد) تا سلام كنند، سلام اطاعت از خداي عزّ و جلّ است. «3»
5- محمد بن قيس: از أبي جعفر عليه السلام- در حديثي- فرمود: ومن بلغ الحلم منكم فلا يلج علي امّه ولا علي اخته ولا علي ابنته ولا علي من سوي ذلك إلا بإذن، ولا يؤذن لأحد حتي يُسلّم، فانّ السلام طاعة الرحمن. هر كس به حد بلوغ رسيده است نبايد سر زده به مادر و خاله و خواهر وارد شود و نه ديگران، مگر با اذن (و اجازه)، و اجازه (ورود ندهيد) تا سلام كنند، سلام اطاعت از خداي رحمان است. «4»
6- علي عليه السلام گفت: اي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم أميّ أستأذن عليها؟ قال: نعم، قال: ولم يا رسول اللّه؟ قال أيسرّك أن تراها عريانة؟ قال: لا قال: فاستأذن. از مادرم (براي ورود به

خانه) اجازه بخواهم؟ فرمود: بلي، گفت چرا اي رسول خدا، فرمود: آيا خوشت مي‌آيد مادرت را لخت ببيني؟! گفت: نه، فرمود پس اذن بخواه. «1»
7- علي عليه السلام فرمود: مردي به رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم گفت: اي رسول خدا! اختي تكشف شعرها بين يديّ؟ قال: لا إنّي أخاف إذا أبدت شيئا من محاسنها ومن شعرها و معصمها أن تواقعها. خواهرم مويش را پيش من باز مي‌كند؟ (آيا اشكال دارد) فرمود: نه (نبايد اين كار را بكند)، زيرا مي‌ترسم هرگاه چيزي از آرايشش و مويش و محل زينتش را باز كند، تورا (وسوسه كند و) با او درآميزي (و زنا كني). «2»
8- فرمود: نهي رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم أن يدخل علي النساء إلّا باذن الأولياء. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم نهي فرمود: از اينكه بر زنان داخل شوند مگر با اجازه اولياء (و صاحبان آنها). «3»
9- جعفربن عمر از ابي عبداللّه عليه السلام فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم نهي أن يدخل الرّجال علي النّساء الّا باذنهنّ نهي نمود كه مردان بر (منزل) بانوان داخل شوند مگر با اجازه آنها. «4

4- استيذان رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم از دخترش رعايت اين دستورها از همه مطلوب و از بزرگان و رهبران دين كه عمل آنها، سرمشق و الگوي ديگران مي‌باشد مطلوب‌تر است: بدينجهت بود كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم براي ورود به خانه دخترش فاطمه عليها السلام اجازه مي‌خواست و بدون اجازه وارد نمي شد!.
1- عمرو بن شمر از أبي جعفر عليه السلام: از جابر بن عبد اللَّه انصاري گفت: خرج رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم يريد فاطمة وأنا معه، فلما انتهينا إلي الباب وضع يده عليه فدفعه ثم قال: السلام عليكم، فقالت فاطمة عليها السلام: وعليك السلام يا رسول اللَّه، قال: أدخل؟ قالت: ادخل يا رسول اللَّه، قال: أدخل انا ومن معي؟ قالت: ليس عليّ قناع، فقال: يا فاطمة خذي فضل ملحفتك فقنعي به رأسك ففعلت ثم قال: السلام عليك، فقالت: وعليك السلام يا رسول اللَّه قال:
ادخل؟ قالت: نعم يا رسول اللَّه، قال: أنا ومن معي؟ قالت: ومن معك، قال جابر: فدخل رسول
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 186
اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم ودخلت و إذا وجه فاطمة عليها السلام اصفر كأنه بطن جرادة، فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: مالي أري وجهك اصفر، قالت: يا رسول اللَّه، الجوع، فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: اللّهم مشبع الجوعة ودافع الضيعة اشبع فاطمه بنت محمد، قال جابر: فواللَّه لنظرت إلي الدم يتحدر من قصاصها حتي عاد وجهها احمر فما جاعت بعد ذلك اليوم. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم بيرون رفت و اراده داشت فاطمه را ببيند و من هم با او بودم؛ وقتي كه به كنار دَر رسيديم، دست روي دَر گذاشت و (كمي) هل داد و فرمود: سلام بر شما باد، فاطمه عليها السلام گفت: و برتو باد سلام اي رسول خدا؛
فرمود: آيا داخل شوم؟ گفت: داخل شو، فرمود: آيا با همراهم داخل شوم؟ عرض كرد مقنعه ندارم، فرمود: اي فاطمه زيادي ملافه را بگير و برخود مقنعه (و حجاب) قرار داده و سرت را بپوشان، (فاطمه) اين كار را كرد؛
سپس فرمود: سلام برتو باد و او نيز گفت: و برتوباد سلام اي رسول خدا، فرمود:
داخل شوم (خودترا جمع و جور كردي)؟ گفت: بلي اي رسول خدا (داخل شو)؛ فرمود: من و همراهم؟ عرض كرد بلي و هركهِ با تواست؛
جابر گويد: پس من با رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم داخل شديم،

ناگهان روي فاطمه را مانند شكم ملخ، زرد رنگ ديديم، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: (اي فاطمه) چرا صورتت را زرد مي‌بينم؟ گفت: اي رسول خدا، گرسنگي (سبب زردي رنگ من است)!!؛
رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم (دست به دعا برداشت و) گفت خدايا اي سير كننده گرسنگان و دفاع كننده از ضايع شوندگان، فاطمه بنت محمد را نيز سير نما؛ جابر گويد: به خدا قسم ديدم خون به پوست صورت فاطمه سرازير شد تا به حالت سرخ گونه (وعادي)، برگشت كه بعد از آن روز فاطمه هيچ وقت گرسنه نشد. «1

5- فلسفه استيذان و مفاسد عدم رعايت آن براي ريشه كن ساختن يك مفسده اجتماعي مانند اعمال منافي عفت، تنها توسل به اجراي حدود و تازيانه زدن منحرفان كافي نيست: در هيچ يك از مسائل اجتماعي
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 187
چنين برخوردي نتيجه مطلوب را نداده و نخواهد داد: بلكه بايد مجموعه‌اي ترتيب داد از آموزش فكري و فرهنگي آميخته با آداب اخلاقي و عاطفي: و همچنين آموزشهاي صحيح اسلامي: و ايجاد يك محيط اجتماعي سالم: سپس مجازات را به عنوان يك عامل بازدارنده در كنار اين عوامل در نظر گرفت.
به همين دليل در سوره نور كه در واقع سوره عفت است از مجازات تازيانه مردان و زنان زناكار شروع مي‌كند و به مسائل ديگر مانند فراهم آوردن وسائل ازدواج سالم رعايت حجاب اسلامي، نهي از چشم‌چراني، تحريم متهم ساختن افراد به آلودگي ناموسي، و بالأخره اجازه گرفتن فرزندان به هنگام ورود به خلوتگاه پدران و مادران گسترش مي‌دهد.
اين نشان مي‌دهد كه اسلام از هيچ يك از ريزه‌كاريهاي مربوط به اين مسأله غفلت نكرده است.
خدمتكاران موظفند به هنگام ورود در اطاقي كه دو همسر قرار دارند اجازه بگيرند.
كودكان بالغ نيز موظفند در هر وقت بدون اجازه وارد نشوند، حتي كودكان نابالغ كه مرتباً نزد پدر و مادر هستند نيز آموزش داده شوند كه لااقل در سه وقت (قبل از نماز صبح و بعد از نماز عشاء و هنگام ظهر كه پدران و مادران به استراحت مي‌پردازند) بدون اجازه وارد نشوند.
اين يك نوع ادب اسلامي است هر چند متأسفانه امروز كمتر رعايت مي‌شود و با اينكه قرآن صريحاً آن را (در آيات 585960 سوره نور كه (در فصل اول اين بخش گذشت) بيان كرده است: در نوشته‌ها و سخنراني ها و بيان احكام نيز كمتر ديده مي‌شود كه پيرامون اين حكم اسلامي و فلسفه آن بحث شود: و معلوم نيست به چه دليل اين حكم قطعي قرآن مورد غفلت و بي توجهي قرار گرفته؟! گر چه ظاهر آيه وجوب رعايت اين حكم است حتي اگر فرضاً آن را مستحب بدانيم باز بايد از آن سخن گفته شود: و جزئيات آن مورد بحث قرار گيرد، بر خلاف آنچه بعضي از ساده‌انديشان فكر مي‌كنند كه كودكان سر از اين مسائل در نمي‌آورند و خدمتكاران نيز در اين امور باريك نمي‌شوند ثابت شده است كه كودكان (تا چه رسد به بزرگسالان) روي اين مسأله فوق العاده حساسيت دارند: و گاه مي‌شود

سهل‌انگاري پدران و مادران و بر خورد كودكان به منظره‌هائي كه نمي‌بايست آن را ببينند

سرچشمه انحرافات اخلاقي و گاه بيماري هاي رواني شده است.

ما خود با افرادي بر خورد كرديم كه به اعتراف خودشان بر اثر بي توجهي پدران و مادران به اين امر و مشاهده آنان در حال آميزش جنسي يا مقدمات آن به مرحله‌اي از تحريك جنسي و عقده رواني رسيده بودند كه عداوت شديد پدر و مادر در سر حد قتل! در دل آنها پيدا شده بود: و خود آنها نيز شايد تا مرز انتحار پيش رفته بودند! اينجا است كه ارزش و عظمت اين حكم اسلامي آشكار مي‌شود كه مسائلي را كه دانشمندان امروز به آن رسيده‌اند از چهارده قرن پيش در احكام خود پيش بيني كرده است.

و نيز در همين جا لازم مي‌دانيم به پدران و مادران توصيه كنيم كه اين مسائل را جدي بگيرند: و فرزندان خود را عادت به گرفتن اجازه ورود بدهند: و همچنين از كارهاي ديگري كه سبب تحريك فرزندان مي‌گردد از جمله خوابيدن زن و مرد در اطاقي كه بچه‌هاي مميز مي‌خوابند تا آنجا كه امكان دارد پرهيز كنند: و بدانند اين امور از نظر تربيتي فوق العاده در سرنوشت آنها مؤثر است.

جالب اينكه در حديثي از پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم مي‌خوانيم كه فرمود: ايّاكم و ان يجامع الرجل امرئته و الصبي في المهد ينظر اليهما: مبادا در حالي كه كودكي در گهواره به شما مي‌نگرد آميزش جنسي كنيد!. «1»

در بخش 4 فصل پرهيز از (مقاربت در حضور بچه) رواياتش مشروحاً خواهد آمد

6- آرايش خانم و آقابراي همديگر

6- آرايش خانم و آقابراي همديگر آرايش و تميزي و نظافت، براي زن و مرد، از ضروريات و شرط ادامه و شيريني زندگي است، مخصوصاً براي بانوان كه بيشتر مورد توجه آقايان و براي جلوگيري كردن از انحرافات آنها است؛
در روايات متعدد آمده است كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم يك سوم نقدينگي خود را به خوشبوئي و عطريات هزينه مي‌كرد و سفارش اكيد در نظافت و تميزي، داشت به
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 189
طوري كه آن را جزء ايمان قرار داد «1» و در بيان احكام خاص بانوان به مطالب ذيل عنايت داشت،
به طور خلاصه نظافت و آرايش براي زن و مرد لازم الاجراست و شكي در مطلوبيت آن نيست.
1- محمد بن مسلم، از أبي جعفر (عليه السلام) فرمود: لا ينبغي للمرأة ان تعطل نفسها ولو ان تعلّق في عنقها قلادة ولا ينبغي ان تدع يدها من الخضاب ولو ان تمسحها مسحاً بالحناء وان كانت مسنّة. سزاوار نيست زن خود را (از زينت محروم و) معطل نمايد اگرچه قلاده‌اي به گردن آويزد، و شايسته نيست دستانش را از خضاب رهاسازد اگرچه با حنا آن را مسّ نمايد و اگرچه زن مسن (و پير باشد). «2»
2- ولا يجوز للمرأة أن تعطّل نفسها ولو أن تعلّق في عنقها خيطاً، و لا يجوز أن تري أظافيرها بيضاء ولو أن (تمسها بالحناء مسّاً) (تمسحها بالحناء مسحاً)، ولا تخضب يديها في حيضها، لأنّه يخاف عليها الشيطان، ... و يجوز للمرأة لبس الديباج والحرير في غير صلاة وإحرام، و حُرّم ذلك علي الرجال إلا في الجهاد و يجوز أن تتختّم بالذهب وتصلّي فيه، و حرّم ذلك علي الرجال، و جايز نيست بر زن كه خود را معطل نمايد (و از زينت و آرايش دست بكشد و خود را محروم كند) اگرچه با آويختن نخي برگردن باشد و جايز نيست انگشتانش سفيد ديده شود اگر چه (لا اقل) با حنا خود را مس كند (ورنگين نمايد)،
و در ايام حيض خود را خضاب نكند، زيرا براي او از (صدمات) شيطان ترسيده مي‌شود،
و براي زن پوشيدن لباس ديباج و حرير در غير نماز و احرام، جايز است، اما اين‌ها براي مردان حرام است مگر در جهاد،
و جايز است زنها با انگشتر طلا نماز بخواند و لي براي مردان حرام است. «3»

3- سعد بن سعد: از حسن بن الجهم گفت: رأيت أبا الحسن عليه السلام اختضب، فقلت: جعلت فداك اختضبت؟ فقال: نعم إنّ التهيئة ممّا يزيد في عفّة النساء، ولقد ترك النساء العفّة بترك
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 190
أزواجهنّ التهيئة، ثمّ قال: أيسرّك أن تراها علي ما تراك عليه إذا كنت علي غير تهيئة؟ قلت:
لا، قال: فهو ذاك، ثمّ قال: من أخلاق الأنبياء التنّظف و التطيّب و حلق الشعر و كثرة الطروقة، الحديث. ديدم ابالحسن عليه السلام خضاب گذاشته گفتم: فدايت شوم خضاب گذاشتي؟! فرمود: بلي همانا آماده شدن (مرد باآرايش) عفت زنهارا زياد مي‌كند، زنها عفاف را ترك نمودند با ترك شوهرانشان آمادگي (و زينت) را، سپس فرمود: آيا دوست داري زن را در آن حالت كه تو هستي (از بي نظمي و بهم ريختگي و وضع چندش آور) ببيني؟!، گفتم: نه، فرمود: پس او هم همان طور سپس فرمود: از اخلاق انبياء است نظافت كردن و خود را خوشبو ساختن و تراشيدن مو و زياد همبستر شدن ... تا آخر حديث. «1»
4- أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: لتطيب المرأة المسلمة لزوجها. زن مسلمان حتماً خود را براي همسرش خوشبو كند. «2»
5- محمد بن مسلم، ازيكي از صادقين عليهما السلام از استعمال طلا براي زنها سؤال كردند؟ فرمود: ليس به بأس. ولا ينبغي للمرأة أن تعطل نفسها ولو أن تعلق في عنقها قلادة. ولا ينبغي لها أن تدع يدها من الخضاب ولو أن تمسحها بالحناء مسحا ولو كانت مسنة. عيب ندارد و سزاوار نيست براي زن خود را از آرايش كردن تعطيل نمايد، اگرچه با آويختن يك قلاده باشد، و شايسته نيست بر او دستش را از حنا گذاشتن، رها سازد اگرچه با ماليدن دست بر حنا اگرچه سالخورده و پير باشد. «3»
6- در كتاب الغايات: شيخ جعفر بن أحمد القمي آمده است امام عليه السلام فرمود: إني لأبغض من النساء السلتاء والمرهاء، فالسلتاء التي لا تختضب، والمرهاء التي لا تكتحل. من زنان سلتاء و مرهاء را دوست ندارم سلتاء زني كه خضاب نمي‌كند و مرهاء زني كه سرمه نمي‌كشد (بطور كلّي از زنان بي آرايش خوشم نمي‌آيد). «4

7- روايت حفظ زيبائي!

7- روايت حفظ زيبائي! در جامعه ديده شده است كساني كه، به پيري زود رس و يا از دست دادن نشاط و نماي جواني زود هنگام، گرفتار مي شوند و از نظر سنّي جوان و در منظر و رؤيت پير هستند!
البته اين گونه اشخاص بنا به عللي (غم و غصه و فقر و نداري و فشارهاي روحي و حسادت و كينه و دهها مسائل ديگر از جمله پر خوري) به اين روز مي افتند؛
پس هركسي بايد علت اين گرفتاري را در خودش، پيدا كند و در صدد معالجه‌اش بر آيد.
1- عمر بن علي، از پدرش علي بن أبي طالب عليه السلام پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: مرّ أخي عيسي بمدينة وفيها رجل وامرأة يتصايحان فقال: ما شأنكما؟ قال: يا نبي اللّه هذه امرأتي وليس بها بأس صالحة ولكنّي احبّ فراقها قال: فأخبرني علي كل حال ما شأنها؟ قال: هي خلقه الوجه من غير كبر. قال لها: يا امرأة أتحبّين أن يعود ماء وجهك طريّاً؟ قالت: نعم قال لها: إذا أكلت فايّاك أن تشبعي لأنّ الطعام إذا تكاثر علي الصّدر فزاد في القدر، ذهب ماء الوجه ففعلت ذلك فعاد وجهها طريّاً. برادرم عيسي به شهري گذشت و ديد مردي با زني، به رويهم فرياد مي‌كشند پرسيد: چه شده؟ گفت اي پيامبر خدا! اين همسر من است و اشكالي هم در او نيست و زن صالحه است، ولي من دوست دارم از او جدا شوم! فرمود: خلاصه جريانتان را به من بگوييد (علت اين نفرت از چيست)؟ گفت: اين زن در جواني بدگِل شده (با اينكه سنّي از او نگذشته زشت رو شده است) فرمود:
اي زن دوست مي‌داري زيبائي و آب رويت برگردد؟! گفت: بلي، فرمود: هرگاه غذا خوردي، سير نخور زيرا غذا وقتي كه در سينه زياد شد و بيش از قدر معمول شد، آب رو را مي‌برد (و زشت مي‌شود)، آن زن به اين دستور عمل كرد و رويش تر وتازه شد (وزيبائيش برگشت!). «1

8- زينت براي نابينايان!

8- زينت براي نابينايان! در فصل پيشين تشريح گرديد كه زن و مرد براي همديگر آرايش نمايند و خود را زيبا جلوه گر نمايند، آيا براي نابينايان چه كنند؟!

1- سكوني از امام صادق عليه السلام فرمود: از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم سؤال نمودند زينت زن براي نابينا چگونه است؟ فرمود: الطّيّب و الخضاب فانّه من طيب النّسمة. (استعمال) بوي خوش و خضاب كردن كه آن از پاكي زن است. «1»

زيرا استشمام بوي خوش و بوي خضاب نيازي به ديدن و چشم ندارد و با قوه شامّه مي تواند آن را درك مي نمايد

9- حكم وصل مو براي زيبائي

9- حكم وصل مو براي زيبائي از زمان قديم: آرايش براي جنس زن و مرد با مدل‌ها و متدهاي گوناگون در هرجامعه اي متداول و جا افتاده بود در فصل‌هاي قبل هم متذكر شديم كه بايد هم اين گونه باشد ولي در اين مورد اين سؤال مطرح است كه آيا محدوديتي در اين باره وجود دارد يانه؟!.
1- حسن بن فضل طبرسي در (مكارم الأخلاق): از سليمان بن خالد گفت: قلت له المرأة تجعل في رأسها القرامل»، قال: يصلح له الصوف وما كان من شعر المرأة نفسها، و كره أن يوصل شعر المرأة من شعر غيرها، فإن وصلت شعرها بصوف أو شعر نفسها فلا بأس به. به امام عليه السلام گفتم: زن در سرش موي بند مي‌زند (و مو وصل مي‌كند وبراي زيبائي تغيير حالت مي‌دهد)؟ فرمود: اگر اين كار را از پشم و يا موي خود انجام مي‌دهد جايز است ولي از موي زن ديگر باشد مكروه است، پس اگر از موي خود و يا پشم (وموي حيوانات حلال گوشت باشد) مانعي ندارد. «3»
2- عمار الساباطي گفت: به ابي عبد اللَّه عليه السلام گفتم: إن الناس يروون: أن رسول اللَّه
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 193
صلي الله عليه و آله و سلم لعن الواصلة والموصولة، قال: فقال: نعم، قلت: التي تمتشط وتجعل في الشعر القرامل؟ قال: فقال لي: ليس بهذا بأس، قلت: فما الواصلة والموصولة؟ قال: الفاجرة والقوادة. مردم از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم روايت مي‌كنند كه به زن وصل دهنده و وصل شونده، لعنت نموده است؟! فرمود: بلي، گفتم: زني كه شانه مي‌زند و در مويش موبند مي‌زند؟ فرمود: نه، آن مانعي ندارد گفتم: پس واصله و موصوله چيست؟
فرمود: دونفر را (براي زنا) به هم رساننده و ميانجي گري را گويند. «1»
3- ابراهيم ابن زياد الكرخي گويد: شنيدم أبا عبد اللَّه عليه السلام مي‌فرمود: لعن اللَّه الواصلة والمتوصلة يعني الزانية والقوادة. خدا لعنت كرده بر واصله و موصوله يعني زناكار و دو بهم رسان. «2»
4- زيد بن علي، از پدرانش از علي عليهم السلام گفت: رسول خداصلّي اللَّه عليه وآله فرمود: لعن اللَّه المتشبهين من الرجال بالنساء والمتشبهات من النساء بالرجال. خدا لعنت كند برمرداني كه خود را، بر زنان و بر زناني كه خود را بر مردان، تشبيه نمايند. «3

10- حكم چيدن موي صورت 1- أبي بصير گفت: از امام عليه السلام پرسيدم عن قصة النواصي تريد المرأة الزينة لزوجها، و عن الحفّ والقرامل والصوف و ما أشبه ذلك؟ قال: لا بأس بذلك كلّه. از حكم زن كوتاه كننده موي پيشاني كه براي شوهرش زينت مي كند و از چيدن مو و موي بند زدن و با پشم ديگر وصل مي‌كند و مانند اينها را انجام دادن؟ فرمود: در همه اينها مانعي نيست. «4»
2- علي بن جعفر در كتابش مي‌گويد: به برادرش موسي عليه السلام: عرض كرد: سألته عن المرأة، أتحف الشعر عن وجهها؟ قال: لا بأس. از او سؤال نمودم از زني كه موي صورت
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 194
خود را مي‌چيند؟ فرمود: ترسي نيست (و مانعي ندارد). «1

11- بلند گذاشتن ناخن!

11- بلند گذاشتن ناخن! امروزها ميان بانوان و دوشيزگان مرسوم است كه ناخن‌هاي خود را براي زيبائي بلند مي كنند و رنگ مي زنند، اين جريان براي خانمها به صورت يك فرهنگ درآمده است.
حالا سؤال اين است كه آيا اين كار از نظر اسلام چه حكمي دارد، پر واضح است اگر بانوان مسائل شرعي خود را رعايت نمايند و در اوقات نماز، رنگ ناخن ها را پاك نمايند كه مانع از نفوذ آب وضو يا غسل به ناخن ها نشود، مانعي ندارد اما حكم خود بلند كردن نا خن چيست؟! به روايت ذيل توجه فرمائيد.
سكوني از امام صادق عليه السلام، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به مردان فرمود: قصّوا أظافيركم و للنّساء أتركن من أظفاركنّ (أظافيركنّ) فانّه أزين لكنّ. ناخن هايتان را كوتاه كنيد و به زنان فرمود: (چيدن) ناخن هايتان را ترك كنيد (ونگيريد تا بلند شود) زيرا آن برايتان زينت بخش‌تر است. «2

12- از كيفيت موي خانم بپرسيد!

12- از كيفيت موي خانم بپرسيد! ريخت و هيكل بانوان، كلًا جذّابيت خاص خود را دارد اما بعضي از اندام هايش بيشتر مورد توجه است كه يكي از آنها، موي بانوان است كه بايد براي نماي آن اهميت زياد قائل شد.
رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إذا أراد أحدكم أن يتزوج المرأة فليسأل عن شعرها كما يسأل عن وجهها، فانّ الشعر أحد الجمالين.
هروقت يكي از شما خواست با زني ازدواج نمايد، از (كيفيت) مويش بپرسد آنگونه كه از رويش مي پرسد، زيرا، مو يكي از
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 195
جمالين (و يكي از يبائيست). «1

13- احترام به داماد!!

13- احترام به داماد!! در روايت آمده است كه امام سجّاد عليه السلام به احترام داماد بلند مي‌شد و عبايش را زير او پهن مي‌كرد! از امام در اين باره سؤال نمودند (و يا خرده گرفتند) فرمود: او آبروي مرا حفظ كرده (و خيالم را از جهت دخترم يا خواهرم راحت نموده) و خرجم را كم كرده است روي اين فلسفه داماد براي همه لازم الإحترام است؛
و ديگر اينكه اگر به داماد احترام گذاشته شود: او هم با عيالش رفتار مشابهي خواهد داشت، مگر اينكه مانند بعضي ها از طبيعت و نهاد، آدم پست و دني باشد كه از احترام خانواده عيال سوءاستفاده كرده و برداشت منفي نمايد
1- نوح بن شعيب تا أبو عبد اللَّه عليه السلام آن حضرت فرمود: كان علي بن الحسين عليه السلام إذا أتاه ختنه علي ابنته أو علي اخته بسط له رداه ثمّ أجلسه ثمّ يقول: مرحباً بمن كفي المؤنة و ستر العورة. وقتي كه داماد دختري يا خواهري امام علي بن حسين عليهما السلام، مي‌آمد ردايش را زير او پهن مي‌كرد و روي آن مي‌نشانيد سپس مي‌فرمود: خوش آمد كسي كه خرج را عهده دار و آبرو را پوشانيد. «2

بخش 4 قسمتي از منهيات

مکروهات مقاربت

اشاره

در اين بخش روايات بعضي از كارهاي ممنوعه بيان مي‌شود، با اينكه در بخش‌هاي گذشته نيز مطالبي بدين مناسبت از نظر مبارك خوانندگان گرامي گذشت و در آخر كتاب روايت دستورات كلي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم خواهد آمد كه با اين بخش، مكمّل يكديگرند.

1- همبستري با زوجه در كشتي مكروه است؛

2- و مكروه است رو به قبله و پشت به قبله همبستر شدن؛

3- در ميان راه عبوري مردم؛

4- لخت و عريان مادر زاد؛

5- بعد از احتلام قبل از غسل؛

6- هنگام زرد شدن آفتاب در طلوع و غروب؛

7- جماع با انگشتر آيه دار؛

8- در ايام بارداري،

9- در حال خضاب؛

10- مابين طلوع فجر تا طلوع آفتاب؛

11- هنگام غروب آفتاب تا غروب شفق

12- در روز ماه گرفتگي.

13- روز آفتاب گرفتگي.

14- در روز يا شب وزيدن باد سياه و باد سرخ و باد زرد.

15- در اوقات زلزله.

16- بعداز غسل ميت.

17- مقاربت با معده پر!.

روايات مكروهات بالا و علاوه بر آن ها را، در فصل‌هاي آتي مطالعه بفرمائي

1- هنگام وزيدن باد سياه و .. عبد الرحمن ابن سالم، از پدرش گفت: به أبي جعفر عليه السلام گفتم: هل يكره الجماع في وقت من الاوقات وإن كان حلالا؟ قال: نعم ما بين طلوع الفجر إلي طلوع الشمس ومن مغيب الشمس إلي مغيب الشفق، وفي اليوم الذي تنكسف فيه الشمس، وفي الّيلة التي ينكسف فيها القمر، وفي اليوم والّيلة التي تكون فيها الريح السوداء و الريح الحمراء، والريح الصفراء، وفي اليوم والّيلة التي تكون فيها الزلزلة. ولقد بات رسول اللَّه صلي اللَّه عليه وآله عند بعض نسائه في ليلة انكسف فيها القمر فلم يكن في تلك الّيلة ما يكون منه في غيرها حتي أصبح، فقالت له: يا رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم البغض هذا منك في هذه الّيلة؟ قال: لا ولكن هذه الاية ظهرت في هذه الّيلة فكرهتأن أتلذذ وألهو فيها، وقد عيّر اللَّه أقواماً في كتابه فقال:
(«وإن يروا كسفاً من السماء ساقطاً يقولوا سحاب مركوم* فذرهم حتي يلاقوا يومهم الذي فيه يصعقون» ثم قال أبو جعفر عليه السلام: وأيم اللَّه لا يجامع أحد فيرزق ولدا فيري في ولده ذلك ما يحبّ. آيا جماع در وقتي از اوقات كراهت دارد اگرچه حلال باشد؟ فرمود: بلي، مابين طلوع فجر تا طلوع آفتاب، و از غروب آفتاب تا غايب شدن (سرخي) شفق، و روز آفتاب گرفتگي، و شب ماه گرفتگي، و در شب وروزي كه در آن باد سياه و باد سرخ و باد زرد، بوزد، شبي كه در آن زلزله باشد،
رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم شبي كه ماه گرفته بود، نزد يكي از زنهايش خوابيد و در آن شب، كاري كه معمولاً مي‌شد، نشد تا صبح فرا رسيد، خانمش گفت: اي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آيا سبب اين رو گرداني در اين شب از ناراحتي (از من) بود؟! فرمود: نه، ولكن اين نشانه امشب ظاهر گشت من خوش نداشتم مشغول لذت و خوش گذراني باشم در حالي كه خداوند اقوامي را در كتابش (قرآن) در اين باره مذمت نموده است «و آنها
(چنان لجوجند) اگر ببينند قطعه سنگي (يا پاره‌اي) از آسمان (براي عذابشان) سقوط مي‌كند، مي‌گويند: اين ابر متراكمي است، حال كه چنين است پس آنها را رها كن تا روز مرگ خود را ملاقات نمايند».
سپس ابوجعفر عليه السلام فرمود: و به خدا سوگند (اگر كسي در اين روزهائي كه رسول خدا نهي نموده و اين خبر هم به او رسيده است) جماع نمايد و داراي فرزند شود،
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 200
در اين فرزندش آنچه دوست دارد، نمي‌بيند. «1

2- ترك مقاربت بيش از چهار ماه!

2- ترك مقاربت بيش از چهار ماه! در شريعت اسلام، مرد بايد در هر چهار ماه با خانمش، آميزش جنسي داشته باشد يعني اين حق شرعي خانمهاست اگر شوهر از انجام و اداي اين حق سرپيچي كند، خانم مي تواند به حاكم شرع شكايت نمايد و حق خود را بخواهد، مقاربت، يا طلاق!، مگر اين كه خانم خودش نخواهد و از حق خودش صرف نظر نمايد.
صفوان بن يحيي، از أبي الحسن الرضا (عليه السلام)، انه سأله عن الرجل تكون عنده المرأة الشابة فيمسك عنها الأشهر والسّنة لا يقربها ليس يريد الإضرار بها يكون لهم مصيبة يكون في ذلك آثماً؟! او سؤال نمود: از حكم مردي كه زن جواني دارد و ماهها (بلكه) سالي با او مقاربت نمي كند و قصد ضرر زدن به او را ندارد بلكه مصيبتي براي آنها وارد شده است، آيا با اين كار گناهكار است؟ فرمود: إذا تركها أربعة أشهر كان آثما بعد ذلك. «إلا ان يكون باذنها» هرگاه چهار ماه او را ترك نمايد، گناه كار مي‌شود مگر با اجازه خود زن. «2

3- گناه بي توجهي به همسر!

3- گناه بي توجهي به همسر! در كشورهاي عربي هنوز هم مرسوم است، گروهي از مردان براي خود حرمسرا
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 201
تشكيل داده و حد اقل چهار زن دائمي براي خود، مي آورند، اگر در اين ميان مرد به يكي از آنها بي توجهي كند و آن خانم به معصيت بيفتد، حكمش چيست؟!
1- از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) فرمود: من جمع من النساء ما لا ينكح فزني منهنّ شئ فالإثم عليه. هركس زناني گرد آورد و با آنها عمل جنسي انجام ندهد و يكي از آنها زنا كند، پس گناهش بر (گردن) اوست. «1»
2- زيد بن علي، از پدرش از جدش از علي عليه السلام فرمود: عذاب القبر يكون من النميمة والبول و عزب الرجل عن أهله. عذاب قبر از سخن چيني و (ايستاده) بول كردن و از دوري جستن مرد از زنش، مي‌باشد. «2

4- خطرنزديكي باشكم پُر!

4- خطرنزديكي باشكم پُر! 1- محمد بن علي بن حسين گفت: امام صادق عليه السلام فرمود: ثلاثة يهدمن البدن و ربما قتلن: دخول الحمام علي البطنة، و الغشيان علي الإمتلاء، و نكاح العجائز. سه چيز بدن را به ويراني (وتباهي و نابودي) مي‌كشد و اي بسا مي‌كُشد،
1- با شكم پر حمام كردن،
2- با شكم پر نزديكي كردن،
3- ازدواج با زن پير. «3»
2- أحمد بن أبي عبد اللَّه البرقي در (المحاسن) گفت: از ابي عبد اللَّه عليه السلام روايت شده است فرمود: ثلاثة يهزلن البدن و ربما قتلن دخول الحمام علي البطنة، و الغشيان علي الإمتلاء، ونكاح العجائز. سه چيز بدن را لاغر (وناتوان) مي‌كند و اي بسا به كام مرگ مي‌برد الف- با شكم پر حمام كردن، ب- با شكم پر نزديكي كردن، ج- و ازدواج با زنان پير. «4»
3- از أبي عبد اللَّه عليه السلام روايت شده است: ثلاث يهدمن البدن و ربما قتلن: أكل القديد الغاب، ودخول الحمام علي البطنة، ونكاح العجائز.
و زاد فيه أبو إسحاق النهاوندي، و غشيان النساء علي الامتلاء. سه چيز بدن را از بين
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 202
مي‌برد و اي بسا نابود مي‌كند، خوردن گوشت بوگرفته و مانده، با شكم پر به حمام رفتن، و با زن پير ازدواج نمودن (ابو اسحاق نهاوندي اضافه كرده است) و مقاربت با زنان باشكم پر. «1

5- بهانه گيري براي عدم تمكين

اربت با زنان باشكم پر. «1»

5- بهانه گيري براي عدم تمكين بعضي وقت‌ها بانوان در اثر بي ميلي به شوهر و يا خشكه مقدسي، خواندن نماز را بهانه قرار داده و طول مي‌دهند، و يا وقت گذراني مي‌كنند تا از مقاربت شوهر ممانعت به عمل آورند، در اين صورت است كه به سبب اين كار و نارضايتي زوج، مورد مذمت و توبيخ قرار مي‌گيرند.

1- أبي بصير: از أبي جعفر عليه السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم للنساء: لا تطولنّ صلاتكنّ لتمنعن أزواجكنّ. به زنهافرمود: نماز را طول ندهيد تا از (نزديكي) شوهرانتان ممانعت به عمل آوريد. «2»

2- از ضريس الكناسي، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: انّ امرأة أتت رسول اللَّه (صلي اللَّه عليه وآله) لبعض الحاجة فقال لها: لعلك من المسوفات، قالت: و ما المسوفات يا رسول اللَّه؟ قال: المرأة التي يدعوها زوجها لبعض الحاجة فلا تزال تسوفه حتي ينعس زوجها فينام فتلك التي لا تزال الملائكة تلعنها حتي يستيقظ زوجها. همانا زني پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم براي بعضي حاجتش آمد، به آن زن فرمود: شايد تو از «مسوفاتي» عرض كرد مسوفات چيست اي رسول خدا، فرمود: زني كه شوهرش او را به بعض كار (آميزش جنسي و غير آن) بخواند و او هي بگويد حالا حالا (و به پشت گوش بيندازد) تا مرد را خواب ببرد (و نيازش برطرف نشود) پس او زنيست كه مدام فرشتگان او را لعن مي كنند تا شوهرش از خواب بيدار شود!. «3

6- كراهت حرف زدن هنگام مقاربت!

6- كراهت حرف زدن هنگام مقاربت! علت و حكمت خيلي چيزهابيان نشده و از آن بي خبريم، از جمله آنها حرف زدن زياد هنگام همبستري است كه در بعض روايات مطرح شده است، اگر اسناد آن روايت‌ها مخدوش نباشد و در آن حال نطفه منعقد گردد، ممكن است در اثر فعل و انفعالات فيزيكي، روي جنين اثر بگذارد ولي در اين زمان ها كه با وسايل گوناگون از انعقاد نطفه جلوگيري مي‌كنند و بطور يقين بچه دار نخواهند شد، اين كراهت هم منتفي است و جاي نگراني نيست، بلي اگر جلوگيري ننمايند بايد جانب احتياط را رعايت كنند.

در اين مورد به احاديث ذيل توجه فرماييد.

1- عبد اللَّه بن سنان گفت: أبو عبد اللَّه عليه السلام فرمود: اتّقوا الكلام عند ملتقي الختانين فانّه يورث الخرس. بپرهيزيد از حرف زدن موقع نزديكي با زن چون باعث لالي (بچه) مي شود!. «1»

2- حسين بن زيد: از امام صادق: از پدرانش عليهم السلام- در حديث المناهي- فرمود:

نهي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم أن يكثر الكلام عند المجامعة، و قال يكون منه خرس الولد. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم نهي نمود از زياد حرف زدن موقع مقاربت و فرمود: از آن كار بچه لال مي شود. «2»

3- و باسندش از أبي سعيد خدري در وصيت نبي صلي الله عليه و آله و سلم به علي عليه السلام فرمود: يا علي لا تتكلّم عند الجماع فانّه إن قضي بينكما ولد لا يؤمن أن يكون اخرس. اي علي هنگام جماع حرف نزن كه اگر (از آن نطفه) بچه دار شويد: از لال بودن (بچه) در امان نيستيد!. «3» 4- شيخ صدوق در خصال باسندش از علي عليه السلام- در حديث الأربعمائة- فرمود إذا

أتي أحدكم زوجته فليقلّ الكلام فانّ الكلام عند ذلك يورث الخرس، لا ينظرن أحدكم إلي باطن فرج امرأته فلعله يري ما يكره و يورث العمي. هر وقت يكي از شما به نزد خانمش رفت (كه همبستر شود): كم حرف زند زيرا در آن هنگام حرف زدن سبب لالي (بچه) مي‌شود: به باطن اندام جنسي‌خانم نگاه نكند: اي بسا آنچه را كه دوست ندارد: مي بيند و سبب نابينائي مي گردد. «1»

7- نزديكي در حال خضاب

7- نزديكي در حال خضاب مردي كه سر و ريش خود را خضاب مي‌كند، مكروه است با عيال خويش مقاربت نمايد چون در اين صورت اگر بچه‌اي از آن مقاربت متولد شود، هم مورد آزار و اذيت جنيان قرار مي‌گيرد و هم خود فروش ببار آيد! ولي اگر با بستن لوله و غيره از به وجود آمدن بچه جلوگيري شود جاي نگراني نيست.
1- مسمع بن عبد الملك گفت: شنيدم أبا عبد اللَّه عليه السلام مي‌فرمود: لا يجامع المختضب قلت: جعلت فداك لم لا يجامع المختضب؟ قال: لأنّه محتضر. مرد خضاب دار (و حناگذار با همسرش) نزديكي نكند!، گفتم: فدايت شوم چرا؟ فرمود: چون او در خطر آفت (جنيان و پريان) است. «2» 2- أبان از مسمع بن عبد الملك گفت: شنيدم أبا عبد اللَّه عليه السلام مي‌فرمود: لا يجامع المختضب، قلت: لا يجامع المختضب؟! فقال: لا. خضاب دار (بازن خود) نزديكي نكند!، (با تعجب) پرسيدم: خضاب كننده جماع نكند؟! فرمود: نه. «3» 3- إسماعيل بن أبي زينب از أبي عبد اللَّه عليه السلام آن حضرت به مردي از دوستانش فرمود: لا تجامع أهلك وأنت مختضب فإنّك انْ رُزِقْتَ ولداً كان مخنّثاً. هنگام خضاب گذاشتن، با همسرت نزديكي نكن زيرا اگر بچه‌اي به وجود آيد خود فروش (و لواط

دهنده) مي شود. «1» 4- در ضمن حديثي فرمود: .. ولكن لا يجامع الرجل مختضباً، ولا تجامع امرأة مختضبة ولكن مرد و زن در حال خضاب با همديگر، جماع ننمايند. «2»

8- مقاربت در حضور بچه

8- مقاربت در حضور بچه نگاه بچه اگر چه خيلي كوچك هم باشد، نافذ و هرچه را ببيند در لوح دل و زواياي مغزش متمركز و ثبت مي‌نمايد كه بعدها، پس از بزرگ شدن، در زندگي و اخلاقيات او اثر گذار و تأثير مهمي خواهد داشت، بدين جهت در دستورات اسلام اكيداً براي پرهيز از رفتارهاي جنسي و آميزشي در برابر چشمان بچه، روايات متعدد، وارد شده است.
1- ابن راشد از پدرش گفت: شنيدم أبا عبد اللَّه عليه السلام مي‌فرمود: لا يجامع الرجل امرأته و لا جاريته و في البيت صبيّ فانّ ذلك مما يورث الزنا. مرد در حالي كه بچه‌اي در خانه باشد با زن و كنيز خود نزديكي نكند چون اين عمل باعث زنا كاري (آن بچه در آينده) مي‌شود. «3» 2- حسين بن زيد: از پدرش: از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود والذي نفسي بيده لو انّ رجلًا غشي امرأته وفي البيت صبيّ مستقيظ يراهما ويسمع كلامهما ونفسهما ما أفلح ابداً ان كان غلاماً كان زانياً أو جارية كانت زانية، وكان علي بن الحسين عليهما السلام إذا أراد ان يغشي أهله أغلق الباب وأرخي السّتور وأخرج الخدم. سوگند به كسي كه جان من در دست (قدرت) اوست نجات نمي‌يابد مردي كه با همسرش نزديكي نمايد درحالي كه بچه‌اي بيدار باشد و آن دو را ببيند و سخن گفتن (و گفتارهاي عاشقانه) و نفس نفس زدنشان را بشنود، اگر پسر باشد زنا كننده و اگر
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 206
دختر باشد زنا دهنده شود، علي بن حسين (امام زين العابدين) عليهما السلام هر وقت اراده مقاربت با همسرداشت در را بسته و پرده‌ها را افكنده و خدمتكاران را (بابهانه‌اي) بيرون مي‌كرد. «1» 3- محمد بن علي بن حسين گفت: امام صادق عليه السلام فرمود: تعلّموا من الغراب ثلاث خصال: استتاره بالسفاد، و بكوره في طلب الرزق، و حذره. سه خصلت را از كلاغ ياد بگيريد، مجامعت پنهاني، و صبح خيزي در طلب رزق، و هوشياري را. «2» 4- سكوني گويد: انّ عليّاً عليه السلام مرّ علي بهيمة وفحل يسفدها علي ظهر الطريق فأعرض عنه بوجهه فقيل له: لم فعلت ذلك يا أمير المؤمنين؟ فقال: انّه لا ينبغي ان تصنعوا ما يصنعون و هو من المنكر، الّا أن تواروه حيث لا يراه رجل و لا امرأة. همانا علي عليه السلام به راهي گذر كرد كه دو حيوان (نر وماده با هم) جفت‌گيري مي‌كردند، (يا براي جفت گيري بهم رسانيده بودند) حضرت روي خود را گرداند، گفتند: اي امير مؤمنان چرا اين كار را كردي؟! فرمود: سزاوار نيست مانند آنها كاري انجام دهيد چون اين كار از منكرات است مگر اينكه در جائي

بپوشانيد كه مرد و زني آن را نبيند (تا سبب تحريك آنها گردد). «3» 5- سليمان بن جعفر الجعفري: از امام رضا: از پدرانش عليهما السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: تعلّموا من الغراب خصالا ثلاثا: استتاره بالسفاد، و بكوره في طلب الرزق، و حذره. سه خصلت را از كلاغ ياد بگيريد، مجامعت پنهاني، وصبح خيزي در طلب رزق، و هوشياري (و رعايت جانب احتياط را). «4» 6- حنان بن سدير: از پدرش گفت: شنيدم از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: لا يجامع الرجل امرأته ولا جاريته وفي البيت صبيّ، فانّ ذلك مما يورث الزنا. مرد در حالي كه بچه‌اي در خانه باشد با زن و كنيز خود نزديكي نكند چون اين عمل باعث زنا كاري (آن بچه در آينده) خواهد شد. «5» آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 207

7- جابر گويد: أبو جعفر عليه السلام فرمود: ايّاك و الجماع حيث يراك صبيّ يحسن أن يصف حالك قلت: يا ابن رسول اللَّه كراهة الشنعة؟ قال: لا فانّك ان رُزقت ولداً كان شهرة علماً في الفسق و الفجور. مبادا در مقابل بچه‌اي كه (چيز فهم است و) مي‌تواند احوالات تو را بيان نمايد، جماع نماييد گفتم: اي فرزند رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم كراهت بدي (وحرام) است؟! فرمود: نه بلكه اگر فرزندي به وجود آيد در فسق و فجور مشهور (و انگشت نما) مي‌گردد. «1» 8- أبي بصير: عن أبي عبد اللَّه عليه السلام آن حضرت فرمود: ايّاك ان تجامع أهلك وصبيّ ينظر اليك فانّ رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم كان يكره ذلك اشد كراهية. مبادا با عيالت نزديكي كني كه بچه‌اي به شما نگاه مي‌كند چون رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به شدت از اين كار كراهت داشت. «2» 9- در حديثي از پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم مي‌خوانيم كه فرمود: ايّاكم و ان يجامع الرجل امرئته و الصبي في المهد ينظر اليهما: مبادا در حالي كه كودكي در گهواره به شما مي‌نگرد آميزش جنسي كنيد!. «3»

9- در كشتي

9- در كشتي اگر در كشتي جاي خلوتي باشد كه آميزش جنسي امكان دارد، انجام اين عمل مكروه است زيرا پيامدش مشكلاتي دارد از قبيل غسل كردن و غيره اما اگر جاي مناسبي وجود ندارد، اساساً صحبتش خنده دار است عملش كه هيچ!!.

1- .... رسول خدا فرمود: ولا تجامع في السفينة، و در كشتي جماع نكن. «4»

10- مقاربت بعد از احتلام!

10- مقاربت بعد از احتلام! بعد از احتلام و پيش از غسل كردن، با عيال خود همبستر شدن مكروه است مگر اينكه: حد اقل ادرار نموده و خود را بشويد.
1- محمد بن الحسن گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: و يكره ان يغشي الرجل المرأة و قد احتلم حتي يغتسل من احتلامه الذي رأي فان فعل فخرج الولد مجنوناً فلا يلومنّ إلا نفسه. و مكروه است مرد بعد از احتلام و قبل از غسل كردن، با زن خود جماع نمايد، اگر اين كار را كرد و بچه ديوانه بيرون آيد، جز خود كسي را مذمت (و توبيخ) ننمايد. «1»
2- حماد بن عمرو از جعفربن محمد از پدرش از جدش از علي بن أبي طالب عليه السلام، در حديث طولاني كه وصيت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم را بيان مي‌كرد: فرمود: كره ... أن يأتي الرجل أهله وقد احتلم حتي يغتسل من الإحتلام، فان فعل ذلك و خرج الولد مجنوناً فلا يلومنّ إلّا نفسه. همانا رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم كراهت داشت بعد از محتلم شدن و (قبل از غسل كردن) بازن خود نزديكي نمايد اگر (كسي) اين كار را كرد و بچه ديوانه به وجود آمد، كسي را غير از خود ملامت نكند. «2»

11- نزديكي با انگشتر آيه دار

11- نزديكي با انگشتر آيه دار اگر هنگام جماع يا توالت رفتن، قرآن يا انگشتر آيه دار و اسماء متبركه همراه باشد:
درصورتي كه كم احترامي به آنها نباشد و در دست راست باشد مكروه است و گرنه جايز نيست.
1- علي بن جعفر در كتابش از برادرش موسي بن جعفر عليه السلام گفت:
سألته عن الرجل يجامع أو يدخل الكنيف و عليه خاتم فيه ذكراللَّه أو شئ من القرآن أيصلح ذلك؟ قال لا. از
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 209
برادرم پرسيدم از مردي كه با انگشتر آيه دار و يا نامي از خدا در آن باشد، (بازن خود) جماع نمايد و يا به توالت برود آيا مصلحت (و جايز) است؟!
فرمود: نه. «1»

12- هنگام زرد شدن و طلوع آفتاب

12- هنگام زرد شدن و طلوع آفتاب عبيد اللَّه بن علي الحلبي، از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: انّي لأكره الجنابة حين تصفرّ الشمس و حين تطلع و هي صفراء. من كراهت دارم هنگام زرد شدن و موقع طلوع آفتاب در حال زردي آن، جنب شوم. «2»

13- بازن باردار

13- بازن باردار مقاربت در ايام بار داري بانوان را، مكروه دانسته‌اند مگر اين كه مرد با وضو باشد و مراقب حال جنين باشد كه صدمه‌اي به او نرسد!.
امام رضا از پدرانش عليهم السلام فرمود: پيامبر صلّي اللَّه عليه وآله نهي فرمود: از وطي الحبالي حتي يضعن. نزديكي زن باردار تا وضع حمل نمايد (مكروه است). «3»

14- مقاربت در جاي نبود آب!

14- مقاربت در جاي نبود آب! إسحاق بن عمار گويد: از أبا عبد اللَّه (عليه السلام) سؤال نمودم از حكم مردي كه با عيالش، در مسافرتي است كه آب پيدا نمي‌شود آيا مي تواند با عيالش عمل جنسي انجام دهد؟ فرمود: دوست ندارم اين كار را بكند مگر اينكه براي خودش بترسد قلت:
فيطلب بذلك اللذة أو يكون شبقا إلي النساء، فقال: ان الشبق يخاف علي نفسه، قال: قلت:
طلب بذلك اللذة، قال: هو حلال، قلت: فانه يروي عن النبي صلي الله عليه و آله و سلم أن أبا ذر سأله عن هذا
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 210
فقال: ائت أهلك تؤجر، فقال: يا رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم آتيهم واوجر؟ فقال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم: كما انك إذا أتيت الحرام ازرت، وكذلك إذا أتيت الحلال اجرت، فقال أبو عبد اللَّه عليه السلام: ألا تري أنه إذا خاف علي نفسه فأتي الحلال اجر؟ گفتم با اين لذت مي‌خواهد يا هوس سخت به عمل جنسي با زنان دارد؟! فرمود: اين به خودش هم ترس (از ضرر) دارد، گفتم: با اين حال لذت مي‌جويد؟، فرمود: حلال است، گفتم: از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم روايت شده است اباذر از اين مسئله سؤال نمود: فرمود: برو پيش عيالت ثواب دارد!، عرض كرد: مقاربت نمايم و اجر هم دارد؟!، فرمود: آن‌گونه كه اگر به حرام بيفتي گناه دارد همان گونه به حلال اقدام نمائي، ثواب دارد، پس ابوعبداللَّه عليه السلام فرمود: آيا نمي‌بيني هرگاه به خودش بترسد و به حلال رو آوَرَد، (ثواب دارد و) مأجور است. «1»

15- باغسل مس ميت

15- باغسل مس ميت اگر كسي غسل مس ميت دارد و بخواهد با عيال خود هم مقاربت نمايد تا دو غسل را يكي كند، از نظر شرع مانعي ندارد و فقط مكروه دانسته‌اند آن هم با گرفتن وضو بر طرف مي شود.
امام ضا عليه السلام فرمود: إذا أردت الجماع بعد غسلك الميت من قبل أن تغتسل من غسله فتوضأ ثم جامع. هرگاه خواستي بعد از شستن ميت و پيش از غسل مس ميت، جماع نمائي، پس وضو بگير و سپس نزديكي بنما. «2»

16- حكم عزل!

16- حكم عزل! لغت عزل: در فقه يعني ريختن «مَني» به بيرون وجلوگيري از انزال به اندام جنسي زن، آيا اين عمل از نظر شرع جايز است يا مكروه؟ مورد بحث است؛
براي هردونظر رواياتي داريم كه به بعضي از آنها اشاره مي‌نمائيم.
براي جواز.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 211
1- محمد بن مسلم گويد: از أبا عبد اللَّه (عليه السلام) از حكم «عزل» سؤال نمودم پس فرمود: ذاك إلي الرجل يصرفه حيث شاء. آن در اختيار مرد است هرجا خواست مصرف مي‌نمايد. «1» 2- عبد الرحمن بن أبي عبد اللَّه گويد: از أبا عبد اللَّه (عليه السلام) از حكم عزل پرسيدم؟
فرمود: ذاك إلي الرجل. اختيار آن براي مرد است. «2» 3- محمد بن مسلم، از أبي جعفر (عليه السلام) فرمود: لا بأس بالعزل عن المرأة الحرة ان أحب صاحبها وان كرهت ليس لها من الأمر شئ. عزل كردن از زن آزاد ترسي ندارد اگر صاحب نطفه دوست داشته باشد و اگر زن هم نخواهد، در اين كار براي او اختياري نيست. «3» 4- محمد بن مسلم گفت: به ابي جعفر (عليه السلام): گفتم: الرجل تكون تحته الحرة أيعزل عنها؟ قال: ذاك إليه ان شاء عزل وان شاء لم يعزل. مردي زن آزاد دارد: آيا مي‌تواند از او عزل نمايد؟ فرمود: آن حق اوست اگر خواست عزل مي‌كند و اگر خواست عزل نمي‌نمايد. «4» براي كراهت:
1- محمد بن مسلم، از يكي از صادقين (عليهما السلام)، از حكم عزل سؤال شد فرمود: امّا الأمة فلا بأس، فأما الحرّة فانّي اكره ذلك الَّا ان يشترط عليها حين يتزوجها. اما برده مانعي ندارد و اما زن آزاد، من خوش ندارم مگر اينكه هنگام ازدواج با او شرط كرده باشد. «5» 2- محمد بن مسلم، از أبي جعفر (عليه السلام) مانند پرسش قبل نمودند، و در پاسخ فرمود: الَّا أن ترضي أو يشترط ذلك عليها حين يتزوجها. مگر اينكه زن خود راضي شود يا موقع ازدواج با او شرط (عزل) نمايد. «6» 3- يعقوب جعفي گفت: شنيدم أبا الحسن (عليه السلام) مي‌فرمود: لا بأس بالعزل في ستة
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 212
وجوه: المرأة الّتي تيقّنت انّها لا تلد والمسنّة والمرأة السليطة والبذية، والمرأة التي لا ترضع ولدها، والأمة.
در شش مورد، مانعي بر عزل نيست، زني كه يقين باردار نمي‌شود، و زن سالخورده و زن سليطه و بد دهن، و زني كه فرزندش را شير ندهد و امه (زن برده). «1»

17- محرّمات جماع

17- محرّمات جماع احكام حرمت جماع در موارد گوناگون، در كتاب‌هاي مفصل فقهي مشروحاً بيان گرديده است كه در اين مختصر به آوردن همه آنها، نيازي نيست فقط به بعضي از آنها اشاره مي شود و از آوردن رواياتش هم، صرف نظر كرديم كه، طالبين به آن منابع مراجعه نمايند و در آخر اين كتاب نيز لازم است به روايت دستورات رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم مراجعه فرمائيد.
1- در روزهاي ماه مبارك رمضان از اذان صبح تا اذان مغرب؛
2- در لباس احرام، وقتي براي احرام عمرة يا حج، محرم شد، تا پايان اعمال، همبستري و مقاربت با زوجه حرام است؛
3- اگر براي حرام نمودن زنش، پشت او را به پشت مادرش تشبيه نمايد، اين را در قرآن به «ظهار» «2»
تعبير فرموده است در اين صورت زنش به او حرام است و چهار ماه فرصت دارد كفاره اين سوگندش كه كفاره ماه رمضان است، را بدهد تا زنش حلال شود و اگر نكند، زن به حاكم شرع شكايت مي كند و حاكم او را به پرداخت كفاره يا طلاق الزام مي كند چون زن نمي شود بلا تكليف بماند؛
اگر براي فرار از كفاره، بخواهد طلاق دهد و دوباره ازدواج كند، نمي تواند، زيرا در آن صورت بايد كفاره را بدهد تا بتواند دوباره ازدواج كند.
4- اگر براي حرام كردن زن براي خودش، قسم شرعي ياد كند كه ديگر با تو مقاربت
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 213
نخواهم كرد كه آن را «ايلاء» «1»
، ناميده است، حكم اين نيز عيناً حكم ظهار است؛
5 در روزهاي زايمان كه آن را «نفاس» گويند؛
6- روزهاي عادت ماهانه كه آن را «حيض» گويند؛
حمادبن عمرو از جعفر بن محمد، از پدر و جدش از علي بن أبي طالب‌در حديث طولاني كه در آن وصيت پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم را ذكر مي‌كرد و در آن مي‌گفت: إنّ رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم كره أن يغشي الرجل امرأته وهي حائض، فان فعل وخرج الولد مجذوماً أو به برص فلا يلومنّ إلّا نفسه، ... همانا رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم كراهت داشت كه مرد با زنش در حال حيض، نزديكي كند، پس اگر اين كار را كرد و بچه، جذامي بيرون آمد، (كسي را) ملامت نكند مگر خود را ..
«2»

فقهاء و مراجع: در اين روايت كراهت را درحال حيض به معناي حرام دانسته‌اند.

7- رو به قبله و پشت به قبله، دستشوئي كردن حرام است و شايسته است، براي حفظ حرمت كعبه هنگام همبستري نيز، رو به قبله نباشد كه مكروه است.

1- .... رسول خدا فرمود: ولا تجامع مستقبل القبلة ولا تستدبرها. و روبه قبله و پشت به قبله مقاربت منما؛ «3»

2- غياث بن إبراهيم: از أبي عبد اللَّه عليه السلام: انّه كره ان يجامع الرجل مقابل القبلة. همانا او دوست نداشت كسي رو به قبله جماع كند. «4»

3- ابي البختري از جعفر: از پدرش: از علي عليهما السلام: انّه كره ان يجامع الرجل مما يلي القبلة. همانا مكروه است كسي رو به قبله جماع نمايد. «5

18- مسائلي چند! 1
اصحاب و حاشيه نشينان: از امامان بزرگوار عليهم السلام راجع به مسائل (زنا شوئي) و كارهاي زير لحافي و رفتارهاي محرك زوجين، سؤال هائي نموده و بدون رو دربايستي: كنجكاوي كرده‌اند تا از احكام آنها سر درآورده و مطلع شوند،
زيرا كسي كه به عقايد مذهبي خود احترام قائل و پاي بند اوامر و نواهي آن است، بايد باپرس وجو از خواسته و نخواسته‌هاي آن با خبر گردند.
البته مي‌دانيم كه دانستن احكام اين مسائل كه، مورد ابتلاء و خواست دوران جواني است و از ما كه يك مبلّغ ديني هستيم، مردم كراراً اين مسائل را مي‌پرسند و دوست دارند از شرعيت آن، سر درآورند تا مورد مؤاخذه خداوند قرار نگيرند، بدينجهت براي آگاهي از حكم بعضي از آنها (با كمال شرمندگي و معذرت) مسائل آتي و رواياتش را مي‌آورم اميدوارم در ذكر اين احكام به اين حقير، خرده نگيريد كه بنا به مثل مشهور «در بيان شرع شرم نيست».
حالت فارغ شدن چند ثانيه بيش نيست: آنچه كه طرفين را آماده كامجويي كند، و آرامش دهد، مقدمات آن است: مانند شوخي و سخنان تحريك كننده و بازي‌هاي متنوع به گونه اي كه طرف مقابل هم براي فارغ شدن مهيا شده و خود را تخليه نمايد در غير اين صورت: زن و مرد سر خورده و نادم و ناراحت و عصبي و سر افكنده برخاسته و گرفتار پيامدهاي آن مانند عصبانيت و بيماري هاي روحي و جسمي و افسردگي و پژمردگي، خواهد بود؛
بدين سبب در دستورات ديني به اين قسمت زندگي اهميت زياد داده و سفارش هاي اكيد دارد!.
1- محمد بن علي بن حسين گفت: امام صادق عليه السلام فرمود: انّ أحدكم ليأتي أهله فتخرج من تحته، فلو أصابت زنجيّاً لتشبّثت به فإذا أتي أحدكم أهله فليكن بينهما مداعبة فانّه أطيب للأمر. همانا كساني از شما با عيال خود مقاربت مي كند (و زود فارغ شده و خود را خلاص مي‌نمايد ولي در آن حال اگر زن) از او جدا شود حتّي يك سياه
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 215
زنگي را هم ببيند به او در آويزد! (چون هنوز تخليه نشده و در حال ولع مي‌باشد)؛
پس وقتي كه مي خواهيد نزديكي كنيد در ميان شما بازي و شوخي باشد كه اين پسنديده ترين كار است. «1»

2- أبي بصير: از أبي عبد اللّه عليه السلام فرمود: ليس شيئ تحضره الملائكة إلا الرّهان و ملاعبة الرجل أهله. چيزي نيست كه فرشتگان در كنار آن حضور پيدا كنند، مگر دو چيز، در مسابقات و هنگام بازي مرد با هم سرش. «2»
دقت كنيد مقدمات كار با چه تعبير هائي مورد، تشويق قرار گرفته است!.
3- علي بن إسماعيل از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: ارموا واركبوا وان ترموا أحب إليّ من أن تركبوا، ثمّ قال: كلّ لهو المؤمن باطل إلا في ثلاث: في تأديبه الفرس، و رميه عن القوس، و ملاعبته امرأته فانّهنّ حق. (در مسابقات) تير اندازي كنيد و اسب سواري نمائيد ولي اگر تير اندازي كنيد از اسب دواني بيشتر دوست دارم! سپس فرمود: تمامي لهويات مؤمن باطل است (و خوشايند نيست) مگر در سه چيز: تمرين اسبش و تير اندازي و بازي مرد با عيال خود كه آنها همگي حق است (و مورد تأييد). «3»
4- أبي البختري از أبي عبد اللَّه عليه السلام: از پدرش عليه السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: ثلاثة من الجفا: أن يصحب الرجل الرجل فلا يسأله عن اسمه و كنيته، و أن يدعي الرجل إلي طعام فلا يجيب و ان يجيب فلا يأكل، و مواقعة الرجل أهله قبل الملاعبة. سه چيز از جفا است؛
الف- كسي باكسي هم سفر شود: اما از نام و فاميل او سؤال نكند!،
ب- مرد به طعام (و ميهماني) دعوت شود اما نپذيرد يا بپذيرد و چيزي نخورد؛
ج- نزديكي مرد با همسرش پيش از بازي (و آمادگي او). «4»
5- عبد اللَّه بن حسين بن زيد العلوي: از پدرش: از جعفر بن محمد: ازپدرانش عليهم السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إذا تجامع الرجل والمرأة فلا يتعرّيان فعل الحمارين فانّ الملائكة تخرج من بينهما إذا فعلا ذلك. زماني كه زن و مرد مقاربت مي كنند روباز و مانند الاغ‌ها كار انجام ندهند كه اگر اين گونه كنند: فرشتگان از ميان آنها بيرون روند

(و رخت بر مي بندند). «1»
2
مكمّل شماره 2- به طور كلي شتاب زدگي در هر كاري: پيامدهاي ناگوار و ندامت و پشيماني در پي خواهد داشت: در تصميم‌گيري‌ها و اقدام‌ها: نبايد عجله كرد چون فرموده‌اند العجلة من الشّيطان شتابزدگي از شيطان است؛ پس نبايد در كارها شتاب كرد و عجله نمود.
يكي از مصاديق بارز آن شتاب كردن و زود فارغ شدن هنگام هم بستري

است كه اخلاقاً پسنديده نيست و خواسته‌هاي دروني و نيازهاي جنسي طرفين، اشباع نخواهد شد بدين خاطرسفارش شده از مقاربت با همسر مانند پرندگان و حيوانات ديگر: بپرهيزند.
1- ابن القداح: از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إذا جامع أحدكم أهله فلا يأتيهنّ كما يأتي الطير ليمكث و ليلبث قال بعضهم: وليتلبث. وقتي كه يكي از شماها مي خواهد با اهلش نزديكي نمايد مانند پرنده (سريع و شتابان) نكند بلكه آرام و با تأنّي (و فراهم ساختن آمادگي روحي و جسمي همديگر) به پايان رساند. «2»
2- علي عليه السلام- در حديث الاربعمأة- فرمود: إذا أراد أحدكم أن يأتي زوجته فلا يعجّلها فإنّ للنساء حوائج (جوائح). هروقت خواستيد به اهل خود نزديك شويد زن را شتاب زده ننماييد زيرا آنها كار هاي (مقدماتي) دارند كه بايد انجام دهند (از قبيل رسيدن به خود و استعمال عطر و آرايش كردن و غيره). «3»
3- از مسمع: از أبي عبد اللَّه عليه السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: إذا أراد أحدكم أن يأتي أهله فلا يعجّلها. هروقت كسي خواست به اهلش نزديكي كند: زن را شتاب زده ننمايد. «4»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 217
3
نگاه كردن به اعضاي بدن همسر يكي از كارهاي محرك و مشوّق براي ارضاي غريزه جنسي است در اين صورت سؤالي پيش مي‌آيد كه آيا براي اين نگاه كردن حد و مرزي وجود دارد يا خير؟! به روايات ذيل دقت نماييد.
1- إسحاق بن عمار: از أبي عبد اللَّه عليه السلام في الرجل ينظر إلي امرأته وهي عريانة، قال: لا بأس بذلك، وهل اللّذّة إلّا ذلك؟!. در باره مردي كه به زن خود در حال لخت و عريان نگاه كند سؤال نمود؟! فرمود: عيب ندارد آيا لذّت جز اين است؟!. «1»
2- أبي حمزة گفت: از أبا عبد اللَّه عليه السلام سؤال كردم أينظر الرجل إلي فرج امرأته وهو يجامعها؟ قال: لا بأس. آيا مرد در حال مقاربت: مي تواند به اندام جنسي زن خود نگاه كند؟! فرمود: مانعي ندارد. «2»
3- محمد بن علي بن حسين گفت: امام صادق عليه السلام فرمود:
الخيرات الحسان من نساء أهل الدنيا و هنّ أجمل من الحور العين، ولا بأس أن ينظر الرجل إلي امرأته وهي عريانة. زنان بابركت و زيباي اهل دنيا: بهتر از حورعين (بهشت) است و عيبي ندارد كه مرد به زن لخت خود، نگاه كند. «3»
4
بعضي از كارها ممكن است ابتدائاً و در بدو نظر چيزي به نظر نيايد اما با مرور زمان اثرات خود را ظاهر نمايد: مانند تأثير ازدواج فاميلي در بچه ها

و خوردن ميوه‌هاي خوشگل در زيبائي اولاد و اثر ناگوار جرو بحث‌هاي والدين، در جنين و روحيات فرزند و غيره؛
يكي از اين موارد، نگاه مرد به پايين تنه همسر است: درست است كه از جهت حكم حرام نيست و به ظاهر هم چيزي به نظرنمي آيد اما اگر از نطفه آن لحظه بچه منعقد

شود، شايد در بعضي‌ها با گذشت زمان عوارض جانبي و اثرات خود را در روي جنين بگذارد و سبب نابينائي وكوري بچه شود، و همچنين حرف زدن زياد حين عمل جنسي (اگر از آن نطفه بچه منعقد شود) احتمالًا سبب لالي فرزند شود مگر از موانع بچه دار شدن استفاده نكرده باشد، مانند بستن لوله رحِم وخوردن قرصهاي ضد بارداري و غيره كه در اين صورت ها كراهتش منتفي است، به روايات ذيل و مطلب بعد از آن دقت بفرمائيد.
1- سماعة گفت: (از اباعبداللَّه عليه السلام) سؤال كردم مردي، ينظر في فرج المرأة وهو يجامعها؟ قال: لا بأس به إلا أنه يورث العمي (في الولد). مرد در حال مقاربت به عورت همسرش نگاه كند؟! فرمود: ترسي نيست (عيب ندارد) مگر اين كه سبب كوري در فرزند مي شود. «1»
2- باسند خود از أبي سعيد خدري- در وصيت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به علي عليه السلام فرمود: ولا ينظر أحد إلي فرج امرأته، وليغضّ بصره عند الجماع فانّ النظر إلي الفرج يورث العمي في الولد. كسي در حال نزديكي به پايين تنه همسرش نگاه نكند و چشمش را بپوشاند زيرا (در آن حال) نگاه بر عورت زن: سبب نابينائي در فرزند مي شود. «2»
3- عبد اللَّه بن حسين بن زيد بن علي بن أبي طالب: از پدرش: از امام صادق عليه السلام از پدرانش عليهم السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم- در حديثي- فرمود: وكره النظر إلي فروج النساء، و قال: إنّه يورث العمي، وكره الكلام عند الجماع. و قال: إنّه يورث الخرس، وكره المجامعة تحت السماء. مكروه است نظر به اندام‌هاي جنسي زنان چون سبب كوري (بچه) مي شود: و سخن گفتن در حال همبستري سبب لالي مي شود! و مقاربت در زير آسمان (و در فضاي باز) را خوش نداشت!. «3»
4- جعفر بن محمد: از پدرانش عليهم السلام- در وصيت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به علي عليه السلام- فرمود: يا علي كره اللَّه لأمّتي العبث في الصلاة والمنّ في الصدقة، وإتيان المساجد جنباً،

والضحك بين القبور، والتطلع في الدور، والنظر إلي فروج النساء لأنّه يورث العمي، وكره الكلام عند الجماع لأنّه يورث الخرس. اي علي خداوند به امت

من چند چيز را دوست ندارد: بازي در نماز ومنّت در صدقه دادن و جنب به مسجد آمدن و ميان قبرها خنديدن و كنجكاوي خانه ها و نگاه نمودن به اندامهاي جنسي بانوان: زيرا سبب كوري (بچه) شود و موقع نزديكي با همسر، حرف زدن را دوست نداشت كه سبب لالي فرزند) مي‌گردد!. «1»
5- أبي البختري: از جعفر: از پدرش: از علي عليهم السلام وابن عباس هردو گفتند: النظر إلي الفرج عند الجماع يورث العمي. نگاه به پايين تنه زن هنگام مقاربت، سبب كوري (بچه) مي‌شود!. «2»
5
ممكن است بعضي‌ها در اثر ناتواني جسمي و پيري و يا به علت بيماريها و خوردن داروهاي گوناگون، و عوامل ديگر، به ناتواني جنسي گرفتار آيد و نتواند از طريق معمول همسر خود را ارضاء نمايد، آيا شرعاً مي‌تواند براي ارضاء همسرش، با راه‌هاي ديگر اقدام كند يانه؟!.
1- عبيد بن زرارة گويد: كان لنا جار شيخ له جارية فارهة قد أعطي بها ثلاثين ألف درهم، و كان لا يبلغ منها ما يريد و كانت تقول: اجعل يدك كذا بين شُفْرَّيَ فإنّي أجد لذلك لذّةً، و كان يكره أن يفعل ذلك فقال لزرارة: سل أبا عبد اللّٰه عليه السلام عن هذا؟ فسأله فقال: لا بأس أن يستعين بكلّ شئ من جسده عليها، ولكن لا يستعين بغير جسده عليها. ما همسايه اي پير (و بي حالي) داشتيم: كنيز سرحال (وزيبائي) داشت كه به سي هزار درهم خريده بود ولي نمي توانست با او مقاربت نمايد و كنيز هم به او مي گفت: (اقلّا) دستانت را ميان اندام من قرار ده (يعني با پائين تنه من بازي كن) من لذّت ببرم (و خود را آرام نمايم!) آن مرد (به گمان اينكه اين رفتار شرعاً اشكال دارد) از اين كار كراهت داشت: به زرارة گفت، از امام صادق عليه السلام از حكم اين كار بپرسد او هم سؤال كرد (حضرت) فرمود: با هر شرايط از بدن خود با آن (كنيز) بازي كند: عيب ندارد و

لكن با (لوازم ووسايل ديگر) خارج از بدن خود انجام ندهد. «1»
2- عبيد بن زرارة گفت: قلت لأبي عبد اللّٰه عليه السلام: الرجل يكون عنده جوار فلا يقدر علي أن يطأهن يعمل لهنّ شيئا يُلذّذهنّ به قال: أما ما كان من جسده فلا بأس به. به ابي عبداللّٰه عليه السلام عرض كردم: مردي كنيزان زيادي دارد و نمي تواند با آنها نزديكي كند و (آن ها را ارضاء نمايد) ولي كارهائي مي كند كه از آن‌ها لذّت مي برند؟! فرمود: اگر با اعضاي بدن خود باشد: عيب ندارد. «2»
6
بعضي‌ها مايلند از اندام جنسي دوم بانوان استفاده كنند!! آيا جايز است يانه؟!
در اين باره روايات دوگونه آمده است، گروه زيادي آن را تجويز نموده و

حتي در كتاب جواهرالكلام: ج 29 ص 103 ادعاي اجماع كرده است؛
و عده‌اي هم تحريم نموده‌اند و دسته‌اي نيز براي حل روايات زياد، جايز دانسته اند اما با كراهت شديد!!، بنا براين براي روشن شدن مطلب چند نمونه از روايات متقابل را مي آوريم و حكم مسئله را به فتواي مرجع تقليد هركس، واگذار مي نماييم.
نمونه هائي از روايات دسته اول:
1- در روايت صحيح صفوان آمده است به امام رضا عليه السلام گفت: مردي از دوستانت مرا امر كرد مسئله‌اي را از شما سؤال نمايم كه خودش از هيبت شما حيا كرد بپرسد، فرمود: آن چيست؟! گفتم: مردي از پشت با عيالش مقاربت نموده است!! فرمود:
اين (حق) براي اوست، گفتم: شما خود اين كار را مي كني؟!! فرمود: ما اين كار را نمي‌كنيم. «3»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 221
2- ابن يعفور گويد: از امام صادق عليه السلام سؤال كردم از (حكم) مردي كه از پشت همسرش نزديكي كرده! فرمود: آن، يكي از دو محل مجاز مقاربت است. «1»
ابن أبي يعفور گويد: ازأبا عبد اللَّه (عليه السلام) از حكم مردي از اندام جنسي دوم سؤال نمود؟! فرمود: لا بأس به. عيب ندارد. «2»
3- يونس بن عمار گويد: به ابي عبد اللَّه يا ابي الحسن (عليهما السلام) گفتم: انّي ربما أتيت الجارية من خلفها- يعني دبرها- ونذرت فجعلت علي نفسي إن عدت إلي امرأة هكذا فعليّ صدقة درهم وقد ثقل ذلك علي قال: ليس عليك شئ و ذلك لك. من بعضي وقت‌ها با كنيزم- از پشت مقاربت مي‌نمايم- ونذر كرده‌ام اگر اين كار را تكرار كنم، يك درهم صدقه دهم و اين برايم سنگيني مي‌كند؟ فرمود: چيزي برايت نيست و اين براي توست. «3»
4- از ابن أبي يعفور نقل شده او گفت: از أبا عبد اللَّه عليه السلام از حكم مقاربت از عقب زنان سؤال نمودم فرمود: لا بأس به، ثم تلا هذه الآية (نساؤكم حرث لكم فأتوا حرثكم أني شئتم) قال: حيث شاء. عيب ندارد و اين آيه را تلاوت نمود، «زنان شما محل بذر افشاني شماهستند پس هر زمان كه خواستيد، مي‌توانيد با آنها آميزش كنيد» فرمود:
هرطور خواست. «4»
نمونه هائي از روايات دسته دوم:
1- سدير گويد: امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: دُبُرْ (يعني اندام جنسي دوم) زنها براي امت من حرام است؛ و در خبر ديگر فرمود: دبر زنان امّت
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 222

من به مردان امّتم حرام است. «1»
2- ابان از امام صادق عليه السلام سؤال كردم از (حكم) مقاربت زنان از پشت؟ فرمود: او وسيله بازي توست، اذيّتش نكن. «2»
3- علي بن إبراهيم در (تفسيرش): امام صادق (عليه السلام) در تفسير آيه: «فأتوا حرثكم أنّي شئتم» فرمود: أي متي شئتم في الفرج والدليل علي قوله في الفرج قوله تعالي: «نساؤكم حرث لكم» فالحرث الزرع في الفرج في موضع الولد. يعني هروقت خواستيد از جلو و دليل براينكه منظور آيه قسمت جلو است، فرمايش خداي تعالي «نسائكم حرث لكم» است زيرا كشت و زرع در فرج در محل فرزند است. «3»
4- زيد بن ثابت گويد: مردي از أمير مؤمنان (عليه السلام) سؤال نمود: أتؤتي النساء في أدبارهن؟ فقال: سفلت سفل اللّٰه بك أما سمعت يقول اللّٰه: «أتأتون الفاحشة ما سبقكم بها من أحد من العالمين». «4»
آيا مقاربت زنان از عقب جايز است؟ فرمود: خودت
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 223
را پست كردي خداوند ترا پست نمايد، آيا نشنيده‌اي خدا مي‌فرمايد: «آيا كار بدي را مي‌آوريد كه پيش از شما كسي از عالميان، آن را نياورده است».
با توجه به اين روايات، فتواها هم بر دوگونه صادر شده است.
راه حل: براي حل اين مسئله مي توان اينگونه نظر داد، اگر زن خود به اين كار رضايت دهد جايز و در صورت ممانعت و عدم رضايت جايز نمي شود زيرا اين موضع دوم مانند موضع اول نيست اگر زن رضايت هم ندهد، او را به نزديكي از جلو مي شود مجبور نمود اما از پشت اجبار جايزنيست چنانكه در روايتي.
ابي يعفور گويد: از امام صادق عليه السلام سؤال كردم مردي با همسرش از پشت (آميزش جنسي دارد) و مقاربت نموده، فرمود: اگر خود زن راضي باشد مانعي ندارد .... «1»
اكيداً توصيه مي شود در اين گونه موارد، هركس به فتواي مرجع تقليد خود رجوع نمايد و به آن عمل كند.
7
آميزش جنسي انسان‌ها (زن و مرد) به چند شكل صورت مي گيرد؛
1- مرد بامرد (لواط يا همجنس بازي)!؛
2- زن با زن (مساحقه)!!.
3- مرد با زن مشروع و با ازدواج خود.
4- بدون ازدواج ونا مشروع).
5- بصورت جلق (يا استمناء).
6- انسان با حيوان.

تمامي صورت‌هاي فوق بجز ازدواج مشروع، حرام و از نظر شرايع آسماني مردود و ناپسند و برخلاف مسير درست مي باشد!!.
علاوه بر نادرست بودن آنها براي جلوگيري و مهار نمودن آنها، مجازات‌هاي سنگين و كيفرهاي سخت تعيين گرديده است؛
صورت اول: اگر عاملين آن تا رسيدن به محاكم قضائي، توبة نكنند، بايد با يكي از راههاي ذيل، اعدام و نابود شوند؛
الف: با آتش سوزانده شوند.
ب: سنگسار شوند؛

ج: دست و پايشان را ببندند و از مكان مرتفع رها سازند تا تكه تكه شوند؛
د: به دار آويخته و نابود گردند؛
صورت دوم: اگر زن شوهردار با زن شوهردار، مرتكب اين اعمال شوند، بي چون و چرا سنگسار و اعدام يا سوزانده خواهند شد،
اگر دو زن يا دختر بي شوهر اين عمل را انجام دهند، در مرحله نخست، براي هر يك در ملأ عام يكصد تازيانه مي زنند همچنين در مرتبه دوم و سوم، اگر توبه نكردند در مرتبه سوم اعدام مي شوند و اگر يكي از آنها با شوهر و ديگري بي شوهر باشند، شوهردار درمرحله اول و بي شوهر در مرحله سوم نابود مي گردند.
صورت سوم: اگر با ازدواج مشروع باشد (موقت يا دائم) كه مورد پسند خداوند و براي اين گونه آميزش تشويق زياد و ثواب بيشتر معين شده است،
صورت چهارم: اگر نوع نامشروع و زنا باشد، حكم آن هم مانند مساحقه مي باشد، مرد زن دار با زن شوهر دار زنا نمايند، سنگسار و اعدام، مرد بي زن با زن بي شوهر در مرتبه سوم يا چهارم اعدام و اگر يكي بي زن و ديگري شوهردار يا برعكس باشد حكمش در مساحقه بيان گرديد.
صورت پنجم: براي عاملين و مرتكبين اين عمل هم با صلاحديد حاكم شرع تازيانه تعيين گرديده است «1»
صورت ششم: اگر با حيوان حلال گوشت باشد علاوه بر اينكه بايد قيمت آن را به صاحب مال پرداخت نمايد، بايد آن حيوان سربريده و سوزانده شود، و اگر با حيوان حرام گوشت باشد، آن حيوان نفي بلد مي شود يعني بايد به محل ديگر برده و بفروش برسانند، و براي عامل اين عمل هم، مجازات‌هاي سنگين، پيش بيني شده و تعيين گرديده است. و بايد توجه داشت كه احكام مربوط به اين اعمال در كتاب‌هاي فقهي مشروحاً بيان گرديده و فتاوا هم متفاوت است، براي اطلاع بيشتر به آن منابع مراجعه شود فقط در ميان صورتهاي فوق در مورد «مساحقه» كه با

موضوع كتاب ارتباط دارد، به چند روايت توجه نماييد.
1- يعقوبن جعفرگويد: مردي از امام صادق عليه السلام يا امام موسي كاظم عليه السلام سؤال نمود از حكم زني كه با زن ديگر «مساحقه» نمايد!! حضرت تكيه داده بود (با شنيدن اين سؤال با عصبانيت) نشست و فرمود: ملعونة ملعونة الرّاكبة و المركوبة ملعونة حتّي تخرج من اثوابها، فانّ اللَّه و ملائكته و أوليائه يلعنونها أنا ومن بقي في أصلاب الرّجال و أرحام النّساء، فهو واللَّه الزّنا الأكبر، ولا واللَّه مالهنّ توبة قاتلاللَّه الأقيس بنت ابليس ماذا جائت به، فقال الرّجل هذا ما جاء به أهل العراق، فقال و اللَّه لقد كان في عهد رسول اللَّه قبل أن يكون العراق. از رحمت خدا دوراست از رحمت خدا دور است سوارشونده و سوار شده تا از رختخوابش بيرون آيد، همانا خدا و فرشتگان و دوستانش او را لعنت مي‌كنند من و هركس در صلب‌هاي مردان و رحم‌هاي زنان باقي مانده است پس به خدا سوگند آن «مساحقه» زناي بزرگ است!، نه به خدا سوگند براي آنها، توبه نيست! لعنت خدا براقيس دختر شيطان، چه آورد او، يعني بنيان گذار مساحقه دختر ابليس بود؛
مرد گفت: اين كار را عراقي‌ها آورد!، فرمود: به خدا قسم در زمان رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم هم بود كه عراقي وجود نداشت. «1»
البته اگر پيش از رسيدن به محاكم قضائي، توبه نمايند، حد ساقط مي شود و توبه شان نيز قبول مي گردد و گرنه بايد حد جاري شود.
2- و فيهنّ قال رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم لعن اللَّه المتشبّهينمن الرّجال بالنّساء و المتشبّهات من النّساء بالرّجال و هم المخنّثون واللّاتي ينكحن بعضهنّ بعضاً. در باره اين‌زنها، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: خدا لعنت كند به مرداني كه خود را تشبيه كننده به زنان و تشبيه كنندگان زن خود را بر مردان، آن مردانند لواط دهنده و آن زنانند كه بعضي بعضي را، نكاح مي‌كنند. «2»
3- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: السّحق في النّساء بمنزلة اللّواط في الرّجال فمن فعل ذلك شيئاً فاقتلوهما ثمّ اقتلوهما. به همديگر ماليدن در زنان مانند لواط در مردان است،

هركس اين را كرد، هردوي آنان را بكشيد (و بدون گذشت) بكشيد. «1»
4- محمد بن ابي حمزة و هشام و حفص همگي از امام صادق عليه السلام زناني بر او داخل شدند و از آن حضرت از (حكم) «سحق» سؤال نمودند؟! فرمود: حدّها حدّالزّاني فقالت المرأة ماذكر ذلك في القرآن! فقال بلي، قال فأين هو؟ قال هنّ أصحاب الرّسّ. حدّ آن حدّ زناكننده است، زن گفت: اين در قرآن ذكر نشده است؟! فرمود:
بلي (آمده است) گفت: در كجاي (قرآن) فرمود: آنها اصحاب رسّ است.

«2»
5- سيف تمّار از امام صادق عليه السلام در حديثي فرمود: أُ تي أميرالمؤمنين عليه السلام بأمرأتين وجدتا في لحاف واحد و قامت عليهما البيّنة انّهما كانتا تتساحقان فدعا بالنّطع ثمّ أحرقتا بالنّار!. دو زن را پيش اميرمؤمنان عليه السلام آوردند كه در زير يك لحاف بودند و شاهد هم اقامه شد بر اينكه آنها، مساحقه مي‌كردند، پوست (زير انداز) خواست و سپس هردو با آتش سوزانده شدند. «3»
6- در خبرالمناهي- فرمود: نهي النبي صلي الله عليه و آله و سلم أن يباشر المرءة المرأة ليس بينهماثوب.
پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم نهي نمود زن به زن مباشرت كند كه ميانشا پرده‌اي نباشد. «4»
7- ابي هاشم، از أبي خديجة، از بعض صادقين عليهما السلام فرمود: ليس لامرأتين أن تبيتا في لحاف واحد إلا أن يكون بينهما حاجز، فان فعلتا نهيتا عن ذلك، فان وجدتا مع النهي جلدت كل واحدة منهما حدا، فان وجدتا أيضا في لحاف جلدتا، فان وجدتا الثالثة قتلتا. نبايد دو زن زير يك لحاف بخوابد، مگر اينكه ميان آنها پرده اي باشد، اگر خوابيدند، نهي شوند اگر باز بعد از نهي (زير يك لحاف) پيدا شدند، تازيانه زده مي‌شوند، باز پيدا شدند باز تازيانه، اگر سومين بار پيدا شدند كشته مي‌شوند. «5»
توضيح اينكه ممكن است، اين حكم در باره دختران يا زنان مجرد (وغيرمحصنه)
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 227
باشد اما زنان شوهردار (ومحصنه) پس ثبوت مساحقه شان در وحله نخست، اعدام مي‌شوند، آنگونه كه اميرمؤمنان عليه السلام در باره دوزن انجام داد زيرا برابر روايات وارده مساحقه مانند زنا است و در حكم آن.
8- از امام صادق، از پدرانش عليهم السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: لا يباشر الرجل الرجل إلا وبينهما ثوب ولا تباشر المرأة المرأة إلا وبينهما ثوب. مرد بامرد زن با زن با همديگر مباشرت نداشته باشند، مگر اينكه ميان آنها لباس (يا پرده) باشد. «1»
9- واز او عليه السلام فرمود: لا تبيت المرأتان في ثوب واحد إلا أن تضطرّا إليه. دوزن در زيريك لباس (لحاف) نخوابند مگر اينكه ناچار باشند. «2
.

19- خطرات همنشيني با نامحرم

19- خطرات همنشيني با نامحرم در روايت آمده است كه ابليس به خدمت تعدادي از انبياء مانند حضرات نوح و موسي و يحيي عليهم السلام شرفياب مي‌شد و صحبت مي‌كرد!! روزي به خدمت حضرت موسي عليه السلام آمد و گفت: اي موسي وقتي كه مناجاتت را با خدا تمام كردي اين درخواست مرا به او برسان و بگو: خدايا حالا كه از زمان آدم خيلي گذشته است چه مي‌شود كه مرا ببخشي و از گناه من در گذري!!؛
سفارش ابليس را به خدا عرضه داشت، خطاب آمد اي موسي به او بگو اگر مي‌خواهي ترا ببخشم برو به قبر آدم سجده كن! ابليس كه قضيه را شنيد پوز خندي زد و گفت: من به آدم زنده سجده نكردم به مرده‌اش سجده كنم هيهات!! ولي اي موسي به خاطر رساندن سفارش من، من هم چند چيز را به تو سفارش مي‌كنم مواظب باشي!!.
1- متكبر نباش مرا تكبّر بيچاره‌ام كرد اگر تكبر نمي‌كردم و به آدم سجده مي‌نمودم آن همه عبادات و مقام والاي خود را از دست نداده و به اين روز نمي‌افتادم.
2- در هيچ چيز طمع و حرص نداشته باش، طمع نزديك شدن به شجره منهيّة، سبب رانده شدن آدم از بهشت گرديد.
3- حسود نباش، زيرا حسادت باعث شد قابيل برادرش هابيل را بكشد و لعين دنيا و آخرت گردد.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 228
4- هيچ وقت با زن نامحرم در جاي خلوت ننشين، بدانكه نفر سوم من خواهم بود و شما را از راه ايمان بدر خواهم برد! اقلّا در را باز گذاريد يا بچه مميّز كنارتان باشد. «1»
1- دَرَسْتُ (راوي) از كسي كه به او گفته است از امامان عليهم السلام فرمود: ابليس به موسي عليه السلام گفت: يا موسي لا تخل بامرأة لا تحلّ لك فانّه لا يخلو رجل بامرأة لا تحلّ له إلّا كنت صاحبه دون أصحابي. اي موسي با زني كه برتو حلال نيست، خلوت نكن، به يقين مرد با زن نامحرمي خلوت نكرد، مگر اينكه من بدون يارانم با او خواهم بود (يعني خودم سريع، دست بكار مي شوم و منتظر بچه هايم نمي باشم. «2»
سعدان، از أبي عبد اللَّه عليه السلام از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم مانند آن را، روايت كرده است.
2- نوادر راوندي: باسند خود از موسي بن جعفر از پدرانش عليهم السلام گفت: علي فرمود:
ثلاث من حفظهن كان معصوماً من الشيطان الرجيم ومن كلّ بلية، من لم

يخل بامرأة ليس يملك منها شيئاً، ولم يدخل علي سلطان، ولم يعن صاحب بدعة ببدعته. سه چيز است هركس آن را حفظ نمايد، از (خطرات و وسوسه‌هاي) شيطان رجيم و از همه بلاها معصوم (و مصون) مي‌شود، هركس با زني كه مالك آن نيست، خلوت نمايد، و برسلطاني داخل نشود (و به دربار او رفت و آمد نكند) و بربدعت صاحب بدعتي، ياري نرساند. «3»

3- مسمع بن أبي سيار گويد: أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: فيما أخذ رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم البيعة علي النساء، أن لا يحتبين «4» ولا يقعدن مع الرجال في الخلاء. در ضمن چيزهائي كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم در هنگام بيعت گرفتن از زنها، سفارش كرد اين بود كه دست‌ها را در زانو حلقه زده (چمباتمه) نزنيد و در خلوت با مردان (نامحرم) ننشينيد. «5»

4- موسي بن إبراهيم: از موسي بن جعفر: از پدرانش عليهم السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يبت في موضع يسمع نفس امرأة ليست له

بمحرم. هر كس به خدا و قيامت ايمان آورده است شب نكند در جائي كه نفس زني شنيده شود كه به او محرم نيست. «1»

5- حسن بن فضل طبرسي در كتاب (مكارم الاخلاق): از امام صادق عليه السلام فرمود:

أخذ رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم علي النساء أن لا ينحن ولا يخمشن ولا يقعدن مع الرجال في الخلاء. از جمله شرايط بيعت گرفتن از زنها اين بود كه نوحه گري نكنند و روي خود را در مصائب نخراشند و بانامحرمان در خلوت همنشين نشوند. «2»

6- شيخ مفيد باسندخود گفت: رسول خداصلي اللَّه عليه وآله فرمود: أربعة مفسدة للقلوب: الخلوة بالنساء والإستمتاع منهن والأخذ برأيهنّ ومجالسة الموتي فقيل: يا رسول اللَّه وما مجالسة الموتي؟ قال: مجالسة كل ضال عن الايمان وجائر عن الأحكام. چهار چيز دل را به فساد كشد،

1- خلوت كردن با زنان؛

2- بهره برداري (از حرام) آنها؛

3- پذيرفتن رأي آنها؛

4- هم نشيني با مردگان، گفته شد اي رسول خدا با مردگان نشستن چيست؟! فرمود: همنشيني با گمراهان دور از ايمان و ستمگران در حكم دادن. «3

20- ديد زدن به خانه همسايه در روايات آمده است كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: جبرئيل آن قدر حقوق همسايه‌ها را بيان كرد من خيال كردم دستور خواهد داد كه همسايه‌ها از همديگر ارث ببرند؛
تعداد سي و پنج حق براي همسايه در گردن يكديگر تعيين گرديده است!؛
بدينجهت بايد حقوق يك ديگر را رعايت نمايند و آبروي هم را نگهدارند چون همسايه قهراً از اسرار همسايه‌اش، آگاه خواهد شد، پس نبايد در صدد ديد زدن به
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 230
خانه همسايه باشد حتي اگر كسي بخواهد به زندگي و اسرار همسايه خود، ديد بزند و دزدكي نگاه كند: آن يكي همسايه حق دارد در آن حال بزند و چشم اورا در آورد و كور نمايد مسؤليت شرعي و ديه هم ندارد!؛
روي اين اصل نبايد كسي براي پي بردن و اطلاع يافتن از اسرار دروني همسايه كنجكاوي نمايد و به كشف اسراراو بپردازد.
1- (عقاب الأعمال): از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من اطلع في بيت جاره فنظر إلي عورة رجل أو شعر امرأة أو شيئ من جسدها كان حقّاً علي اللّه أن يدخله النار مع المنافقين الذين كانوا يتبعون عورات النساء في الدنيا، ولا يخرج من الدنيا حتي يفضحه اللّه، ويبدي للناس عورته في الآخرة، و من ملأ عينيه من امرأة حراماً حشاهما اللّه يوم القيامة بمسامير من نار، وحشاهما ناراً حتي يقضي بين الناس، ثم يؤمر به إلي النار. هركس به خانه همسايه ديد بزند و چشمش به عورت مرد يا موي زني يا به چيزي از اعضاي او بيفتد، براي خدا حق است كه او را با منافقين به آتش داخل كند، كساني كه در دنيا به عورات زنها تبعيت (وپيگير) مي‌شوند، از دنيا بيرون نمي‌روند مگر اينكه خداوند او را رسوامي نمايد و در آخرت آبروي او را مي‌ريزد و هركس چشمهايش را از نگاه كردن به زن نامحرم پر نمايد، خداوند هر دو چشم او را در روز قيامت از ميخ‌هاي آتشين پر نمايد و پر از آتش كند، تا از قضاوت ميان مردم فارغ شود، و سپس دستور دهد تا او را به سوي آتش بكشند. «1

21- لعنت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم

21- لعنت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم رسول خدا در باره سه کس لعنت نموده است.
1- کسي که به عورت زن حرام نگاه کند.
2- مردي که به ناموس برادر و دوستش خيانت کند.
3- کسي که مردم به کمك او احتياج داشته باشند: او از آنها رشوة درخواست نمايد.
1- جابر: از أبي جعفر عليه السلام فرمود: لعن رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم رجلًا ينظر إلي فرج امرأة لا تحلّ

له، و رجلًا خان أخاه في امرأته، و رجلًا يحتاج الناس إلي نفعه فيسألهم الرشوة. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم لعنت کرد به کسي که به عورت زني نگاه کند که برايش حلال نيست، ومردي که به برادرش در مورد زنش خيانت نمايد، و مردي که مردم به منفعت (و کمك) او نياز داشته باشند، از آنها، درخواست رشوه نمايد. «1

22- ديگر تكرار نكن!! اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: اتّقوا معاصي اللَّه في الخلوات فانّ الشّاهد هو الحاكم از معصيت‌هاي پنهاني بپرهيزيد: زيرا (فرداي قيامت) شاهد (يعني خداوند) خود حكم كننده خواهد بود!؛
با توجه به مفاد اين روايت نبايد در جاهاي خلوت: حد و مرز را شكست و نافرماني كرد زيرا براي خدا خلوتي وجود ندارد همه جهان آفرينش: محضر خداست هيچ عملي ريز يا درشت: از منظر خدا پنهان نيست و بايد حيا كرد.
1- سعيد بن هبة اللَّه راوندي در (الخرائج والجرائح) از أبي كهمس گفت: كنت نازلًا في المدينة وكان فيها وصيفة وكانت تعجبني فانصرفت ليلة ممسياً فافتتحت الباب ففتحت لي فقبضت علي ثديها (فمددت يدي فقبضت علي يدها)، فلما كان من الغد دخلت علي أبي عبد اللَّه عليه السلام فقال: تب إلي اللَّه مما صنعت البارحة. من در مدينه (در منزلي) نزول كرده بودم و در آن كنيزي بود كه از او خوشم مي‌آمد (و فكر مرا به خود مشغول ساخته بود)، شبي در را زدم كه باز كند او هم در را گشود، و دستم را دراز كرده پستانهاي او را گرفته (و دستم را بردم و دستش را گرفتم)؛
فردا كه به خدمت امام صادق عليه السلام وارد شدم فرمود: از كاري كه ديشب كردي، به خدا توبه كن (و ديگر تكرار نكن). «2»
2- مهزم الاسدي گفت: كنّا بالمدينة وكانت جارية صاحب الدار تعجبني وإني أتيت الباب فاستفتحت الجارية فغمزت ثديها، فلما كان من الغد دخلت علي أبي عبد اللَّه عليه السلام فقال: أين

أقصي أثرك؟ قلت: ما برحت بالمسجد (المسجد)، فقال: أما تعلم أن أمرنا (هذا لا يتم) (هنا لاينال) إلا بالورع. ما در مدينه بوديم و كنيز صاحب خانه مرا به شگفتي واداشته (و به خود مشغول ساخته بود)، به دم در آمده و در را زدم و او بيرون آمد من پستان‌هاي او را فشردم، فردا كه به محضر امام صادق عليه السلام داخل شدم فرمود: دورترين آثارت كجاست (ديشب چكار كردي)؟ گفتم: ديشب در مسجد بودم فرمود: آيا نمي‌داني اين قبول (ولايت ما) تمام نمي‌شود (و به كمال نمي‌رسد) مگر باورع (و تقوي). «1»
3- أبي بصير: گفت: كنت أقرئ امرأة كنت أعلّمها القرآن فمازحتها بشيئ، فقدمت علي أبي جعفر عليه السلام فقال لي: أيّشيئ قلت للمرأة؟ (فغطيت وجهي) (و غطي وجهه) فقال: لا تعودن إليها. به زني درس قرآن مي‌دادم، پس با او با چيزي شوخي كردم، به خدمت امام باقر عليه السلام

رسيدم فرمود: به زن چه گفتي؟! (از خجالت) رويم را پوشاندم، فرمود: ديگر تكرار نكن. «2

23- شوخي و گفتگو با نامحرم در روايت وارد شده است هركس با زن نامحرم بيش از ضرورت گفتگو نمايد براي هركلمه آن گفتار به سختي معذب خواهد شد و در روزقيامت براي هر كلمه آن: هزار سال در آتش خواهد سوخت. «3» و بردهان او لجام خواهند زد به روايت ذيل و روايت فصل بعد دقت فرمائيد.
1- حسين بن زيد، از امام صادق، از پدرانش عليهم السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم- در حديث المناهي- فرمود: ونهي أن تتكلم المرأة عند غير زوجها وغير ذي محرم منها أكثر من خمس كلمات ممّا لابدّ لها منه. ونهي فرمود كه زن، با نامحرم و جز شوهر خودش، بيش از پنج كلمه كه ناچار است، حرفي بزند (و سخني بگويد). «4»
مسعدة بن صدقة: از جعفر بن محمد: از پدرش عليهما السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:
أربع يُمتن القلب: الذّنب علي الذّنب، و كثرة مناقشة النساء يعني محادثتهن، و مماراة
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 233
الأحمق يقول وتقول و لا (يؤول) (يرجع) إلي خير أبداً، و مجالسة الموتي، قيل (يا رسول اللّه): و ما الموتي؟ قال: كلّ غني مترف. چهار چيز دل را مي‌ميراند،
1- گناه روي گناه كردن،
2- بازنها زياد حرف زدن،
3- با احمق‌ها دهن به دهن گذاشتن هرچه بگوئي و در او تأثير نداشته باشد (و به خرجش نرود)،
4- و مجالست با مردگان، پرسيدند اي رسول خدا مردگان كيانند؟! فرمود: همه غني‌هاي در رفاه كامل (كه از خدا و احوال فقراء بي خبر باشند). «1

24- دست دادن باخانم نامحرم هركس با زن حرام دست دهد و مصافحه نمايد: در روز قيامت دست بسته و به گردن آويخته مي‌آورند و به آتش مي‌اندازند!؛
مگر در حال ضرورت، با دستكش يا با لباس دست دهند.
1- مسعدة بن صدقة: از جعفر بن محمد: از پدرش عليهما السلام گفت: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: و من صافح امرأة حراماً جاء يوم القيامة مغلولًا ثمّ يؤمر به إلي النار، و من فاكَهَ امرأةً لا يملكها (حبسه اللَّه) (حبس) بكلّ كلمة كلّمها في الدنيا ألف عام. و هركس با زن نامحرم دست دهد، روز قيامت به زنجير كشيده شده مي‌آيد و دستور داده مي‌شود كه به آتش اندازند، و هركس با زني كه در اختيارش نيست (زوجه يا كنيز) سخن گويد، خداوند در برابر هر كلمه گفتار كه در دنيا با نامحرم گفته است، هزار سال زنداني نمايد. «2»
2- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: من صافح امرأة تحرم عليه فقد باء بسخط من اللَّه، ومن التزم امرأة حراما قرن في سلسلة من نار مع الشيطان فيقذفان في النار. هركس بازني كه برايش حرام است، دست دهد، محققاً خود را با غضب خدا مواجه كرده است، و هركس زن حرام را به آغوش كشد، با شيطان در يك زنجير آتشين كشيده شده، باهم
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 234
به آتش اندازند. «1»
3- أبو بصير از أبا عبد اللَّه عليه السلام پرسيد: هل يصافح الرجل المرأة ليست بذي محرم؟ قال:
لا إلا من وراء الثوب. آيا مرد با زن نامحرم، مي‌تواند دست دهد؟! فرمود: نه مگر از پشت لباس. «2»
4- جابربن يزيد جعفي از ابي جعفر عليه السلام ... و لا يجوز للمرأة أن تصافح غير ذي محرم إلا من وراء ثوبها، ... جايز نيست با نامحرم دست دهد مگر از پشت لباس زن. «3»
5- سماعة بن مهران گفت: از اباعبداللَّه عليه السلام از دست دادن زن و مرد سؤال نمودم؟
فرمود: حلال نيست مرد بازن دست دهد مگر با زني كه ازدواج او برايش حرام است، خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر يا مانند اينها، اما زني كه ازدواج با او برايش حلال باشد فلايصافحها الّا من وراء الثّوب و لايغمز كفّها با او مصافحه نكند مگر از پشت لباس و دستش را فشار ندهد. «4

25- نگاه تيري از تيرهاي شيطان!

25- نگاه تيري از تيرهاي شيطان! در عالم ماديات، براي گشودن هر درِ بسته‌اي، بايد كليدي باشد تا آن دَرْ گشوده شود، و در معنويات نيز همانگونه است مثلًا در روايات آمده است كه كليد بهشت رضايت والدين است، اگر فلان عمل را به جا بياوري، همه درهاي بهشت، به رويت گشوده مي‌شود، در قسمت منفي هم به همان سياق است، مثلًا شراب كليد تمام شرّهاست و كليد همه نا موفقيت‌ها، سستي و تنبلي است و كليد تمام گرفتاري‌هاي جنسي و پيامدهاي ناگوار آن، نگاه كردن به نامحرم است؛
در روايات هم آمده است «النظرة سهمٌ من سهام الشّيطان» نگاه كردن (و ديد زدن) تيري از تيرهاي شيطان است.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 235
ابليس نيز خود مي‌گويد: النّساء سهامي لمن رميته أصبته زنها تيرهاي من هستند به هر هدفي شلّيك كنم مي زنمش (و خطا نمي‌رود).
در روايت آمده است «النّساء حبائل الشّطان» زنها دام‌هاي شيطانند (براي هركس بگستراند، به تور مي اندازد).
1- علي بن عقبة: از پدرش گفت: شنيدم أبي عبد اللَّه عليه السلام مي فرمود: النظرة سهم من سهام إبليس مسموم، وكم من نظرة أورثت حسرة طويلة. نگاه (به زن نامحرم) تيري از تيرهاي مسموم ابليس است، و چه نگاههائي كه حسرت طولاني براي آدمي ببار مي‌آورد. «1»
2- هشام بن سالم از عقبة از پدرش گفت: أبو عبد اللَّه عليه السلام فرمود: النظرة سهم من سهام إبليس مسموم، من تركها للّه عزوجل لا لغيره أعقبه اللَّه أمناً و ايماناً يجد طعمه. نگاه به (زن نامحرم) تيري از تيرهاي مسموم ابليس است، هركس آن را به خاطر خداي عزّ و جل ترك نمايد، نه براي ديگري، خداوند پيامد امن و ايمان براي او ارزاني داشته و مزه آن را خواهد چشيد. «2»
3- ابن أبي عمير: از الكاهلي گفت: أبو عبد اللَّه عليه السلام فرمود: النظرة بعد النظرة تزرع في القلب الشهوة وكفي بها لصاحبها فتنة. نگاه پشت سر هم در دل شهوت (وهوسراني را) مي‌كارد و براي به فتنه انداختن صاحب آن، كفايت مي‌كند. «3»
4- امام صادق عليه السلام فرمود: من نظر إلي امرأة فرفع بصره إلي السماء أو غمض بصره لم يرتدّ إليه بصره حتي يزوّجه اللَّه من الحور العين. هركس به زني نگاه كند و سرش را بالا گرفته و به آسمان بنگرد، يا چشمش را فروبندد، چشمش را نگشوده خداوند به او از حورالعين بهشتي تزويج نمايد. «4»

وفي خبر آخر: لم يرتدّ إليه طرفه حتي يعقبه اللّه ايماناً يجد طعمه. در خبر ديگر است كه

چشمش را باز نكند تا خداوند ايماني به او عنايت مي‌كند كه (فوراً) مزه‌اش را بچشد. «1»

5- ابن أبي نجران: از كسي كه به او گفته از أبي عبد اللَّه عليه السلام: از أبي جميلة: از أبي جعفر و أبي عبد اللَّه عليهما السلام فرمودند: ما من أحد الّا و هو يصيب حظّاً من الزّنا، فزنا العينين النظر، وزنا الفم القبلة، و زنا اليدين اللمس، صدّق الفرج ذلك أو كذّب. نيست كسي مگر اينكه او را سهمي از زنا اصابت نمايد، پس زناي چشمان نگاه (به زن نامحرم است) و زناي لبها بوسيدن او است، و زناي دستها، لمس است، (بعد از اين مقدمات) نر و مادگي آنها را تصديق نمايد (و به زناي عملي مشغول شوند) يا تكذيب نموده و پرهيز مي‌نمايند. «2»

6- أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: من أطلق ناظره أتعب حاضره، من تتابعت لحظاته دامت حسراته. هركس (عضو) نگاه كننده‌اش را رها سازد، خود را به زحمت انداخته است، و هركس نگاهش پشت سرهم شود، حسرت هايش ادامه خواهد يافت. «3»

7- پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: النظر سهم مسموم من سهام إبليس، فمن تركها خوفا من اللَّه أعطاه اللَّه إيمانا يجد حلاوته في قلبه. نگاه تير زهر آگين از تيرهاي ابليس است پس هركس آن را از ترس خدا ترك نمايد، خداوندبرايش ايماني عطا فرمايد كه شيريني آن را در دلش پيدا خواهد نمود. «4»

8- و فرمود: لكل عضو من ابن آدم حظ من الزنا فالعين زناه النظر، و اللسان زناه الكلام والأذنان زناهما السمع واليدان زناهما البطش، والرجلان زناهما المشي، والفرج يصدق ذلك ويكذبه. بر تمام اعضاي فرزند آدم، نصيبي از زناست، پس چشم زنايش نگاه است، و زبان زنايش گفتار (حرام) است، و گوشها زناشان شنيدن (صداها و كلمات حرام) است و دستان، زنايش فشار آوردن (و زدن) است و پاها زنايشان رفتن (به جاهاي حرام) است و اندام جنسي آنها را تصديق و تكذيب مي‌نمايد. «5»

9- در كتاب «زهد النبي» صلي الله عليه و آله و سلم شيخ جعفر بن أحمد قمي پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: اشتد غضب اللَّه علي امرأة ذات بعل ملأت عينها من غير زوجها. شديد شد غضب خداوند بر زن شوهرداري كه چشمانش را از غير شوهرش پر نمايد. «1»

10- حسين بن زيد از جعفر بن محمد، از پدرانش عليهم السلام- در حديث المناهي فرمود: ومن ملأ عينيه من حرام ملأ اللَّه عينيه يوم القيامة من النار

إلا أن يتوب ويرجع. و هركس چشمانش را از حرام پرنمايد، خداوند روز قيامت چشمهايش را از آتش پر مي‌نمايد مگر توبه كرده و برگردد. «2»
11- سكوني، از امام صادق، از پدرش عليهما السلام گفت: رسول خدا فرمود: كلّ عين باكية يوم القيامة إلا ثلاثة أعين: عين بكت من خشية اللَّه، و عين غضت عن محارم اللَّه، و عين باتت ساهرة في سبيل اللَّه. تمام چشمها روز قيامت مي‌گريد مگر سه چشم، چشمي كه از ترس خدا بگريد، و چشمي كه از حرام‌هاي خداوند، پوشيده شود، و چشمي كه در راه خدا شب را بيدار بماند. «3»
12- أمير مؤمنان عليه السلام فرمود: ليس في البدن شئ أقلّ شكرا من العين، فلا تعطوها سؤلها فتشغلكم عن ذكر اللَّه عزوجل. در بدن كم شكرتر ازچشم نيست، پس خواسته هايش را به او ندهيد تا شما را از ذكر خدا مشغول نسازد. «4»
13- سيف بن عميرة: از سعد الاسكاف: از أبي جعفر عليه السلام فرمود: استقبل شاب من الأنصار امرأة بالمدينة وكان النساء يتقنّعن خلف آذانهنّ، فنظر إليها وهي مقبلة، فلما جازت نظر إليها ودخل في زقاق قد سمّاه ببني فلان فجعل ينظر خلفها واعترض وجهه عظمٌ في الحائط أو زجاجة فشقّ وجهه، فلما مضت المرأة نظر فإذا الدماء تسيل علي ثوبه و صدره، فقال: و اللَّه لآتينّ رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم و لأخبرنّه، فأتاه، فلما رآه رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم قال: ما هذا؟
فأخبره فهبط جبرئيل عليه السلام بهذه الآية: (قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك أزكي لهم ان اللَّه خبير بما يصنعون). جواني از طايفه انصار در مدينه با زني روبرو آمد و زنها مقنعه را در پشت گوششان مي‌بستند جوان درحالي كه او مي‌آمد به او

نگاه مي‌كرد تا اينكه رد شده وارد كوچه‌اي گشت كه به بني فلان ناميده شده بود، پس مرتب به او نگاه مي‌كرد و (بيخود شده و محو تماشاي جمال او بود ناگهان سرش به ديوار خورد و) استخوان يا شيشه‌اي از ديوار به روي او اصابت نمود و رويش پاره شد و خون جاري گشت؛
زن عبور نمود (و گذشت اما جوان تازه متوجه شده بود كه) خون به لباس وسينه‌اش جاري است، گفت: به خدا اين قضيه را براي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم خبر داده (ومي‌رسانم تا فكري در باره اين زنهاي رو برهنه و آرايش كرده بنمايد كه جوانان را به بيراهه نكشند) پيش رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آمد قضيه را گفت، در اين حال جبرئيل نازل شده و اين آيات را آورد «به مؤمنان بگو چشمهاي خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گيرند و عفاف خود را حفظ كنند، اين براي آنان پاكيزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام مي‌دهند آگاه است و به زنان با ايمان بگو

چشم‌هاي خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گيرند، و دامان خويش را حفظ كنند و زينت خود را- جز آن مقدار كه نمايان است- آشكار ننمايند و (اطراف) روسري‌هاي خود را برسينه خود افكنند (تاسينه و گردن با آن پوشانده شود) تا آخر آيه». «1»

26- نگاه اوّليّة در دوران زندگي خيلي پيش مي آيد كه آدمي بطور ناخواسته چشمش به زن زيبا مي افتد كه او را به اعجاب و شگفتي وا مي دارد و از آن خوشش مي آيد، در اين صورت چه بايد كرد آيا او را بپايد و زُر بزند يا بر خود مسلّط شود و رو به سوي خدا برگرداند!.
1- از امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: اذا نظر أحدكم الي المرأة الحسناء فليأت أهله فانّ الّذي معها مثل الّذي مع تلك، فقام رجل فقال يا رسول اللّه فان لم يكن له أهل فما يصنع؟! قال فليرفع نظره الي السّماء و ليراقبه و ليسأله من فضله. زماني كه يكي تان به زن زيبائي نگاه كرد، پس به پيش همسرش در آيد زيرا آنچه كه آن دارد مانند آن را اين هم دارد، مردي برخاست و گفت: اي رسول خدا اگر همسر نداشته باشد
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 239
چه كند؟! فرمود: نگاهش را به سوي آسمان بلند نمايد و بدوزد و از فضل خدا درخواست كند. «1»
2- اميرمؤمنان عليه السلام در حديث اربعمأة فرمود: اذا رأي أحدكم امرأة تعجبه فليأت أهله فانّ عنده مثل مارأي فلايجعلنّ للشّيطان علي قلبه سبيلًا ليصرف بصره عنها فاذا لم يكن له زوجة فليصلّ ركعتين و يحمد اللّه كثيراً و ليصلّ علي النّبيّ صلي الله عليه و آله و سلم ثمّ يسأل اللّه من فضله فانّ ينتج (يبيح- يتيح) له من رأفته ما يغنيه. هرگاه يكي از شما زني را ديد و خوشش آمد پس به پيش همسرش برود همانا در او مانند همان است كه ديده، پس شيطان را بردلش راه ندهد و حتماً چشمش را از او برگيرد، اگر همسر ندارد دوركعت نماز خوانده و ستايش خدا را زياد بجا آورد و بر پيغمبر صلوات بفرستد و سپس از فضل خدا سؤال نمايد چون او از رأفت خود به او نتيجه داده (و فضل خود را به او مباح و عطا فرموده) و بي نياز مي گرداند. «2»
3- سيد رضي در نهج البلاغة: آورده است، اميرمؤمنان عليه السلام با اصحابش نشسته بود زني زيبا بر آنها گذشت كه آنها به او چشم دوختند حضرت فرمود: انّ عيون هذه الفحول طوامح و انّ ذلك سبب هبابها فاذا نظر أحدكم امرأة تعجبه فليلامس أهله، فانّما هي امرأة كامرأته فقال رجل من الخوارج، قاتله اللّه كافراً ما أفقهه فوثب القوم ليقتلوه فقال عليه السلام رويداً فانّما هو سبّ بسبّ أو عفو عن ذنب. همانا چشمان اين نرها حريص است و اين سبب تحريك آنهاست، پس وقتي كه يكي تان به زني نگاه كرد كه او را به تعجب وادشت (و از او خوشش آمد)، همسر خود را

لمس نمايد (و با او آميزش جنسي داشته باشد) زيرا آن زني مانند زن خودش است، يكي از خوارج گفت: خداوند او (يعني اميرمؤمنان عليه السلام) را با كفر بميراند!! (ببينيد) چقدر آموزنده‌تر حرف زد، پس اصحاب خيز برداشتند كه آن مرد را بكشند اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: آرام باشيد، همانا پاسخ آن سخن زشت، مقابله بمثل است يا گذشت كردن (شايسته‌گي و اخلاق علي هم گذشت است نه انتقام!!). «3»
4- حمادبن عثمان از امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم زني را ديد كه آن

حضرت را به اعجاب واداشت، به ام سلمه داخل شد و با او همبستر شد چون روز نوبت او بود و در حالي كه آب (غسل) از سرش مي چكيد به سوي مردم بيرون آمد و فرمود: اي مردم بتحقيق نگاه (ناصواب) از شيطان است، پس براي هركس همچون كاري پيش آمد به پيش همسر خود برود. «1»

27- حدود نگاه به نامحرم

27- حدود نگاه به نامحرم بعضي‌ها خيال مي‌كنند كه دستورات بازدارنده اسلام در مورد حجاب و پرهيز از خودنمايي وسوسه‌انگيز: نوعي خشونت و عقب گرد به عهد عتيق و بربريت و وحشيت عهد بوق است!؛
اما خودمانيم بياييد منصفانه و بدون تقليد از غرب و پيروي از هواي نفس: كلاهمان را قاضي كنيم اگر بانوان عزيز كه خداوند آنها را براي آرامش روح و آسايش جسم و جان مردان آفريده و مورد توجه جنس مخالف خود قرار داده است: خود را در منظر نامحرم قرار نمي‌دادند و در مجامع عمومي و محافل خصوصي: با آرايش‌هاي فريبنده گوناگون ظاهر نمي‌شدند؛
آيا اين همه فساد و تباهي و سردرگمي و خانمان‌هاي برباد رفته و ويران گشته: بر جوامع و اقشار مختلف مخصوصاً طبقه جوان كه در بحران بلوغ و غيره با اين مسايل دست و پنجه نرم مي‌كنند: حكم فرما مي‌شد؟!!.
آيا اين گريز پاييها و وحشت از اندرون نشستن قسمتي از بانوان و دختران و سر به بيابان و خيابان گذاشتن‌ها و از خانه فراركردن‌ها وو .. محصول بدحجابي و بي حجابي نيست؟!!؛
آيا اطاعت از دستورات آيات سوره مباركه «نور» و پرهيز از منهيات آن: جوامع را به ساحل نجات و زندگي ايده آل و روح آرام نمي‌رسانيد؟!؛
صدها آيا و مگرهاي ديگر كه شما بهتر از من مي‌دانيد. خدايا به احترام مقربين درگاهت: تمام اقشار مختلف مخصوصاً طبقه جوان ما را از شرور شياطين جن و
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 241
انس و حوادث خانمانسوز محفوظ بدار و آنها را به زندگي آرام و بي دغدغه و دور از ناراحتي‌هاي روحي و جسمي: برسان و خودت دست آنها را بگير و به ساحل نجات برسان آمين.
در سوره مباركه نور در آيات 30 و 31 حد و مرز حجاب را مشروحاً بيان فرموده است و در روايات فراوان نيز حدود نگاه به نامحرم، با تفاوتهائي بيان گرديده است كه براي رعايت اختصار فقط تعدادي از آنها را ذيلًا مي آوريم.
1- زرارة، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) در باره آيه «و لا يُبْدينَ زنتهنّ إلّا ما ظهر منها» و زينت‌هاي خود را (جز آن مقدار كه نمايان است) آشكار ننمايند مگر آنچه كه ظاهر است» منظور اين آيه چيست؟ فرمود: الزّينة الظاهرة الكحل والخاتم. زينت ظاهره سرمه و انگشتر است. «1»
2- باز در باره آيه فوق از أبي عبد اللَّه عليه السلام «إلا ما ظهر منها»

فرمود: الوجه والذراعان رو و دو ذراع (بازو). «2»
3- أبي بصير گويد: از أبي عبد اللّه (عليه السلام)، درباره آيه «ولا يبدين زينتهن إلا ما ظهر منها» پرسيدم؟ فرمود: الخاتم والمسكة وهي القلب انگشتر و مسكه كه آن محل دستبند است. «3»
4- مروك بن عبيد، از بعض أصحاب ما، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) گفت: به او گفتم ما يحلّ للرّجل أن يري من المرأة إذا لم يكن محرماً؟ قال: الوجه والكفان والقدمان براي مرد از زن نامحرم چه چيزهائي ديدنش حلال است؟! فرمود: رو و كف دستان و قدمها. «4»
5- علي بن جعفر از امام موسي كاظم عليهما السلام در باره زن نامحرم كه براي مردنامحرم چه چيزهائي نگاه كردنش حلال است سؤال نمود؟ فرمود: الوجه والكف وموضع السّوار. رو و كف و محل النگو (يعني مچ دستها). «5»
6- علي عليه السلام- در حديث الأربعمائة- فرمود: لكم أول نظرة إلي المرأة فلا تتبعوها

بنظرة اخري واحذروا الفتنة. نگاه اول براي شماست، نگاه ديگري پشت سرش نكنيد و از فتنه در حذر باشيد. «1»
7- تميمي از امام رضا، از پدرانش عليهم السلام.
از رسول خدا فرمود: لا تتبع النظرة النظرة فليس لك إلا أول النظرة نگاه پشت نگاه نكن، نيست براي تو مگر نگاه اول. «2»
8- سكوني: از امام صادق عليه السلام: أوّل نظرة لك والثّانية عليك ولا لك، والثّالثة فيها الهلاك نگاه نخست براي توست، ودومي به ضرر توست نه به خير تو، و سومي در آن است هلاكت (و نابود شدن). «3»
9- عبدالرحمن بن الحجاج گويد: از أبا عبد اللّه عليه السلام پرسيدم دختري كه به بلوغ نرسيده است كي سرش ر ا از نامحرم و براي نماز بپوشاند؟ فرمود: لا تغطّي رأسها حتي تحرم عليها الصلاة. سرش را نپوشاند تا نماز برايش حرام شود (حيض ببيند و به بلوغ برسد). «4»
10- بزنطي، از امام رضا عليه السلام فرمود: لا تغطّي المرأة رأسها من الغلام حتي يبلغ الغلام زن از پسر (نامحرم) سرش را نپوشاند تا بالغ شود. «5»
در مورد حدود پوشش زنان سالخورده به فصل بعد دقت نمائيد

28- حكم حجاب بانوان سالخورده

28- حكم حجاب بانوان سالخورده قال اللَّه عزّ و جلّ «والقواعد من النّساء الَّتي لا يرجون نكاحاً فليس عليهنّ جناحٌ أن يضعن ثيابهنّ غير متبرّجاتٍ بزينةٍ و أن يستعففن خير لهنّ و اللَّه سميعٌ
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 243
عليمٌ» «1»
وزنان از كار افتاده‌اي كه اميد به ازدواج ندارند، گناهي بر آنان نيست كه لباسهاي (رويين) خود را بر زمين بگذارند، به شرط اين كه در برابر مردم، خود آرايي نكنند؛ و اگر خود را بپوشانند براي آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا ودانا است.
در باره اصل استثناي حكم حجاب براي زنان سالخورده در ميان علماي اسلام محل بحث و گفتگو نيست؛ چرا كه قرآن ناطق به آن است؛ ولي در خصوصيات آن گفتگوهائي وجود دارد از جمله اينكه: در مورد سن اين زنان و اين كه تا چه حد برسند حكم قواعد را دارند گفتگو است در بعضي از روايات اسلامي تعبير به مُسِنّه شده (زنان سالخورده).
در حالي كه در بعضي ديگر تعبير به قعود از نكاح (بازنشستگي از ازدواج) آمده اما جمعي از فقهاء و مفسرين: آن را به معني پايان دوران قاعدگي و رسيدن به حد نازائي و عدم رغبت كسي به ازدواج با آنها دانسته‌اند.
ولي ظاهر اين است كه همه اين تعبيرات به يك واقعيت اشاره مي‌كند و آن اينكه به سن و سالي برسند كه معمولا در آن سن و سال كسي ازدواج نمي‌كند: هر چند ممكن است به طور نادر چنين زناني اقدام به ازدواج بنمايند.
و نيز در مورد مقداري از بدن كه جايز است آنها آشكار كنند: در احاديث اسلامي تعبيرات مختلفي آمده: در حالي كه قرآن به طور سر بسته گفته است مانعي ندارد كه لباسهاي خود را فرو نهند كه البته اين تعبير ظاهر در لباس رو است.
در بعضي از روايات در پاسخ اين سؤال كه كداميك از لباسهايشان را مي‌توانند فرو نهند؟ امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد: الجلباب (چادر) در حالي كه در روايت ديگري تعبير به جلباب و خمار شده است (خمار به معني روسري است).
ولي ظاهر اين است كه اين گونه احاديث نيز با هم منافاتي ندارند: منظور اين است كه مانعي ندارد آنها سر خود را برهنه كنند و موها و گردن و صورت خود را نپوشانند و حتي در بعضي از احاديث و كلمات فقهاء: مچ دستها نيز استثناء شده است: اما

بيش از اين مقدار: دليلي درباره استثناء آن نداريم.
و به هر حال همه اينها در صورتي است كه آنها خود آرائي نكنند
(غير متبرجات بزينة) و زينتهاي پنهاني خود را كه ديگران هم واجب است بپوشانند بايد مستور دارند: و همچنين لباسهاي زينتي كه جلب توجه مي‌كند در تن نكنند و به تعبير ديگر آنها مجازند بدون چادر و روسري با لباس ساده و بدون آرايش بيرون آيند اما با همه اينها اين يك حكم الزامي نيست: بلكه اگر آنها مانند زنان ديگر پوشش را رعايت كنند ترجيح دارد: چنانكه در ذيل آيه فوق صريحا آمده است: زيرا به هر حال احتمال لغزش- هر چند به صورت نادر- در مورد اين گونه افراد نيز هست. «1»
1- محمد بن مسلم، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) در منظوراز آيه «والقواعد من النساء اللاتي لا يرجون نكاحا» چيست كه از لباسهايشان را به زمين بگذارند؟ فرمود جلباب. «2»
در روايت ديگر از حلبي از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) منظور از (أن يضعن ثيابهن؟) فرمود:
الخمار والجلباب روسري و چادر، گفتم در پيش چه كساني (مي تواند خمار و جلباب را) بردارد؟ فرمود: جلوي كساني كه نبايدزينتش را دربرابر آنها آشكار نمايد و اگر نكند برايش بهتر است. «3»
2- از حريز بن عبداللَّه، از أبي عبد اللَّه (عليه السلام) او خواند (أن يضعن من ثيابهن) فرمود:
الجلباب والخمار إذا كانت المرأة مسنة (منظور) چادر و روسري است است اگر زن سالخورده باشد. «4»
3- علي بن أحمد بن يونس گويد: حسين مي گفت به او (امام عليه السلام نوشت و سؤال نمود از حد زناني كه به چه سنّي رسيد جايز است سرو بازوانش را باز نمايد؟
درجواب نوشت: وقتي كه از نكاح نشستند (يعني پير شده و از ازدواج افتادند). «5»
4- أبي الصباح الكناني گفت: از أبا عبد اللَّه (عليه السلام) سؤال نمودم از «القواعد من النساء» كدام لباسشان را صلاح است به زمين گذارند؟ پس فرمود: الجلباب إلا أن تكون أمة فليس عليها جناح أن تضع خمارها. چادر است مگر اينكه كنيز برده باشد كه در اين

صورت خمارش را هم باز مي كند. «1

29- نگاه پشت سر نامحرم

29- نگاه پشت سر نامحرم تماشاكردن به پشت سر نامحرم حرام و نشانه پستي صاحب آن عمل است زيرا آن گونه كه اوراضي نيست كسي به زن و خواهر و مادر او ديد بزنند: نبايد پشت سر نواميس مردم زُر زده و تماشا نمايد.
1- هشام و حفص و حماد بن عثمان همگي از أبي عبد اللَّه (عليه السلام فرمود: ما يأمن الذين ينظرون فيأدبار النساء أن ينظر (أن يُبتلوا) بذلك فينسائهم. آنانكه پشت سر زنان (نامحرم) نگاه ميكنند از ابتلاء به مانند آن در زنهاي خودشان، در امان نيستند
(از مكافات عملنبايد غافل شد). «2»
2- صفوان بن يحيي: از أبي الحسن عليه السلام در باره گفته خداي عزّ وجلّ «يا أبت استأجره إن خير من استأجرت القوي الأمين» قال: قال لها شعيب: يا بنية هذا قويّ برفع الصخرة، الأمين من أين عرفتيه؟ قالت: يا أبت انّي مشيت قدّامه، فقال: إمشي من خلفي فان ضللتُ فارشديني إلي الطريق، فانّا قومٌ لا ننظر إلي (في) أدبار النساء.
(يكي از آن دو دختر حضرت شعيب عليه السلام به پدرش گفت:) پدر او (يعني موسي) را استخدام كن، زيرا بهترين كسي را كه استخدام كني اوست كه قوي و امين است؛
شعيب به دختر گفت: دخترم اين (جوان) براي برداشتن صخرة نيرومند است، امانتش را از كجا دانستي؟، گفت: پدر من جلوي او راه ميرفتم، گفت: پشت سر من بيا اگر بيراهه رفتم مرا (بازبان) راهنمائيم كن (زيرا) ما گروهي هستيم به پشت سر زنها نگاه نميكنيم. «3»
3- أبي بصير: به امام صادق عليه السلام گفت: الرجل تمرّ به المرأة فينظر إلي خلفها، قال: أيسرّ
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 246
أحدكم أن يُنظر إلي أهله و ذات قرابته؟ قلت: لا، قال: فارضَ للناس ما ترضاه لنفسك زني از جلوي مرد عبور ميكند و او پشت سر او نگاه ميكند؟ فرمود: آيا از شما كسي خوشحال ميشود پشت سر زن خود و زنان خويشانش، نگاه كند؟! گفتم: نه، فرمود: پس آنچه را كه به خود راضي هستي به مردم نيز راضي باش. «1»
4- هشام بن سالم: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: أما يخشي الذين ينظرون في أدبار النساء أن يُبتلوا بذلك في نسائهم؟!. آيا نمي ترسند آنان كه پشت سر زنان (ديگران) نگاه ميكنند، خود نيز در زنانشان به اين عمل گرفتار شوند؟!. «2»

5- يونس بن عبد الرحمن، گفت: أبو عبد اللّه عليه السلام فرمود: من تأمّل خلف امرأة فلا صلاة له، قال يونس: إذا كان في الصلاة. هركس پشت سر زن دقت نمايد، برايش نماز نيست، (نمازش باطل است) يونس گفت: يعني درنماز. «3

30- حكم نگاه به خواهر زن

30- حكم نگاه به خواهر زن بعضي‌ها خيال مي‌كنند كه خواهر زن، مانند خواهر خودش محرم است، در حالي كه‌اين طور نيست او هم مانند ديگر بانوان نامحرم است زيرا اگر همسرش را طلاق دهد و يا بميرد: مي‌تواند با او ازدواج نمايد پس با زني كه مي توان ازدواج نمود، نگاه كردن به او، حرام است مگر حدودي در شرع معين گرديده است كه تعدادي از آن روايات در فصل شماره 28 «حدود نگاه به نامحرم» همين بخش گذشت.

1- أحمد بن محمد بن أبي نصر گفت: از امام رضا عليه السلام: سؤال كردم: آيا براي مرد حلال است؟ أن ينظر إلي شعر أخت امرأته؟ فقال: لا إلّا أن تكون من القواعد، قلت له:

أخت امرأته و الغريبة سواء؟ قال: نعم، .... اينكه به موي خواهر زنش نگاه كند؟ فرمود:

نه، مگر اينكه پير شود، گفتم: خواهر زن مانند غريبه است؟! فرمود: بلي، .... «4»

31- گريه شديد رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم 1- عبد العظيم بن عبد اللَّه الحسني: از محمد بن علي الرضا از پدرانش از علي عليهم السلام فرمود: دخلت أنا و فاطمة علي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم فوجدته يبكي بكاءاً شديداً، فقلت له: فداك أبي و أمّي يا رسول اللَّه ما الذي أبكاك؟ فقال: يا علي ليلة اسري بي إلي السماء رأيت نساء من أمّتي في عذاب شديد فأنكرت شأنهنّ فبكيت لما رأيت من شدة عذابهنّ، ثمّ ذكر حالهنّ- إلي أن قال: فقالت فاطمة: حبيبي و قرة عيني أخبرني ما كان عملهنّ، فقال: أمّا المعلقة بشعرها فانّها كانت لا تغطي شعرها من الرجال، و أمّا المعلقة بلسانها فِانّها كانت تؤذي زوجها، و أما المعلقة بثدييها فانّها كانت ترضع أولاد غير زوجها بغير اذنه، و أما المعلقة برجليها فانّها كانت تخرج من بيتها بغير اذن زوجها، و أمّا التي كانت تأكل لحم جسدها فانّها كانت تزيّن بدنها للناس، و أما التي تشد يداها إلي رجليها و تسلط عليها الحيات و العقارب فانّها كانت قذرة الوضوء والثياب، و كانت لا تغتسل من الجنابة و الحيض و لا تتنظف، و كانت تستهين بالصلاة، و أما العمياء الصمّاء الخرساء فانها كانت تلد من الزنا فتعلقة في عنق زوجها، و أما التي كانت تقرض لحمها بالمقاريض فانها كانت تعرض نفسها علي الرجال، وأما التي كانت تحرق وجهها و بدنها و هي تجر أمعاءها فانها كانت قوّادة، و أما التي كان رأسها رأس خنزير و بدنها بدن الحمار فانّها كانت نمّامة كذاّبة، و أما التي كانت علي صورة الكلب و النار تدخل في دبرها و تخرج من فيها فانّها كانت قنية نواحة حاسدة، ثم قال عليه السلام: ويل لأمرأة أغضبت زوجها و طوبي لإمرأة رضي عنها زوجها. من و فاطمه به محضر رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم داخل شديم او را در حال گريه شديد يافتيم، به او گفتم:
پدر و مادرم فداي توباد اي رسول خدا چه چيز ترا مي‌گرياند (سبب گريه ات چيست)؟ فرمود: اي علي شبي كه مرا به معراج بردند، از امتم زناني را در عذاب سخت ديدم، پس گرفتاري آنها را خوش نداشتم و بر سختي عذاب آنها گريستم‌سپس حضرت احوال آنها را بيان نمود- فاطمه پرسيد حبيب و روشني چشم من (بابا) به من خبر بده اعمال آنها چه بود؟!؛
فرمود: اما آنكه از مويش آويخته شده بود، موي خود را از نا محرم نمي‌پوشانيد، و اما آويخته شدگان از زبان، شوهران خود را با زبانشان اذيت مي‌كرده‌اند، و اما از
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 248
پستانها آويزان شده‌ها، بچه‌هاي ديگران را بدون اجازه شوهر، شير

مي‌دادند، و اما آويزانان از پاها، از خانه بيرون شدگان بدون اذن شوهر بودند، آنانكه گوشت جسد خود را مي‌خوردند، زناني بودند كه براي مردم آرايش مي‌كردند، و اما آنان كه دستهايشان بسته به پايشان بود و مارها و عقرب‌ها به آنها مسلط شده بود، زنان كثيف بدن و لباس و غسل نكنندگان از جنابت و حيض بودند و نظافت نمي‌كردند و به خواندن نماز بي اعتنا بودند، و اما كوران و كران و لالان، زناني بودند كه از زنا زائيده و بچه را به گردن شوهرانشان مي‌انداختند و اما آنهائي كه گوشت بدنشان را با مقراض‌ها مي‌بريدند، زناني بودند كه خود را به مردان عرضه مي‌داشتند، و اما زناني كه رو و بدنشان مي‌سوخت و روده هايشان را مي‌كشيدند، زنان دو بهم رسان بودند، و اما زناني كه سرشان سر خوك و بدنشان بدن خر بود، زنان سخن چين و دروغ گويان بودند، و اما آنان كه به صورت سگ بودند و آتش از پشتشان داخل و از دهانشان خارج مي‌شد، زنان خواننده و نوحه گر و حسود بودند، سپس فرمود: واي بر زني كه شوهرش را به غضب در آورد و پاكي و طوبي بر زني كه شوهرش از او راضي شود. «1

32- شش ساله‌ها را نبوسيد بيش از هزار و چهارصد سال پيش رواياتي صادر شده است كه از بوسيدن شش ساله‌ها و هفت ساله‌ها (ي بچه‌هاي بيگانه) پرهيز شود: در زماني كه بچه‌ها در سادگي و خامي مطلق فرو رفته بودند و از چيزي سر در نمي‌آوردند: حال كه باپيشرفت اختراعات و صنايع و علوم و فنون و ارتباطات گوناگون و سي دي‌ها و فيلمها و انواع نمايش‌هاي گمراه كننده تلويزيون و عنقريباً تلفن تصويردار وو ...
آگاهي كوچولوها از مسايل جنسي و راز و رمز و پيچ و خم آن از بزرگترها زياد نباشد كم نيست: بدينجهت بايد از بوسيدن اطفال بيگانه در سن كوچك‌تر از آن هم پرهيز كرد و كنار رفت.
حتي براي بوسيدن محارم هم حد و مرزي تعيين گرديده است نه هر طور كه
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 249
دلبخواهش باشد، مانند روايت ذيل.
رسول خدا صلّي اللَّه عليه وآله فرمود: إذا قبّل أحدكم ذات محرم قد حاضت: أخته أو عمته أو خالته فليقبّل بين عينيها و رأسها وليكفّ عن خدّها وعن فيها هرگاه از محرمان خود حيض ببيند، خواهر، يا عمّه، يا خاله، (اگر خواست او را ببوسد) ميان دوچشمانش و سرش را ببوسد و از بوسيدن رو و لب آنها، خود داري نمايد. «1»
در اين روايت هنگام حايض بودن محارم را اختصاص داده ولي در روايات ديگر، به طور مطلق پرهيز از بوسيدن لبهاي محارم جز همسر و بچه كوچك را به ميان آورده كه در محلش مشروحاً بيان گرديده است!.
1- زكريّا المؤمن از ابي عبداللَّه عليه السلام فرمود: اذا بلغت الجارية ستّ سنين فلا يقبّلها الغلام، و الغلام لا يُقبّل المرأة اذا جاز سبع سنين. وقتي كه دختر به شش سالگي رسيد پسر او را نبوسد، و پسر از هفت سال كه گذشت زن را نبوسد. «2»
2- عبدالرحمن بن بحر از زرارة از ابي عبداللَّه عليه السلام فرمود: اذا بلغت الجارة ستّ سنين فلا ينبغي لك أن تقبّلها. زماني كه دختر به سن شش سال رسيد، سزاوار نيست، او را ببوسي. «3

33- حرمت نگاه به نامحرم نابينا!

33- حرمت نگاه به نامحرم نابينا! شايد بعضي ها خيال کنند که نابينا جائي و ياکسي را نمي بيند، پس نگاه کردن به آنها چه اشکال دارد و چرا پرهيز نمود!!.
1- أحمد بن أبي عبد اللَّه گفت: استأذن ابن ام مکتوم علي النبي صلي الله عليه و آله و سلم و عنده عائشة و حفصة فقال لهما: قوما فادخلا البيت، فقالتا: إنه أعمي فقال: إن لم يركما فانّكما تريانه. ابن ام مکتوم (نابينا)، اجازه خواست به خدمت پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم وارد شود و نزد او عايشه و حفصه بودند، حضرت به آنها فرمود: بلند شده و داخل خانه شويد، گفتند: او نابينا است! فرمود: اگر او شما را نمي‌بيند، شما که او را مي بينيد. «4»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 250
2- قال النبي صلي الله عليه و آله و سلم: اشتد غضب اللَّه علي امرأة ذات بعل ملأت عينها من غير زوجها أو غير ذي محرم منها، فانّها إن فعلت ذلك أحبط اللَّه عزوجل کل عمل عملته فان أوطت فراشه
(فراش) غيره کان حقّاً علي اللَّه أن يحرقها بالنّار بعد أن يعذّبها في قبرها. پيغمبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: غضب خداوند شدت گرفت بر زن شوهرداري که چشمانش را از غير شوهر و از نامحرم، پر نمايد، اگر او اين کار را کرد، خداوند تمام اعمال او را مهر مي‌کند!، پس اگر غير از شوهرش کسي به رختخواب او رود، خداوند حق دارد او را با آتش جهنم بسوزاند بعد از آنکه در قبر عذابش نمود. «1»
3- رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: انّ فاطمة قالت له في حديث: خير للنساء أن لا يرين الرجال، و لا يراهنّ الرجال، فقال صلي الله عليه و آله و سلم: فاطمة منّي. وقتي فاطمه در گفتگوئي به پدر گفت: براي زنان بهتر است که نه مردها آنها را ببينند و نه زنها مردها را، آن حضرت فرمود: فاطمه از من است (فرق نمي کند مرد نامحرم نابينا باشد يا بينا، نگاه کننده زن است!). «2»
4- ام سلمة گويد: کنت عند رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم و عنده ميمونة فأقبل ابن ام مکتوم و ذلك بعد أن أمر بالحجاب، فقال صلي الله عليه و آله و سلم: احتجبا، فقلنا: يا رسول اللَّه، أليس أعمي لا يبصرنا؟ قال أفعمياوان، أنتما؟ ألستما تبصرانه؟. ام سلمه گويد: نزد رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم بودم و ميمونه (زن ديگرش) هم پيشش بود، پس ابن ام مکتوم آمد، اين جريان بعد از نزول آيه حجاب بود، فرمود: حجاب

گيريد، ما گفتيم: اي رسول خدا آيا او نابينا نيست و مارا كه نمي‌بيند؟ فرمود: آيا شما هم نابينائيد، آيا شما هم او را نمي‌بينيد؟!. «3

34- حجامت پسر نابالغ از خانم‌ها

34- حجامت پسر نابالغ از خانم‌ها حجامت كردن و خون حجامت گرفتن، از كارهاي رايج در اسلام و ائمه عليهم السلام است و در اين باره تأكيد زياد هم به كار رفته است، حال سؤال اين است كه آيا مرد يا پسر نا بالغ مي تواند از زنان خون حجامت بگيرد يانه؟!

1- سكوني: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: سئل أمير المؤمنين عليه السلام عن الصبي يحجم

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 251

المرأة؟ قال: إذا كان يحسن يصف فلا. از اميرمؤمنان عليه السلام پرسيده شد از حكم بچه كه زن (نامحرم را) حجامت كند؟! فرمود: اگر خوب توصيف مي‌كند (و خوب وبد را تشخيص مي‌دهد) نه. «1»

علي (بن جعفر) از برادرش عليه السلام پرسيداز (حكم) زني كه مرد اورا حجامت نمايد؟

فرمود: لا نه. «2

35- معالجه خانم‌ها وسيله آقايان معالجه پزشك مرد، زن نامحرم و بالعكس، از مسائل مورد توجه فقهاء و بزرگان دين است كه در باره آن سخن‌ها گفته و فتواها داده‌اند: آن چه كه مسلّم است تا ضرورت ايجاب نكند: نبايد نامحرمان: يك ديگر را معالجه نمايند و اندام و بدن هاي همديگر را لمس نمايند و در معرض ديد قرار دهند.
1- علي بن جعفر در كتابش از برادرش موسي بن جعفر عليه السلام سؤال كرد: عن المرأة يكون بها الجرح في فخذها أو بطنها أو عضدها، هل يصلح للرجل أن ينظر إليه يعالجه؟ قال لا. از زني كه زخمي در ران يا در شكم و بازو دارد آيا به صلاح و جايز است كه مرد به او نظر كند و معالجه نمايد؟ فرمود: نه. «3»
(البته اين در صورتي است كه خطري آن زن را تهديد نكند، و گرنه مرد مي‌تواند او را معالجه نمايد به حديث بعدي توجه نماييد).
2- أبي حمزة الثمالي گويد: از أبي جعفر عليه السلام پرسيدم عن المرأة المسلمة يصيبها البلاء في جسدها إمّا كسر و إمّا جرح في مكان لا يصلح النظر إليه يكون الرجل أرفق بعلاجه من النساء، أيصلح له النظر إليها؟ قال: إذا اضطرّت إليه فليعالجها إن شاءت. در باره زني كه در بدنش گرفتاري دارد شكستني و يا زخم، در جائي كه ديدن آنجا براي مرد (نامحرم) جايز نيست (و لكن) مرد براي معالجه او بهتر است، آيا جايز است آن مرد به او نگاه كند؟ فرمود: اگر ناچار باشد، (مي‌تواند) او را معالجه نمايد. «4»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 252
3- قال: و سألته عن الرجل يكون ببطن فخذه أو إلْيَتِهِ الجُرح هل يصلح للمرأة أن تنظر إليه و تداويه؟ قال: إذا لم يكن عورة فلا بأس. علي بن جعفر گفت: از برادرم سؤال كردم؟
مردي زخمي در داخل ران يا گوشت رانش دارد، آيا جايز است زن به او نگاه كند و مداوا نمايد؟ فرمود: اگر عورت نباشد، عيب ندارد. «1»
4- أبوالبختري، از امام صادق، از پدرش از علي صلوات اللّه عليهم‌أجمعين في المرأة يموت في بطنها الولد فيتخوّف عليها قال: لا بأس أن يدخل الرجل يده فيقطعه فيخرجه إذا لم ترفق به النساء. درباره زني كه بچه در شكمش مرده و به سلامتي زن خطر دارد؟! فرمود: عيب ندارد مرد دستش را فروبرده و بچه را تكه نموده و بيرون آورد اگر زني نتواند اين كار را انجام دهد. «2»

36- كراهت سلام مرد به خانم‌ها

36- كراهت سلام مرد به خانم‌ها سلام كردن از مستحبات مؤكد و مهم است زيرا اين عمل در ميان مردم ايجاد الفت و محبت مي‌نمايد و نشانه شخصيت و ادب و معرفت سلام كننده است اما اميرمؤمنان عليه السلام با آن عصمتش فرمود: من دوست ندارم بانوي جوان به من سلام كند 1- مسعدة بن صدقة: از أبي عبد اللَّه عليه السلام: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: لا تبدأوا النساء بالسلام و لا تدعوهنّ إلي الطعام، فانّ النبي صلي الله عليه و آله و سلم قال: النساء عيّ و عورة فاستروا عيّهنّ بالسكوت و استروا عوراتهنّ بالبيوت. به زنها ابتدائاً سلام نكنيد (يعني اگر آنها سلام كردند جواب دهيد) و آنها را به طعامي دعوت ننماييد، زيرا پيغمبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود:
زنها عاجز و ناتوانند و عورت، پس ناتواني آنها را با سكوت و عورات آنها را وسيله خانه‌ها بپوشانيد. «3»
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 253
2- غياث بن إبراهيم: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: لا تُسلّم علي المرأة. زن سلام كرده نشود (يعني ابتدائاً به زن سلام نكنيد). «1»
اين در صورتي است كه از شنيدن صداي آنها، احتمال ريبه و گناه و تغيير حال در آدم پيدا شود، و گرنه در مواردي رعايت ادب و احترام ضرورت دارد، به روايت بعدي توجه نماييد.
3- ربعي بن عبد اللَّه: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: كان رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم يُسلّم علي النساء ويرددن عليه عليه السلام، و كان أمير المؤمنين عليه السلام يسلّم علي النساء وكان يكره أن يسلّم علي الشابّة منهنّ و يقول: أتخوّف أن يعجبني صوتها فيدخل عليّ أكثر مما طلبت من الأجر. رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به زنها سلام مي‌كرد و آنها نيز جواب سلام را بر او رد مي‌كردند و اميرمؤمنان عليه السلام به زنها سلام مي‌كرد و از سلام كردن به زن جوان، كراهت داشت و مي‌فرمود: مي‌ترسم صداي او مرا خوش آيد، پس داخل شود برمن بيش از اجري كه مي‌خواستم (گناهش از ثواب آن بيشتر شود). «2»
4- عمار الساباطي: از أبي عبد اللَّه عليه السلام پرسيد: عن النساء، كيف يسلّمن إذا دخلن علي القوم؟ قال: المرأة تقول: عليكم السلام، و الرجل يقول: السلام عليكم. از وظيفه زنان وقتي كه به جمعي داخل مي‌شوند چگونه سلام كنند؟ فرمود: زن بگويد: برشما باد سلام، و مرد گويد: سلام برشما باد. «3

37- حرمت اختلاط آقايان و بانوان

37- حرمت اختلاط آقايان و بانوان اختلاط نامحرمان در مجلس و يا هر محلي، از امور حرام و ناپسند است مخصوصاً در بازارها و اماكن عمومي كه يقيناً فاجعه ببار خواهد آورد.
1- غياث بن إبراهيم: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: امير مؤمنان عليه السلام فرمود: يا أهل العراق، نُبّئت أنّ نساءكم يدافعن الرجال في الطريق، أما تستحون؟ (لعن اللّه من لا يغار). اي اهل عراق به من خبر دادند كه زنان شما در راه با مردان بهم مي‌خورند (و

بهمديگر تنه مي زنند)؟! آيا حيا نمي‌كنيد؟ لعنت خدا بر بي غيرتان. «1»
2- كليني گويد: و در حديث ديگر أنّ أمير المؤمنين عليه السلام قال: أما تستحيون و لا تغارون نساؤكم يخرجن إلي الأسواق و يزاحمن العلوج. همانا اميرمؤمنان عليه السلام فرمود: آيا حيا نمي‌كنيد (و خجالت نمي‌كشيد) درباره زنانتان غيرت به خرج نمي‌دهيد، به بازار مي‌روند و با فرومايه گان مزاحمت مي‌كنند؟! (و با شارلاتان‌ها بهم تنه مي‌زنند). «2

38- بانوان از پياده روها!

38- بانوان از پياده روها! 1- امام كاظم عليه السلام فرمود: «لا ينبغي للمرأة أن تمشي في وسط الطريق ولكنّها تمشي إلي جانب الحائط. شايسته نيست زنان از وسط راه بروند ولكن آن‌ها از (كنار جاده) بغل ديوار رهسپار شوند (تا با مردان در راه تلاقي نداشته باشند).» «3»
2- وليدبن صبيح گويد كه امام صادق عليه السلام از قول رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: «ليس للنّساء من سروات الطريق شيء تمشي في جانب الحائط والطريق؛ براي زنان لزومي ندارد تا از وسط راه‌ها راه بروند، بلكه از كنار ديوار و راه رهسپار شوند». «4»
3- ابن ابي عمير از قول هشام بن سالم گويد: كه امام صادق عليه السلام از قول جدّش رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمود: «ليس للنّساء من سراة الطريق ولكن جنبيه؛ براي زنان (صحيح نيست) از بلندي‌هاي جاده راه بروند، بلكه از دو طرف جاده (هموار يا پايين) راه بروند». «5»
4- جابربن يزيد جُعفي گويد كه شنيدم امام باقر عليه السلام فرمود: «وليس للنّساء من سروات
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 255
الطريق شييءٌ ولهنّ جنبتاة؛ براي بانوان حقّي نيست كه از وسط راه (جاده و خيابان) راه بروند و دو طرف راه مخصوص آن‌هاست». «1»
هشام بن‌سالم گويد كه امام صادق عليه السلام فرمود: «ليس للنّساء من سروات الطريق شيء ولكن يمشين في وسط الطريق. براي زنان (صحيح يا جايز) نيست از بلندي‌ها راه بروند، بلكه از ميانه راه (پايين‌ترين قسمت) راه بروند (تا اعضايشان مشخّص و ديده نشود)». «2»
اين روايت به ظاهر با روايات بالا تفاوت دارد و مي‌توان كلمه وسط را به پايين‌ترين قسمت راه معنا كنيم وگرنه روايات بالا راه رفتن بانوان از وسط راه را نهي مي‌كند

39- خداوند باسه گروه حرف نمي‌زند!

39- خداوند باسه گروه حرف نمي‌زند! خداوند متعال در روز قيامت به سه كس نظر رحمت نخواهد كرد و به عذاب دردناك گرفتار خواهند شد.

1- محمد بن مسلم: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: ثلاثة لا يكلّمهم اللَّه يوم القيامة و لا يزكّيهم و لهم عذاب اليم: الشيخ الزاني، و الدّيّوث، و المرأة توطئ فراش زوجها. سه گروهند خداوند در روز قيامت با آنها حرف نمي‌زند (و نظر رحمت نيندازد) و آنها را تزكيه نمي‌كند و براي آنهاست عذاب دردناك؛ 1- پير زناكار 2- و ديوث (كسي كه زن خود را در معرض فروش قرار دهد)؛ 3- و زني كه به رختخواب شوهرش ديگري را راه دهد. «3»

2- عبد اللَّه بن ميمون القداح: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود:

40- حكم خوابيدن زير يك لحاف!

40- حكم خوابيدن زير يك لحاف! در شريعت اسلام، گروهي از زنان براي مرداني مانند پدر و برادر و پسر وو ... محرم و حلال است، اما اين محرميت حد و مرزي دارد، مخصوصاً براي كساني كه در سنين جواني و حتي در سن پيري هم در صورت عدم مهار خود از بعضي رفتارها، بايد خود داري نمايند و كارها و رفتارهاي تحريك كننده، ننمايند، زيرا انسان جايزالخطا و پر از شهوات نفساني است كه اگر به دستور زير عمل نشود، آن سرش ناپيداست!.

1- امام عليه السلام فرمود: لا ينام الرجلان في لحاف واحد إلا أن يضطرا فينام كل واحد منهما في إزاره ويكون اللحاف بعد واحدا، والمرأتان جميعاً كذلك، ولا تنام ابنة الرجل معه في لحافه ولا امّه. دو مرد در يك لحاف نخوابد مگر ناچار شوند، در اين صورت هركس باپيران خود بخوابد و لحاف يكي، و دو زن هم اين طور است و دختر مرد با او زير يك لحاف نخوابد و همچنين مادر، (يعني با مادر هم زير يك لحاف نخوابد). «1»

2- امام رضا عليه السلام فرمود: پدرم گفت: لا ينام الرجلان في لحاف واحد إلا أن يكون دون ذلك ثوب فينام كل واحد في إزاره وكذلك المرأتان، ولا ينام الرجل مع ابنته في لحاف إلا أن يضطرّا إلي ذلك. دو مرد زير يك لحاف نخوابد مگر اينكه ميانشان لباسي باشد كه (در اين صورت) هركس با شلوار خود بخوابد و همچنين دو زن؛

و مرد با دخترش زير يك لحاف نخوابد مگر اينكه مضطرّ شود. «2

41- قسمتي از احكام خاص بانوان راجع به وظايف و احكام خاص بانوان، از بزرگان دين روايات جامع متعدد وارد شده است كه ذيلًا بعضي از آنها را مي آوريم.
1- جابر بن يزيد الجعفي گفت: شنيدم أبا جعفر محمد بن علي الباقر عليه السلام ميفرمود ليس علي النساء أذان ولا إقامة، و لا جمعة، و لا جماعة، و لا عيادة المريض، و لا اتباع الجنائز، و لا إجهار بالتلبية، و لا الهرولة بين الصفا والمروة، و لا استلام الحجر الأسود، و لا
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 257
دخول الكعبة، و لا الحلق و إنّما يقصرن من شعورهن، و لا تولّي المرأة القضاء، و لا تلي الأمارة، و لا تستشار، و لا تذبح إلا من اضطرار، و تبدأ في الوضوء بباطن الذراع والرّجل بظاهره، و لا تمسح كما يمسح الرجال بل عليها أن تلقي الخمار عن موضع مسح رأسها في صلاة الغداة و المغرب وتمسح عليه في سائر الصلوات تدخل اصبعها فتمسح علي رأسها من غير أن تلقي عنها خمارها،
1- براي زنان اذان و اقامه و جمعه و جماعت نيست؛
2- عيادت بيماران و تشييع جنازه نيست؛
3- (و همچنين) هروله ميان صفا و مروه و استلام حجر اسود و بلند گفتن تلبيه و سرتراشيدن نيست فقط تقصير (مو كوتاه) ميكنند؛
4- تولّي (و مباشرت به سمت) قضاوت نباشد،
5- متولي فرمانداري (و حاكميت) نشود،
6- طرف مشورت قرار نگيرد
7- ذبح حيوانات نكند مگر در ضرورت،
8- در وضو گرفتن از باطن بازو شروع كند و از ظاهر آن، مانند مردان مسح ننمايد بلكه در نماز صبح و شام، روسري را از محل مسح كنار بزند و مسح كند و در ساير نمازها انگشتانش را بدون اين كه روسري را كنار بزند، مسح نمايد؛
فإذا قامت في صلاتها ضمّت رجليها و وضعت يديها علي صدرها، و تضع يديها في ركوعها علي فخذيها، و (تجلس) إذا أرادت السجود سجدت لاطيةً بالأرض وإذا رفعت رأسها من السجود جلست ثم نهضت إلي القيام، وإذا قعدت للتشهد رفعت رجليها، و ضمّت فخذيها، وإذا سبحت عقدت الأنامل لأنّهن مسؤولات، وإذا كانت لها إلي اللَّه حاجة صعدت فوق بيتها، و صلّت ركعتين، و رفعت (كشفت) رأسها إلي السماء، فإنّها إذا فعلت ذلك استجاب اللَّه لها ولم يخيبها،

9- وقتي زنها براي نماز مي‌ايستد، پاها را به همديگر بچسباند و دستانش را به سينه گذارد و در ركوع دستهارا به رانهايشان بگذارد، وقتي كه به سجده رود خود را به زمين بچسباند و سر از سجده برداشت، بنشيند و سپس بلند شود، وقتي كه براي تشهد نشست، دوپايش را بلند كنند و ران هايش را به همديگر بچسباند (به صورت چمباتمه بنشيند)، و هنگام تسبيح گفتن انگشتانش را به هم بچسباند، زيرا آنها مورد

سؤال قرار خواهد گرفت؛

10- اگر به خدا حاجتي داشت به پشت بام رود و دو ركعت نماز بخواند: و سرش را برهنه نموده و رو به آسمان كند (و حاجت خود را بخواهد) اگر اين كار را انجام دهد خداوند حاجتش را برآورد و محرومش ننمايد؛

و ليس عليها غسل الجمعة في السفر وليس يجوز لها تركه في الحضر، ولا تجوز شهادة النساء في شئ من الحدود، و لا تجوز شهادتهن في الطلاق، ولا في رؤية الهلال، و تجوز شهادتهنّ فيما لا يحلّ للرجل النظر إليه وليس للنساء من سروات الطريق شئ ولهنّ جنبتاه ولا يجوز لهن نزول الغرف و لا تعلّم الكتابة، و يستحب لهنّ تعلّم المغزل و سورة النور، و يكره لهنّ (تعلم) سورة يوسف، و إذا ارتدّت المرأة عن الإسلام استتيبت فإن تابت و إلا خلّدت في السجن ولا تقتل كما يقتل الرجل إذا ارتدّ، و لكنها تستخدم خدمة شديدة و تمنع من الطعام و الشراب الّا ما تمسك به نفسها، و لا تطعم إلا خبيث (جشب) الطعام و لا تكسي إلا غليظ الثياب و خشنها، و تضرب علي الصلاة و الصيام، و لا جزية علي النساء،

11- براي زنان در سفر غسل جمعه نيست ولي در حضر آن را ترك ننمايد،

12- شهادت آن‌ها درمسايل حدود، و در طلاق و رؤيت هلال، جايز نيست،

13- ولي شهادتشان در چيزهائي كه براي مرد نگاه كردن به آن حلال نباشد جايز است،

14- زنها نبايد از وسط راهها (و خيابان‌ها) راه روند بلكه ازدو طرف (پياده روها) راه روند؛

15- نبايد در بالاخانه‌ها (كه مشرف به كوچه و خيابان‌ها است) نزول كنند (و ساكن شوند)؛

16- نوشتن را ياد نگيرند؛ «1»

17- مستحب است (كارهاي هنري از قبيل) نخ ريسي و سوره نور را ياد گيرند، و مكروه است ياد گرفتن سوره يوسف،

18- اگر زن مرتد شود و از اسلام برگردد، بايد توبه داد اگر توبه نكرد حبس ابد مي‌شود و مانند مردان مرتد، كشته نمي‌شود وليكن به كارهاي سخت وادار مي‌گردد، و به اندازه ضرورت (و زنده ماندن) خوردن و

آشاميدن، داده مي‌شود، و غذاي ناگوار و لباس خشن و غليظ برايش مي‌پوشانند و براي بجا آوردن نماز و روزه (تنبيه شده و) زده مي‌شوند،
19- براي زنها جزيه نيست؛
وإذا حضر ولادة المرأة وجب اخراج من في البيت من النساء كيلا يكن أول ناظر إلي عورة (عورتها)، و لا يجوز للمرأه الحايض و لا الجنب الحضور عند تلقين الميّت لان الملائكة تتأذي بهما، و لا يجوز لهما إدخال الميت قبره، و إذا قامت المرأة من مجلسها فلا يجوز للرجل أن يجلس فيه حتي يبرد، و جهاد المرأة حسن التبعل و أعظم الناس حقا عليها زوجها و أحق الناس بالصلاة عليها إذا ماتت زوجها، و لا يجوز للمرأة أن تنكشف بين يدي اليهودية و النصرانية لأنّهنّ يصفن ذلك لأزواجهنّ، و لا يجوز لها أن تتطيّب إذا خرجت من بيتها، و لا يجوز لها أن تتشبه بالرجال لان رسول اللّه صلي الله عليه و آله و سلم لعن المتشبهين من الرجال بالنساء، و لعن المتشبهات من النساء بالرجل
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 260
20- هنگام ولادت بچه، واجب است زنهاي ديگر را از خانه بيرون نمايند، تا اول كسي نباشند كه به عورت (زاينده) نگاه كنند،
21- بر زن حايض و جنب جايز نيست، موقع تلقين ميت در كنار او بنشيند، زيرا فرشتگان حاضر، از حضور آن دو اذيت مي‌شوند، و همچنين آن دو نبايد، ميت را در قبر بگذارند؛
22- هنگامي كه زن از جايش بلند شد براي مرد جايز نيست در جاي او بنشيند تا سرد شود،
23- جهاد زن، خوب شوهر داري اوست، و بزرگ‌ترين حق در گردن زنها براي شوهران آنهاست، و صاحب حق‌ترين نماز گذار براي زنها بعد از مرگشان، شوهران آنهاست؛
24- جايز نيست براي زنها نزد زنهاي يهود و نصارا، خود را باز كنند، زيرا آن‌ها براي شوهران خود توصيف (و تعريف) مي‌كنند،
25- جايز نيست براي آنها، هنگام بيرون رفتن از خانه: خود را خوشبو نمايند،
26- جايز نيست خود را به صورت مردان در آورند، زيرا رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم زناني را كه خود را به مردان و مرداني كه خود را بصورت زنان تشبيه مي كنند (و در آورند) لعنت كرده است؛
و لا يجوز للمرأة أن تعطّل نفسها ولو أن تُعلّق في عنقها خيطاً، و لا يجوز أن تري أظافيرها بيضاء ولو أن (تمسها بالحناء مسّاً) (تمسحها بالحناء مسحاً)، و لا تخضب يديها في حيضها، لأنّه يخاف عليها الشيطان، و إذا أرادت المرأة الحاجة و هي في صلاتها صفقت بيديها، و الرجل يؤمئ برأسه و هو في صلاته و يشير بيده و يسبّح (جهراً)، و لا يجوز للمرأة أن تصلّي بغير خِمار الّا

أن تكون أمَةً فانّها تصلّي بغير خمار مكشوفة الرأس و يجوز للمرأة لبس الديباج و الحرير في غير صلاة و إحرام، و حرم ذلك علي الرجال إلّا في الجهاد و يجوز أن تتختّم بالذّهب و تصلّي فيه، و حرم ذلك علي الرجال،
27- جايز نيست بر زن كه خود را معطل نمايد (و از زينت و آرايش محروم) كند اگرچه با آويختن نخي برگردن باشد.
28- جايز نيست انگشتانش سفيد ديده شود اگر چه (لا اقل) با حنا خود را مس
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 261
كند (ورنگين نمايد)، «1»
29- در ايام حيض خود را خضاب نكند، زيرا براي او از (صدمات) شيطان ترسيده مي‌شود،
30- هر وقت زن سر نماز به كاري احتياج پيدا كرد، دستهايش را به هم زند ولي مرد با سر و دستش: اشاره مي‌كند و تسبيح را بلندتر مي‌گويد، (تا بفهمند كه كاري دارد) 31- براي زن جايز نيست بدون روسري (و روباز) نماز بخواند، اما براي كنيزان بدون اينها و سر برهنه جايز است،
32- براي زن پوشيدن لباس ديباج و حرير در غير نماز و احرام، جايز است، اما اين‌ها براي مردان حرام است مگر در جهاد،
33- جايز است زنها با انگشتر طلا نماز بخواند و لي براي مردان حرام است؛
و قال النبي صلي الله عليه و آله و سلم: يا علي، لا تتختّم بالذّهب فإنّه زينتك في الجنّة، و لا تلبس الحرير فانّه لباسك في الجنة، و لا يجوز للمرأة في مالها عتق و لا برٌّ إلّا باذن زوجها، و لا يجوز لها أن تصوم تطوعاً إلّا باذن زوجها، و لا يجوز للمرأة أن تصافح غير ذي محرم إلا من وراء ثوبها، و لا تبايع إلا من وراء ثوبها، و لا يجوز أن تحجّ تطوّعاً إلا باذن زوجها، و لا يجوز للمرأة أن تدخل الحمام فان ذلك محرّم عليها، و لا يجوز للمرأة ركوب السرج إلا من ضرورة أو في سفر، و ميراث المرأة نصف ميراث الرجل، و ديتها نصف دية الرجل، و تعاقل (تقابل) المرأة الرجل في الجراحات حتي تبلغ ثلث الدية فإذا زادت علي الثلث ارتفع الرجل و سفلت المرأة، و إذا صلّت المرأة وحدها مع الرجل قامت خلفه ولم تقم بجنبه و إذا ماتت المرأة وقف المصلي عليها عند صدرها، و من الرجل إذا صلّي عليه عند رأسه، فإذا ادخلت المرأة القبر وقف زوجها في موضع يتناول وركيها، و لا شفيع للمرأة أنجح عند ربها من رضا زوجها الحديث پيغمبر صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: اي علي انگشتر طلا به دست نزن چون آن زينت تو در بهشت است و حرير نپوش، چون آن لباس بهشتي توست،
34- براي زن جايز نيست در مال او، به آزاد كردن بردة و كار نيك (و صله دادن)،

اقدام نمايد مگر با اذن شوهرش،
35- بر زن روزه مستحبي جايز نيست مگر با اذن شوهرش،
36- جايز نيست با غير محرمش، مصافحه كند مگر از پشت لباس،
37- خريد فروش نكند مگر از پشت لباس (يا با دستكش)
38- بدون اجازه شوهر به حج مستحبي نرود،
39- براي زن جايز نيست به حمام (عمومي) برود، چون برايش حرام است،
40- زن سوار زين نشود، مگر در حال ضرورت و يا در سفر،
41- ارث زن نصف ميراث مرد است، و ديه او نصف ديه مرد است،
42- زن در ديات جراحات با مرد مساوي است تا يك سوم مرد وقتي كه از يك سوم بيشتر شد، ديه مرد بالا مي‌رود و ديه زن پايين مي‌آيد،
43- وقتي زن با مرد به تنهائي نماز خواند، پشت سر مرد بايستد، و در طرف پهلوي (راست يا چپ) نه ايستد،
44- وقتي كه زن فوت كرد، برگذاركننده نماز ميت مساوي با سينه زن بايستد، ولي در نماز مرد نزد سرش بايستد؛
پس زماني كه زن را به قبر گذاشتند، شوهرش مساوي با رانهاي او بايستد، و براي زن شفاعتچي خوب پيش خداوند، بهتر از رضايت شوهرش نيست. (تا آخرحديث). «1»
2- هشام: از أبي عبد اللَّه عليه السلام فرمود: كان أمير المؤمنين عليه السلام يحتطب ويستقي ويكنس وكانت فاطمة عليها السلام تطحن وتعجن وتخبز. امير مؤمنان عليه السلام هيزم جمع مي‌كرد و آبياري مي‌نمود و جارو مي‌كشيد و فاطمه آرد مي‌كرد و خمير مي‌ساخت و مي‌پخت (كارهاي داخل خانه با فاطمه عليها السلام و بيرون از خانه با امير آزادگان عليه السلام بود).»

42- براي بانوان جمعه و جماعت نيست

42- براي بانوان جمعه و جماعت نيست 1- أنس بن محمد از پدرش از جعفر بن محمد از پدرانش عليهم السلام- در وصيت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به علي عليه السلام فرمود: يا علي، ليس علي النساء جمعة و لا جماعة، و لا أذان، و لا إقامة، و لا عيادة مريض، و لا اتباع جنازة، و لا هرولة بين الصفا و المروة، و لا استلام

آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 263

الحجر، و لا حلق، و لا تولي القضاء، و لا تستشار، و لا تذبح إلا عند الضرورة، و لا تجهر بالتلبية، و لا تقيم عند قبر، و لا تسمع الخطبة، و لا تتولي التزويج بنفسها، و لا تخرج من بيت زوجها إلا بإذنه، فان خرجت بغير اذنه لعنها اللّه عزوجل و جبرئيل وميكائيل، ولا تعطي من بيت زوجها شيئا إلا باذنه، و لا تبيت و زوجها عليها ساخط و إن كان ظالماً لها. اي علي براي زنان جمعه و جماعتي نيست و اذان و اقامه و عيادت بيماران و تشييع جنازه نيست (وهمچنين) هروله ميان صفا و مروه و استلام حجر (اسود) وسرتراشيدن و قاضي شدن و طرف مشورت قرار گرفتن و ذبح حيوانات نيست مگر در ضرورت، و تلبيه را بلند نگويد و در نزد قبري نه ايستد و خطبه نشنود و خودسرانه ازدواج ننمايد و از خانه شوهر بدون اجازه بيرون نرود، پس اگر بي اجازه بيرون رود، خداي عزّوجلّ و جبرئيل و ميكائيل به او لعنت نمايند، و از خانه شوهرش بدون اجازه چيزي به كسي ندهد، و شب نخوابد در حالي كه شوهرش به او غضبناك است اگرچه به او ظلم نمايد. «1

43- دستورات كلّي رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم در باره حديث شريف ذيل به اين نكته توجه داشته باشيد، رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم كه اين توصيه‌ها را به علي عليه السلام نموده است از باب (ايّاك أعني و اسمعي ياجارة، دخترم به تو مي‌گويم، عروسم تو بشنواست) يعني به عنوان تعليم، مخاطب آن حضرت، علي عليه السلام بود امّا به همه امت سفارش مي‌كرد و گرنه احترام فيما بين آنها خيلي بالاتر از اين بود كه مسائل زير لحافي اين گونه با صراحت به ميان كشيده شود.
1- حديث كرد به ما محمد بن ابراهيم أبو العباس الطالقاني رحمه اللَّه گفت: أبو سعيد الحسن بن علي العدوي خبر داد او هم گفت: يوسف بن يحيي الاصبهاني أبو يعقوب گفت: أبو علي اسماعيل بن حاتم گفت: أبو جعفر احمد بن صالح بن سعيد المكي گفت: عمر بن حفص حديث نمود از اسحاق بن نجيح از حصين از
مجاهد از ابي سعيد خدري قال: اوصي رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم علي بن أبي طالب عليه السلام فقال:
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 264
مجاهد از ابوسعيد خدري روايت كرده است كه رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم به علي عليه السلام وصيت كرد و فرمود:
يا علي إذا دخلت العروس بيتك فاخلع خفها حين تجلس وأغسل رجليها وصب الماء من باب دارك إلي أقصي دارك فانك إذا فعلت ذلك اخرج اللّه من دارك سبعين (ألف) لوناً من الفقر وأدخل فيها سبعين (ألف) لوناً من البركة وأنزل عليك سبعين رحمة ترفرف علي رأس العروس حتي تنال بركتها كل زاوية في بيتك وتأمن العروس من الجنون والجذام والبرص أو يصيبها ما دامت في تلك الدار،
اي علي! زماني كه عروس به خانه ات داخل شد، و نشست كفش‌هاي او را از پايش در آور و پاهايش را بشوي و بر دَرَت تا دورتر آب بپاش (به دمِ دَر آب پاشي كن)، هرگاه اين كار را كردي، خداوند هفتاد (هزار) نوع فقرَ (و نداري) را از خانه ات بيرون راند و هفتاد (هزار) رنگ از بركت را داخل نمايد، و هفناد گونه رحمت برتو فرود آورد كه بر سر عروس، پر مي‌زند تا همه زواياي خانه ات از بركت آن بهره‌مند شود و عروس مادام كه در آن خانه است از اصابت (امراض ناگوار) ديوانگي و جذام و پيسي در امان باشد
وامنع العروس في اسبوعها من الألبان والخل والكزبرة والتفاحة الحامضة من هذه الأربعة الأشياء. فقال علي عليه السلام: يا رسول اللَّه ولأيّ شئ

أمنعها هذه الأشياء الأربعة؟ قال: الرحم تعقم وتبرد من هذه الأربعة الأشياء عن الولد وحصيرة في ناحية البيت خير من امرأة لا تلد، و عروس را در هفته اول از خوردن البان «1» و سركه و گشنيز و سيب ترش، از اين چهار چيز ممانعت نما، علي عليه السلام عرض كرد اي رسول خدا براي چه او را از اين چهار چيز مانع شوم؟! فرمود: رَحِمْ از اين چهار چيز نازا و سرد مي‌شود و حصيري در كنار خانه بهتر از زن نازا است!.
فقال علي عليه السلام: يا رسول اللّه فما بال الخلّ تمنع منها؟ قال: إذا حاضت علي الخلّ لم تطهر أبدا بتمام، والكزبرة تثير الحيض في بطنها وتشدّد عليها الولادة. والتّفّاحة الحامضة تقلع حيضها، فيصير داء عليها، پس علي عليه السلام گفت: اي رسول خدا چرا از سركه ممنوع شود؟ فرمود: زماني كه (عروس بعد از خوردن) سركه حايض شود، ديگر پاك

نمي‌شود و گشنيز (خون) حيض را در شكم او به هيجان (و فوران) مي‌آورد و زائيدن برايش سخت مي‌شود و سيب ترش حيض او را مي‌كَند (و ازبين مي‌برد) پس برايش (مايه) درد (و دردسر) مي‌شود، فرمود:
يا علي لا تجامع امرأتك في أول الشّهر و وسطه و آخره، فانّ الجنون و الجذام والخبل يسرع إليها وإلي ولدها. اي علي بازنت در اول ماه و وسط ماه و آخر ماه، نزديكي نكن، زيرا ديوانگي و جذام و سفاهت به سوي خود زن و فرزندش، شتاب مي‌كند.
يا علي لا تجامع امرأتك بعد الظّهر، فانّه ان قُضي بينكما ولد في ذلك الوقت يكون أحول والشيطان يفرح بالحول في الإنسان. اي علي با خانمت بعد از ظهر جماع نكن! زيرا اگر در آن وقت بچه دار شديد، لوچ (وچپ چشم) مي‌شود و شيطان نيز از (وجود) انسان لوچ خوش حال مي‌شود.
يا علي لا تتكلم عند الجماع كثيراً فانه ان قضي بينكما ولد لا يؤمن أن يكون أخرس، ولا تنظر إلي فرج امرأتك و غضّ بصرك عند الجماع، فانّ النظر إلي الفرج يورث العمي- يعني في الولد- اي علي هنگام هم بستري، زياد حرف نزن! زيرا اگر برايتان در آن حال فرزندي از قضا گذشت، لال مي‌شود، و موقع جماع، به عورت بانويت نگاه نكن و چشمت را فرو نِهْ! زيرا نگاه كردن به عورت (زن)، سبب كوري بچه مي‌شود.
يا علي لا تجامع امرأتك بشهوة امرأة غيرك فانّني أخشي ان قضي بينكما ولد ان يكون مخنّثاً مؤنّثاً مخبّلًا. اي علي با همسرت به فكر زن ديگر، مقاربت نكن (و در حين جماع زن ديگر را در نظرت مجسّم منما) زيرا مي‌ترسم اگر (در آن حال) بچه دار شديد (خود فروش) و خنثي و ناقص عقل مي‌شود.
يا علي إذا كنت جنبا في الفراش مع امرأتك فلا تقرأ القرآن، فاني اخشي أن ينزل عليكما نار من السماء فتحرقكما. اي علي وقتي كه در رختخواب با

خانمت، جنب شديد از خواندن قرآن، خود داري كن، زيرا من مي‌ترسم آتشي از آسمان به سوي شما فرود آيد و هر دو را بسوزاند.
يا علي لا تجامع امرأتك إلا ومعك خرقة ومع امرأتك خرقة ولا تمسحا بخرقة واحدة، فتقع الشهوة علي الشهوة، وإنّ ذلك يعقب العداوة بينكما ثم يؤدّيكما إلي الفرقة والطلاق. اي علي با خانمت جماع نكن مگر اينكه هريك از شما به تنهائي دستمالي داشته باشيد و با يك دستمال، خود تان را پاك نكنيد كه شهوت روي شهوت بريزد و سبب
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 266
بروز عداوت در ميان شما باشد كه پيامد آن به جدائي و طلاق منجر خواهد شد.
يا علي لا تجامع امرأتك من قيام فان ذلك من فعل الحمير وان قضي بينكما ولد يكون بوّالًا في الفراش كالحمير البوّالة في كلّ مكان. اي علي با خانمت سرپائي (و ايستاده) مقاربت نكن چون اين كار درازگوش هاست، اگر فرزندي به شما داده شود، به شب ادراري گرفتار آيد آن گونه كه الاغ‌ها به همه جا بول مي‌كنند.
يا علي لا تجامع امرأتك في ليلة الفطر فانّه ان قضي بينكما ولد فيكبر ذلك الولد ولا يصيب ولدا إلي (علي) كبر السن. اي علي در شب عيد فطر جماع نكن زيرا اگر بچه دار شديد آن بچه بزرگ مي‌شود (اما) او تا بزرگسالي بچه دار نمي‌شود.
يا علي لا تجامع امرأتك ليلة الأضحي فانّه ان قضي بينكما ولد يكون له ست أصابع أو أربع. اي علي شب عيد قربان جماع نكن اگر بچه دار شديد، شش انگشت يا چهار انگشت مي‌شود (يك انگشتش زياد ياكم مي‌شود).
يا علي لا تجامع امرأتك تحت شجرة مثمرة فانه ان قضي بينكما ولد يكون جلّاد اً قتّالًا عرّيفاً. اي علي زير درخت ميوه دار نزديكي نكن، اگر بچه دار شديد، جلاد و آدم كش و غارتگر مي‌شود.
يا علي لا تجامع امرأتك في وجه الشّمس وتلالؤها إلّا ان ترخي عليكما ستراً، فانّه ان قضي بينكما ولد لا يزال في بؤس وفقر حتي يموت. اي علي در زير تابش آفتاب جماع نكن مگر اين كه پرده‌اي باشد زيرا اگر بچه دار شويد هميشه (و مادام العمر) فقير و (تنگ دست) مي‌شود تا مرگش فرارسد!.
يا علي لا تجامع اهلك بين الاذان والإقامة، فانّه ان قضي بينكما ولد يكون حريصاً علي اهراق الدماء. اي علي ميان اذان و اقامه جماع نكن چون اگر بچه دار شديد، به خونريزي حريص مي‌شود.
يا علي إذا حملت امرأتك فلا تجامعها إلا وأنت علي وضوء، فانّه ان قضي بينكما ولد يكون اعمي القلب، بخيل اليد. اي علي اگر بانويت حامله شد ديگر بي وضو با او مقاربت نكن، زيرا اگر بچه به دنيا آيد كور دل و بخيل

مي‌شود.
يا علي لا تجامع اهلك في النصف من شعبان، فانه ان قضي بينكما ولد يكون مشوّهاً ذا شأمة في شعره ووجهه. اي علي در نيمه شعبان جماع نكن زيرا اگر بچه دار شديد زشت و در مو و رويش (علامت) سفيدي پيدا شود.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 267
يا علي لا تجامع اهلك في آخر درجة منه- يعني إذا بقي يومان- فانّه ان قضي بينكما ولد كان مقدّماً. اي علي دو روز به آخر شعبان مانده جماع نكن چون اگر بچه دار شديد بي باك (و خون ريز) مي‌شود.
يا علي لا تجامع اهلك علي شهوة أختها فان قضي بينكما ولد يكون عشّاراً أو عوناً للظالم ويكون هلاك فئام من الناس علي يديه. اي علي با خيال خواهر زن مقاربت نكن زيرا اگر بچه دار شويد، ده يك گيرنده (و ماليات بگير و راه زن مي‌شود) و يار ستمگر و با دست او گروه هائي از مردم به هلاكت مي‌رسند.
يا علي لا تجامع اهلك علي سقوف البنيان فانّه إذا قضي بينكما ولد يكون منافقاً مماریاً مبتدعاً. اي علي در پشت بام جماع نكن زيرا اگر فرزندي آوريد، دو رو و لجباز (و ريا كار) و بدعت گذار مي‌شود.
يا علي وإذا خرجت في سفر فلا تجامع اهلك تلك الّيلة فانه ان قضي بينكما ولد، فانه ينفق ماله في غير حق. و قرأ رسول اللَّه صلي الله عليه و آله و سلم (انّالمبذّرين كانوا اخوان الشّياطين) «1». اي علي زماني كه براي مسافرتي بيرون روي شب آن روز جماع نكن، زيرا اگر بچه دار شويد، (در آينده) مالش را در غير راه حق، خرج كند، و رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم آيه «اسراف كاران برادران شيطان‌ها هستند» را قرائت نمود.
يا علي لا تجامع اهلك إذا خرجت إلي مسيرة ثلاثة أيّام ولياليهنّ فانّه إن قضي بينكما ولد يكون عوناً لكلّ ظالم عليك. اي علي اگر به مسافت سه روز راه مسافرت كردي روزها و شب‌هاي آن (سه روز) جماع نكن، چون اگر بچه دار شويد ياور ستمگران شود.
يا علي عليك بالجماع ليلة الإثنين فانّه إن قضي بينكما ولد يكون حافظاً لكتاب اللَّه راضياً بما قسم اللَّه عزّو جلّ اي علي شب دوشنبه مقاربت كن زيرا اگر بچه‌اي به دنيا آيد، حافظ قرآن و به داده‌هاي خداي عزّوجلّ راضي مي‌شود.
يا علي ان جامعت أهلك في ليلة الثّلاثاء، فانّه يرزق الشهادة بعد شهادة أن لا إله إلا اللَّه وأن محمدا رسول اللَّه ولا يعذّبه اللَّه عزوجل مع المشركين و يكون طيّب النكهة من الفم رحيم القلب سخيّ اليد طاهر اللسان من الغيبة، والكذب والبهتان. اگر شب سه شنبه جماع كني، (و بچه دار شويد) بچه بعد از اقرار به شهادتين (در راه خدا) شهيد
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 268

مي‌شود و خداوند او را با مشركان عذاب نكند و دهانش خوشبو و رحم دل و سخاوتمند و زبانش از غيبت و دروغ و بهتان پاك باشد.
يا علي وان جامعت اهلك ليلة الخميس فقضي بينكما ولد فانه يكون حاكماً من الحكام أو عالماً من العلماء وان جامعتها يوم الخميس عند زوال الشمس عن كبد السماء فقضي بينكما ولد فان الشيطان لا يقربه حتي يشيب، ويكون فهماً، ويرزقه اللّه السلامة في الدين والدنيا، وان جامعتها ليلة الجمعة وكان بينكما ولد يكون خطيباً قوّالًا مفوّهاً. وان جامعتها يوم الجمعة بعد العصر فقضي بينكما ولد فانه يكون معروفاً مشهوراً عالماً. وان جامعتها ليلة الجمعة بعد العشاء الآخرة فانه يرجي أن يكون الولد بدلًا من الأبدال إن شاء اللّه. اي علي اگر شب پنجشنبه مقاربت كني (و بچه‌اي متولد شود)، حاكمي از حكام و عالمي از علماء مي‌شود، و اگر روز پنجشنبه نزديك ظهر جماع كني (و بچه‌اي به دنيا آيد) شيطان تا زمان پيري به او نزديك نشود و شخص فهميده‌اي مي‌شود و خداوند سلامتي دين و دنيا را به او روزي نمايد، و اگر شب جمعه هم بستر شوي و بچه دار شديد، خطيب و سخنگوي چيره دست مي‌شود، و اگر روز جمعه بعد از عصر جماع كني، بچه معروف و دانشمند مشهور مي‌شود، و اگر شب جمعه بعد از نماز عشاء جماع كني، اميد هست كه آن بچه بزرگي از بزرگان شود ان شاءاللّه
يا علي لا تجامع اهلك في أول ساعة من اللّيل فانّه ان قضي بينكما ولد لا يؤمن أن يكون ساحراً مؤثراً للدنيا علي الآخرة. اي علي با اهلت در ساعت اول شب جماع نكن، اگر بچه دار شويد: در امان نمي‌ماند كه ساحر و اختيار كننده دنيا بر آخرت باشد.
يا علي احفظ وصيّتي هذه كما حفظتها عن جبرئيل عليه السلام. اي علي اين وصيت مرا حفظ كن آن گونه كه من از جبرئيل حفظ كرده‌ام. «1»
الحمد للّه‌أوّلًا و آخراً و ظاهراً و باطناً و الصّلوة و السّلام علي خاتم رُسُله محمّد بن عبد اللّه صلي الله عليه و آله و سلم و علي آله غرّالميامين المنتجبين واللّعنة الدّائمة الأبديّة علي أعدائهم أجمعين من الان الي لقاء يوم الدّين آمين يا رب العالمين

مصادر و منابع 1- قرآن كريم.
2- نهج البلاغة: سيّد رضي.
3- اصول كافي: محمد بن يعقوب كليني.
4- الأمالي: ابوجعفر محمدبن علي بن بابويه شيخ صدوق.
5- الأمالي: شيخ طوسي.
6- الإمامة و التّبصرة: ابوالحسن علي بن حسين بن بابويه القمي.
7- التّهذيب: محمد بن حسن (شيخ طوسي).
8- التحفة السنية (مخطوط)- السيد عبد اللّه الجزائري:
9- الجامع الصغير ج 1- جلال الدين السيوطي:
10- الخرائج و الجرايح: سعيدبن هبةاللّه قطب راوندي.
11- الخصال: شيخ صدوق.
12- الحدائق النّاضرة: شيخ يوسف بحراني.
13- الدّروس: شهيداول.
14- السّرائر: محمد بن ادريس.
15- السنن الكبري: للبيهقي.
16- الرجال: محمد بن عمر بن عبد العزيز الكشي.
17- الغايات: شيخ جعفربن احمد القمي.
18- الفتاوي الميسرة: السيّد علي السّيستاني.
19- الفصول المهمّة في أصول الأئمّة: شيخ حرّ العاملي.
20- الفصول المهمّة في معرفة الأئمّة: نور الدين ابن الصباغ المالكي.
21- القواعد و الفوائد: شهيد اول.
22- المجازات النبوية: محمدبن حسين السيد الرضي.
23- المحكم و المتشابه: شيخ صدوق.
24- المحاسن: احمدبن عبداللّه برقي.
25- المغني: عبداللّه بن قدامة.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 270
26- المقنعة: محمد بن محمد (شيخ مفيد).
27- المقنع: شيخ صدوق.
28- المهذب البارع: ابن فهدالحلي.
29- الميزان: علّا محمدحسين الطباطبائي.
30- المهذب البارع: ابن فهد الحلّي.
31- المناقب: موفق الخوارزمي.
32- المنجد: لويس معلوف.

33- الهداية: شيخ صدوق.
34- الوافي في شرح اصول الكافي: ملاصالح مازندراني.
35- احياءالعلوم: امام غزالي.
36- أعلام الدّين: شيخ ابو محمد حسن بن محمد ديلمي.
37- امالي: شيخ طوسي.
38- امالي: شيخ صدوق
39- بحارالأنوار: محمد باقر مجلسي.
40- تاريخ مدينة دمشق ج 16: ابن عساكر.
41- تحريرالأحكام: علّامه حلّي.
42- تحف العقول: ابن شعبة الحرّاني.
43- تذكرةالفقهاء: علّامه حلّي.
44- تفسير العياشي: ابوالنضر محمدبن مسعودالعياشي سمرقندي.
45- تفسير صافي: فيض كاشاني.
46- تفسيرقمي: علي بن ابراهيم قمي.
47- تفسير كنزالدّقايق: ميرزا محمدالمشهدي.
48- تفسير مجمع البيان: طبرسي.
49- تفسير: نعماني.
50- تفسيرنور الثقلين: شيخ جمعةالحويزي.
51- تفسير نمونه: جمعي از نويسندگان.
52- تنبيه الخواطر: ورّام بن ابي فراس.

53- ثواب الأعمال: شيخ صدوق.
54- جامع الشّتات: ميرزا ابوالقاسم قمي (الجيلاني).
55- جامع الصّغير: طبراني.
56- جامع الصّغير: جلال الدين سيوطي.
57- جامع المقاصد: محقق كركي.
58- جواهرالكلام: محمدحسن النّجفي.
59- حواريات فقهية: سيد سعيد حكيم.
60- دعائم الإسلام: قاضي نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حيون التميمي المغربي.
61- دعوات: للرّاوندي.
62- رياض المسائل: سيدعلي طباطبائي.
63- روضة الواعظين: الفتال النيسابوري.
64- زهدالنّبي: شيخ جعفربن احمدالقمي.
65- سرچشمه حيات: محمد اميني گلستاني.
66- سنن: ابي داود.

67- سنن: ابن ماجه.
68- سنن: الدارمي.
69- شرايع الإسلام: محقق اول.
70- شرح الاخبار: قاضي نعمان مغربي.
71- شرح اللّمعة: شهيد ثاني.
72- صحاح اللّغة: جوهري.
73- صحيفة الرّضا: طبرسي.
74- صحيح البخاري: محمد بن اسماعيل بخاري.
75- صحيح مسلم: مسلم بن الحجاج القشيري.
76- طبّ الأئمّة: ابي عتاب عبداللّه بن بسطام بن سابور زيّات.
77- عقاب الأعمال: صدوق.
78- عوالي اللئالي: شيخ احمد بن جمهور احسائي.

79- علل الشرايع: شيخ صدوق.
80- عيون الأخبار: شيخ صدوق.
81- غريب الحديث: ابوعبيد هروي.
82- فيض القدير شرح الجامع الصغير ج 2: المناوي.
83- قرب الأسناد: عبداللّه بن جعفرالحميري.
84- قصص الأنبياء: سيد نعمةاللّه الجزايري.
85- كشف الغمة: علي بن عيسي اربلي.
86- كشف الخفاء ج 1: العجلوني.
87- كشف الخفاء ج 2: العجلوني.
88- كشف الظنون ج 1: حاجي خليفة.
89- كنز العمال: متقي هندي جونبوري.
90- كنزالفوائد: ابوالفتح كراجكي.
91- كنزالعرفان: فاضل مقداد.
92- كنز العمال ج 3: المتقي الهندي.
93- كفايةالأصول: آخوند خراساني.
94- لئالي الأخبار: شيخ محمد نبي توسيركاني.
95- مجمع الزوائد ج 7: الهيثمي.
96- مرآت العقول: علامه محمد باقر مجلسي.
97- مسائل: علي بن جعفر.
98- مسالك الأفهام: شهيد ثاني.
99- مستدرك الوسايل: محمدحسين النّوري.
100- مستطرفات السرائر: محمد بن ادريس الحلي.
101- مسند: امام شافعي.

102- مسند: احمدبن حنبل.
103- مسند: ابي داود.
104- مشكات الأنوار: طبرسي.
105- معاني الأخبار: شيخ صدوق.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 273
106- معجم أحاديث الإمام المهدي شيخ علي الكوراني العاملي.
107- مكارم الأخلاق: حسن بن فضل الطبرسي.
108- منتهي المطلب: علّامه حلّي.
109- منهاج الأحكام: سيد يوسف مدني تبريزي.
110- منهاج الصالحين: سيد ابوالقاسم الخوئي.
111- من لايحضره الفقيه: شيخ صدوق.
112- نهج البلاغة: سيّد رضي.
113- مولد فاطمة: ابوالحسن علي ابن بابويه قمي والد شيخ صدوق.
114- وسائل الشيعة: شيخ حرّ عاملي.
ژ 115- والدين دوفرشته جهان آفرينش: محمد اميني گلستاني.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 274
كتاب هائي كه از مؤلف به چاپ رسيده است.
1- سيماي جهان در عصر امام زمان (عجّل اللَّه تعالي فرجه الشّريف) در دو جلد قطع وزيري 1267 صفحه.
كتابيست تحقيقي و تحليلي در باره كيفيت امامت و مديريت حضرت بقيّةاللّه الأعظم روحي و أرواح العالمين لتراب مقدمه الفداء، كشوري به وسعت كره زمين را، از نظر اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي، نظامي، و قضائي و ... با مطالب و پرسش‌هاي نو و نياز روز و پاسخ آنها كه به علت استقبال شايان دوستان و عاشقان آن حضرت واقشار مختلف جامعه، درمدت يك سال دو مرتبه با تيراژ بالا 16 هزار جلد، توسط انتشارات مسجد مقدس جمكران به چاپ رسيده است علاقمندان از آنجا تهيه نمايند.
2- از مباهله تا عاشوراء: وزيري يك جلد 684 صفحه.
در باره مباهله نصاراي نجران و مقايسه رفتار نهائي آنها و رفتارهاي مسلمان نماها با پنج تن آل عبا عليهم السلام.
3- سرچشمه حيات: وزيري يك جلد 402 صفحه.
در اين كتاب مطالب ارزنده علمي و ديني و فلسفي و طبي، در باره آب و آفرينش مخلوقات از آن از نظر قرآن و روايات و كلمات بزرگان فن كه مورد استقبال دانشمندان و محققان داخل و خارج كشور قرار گرفت كه در مدت كوتاه 4 مرتبه چاپ شد و فعلًا كمياب مي باشد
4- والدين دو فرشته جهان آفرينش: وزيري يك جلد 320.
در باره والدين و و ظايف اولاد در برابر آنها ووظايف والدين در برابر اولاد

و تربيت آنها و مطالب متنوع كه در جامعه كنوني نياز شديد بر آن ديده مي شود.
5- فلسفه قيام و عدم قيام امامان عليهم السلام جيبي 199 صفحه.
اين كتاب در پاسخ سؤالات فراوان كساني است كه «امام حسين عليه السلام روحي له الفداء كه در برابر دشمن تعادل قوا نداشت و با آن نفرات كم كه به شهادت رسيدن خود و يارانش و اسارت اهل حرم، قطعي بود، چرا اقدام به قيام و مقابله با يزيد و يزيديان نمود؟!.
6- آغلار ساوالان: رقعي 50 صفحه.
كتاب سوز دل و اشك چشمي است كه با زبان تركي در باره زلزله 1375 اردبيل و ويراني‌هاي به وجود آمده از اثرات آن و زير آوار ماندن 77 نفر از عزيزان و فاميل هاو كشته شدن آنها در روستاي گلستان اردبيل شهرستان نيراست كه توسط مؤلف سروده شده و اين اشعار تا شهر باكو پايتخت كشور آذربايجان راه‌يافته 7- آداب ازدواج و زندگي خانوادگي: وزيري 276 صفحه.
اين كتاب در باره ازدواج جوانان عزيز و راهنمائي آنها در انتخاب همسر و كيفيت زندگي مادام العمر، از
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 275
منظر آيات و اخبار و ... كه در واقع مكمّل كتاب والدين دو فرشته جهان آفرينش مي باشد.
كتاب‌هاي آماده به چاپ و در دست تأليف
1- يك صد سؤال مهم در باره امام زمان عليه السلام.
2- «آيا و چرا» محاكمه و به زير سؤال بردن برادران اهل سنت نسبت به ولايت و خلافت اميرمؤمنان عليه السلام و اهل بيت رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم.
3- عتابات قرآن، درباره مذمت و عتاب و ساير مطالب مربوط به انبياست.
4- دعاي عرشيان بر فرشيان كه دعاي فرشتگان بر اولاد آدم عليه السلام است.
5- «شب» كتابي است در باره بركات شب وو ...
6- 200 منبر درچندين مجلد فشرده سخنراني‌هاي پنجاه سال مؤلف در شهرها و قصبات و روستاها در داخل و خارج كه به علت حجم زياد و گستردگي مطالب، ناتمام و در دست تأليف است.
7- نشانه هائي از او در بيان آيات «و من آياته» در قرآن كريم و توضيح آيه ها.
8- كتاب مهم «اسلام فراتر از زمان» در باره پاسخ به كساني است كه ايراد نموده و اشكال مي گيرند، دين اسلام چگونه مي تواند تا دامنه قيامت، دنياي رو به ترقي روزانه را اداره نمايد و اساساً رهبران اين دين

چه جايگاهي از علم و دانش داشتند وو .. که مديريت جهان را تا آخر دنيا به دست گيرند، در اين کتاب قسمت مهمي از احاديث و اخبار غيبيه بزرگان اسلام آورده شده است (مانند فرمايش اميرمؤمنان عليه السلام به‌كميل: ياكميل بن زيادهاهنا موضع قبرك ثمّ أشار بيده المباركة يميناً وشمالًا و قال ستبني من هاهنا و هاهنا دور وقصور ما من بيت في ذلك الزّمان الّا و فيه شيطاناً أريل.
کلمه أريل لغت انگليسي است که به آنتن أريال گويند، حضرت 1400 سال پيش نه‌انگليسي بود ونه از صنعت آنتن اثري اين بيان را داشتند.
رسول خدا صلي الله عليه و آله و سلم فرمود: سيأتي: زمان علي أمّتي يُخربون قباب الأئمّة بالبناديق به زودي مي آيد زماني بر امت من، قبه (و گنبد) هاي قبرهاي امامان را با بندق ها (يعني بانارنجك يا بمب) ويران مي سازند!!. دقت بفرمائيد اين كلام در زماني گفته شده است نه امامي شهيد شده و در جائي مدفون شده بود و نه از گنبد حرمها و اختراع بمب خبري بود که پس از قرنهادر سامرا و قبلًا نيز در بقيع اتفاق افتاد. يارو‌ايت مشهور يكتفي الرجال بالرجال والنساء بالنساء درباره همجنس بازان و يا درموردازدواج آنان يتزوّج الرّجال بالرّجال ويتزوّج النساء بالنساء، وروايت لعن اللَّه المتشبّهين من الرّجال بالنّساء و المتشبّهات من النّساء بالرّجال در باره تغيير جنسيت دهندگان وصدهاامثال اين روايتها، و مقايسه و تطبيق آنها بازمان فعلي، كه سعي و كوشش حقير در اتمام اين‌کتاب و تقديم آن به خواستاران عزيز آن است انشاءاللَّه.
آداب ازدواج و زندگي خانوادگي، ص: 276
9- رحمت واسعة يا بخشش فراگير: تحقيق و تحليل پيرامون آيات مباركات «وسعت رحمته كلّشيءٍ و كتب علي نفسه الرّحمة» وو ...

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».